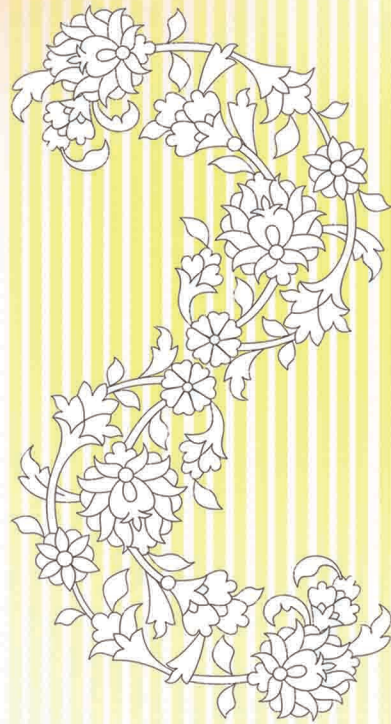


آداب و اسرار نماز



آداب و اسرار نماز

معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی



تهران خیابان ولی عصر (عج) زرتشت غربی سازمان تبلیغات اسلامی معاونت پژوهشی و آموزشی

دفتر برنامه‌ریزی و توسعه آموزش عالی

پایگاه اطلاع رسانی: www.pajouhe.ir

تلفن: ۹-۸۸۸۹۶۲۲۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترویج و توسعه‌ی فرهنگ نماز

سرشناسنامه: میرزایی مقدم

عنوان پدید آور: ترویج و توسعه‌ی فرهنگ نماز/ به کوشش دکتر داوود میرزایی مقدم / زیر نظر دکتر سیدجواد موسوی هوایی

مشخصات ناشر:

مشخصات ظاهری: ۲۰۰ص

شابک: ۶-۷۴-۷۳۶۰-۷۳۶۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۱۱-۲۱۲، همچنین به صورت زیر نویس

موضوع: نماز

شناسنامه افزوده: موسوی هوایی، سید جواد، ۱۳۴۳

شناسنامه افزوده: مرتضی میرزایی، ۱۳۴۴

رده بندی کنگره: ۴ ت ۸۸۶ / م ۱۸۶ HP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۵۳

شماره کتابخانه ملی: ۴۷۸۶۹-۸۵ م

شناسنامه

نام کتاب: ترویج و توسعه‌ی فرهنگ نماز

نویسندگان: دکتر داوود میرزایی مقدم و مرتضی میرزایی

زیر نظر: حجت‌الاسلام دکتر سیدجواد موسوی هوایی

ویراستار چاپ سوم: مرتضی میرزایی

نوبت چاپ: سوم - ۱۳۸۸

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک: ۶-۷۴-۷۳۶۰-۷۳۶۰-۹۶۴-۹۷۸

مقدمه:

ریشه‌ی واژه‌ی انسان، «انس» است؛ گفتگو، یکی از ابزارهای انس است؛ به ویژه که طرف گفتگو آشنا باشد و محور گفتگو عشق. عشق انسان به خدا یکی از جلوه‌های مهر خداوند است. هم او که به بندگانش اجازه داد به درگاه او راه یافته و با او سخن بگویند.

نماز، گفتگویی است صمیمانه با خالق هستی، گفتگویی بین بی‌نهایت کوچک با بی‌نهایت بزرگ، گفتگویی بر اساس مهر و با دلی پاک و لباسی پاکیزه، در مکانی نظیف و همراه با پاکان بسوی نقطه‌ای پاک در پیشگاه سرچشمه‌ی پاکی‌ها؛ گفتگویی که انسان فانی را باقی، خاکی را آسمانی و مادی را نورانی می‌سازد.

ترویج فرهنگ نماز با فرهنگ‌سازی امکان پذیراست. با فرهنگ‌سازی، مردم کمبود معنوی خود را احساس می‌کنند و بسوی جایگاه‌های نماز هدایت می‌شوند. برنامه ریزی مناسب برای برگزاری نماز در ادارات و مساجد، اعلام اذان، تسهیل نماز برای مسافران و توزیع کتب حاوی نکات مکتوب ارزش‌های نماز برای ترویج فرهنگ نماز در جامعه، ضروری است.

در شرایط کنونی، هجوم فرهنگی دشمنان اسلام، توسعه‌ی فرهنگ نماز، یکی از نیازهای اساسی در جامعه است. عمل به فرامین الهی همانا ادای تکلیف شرعی، وظیفه‌ای اخلاقی، غیرت انسانی و حمایت از سنت ائمه و پیامبر بزرگ اسلام است. گرچه شعله‌های دامنگیر فساد از جرقه‌های کوچک پدید می‌آید، اما ترویج ارزش‌های اصیل اسلامی در جامعه و آموزش ارکان نماز به دانش‌آموزان از همان مقاطع ابتدایی از بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری می‌کند. از این رو با عنایت به شرح وظایف عمومی دستگاه‌های اجرایی در حوزه نماز، فراهم آوردن شرایط مناسب برای ترویج و گسترش فرهنگ نماز در جامعه علاوه بر ضرورت وجود برنامه‌های مناسب فرهنگی تبلیغی، مستلزم به‌کارگیری نیروی انسانی آگاه، خلاق و متخصص در حوزه اجرا است. نظر به اینکه بر اساس مطالعات انجام شده تاکنون برنامه‌ی آموزشی کافی برای رابطین نماز طراحی و اجرا نشده است، لذا اجرای دوره‌های آموزشی برای آنان که در رأس هرم فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی مرتبط با نماز قرار دارند، ضروری است.

در این رهگذر، مطالعات تدوین سرفصل‌های آموزشی دوره‌های فرهنگی و اجتماعی کارکنان دولت از سال ۱۳۸۱ در سازمان تبلیغات اسلامی با همکاری کارشناسان خبره آغاز و در نتیجه در سال ۱۳۸۲ به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تقدیم گردید.

سازمان مدیریت برنامه‌ریزی کشور نیز در سال ۱۳۸۲ با ابلاغ بخش‌نامه شماره‌ی ۱۸۰۳/۹۶۳۵۸ ضمن تأیید سرفصل‌های پیشنهادی سازمان تبلیغات اسلامی برای دوره‌های آموزشی فرهنگی و اجتماعی کارکنان دولت، کلیه دستگاه‌های اجرایی را موظف به اجرای آن نمود و مجوز اجرای این دوره‌ها را در بخش‌های فرهنگی، اجتماعی و قرآنی برای سازمان تبلیغات اسلامی صادر نمود.

در ابتدای سال ۱۳۸۴، با تلاش دفتر معاونت پژوهشی و آموزشی، جزوات آموزشی دوره‌های مورد نظر تهیه و در قالب جزوه و لوح فشرده به ادارات کل استانی تبلیغات اسلامی به همراه دستورالعمل آموزشی ارسال گردید. پس از اجرای دوره در نود درصد استان‌ها، لزوم وجود متون علمی و کارشناسی احساس گردید.

در همین راستا، مجموعه حاضر به همراه چهار عنوان دیگر با پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی برای پاسخگویی به نیاز آموزشی کارکنان محترم دولت و سایر علاقمندان تهیه و تدوین شده است. در اثر حاضر، سعی شده است تا کلیه مطالب مرتبط با نماز از ماهیت نماز گرفته تا توسعه‌ی فرهنگ نماز، با زبان هر چه ساده و سلیس‌تر جهت آشنایی فراگیران (که عمدتاً شاغلین اداری را شامل می‌گردد) ارائه گردد.

از فراگیران نیز انتظار می‌رود، در پایان دوره‌ی مذکور فلسفه‌ی نماز و علل وجود آن را دانسته، با آثار فردی و اجتماعی نماز بیشتر آشنا شده و توانایی پاسخ‌گویی به سؤالاتی از قبیل چرا نماز بخوانیم؟ خصوصیات یک نمازگزار واقعی چگونه باید باشد؟ و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند.

پس از توزیع سری نخست کتاب و گردآوری نظرات خوانندگان محترم از اقصی نقاط میهن اسلامی، اینک چاپ دوم آن با ویرایش جدید از نظر تان می‌گذرد. امید که اثر حاضر مورد قبول و استفاده جویندگان راه حقیقت قرار گرفته و در زندگی فردی و اجتماعی ایشان ساری و جاری گردد.

و ما توفیقی الا بالله علیه توکلت و الیه انیب

سید جواد موسوی هوایی

معاونت پژوهشی و آموزشی

سازمان تبلیغات اسلامی

پاییز ۱۳۸۶

مقدمه‌ی چاپ سوم:

پس از اجرای موفق دوره‌های آموزش ضمن خدمت فرهنگی کارکنان دولت در سراسر کشور توسط سازمان تبلیغات اسلامی، اثر حاضر در سال ۱۳۸۶ ویرایش و برای بار دوم چاپ و در سراسر کشور توزیع گردید. این در حالی است که اعتبار کارشناسی سازمان تبلیغات اسلامی در بین دستگاه‌هایی که این دوره‌ها برای آنان اجرا گردید روز به روز بیشتر، ارتقاء یافت. در این میان، نظرات کارشناسان محترم ادارات کل استانی و ستاد مرکزی سازمان تبلیغات اسلامی در خصوص موضوعات و کم و کیف مباحث کتاب حاضر، تجمیع و مورد مذاقه قرار گرفت.

دفتر برنامه‌ریزی و توسعه‌ی آموزش عالی دینی سازمان تبلیغات اسلامی در سال ۱۳۸۸ پس از ویرایش اول مجموعه‌ی حاضر، نسبت به بررسی مجدد و ویرایش دوم اثر با اصلاحات اساسی اقدام نمود. نتیجه آن شده که اثری که هم‌اکنون پیش چشم دارید تبدیل به یک کتاب آموزشی با ظرفیت ۱۶ جلسه‌ی درسی گردید. محورهایی برای اندیشیدن و چکیده‌ی هر بحث در ابتدای درس و چند سؤال تشریحی و تستی برای سهولت در یادگیری و آزمون‌نهایی در پایان هر درس آورده شده است.

جلسات مکرری نیز با حضور حجت‌الاسلام قرائتی و تیم کارشناسی ایشان تشکیل گردید. در نتیجه این جلسات، متن کتاب حاضر بار دیگر با توجه به آیات قرآنی و با استفاده از تجارب تبلیغی و تفسیری ایشان بازبینی و مطالب مناسبی در جهت غنای هر چه بیشتر متن اضافه شد. در این‌جا لازم می‌دانم از جناب آقای دکتر داود میرزائی مقدم و تیم کارشناسی ایشان که با جدیت و احساس وظیفه موجبات تکمیل و بالندگی هرچه بیشتر این مجموعه را فراهم نمودند قدردانی نمایم.

خداوند بزرگ را شاکر و سپاسگزاریم که به ما توفیق خدمت‌گذاری در عرصه‌ی نشر معارف دینی را عنایت فرمود. از خوانندگان فرهیخته مجموعه‌ی حاضر تقاضا داریم پس از مطالعه، نظرات خود را با استفاده از فرم نظرخواهی پایان کتاب، جهت تکمیل و کارآمدی هرچه بیشتر اثر به آدرس درج شده ارسال فرمایند.

با آرزوی موفقیت
سیدجواد موسوی‌هوایی
معاون پژوهشی و آموزشی
سازمان تبلیغات اسلامی
بهار ۱۳۸۸

فصل اول - ماهیت نماز

درس اول

۸..... سرآغاز بحث.....

درس دوم

۱۴..... واژه شناسی.....

۱۸..... نماز در ادیان مختلف.....

۲۰..... نماز روش همه انبیای الهی.....

۲۰..... نماز از دیدگاه اندیشمندان.....

درس سوم

۳۰..... معانی نماز.....

۳۲..... فلسفه نماز.....

۳۶..... روح و حقیقت نماز.....

۳۸..... ابعاد نماز.....

درس چهارم

۳۹..... اهمیت نماز.....

۴۰..... دلایل اهمیت نماز.....

۴۱..... اهمیت نماز از منظر قرآن.....

۴۴..... اهمیت نماز از منظر روایات.....

۴۶..... فضیلت نماز.....

۴۷..... فضیلت نماز اول وقت.....

۵۰..... فضیلت نمازگزار.....

۵۱..... وجوب نماز.....

درس پنجم

۵۴..... فواید نماز.....

۵۹..... برکات نماز.....

۶۳..... آثار نماز.....

فصل دوم - آداب و مراحل نماز

درس ششم

۷۰..... آداب نماز.....

۷۰..... آداب ظاهری.....

۷۳..... آداب باطنی.....

۷۴ مراحل نماز
۷۵ الف) مقدمات نماز
۷۵ طهارت
۷۶ لباس نمازگزار
۷۷ مکان نمازگزار
۷۸ شناخت قبله
۷۹ اذان
۸۰ وقت نماز
	<u>درس هفتم</u>
۸۴ ب) مقارنات نماز
۸۴ نیت
۹۰ تکبیره الاحرام
۹۴ قیام
	<u>درس هشتم</u>
۹۹ قرائت
۱۰۴ رکوع
۱۰۵ سجود
۱۰۷ تشهد و سلام
	<u>درس نهم</u>
۱۱۳ ج) تعقیبات نماز
۱۱۷ ترک نماز
۱۱۷ عقوبت ترک نماز
۱۱۹ سبک شمردن نماز
۱۲۲ کیفر سبک شمردن نماز
	<u>درس دهم</u>
۱۲۶ حضور قلب در نماز
۱۲۶ اهمیت و امکان حضور قلب
۱۲۷ مراتب حضور قلب
۱۲۹ عوامل عدم حضور قلب و درمان آن

فصل سوم - انواع نماز

درس یازدهم

۱۵۴	الف) نمازهای واجب.....
۱۵۴	۱- نمازهای یومیه.....
۱۵۵	نماز مسافر.....
۱۵۹	نماز قضا.....
۱۵۹	۲- نماز قضای پدر و مادر.....
۱۶۰	۳- نماز آیات.....
۱۶۱	نماز آیات درسی از توحید.....
۱۶۲	چگونگی نماز آیات.....
۱۶۳	۴- نماز میت.....
۱۶۵	۵- نماز طواف کعبه.....
۱۶۵	۶- نماز نذر و قسم.....

درس دوازدهم

۱۶۸	نماز جماعت.....
۱۶۹	اهمیت نماز جماعت.....
۱۷۱	فضیلت نماز جماعت.....
۱۷۴	برکات نماز جماعت.....
۱۷۶	آثار نماز جماعت.....
۱۷۸	نماز جمعه.....
۱۸۰	کیفیت نماز جمعه.....
۱۸۱	اهمیت نماز جمعه.....

درس سیزدهم

۱۸۵	ب) نمازهای مستحب.....
۱۸۷	نافله‌های یومیه.....
۱۸۷	نماز شب.....
۱۹۰	نماز غفیله.....
۱۹۰	نماز عیدین.....
۱۹۰	الف: نماز عید فطر.....
۱۹۳	ب: نماز عید قربان.....

فصل چهارم - رسالت نماز

درس چهاردهم

- نقش تربیتی نماز..... ۱۹۸
- نقش اجتماعی نماز..... ۱۹۹
- راهکارهای اجرایی ارتباط جمعی در پرتو نماز..... ۲۰۰
- راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی در پرتو نماز..... ۲۰۴
- نقش نماز در تأمین عدالت و آزادی اجتماعی..... ۲۰۹
- نقش نماز در آرامش روانی خانواده..... ۲۱۲

فصل پنجم - توسعه فرهنگ نماز

درس پانزدهم

- توسعه فرهنگ نماز..... ۲۲۸
- راه کارهای توسعه فرهنگ نماز در جامعه..... ۲۲۹

درس شانزدهم

- توسعه فرهنگ نماز در میان نوجوانان و جوانان..... ۲۴۲
- جذب جوانان به مساجد..... ۲۶۰
- فهرست منابع..... ۲۷۲

فصل اول

ماهیت نماز

درس اول سرآغاز بحث

پرسش‌های اساسی

ارتباطات چه نقشی در رشد و تکامل انسان دارد؟

پیش‌نیاز ارتباط با خالق و راه این ارتباط چیست؟

جهان ارتباطات است و در این عصر، فرد، جامعه و ملتی موفق است که بتواند با دقت ارتباطات خود را سامان دهد و از آنها برای رشد و تعالی استفاده نماید. از آنجا که نماز نوعی ارتباط برقرار کردن است ابتدا مروری بر انواع ارتباط نموده و نیاز به آنها را در امر عبادت خالق بررسی می‌کنیم.
انسان دارای چهار نوع ارتباط است :

ارتباط با خود

وجود انسان از «جسم»، «روح» و «جان» تشکیل شده و هرکدام از این موارد ویژگی‌ها و نیازهای دارند و همچنین نیازهایی را رفع می‌کنند.
انسان باید بداند که توانایی‌هایی در گذشته داشته، و در حال حاضر برخی را دیگر ندارد برخی توانایی‌های جدید یافته و درآینده نیز تغییراتی در توانایی‌هایش رخ خواهد داد.
انسان باید بداند که در بیرون از او عناصر دیگر، افراد دیگر و فرصت‌هایی برای او وجود دارد و همچنین تهدیداتی برای او مطرح است.
انسان باید بداند که در درون او ناخالصی‌ها، حرص و طمع، حسد، کبر و دیگر مواردی وجود دارند که می‌توانند تحت کنترل او درآمده و یا باعدم کنترل باعث دردسر او شوند.

بنابراین انسان باید توانایی‌ها، حد و حدود جسم، روح و جان خود را بشناسد تا بتواند با خلق، خلقت و از همه مهمتر با خالق خود و هستی ارتباطی سالم، سازنده رو به رشد و کمال برقرارکند، چرا که خود شناسی مقدمه خدانشناسی است. «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ» و از این روست که امیرالمومنین علی (ع) می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ وَعَرَفَ مِنْ آيِنٍ وَ فِي آيِنٍ وَآلِي آيِنٍ.» رحمت خدا بر کسی که خود را بشناسد و بداند از کجا آمده و در کجا است و به کجا خواهد رفت.

«گر به خودآیی به خدائی رسی، پس به خود آی»

ارتباط با خلق

انسان موجودی مدنی الطبع و فطرتا اجتماعی آفریده شده است و همواره یا در حال ارتباط با یک فرد (میان فردی) است که نیاز به کسب «هنرهای ارتباطی» دارد یا در حال ارتباط باگروهی از مردم است که نیاز به «مهارت های گروهی» دارد و یا در سطح اجتماع ارتباط برقرار می‌کند که به «مهارت های اجتماعی» نیاز دارد. قسمتی از این ارتباطات در راستای عبادت و اطاعت امر الهی قراردارد مثل نماز جماعت و جمعه، صله رحم و زیارت، تعلیم و تعلم و...

ارتباط با خلقت

سومین ارتباط انسان با خلقت و محیط است که شامل نامحسوس و ناملموس مانند ارواح، جن، شیطان، ملائکه و... و محسوس و طبیعی مانند اشیاء و وسایل، محیط زیست، حیوانات و... می‌شود. برای این نوع ارتباط نیز شیوه‌هایی هست و جهت شناخت نعمت‌های الهی و استفاده بهینه از آنها برای رسیدن به کمال محتاج به مهارت‌های لازم دارد.

ابر، باد، مه، خورشید، فلک درکارند تاتو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

ارتباط با خالق

مهم‌ترین و برترین ارتباط انسان ارتباط با خالق هستی است که موضوع و محور بحث این کتاب می‌باشد، و ارتباطات دیگر مقدمه و وسیله‌ای هستند برای نیل به این هدف زیرا اوست که ما را آفریده، توانایی داده و هدایت می‌کند. اوست که ما را دوست دارد و ما را پرورش می‌دهد. تا به خود آگاهی نرسیم به خدا آگاهی نمی‌رسیم. انسان‌ها اگر خود آگاه باشند از این همه لطف آگاه می‌شوند و سعی می‌کنند با صاحب این همه کرامت ارتباط برقرار کنند. انسان وقتی که فهمید که مخلوق خداست و باید به سوی او بازگشت نماید، یک راه را پیش روی خود می‌بیند، این راه « صراط مستقیم» است. قرار گرفتن روی این صراط خودش ارتباط با خداست و کسانی که در این راه هستند مورد توجه خدا قرار می‌گیرند. برای هر اقدام «توکل» و اگر خطا کردند «توبه» می‌کنند. عالم را محضر خدا می‌دانند و خدا را همیشه شاهد، یاور و هادی خود می‌دانند و همه‌ی کارهای آنها عبادت محسوب می‌شود. همانکه خداوند هدف خلقت نامیده است «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»^۱.

اما آنچه در بحث ما مهم است این است که ارتباط، امری است دوسویه و خداوند به وسیله پیام (کتب آسمانی، قرآن) و پیام‌آوران (انبیاء و ائمه هدی) با ما ارتباط برقرار کرده، می‌کند و خواهد کرد.

خداوند مهربان دوست دارد که ما هم با او ارتباط برقرار کرده و چگونگی این ارتباط را نیز در پیام خود (قرآن) به ما آموخته است و آن بر سه قسم است :

« نیت و پندار خالصانه، عمل و کردار خاضعانه و بیان و گفتار صادقانه.»

گفتار صادقانه در قالب « دعا » و « نماز » تحقق می‌یابد و هدف ما در این کتاب آشنایی و توسعه و ترویج فرهنگ بخش دوم یعنی نماز و نمازخوانی است. چراکه «إِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَسْأَلُهَا وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّتْ مَسْأَلُهَا»^۲ "انشاءالله"

۱ - ذاریات/۵۶

۲ - وسائل الشیعه، ج ۳ ص ۲۳.

نکته حائز اهمیت این است که ذات اقدس الهی هیچ نیازی به عبادت و نماز ما مخلوقات ندارد بلکه همان‌گونه که اگر همه‌ی مردم رو به خورشید خانه بسازند چیزی به خورشید اضافه نمی‌شود و اگر همه‌ی مردم پشت به خورشید خانه بسازند چیزی از خورشید کم نمی‌شود. خورشید نیازی به مردم ندارد چه به او رو کنند و چه به او پشت کنند. شأن خورشید نور افشانی است این مردم هستند که برای دریافت نور و روشنائی و گرما باید رو به خورشید خانه بسازند. خداوند نیز به عبادات ما نیازی ندارد و این مردم هستند که با روی آوردن به او از الطاف خاص الهی برخوردار می‌شوند و رشد می‌کنند. اگر فرموده است که «اقم صلوٰة لذكری» نه بخاطر نیاز او است بلکه به این دلیل است که یاد خدا باعث آرامش و رشد و تعالی انسان است. قرآن می‌فرماید: اگر همه‌ی مردم کافر شوند ذره‌ای در خداوند اثر ندارد زیرا او از همه‌ی انسان‌ها بی‌نیاز است، همان‌گونه که درس یاد گرفتن دانش‌آموزان به نفع خود آنان است و سودی برای معلم ندارد و به معلومات او اضافه نمی‌کند.

«إِن تَكْفُرُوا انْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ»^۱.

«فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ»^۲.

از جمله آنچه انسان را به نماز خواندن و پرستش خداوند وادار می‌کند یا باید وادار کند، می‌توان امور زیر را برشمرد.

۱- عظمت خدا

۲- احساس فقر و وابستگی

۳- توجه به نعمت‌ها

۴- فطرت انسان

«فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۱. هیچ کس

^۱ - ابراهیم/ ۸

^۲ - زمر/ ۷

نمی‌داند (در فکرش نمی‌گنجد) که به پاداش نیکوکاری‌اش چه نعمت‌ها و لذت‌های بی‌نهایت که روشنی بخش (دل و) دیده است در عالم غیب برای او ذخیره شده است.

چکیده:

در این جهان که جهان ارتباطات است فرد و جامعه‌ای موفق است که بتواند ارتباطات خود را سامان دهد و به رشد و کمال برسد. نماز نوعی ارتباط است ارتباطی که ریشه تمام ارتباطات است، ارتباط خلق با خالق خویش و عاشق با معشوق حقیقی. برای تحقق این ارتباط ابتدا باید خویشتن خویش و خَلق و خَلقت را شناخت و ارتباط با آنها را سامان داد تا اینکه خالق هستی را شناخته و بتوان با او ارتباط برقرار کرد. تا خود را نشناسیم خدا را نخواهیم شناخت، "گرچه خود آیی به خدائی رسی پس به خود آیی"

ارتباط با خالق ارتباطی دو سویه است. خدا توسط کتب آسمانی و قرآن و پیامبران و ائمه هدی با خلق ارتباط برقرار نموده و راه ارتباط خلق با خالق را نیز خود آموزش داده است و آن نیت و پندار خالصانه، عمل و کردار خاضعانه و بیان و گفتار صادقانه است. گفتار صادقانه در قالب دعا و نماز تحقق می‌یابد. آنچه خَلق را وادار به این عبادت می‌کند عظمت خدا، احساس فقر، وابستگی، توجه به نعمت‌ها و فطرت انسان است و خدا را به آن نیازی نیست «ان قبلت قبل ماسوی‌ها و ان ردت ردّ ما سوی‌ها».

پرسش‌های درس:

- ۱- خود شناسی است.
- الف) خدا شناسی (ب) مقدمه خدا شناسی (ج) خود پرستی (د) "الف" و "ب"
- ۲- مهارت‌های اجتماعی نیاز کدام ارتباط است؟
- الف) ارتباط با خود (ب) ارتباط با خلقت (ج) ارتباط با خلق (د) "ب" و "ج"
- ۳- در ارتباط با خالق گفتار صادقانه در قالب..... تحقق می‌یابد.
- الف) روزه (ب) قرآن خواندن (ج) روزه سکوت (د) دعا و نماز
- ۴- کدام یک از موارد جزء انگیزه‌های انسان برای نماز نیست؟
- الف) نیاز خالق به پرستش (ب) عظمت خدا (ج) فطرت انسان (د) احساس فقر
- ۵- ارتباط خالق با خلق چگونه تحقق یافته و می‌یابد؟
- ۶- ارتباط خلق با خالق چگونه شکل می‌گیرد؟
- ۷- آیا خدا به عبادت و نماز انسان‌ها نیاز دارد که دستور داده برای او نماز بپا دارند؟
- ۸- انگیزه‌های که باعث روی آوردن انسان به نماز می‌شود را برشمرد.

درس دوم معنی و تاریخچه نماز

پرسش‌های اساسی

نماز در دوران تاریخ چه معانی داشته است؟

نماز ریشه در کدام آئین دارد؟

واژه شناسی:

در زبان پارسی دوره‌ی ساسانیان، نماز عبارت بود از تعظیم، نیایش، خدمت و سر فرود آوردنی که فروتران نسبت به فرمانروایان، کدخدایان و ایزدان انجام می‌دادند این واژه در متون دینی آن روزگار در ایران با تلفظ «نماچ» دیده می‌شود. در برخی آثار ادبی پارسی بعد از اسلام هم، نماز به همان معنای کهن که در دوره ساسانیان بود آمده است^۱. هم‌چنین مطابق آنچه در کتاب «مینوی خرد» دیده می‌شود، نماز در برابر ایزدان در سه وعده «سه‌پاس» انجام می‌گرفت که عبارت بودند از بامداد، نیم‌روز، و غروب^۲. احتمالاً واژه «سه‌پاس» که امروز در زبان ما رایج است ریشه در همان مناسک «سه‌پاس» داشته باشد. به نظر می‌رسد که همین پس‌زمینه‌ی دینی- فرهنگی درباره‌ی «نماز» یکی از عواملی بوده تا تعریف «صلاة (salat)» هم تا حدودی با همان تعریف نماز یگانه گردد و به معنای تعظیم و سر فرود آوردن انسان در برابر خداوند باشد. این دگرگونی نه تنها برای ما پارسیان، بلکه برای همه‌ی مسلمانان اعم از عرب و عجم اتفاق افتاده است. درباره معنای پایه و ریشه‌ی اصلی «صلاة» در کتب لغت قول واحدی وجود ندارد اما بیشتر اهل لغت آن را از ریشه‌ی «صلو» دانسته‌اند^۳، «صلو» را به معنای نرم شدن، انعطاف‌پذیر شدن و توجه کردن گفته‌اند. اگر صلاة را از ریشه

۱- جو نزدیک رستم فراز آمدند----- به پیش همه در نماز آمدند (فردوسی)

کنیزان گلرخ فراز آمدند ----- همه پیش جم در نماز آمدند (اسدی)

۲- کتاب مینوی خرد صفحه‌ی ۷۰

۳- المنجد، و همچنین قاموس قرآن از سید علی اکبر قریشی

«صل» در نظر بگیریم شاید معنای نزدیک‌تری با متن قرآن پیدا کند. صل یعنی صاف کردن و همچنین جدا کردن حبه از خاک به وسیله ریختن آب. برای انجام «صلاة» در قرآن، از خواندن و قرائت کردن استفاده نشده است بلکه از اقامه‌ی آن، یعنی بر عهده‌گرفتن و برپای داشتن یاد شده است. یعنی نوعی مناسک است که انجام آن با اعمالی غیر زبانی هم همراه است. بنابراین صلاة صرفاً خواندن و دعا کردن نیست و اگر در برخی لغت‌نامه‌ها صلاة را «دعا» و «نیایش» معنا کرده‌اند بیشتر منظورشان وجه گفتاری آن است که همراه و همزمان با اعمال غیر زبانی، حتی نیت و تمرکز ذهن هم می‌باشد. همان‌گونه که اشاره شد، نماز (با معنای پارسی و در متون مربوط به دوره‌ی ساسانیان) کار و عملی است که از سوی فروتران نسبت به فراتران انجام می‌گیرد. یعنی حرکتی نمادین برای اقرار به برتری کسی که از سوی نمازگزار مورد تعظیم قرار گرفته است و تا حدودی پذیرفتن سلطه‌ی قدرت برتر بر خویش. مفهوم اطاعت نمازگزار از قدرت برتر، نکته‌ای است که پس از این اقرار پدید می‌آید. در تعریف قرآن از «صلاة»، خداوند و ملائک او هم، نسبت به انسان (مؤمنین) «صلاة» می‌گزارند: «او (خداوند) همان کسی است که صلاة می‌گزارد بر شما، و همچنین ملائکه‌ی او بر شما صلاة می‌گزارند تا بیرون آورد شما را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی...»^۱ درآیه دیگری نیز می‌بینیم که خطاب به پیامبر آمده است: «از اموال آنان صدقه‌ای بگیر، تا به وسیله‌ی آن پاکیزه‌شان سازی، و بر ایشان صلاة بگزار زیرا صلاة تو برای آنان آرامشی است. و خدا شنوا و دانا است»^۲ نکته قابل توجه این است که صلاة خدا و پیامبر و ملائکه بر مؤمنین به معنای نماز خواندن نبوده بلکه به معنا و مفهوم دورود و صلوات فرستادن می‌باشد که خود نوعی دعا در حق مؤمنین است. از این آیات و دیگر آیات قرآن چنین استنباط می‌شود که «صلاة» در اصل، رابطه‌ای متقابل برای نزدیک‌تر شدن دو طرف به هم بوده است. شاید به همین جهت بوده است که بعداً برای معنای «صلاة» در قرآن، مراتب مشخص و طبقه‌بندی شده‌ای را تعریف کردند و گفتند که «صلاة» از خداوند، رحمت، از ملائکه، طلب آمرزش، از

^۱-سوره‌ی احزاب آیه ۴۳.

^۲-سوره توبه آیه ۱۰۳.

مؤمنین، دعا و نیایش و از پرندگان، تسبیح می‌باشد.^۱ ظاهراً این تعریف سبب شد «صلاة» تا حدود زیادی به همان معنا و صورتی در آید که قبلاً برای «نماز» بیان شد. نکته‌ی دیگری که اشاره به آن ضروری می‌نماید اینکه، در قرآن توضیح مشخصی برای شکل ظاهری «صلاة» داده نشده است. شاید به این جهت که شکل ظاهری «صلاة» می‌توانست متناسب با زمان و مکان تغییر کند. همان‌گونه که در زمان حضرت ابراهیم، موسی و عیسی مسیح-علیه السلام-، «صلاة» ترتیب و آداب دیگری داشته و این گونه و با این ترتیب و آدابی که امروز در اسلام دارد نبوده است و قرآن، همه‌ی رسولان را اهل اقامه‌ی صلاة می‌داند و حضرت ابراهیم-علیه السلام- را یکی از مهمترین رسولانی معرفی می‌کند که در اقامه‌ی «صلاة» کوشیده است.^۲

نماز در ادیان مختلف

شکی نیست که بسیاری از احکام و تعالیم الهی، اختصاص به دین اسلام ندارد، بلکه مشترک بین همه ادیان است. و پیروان ادیان و مذاهب گذشته به آن اعتقاد داشته و عمل می‌کردند. به همین جهت می‌توان احکام و دستورات اسلام را به دو دسته تقسیم نمود. قسم اول احکامی که تاریخی بوده و دارای زمان مشخصی از صدور می‌باشند و قسم دوم احکام فرا تاریخی‌اند یعنی نمی‌توان زمانی را برای صدور آنها تعیین و مشخص نمود. و نماز یکی از آن احکام و دستوراتی است که مختص دین اسلام نیست بلکه در سایر ادیان و شرایع آسمانی الهی نیز این امر عبادی وجود داشته است.

دلیل این ادعا هم اخبار و روایات معصومین-علیهم السلام- و هم تاریخ ادیان است. علت طرح فصلی جداگانه بنام «نماز در ادیان» برای آگاهی و شناخت نسل جوان است به این نکته که نماز آنقدر در زندگی و حیات انسان مؤثر است که نه تنها در اسلام این همه به آن تأکید شده و جزء واجبات دین به حساب آمده بلکه به وجهی در همه ادیان و مذاهب یکی از مهمترین اعمال واجب به شمار آمده است.

۱- نگاه کنید به لغت‌نامه‌ی دهخدا تحت واژه «صلاه».

۲- سوره ابراهیم آیه ۴۰.

- ویل دورانت در تاریخ تمدن خود در مورد عبادت در یونان باستان می‌نویسد:
 «مومنان در جریان عبادت، خود را به مذبح، که در جلو معبد قرار داشت می‌رساندند و به وسیله‌ی قربانی و نماز از خشم خدا ایمنی می‌یافتند و یاری او را جلب می‌کردند.»^۱

- نماز در آئین "مندایی" (از ادیان ایران باستان در زمان پارت‌ها) شبیه نماز مسلمانان بود و حتی قبل از نماز، وضو گرفتن را هم لازم می‌دانستند و هر روز سه نوبت صبح، ظهر و عصر برای نماز و بعضی اعمال دیگر "رشامه" یا وضو می‌گرفتند.^۲

- در مورد آئین مانی نیز گفته شده که در شبانه روز چهار نماز را واجب می‌دانستند و معتقد بودند که نمازگزاران باید با آب روان یا راکد مسح کنند و روبروی آفتاب بایستند و دوازده سجده بروند و اذکاری را بخوانند.^۳

اگر «نماز» تأثیر و نقش بسزایی را در شکل‌دهی شخصیت انسان ایفا نمی‌کرد قطعاً جزء واجبات در ادیان الهی و غیر الهی شمرده نمی‌شد و صاحبان ادیان پیروان خود را به عمل بدان ترغیب و تشویق نمی‌کردند. نماز در تمامی ادیان الهی به گونه‌های متفاوت وجود دارد.

حضرت ابراهیم -علیه السلام- هنگامی که کعبه را بنا کرد، از خداوند این‌گونه خواست:
 رَبِّ جَعَلْنِي مَقِيمَ الصَّلَاةِ^۴ «پروردگارا! مرا از نمازگزاران قرار ده».

حضرت عیسی -علیه السلام- نیز در گهواره فرمود: وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا^۵ «و (خداوند) مرا تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است».

پیروان آئین زرتشت نیز آداب و رسوم دینی خاصی داشتند که ما در مقام بیان آن نیستیم. اما آنچه که برای ما اهمیت دارد وجود عمل عبادی نماز است در این کیش که نحوه ایستادن به جهت خاص (قبله) و شرایط وضو و نماز بیان شده است.

^۱ - تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۱، ص ۲۲۸

^۲ - اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان، ص ۴۵۱

^۳ - همان، ص ۲۶۳

^۴ - ابراهیم/ ۴۰

^۵ - سوره مریم، آیه ۳۱.

حضرت محمد -صلی الله علیه واله وسلم- نیز که پیامبر خاتم بود، کامل‌ترین و برترین شکل نماز را به مسلمانان آموخت. در ذیل به آیات قرآنی نشان‌دهنده ارتباط پیامبران ادیان مختلف با نماز اشاره شده است:

سوره ابراهیم آیه ۳۷	حضرت ابراهیم-علیه السلام- و نماز
سوره مریم آیه ۵۴	حضرت اسماعیل-علیه السلام- و نماز
سوره انبیاء آیه ۷۰	حضرت اسحاق-علیه السلام- و نماز
سوره انبیاء آیه ۷۰	حضرت یعقوب-علیه السلام- و نماز
سوره طه آیه ۱۳	حضرت موسی-علیه السلام- و نماز
سوره مریم آیه ۳۱	حضرت عیسی-علیه السلام- و نماز
سوره ال عمران آیه ۳۸	حضرت زکریا-علیه السلام- و نماز
سوره ال عمران آیه ۴۲	حضرت مریم-علیه السلام- و نماز
سوره هود آیه ۸۷	حضرت شعیب-علیه السلام- و نماز
سوره صافات آیه ۱۴۴	حضرت یونس-علیه السلام- و نماز
سوره فتح آیه ۲۹	حضرت محمد-علیه السلام- و نماز
سوره بقره آیه ۴۳	قوم بنی اسرائیل و نماز
سوره لقمان آیه ۱۷	لقمان و نماز

نماز روش همه انبیای الهی

در کتب روایی و جوامع حدیثی که حاصل زحمات بزرگان و علمای دینی است احادیث و روایات بسیاری به چشم می‌خورد که معصومین -علیه السلام- به این نکته متذکر شده‌اند. در این‌جا به چند روایت از باب نمونه اشاره می‌شود.

رسول گرامی -صلی الله علیه واله وسلم- در حدیثی فرموده‌اند:

أَلصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ - عَزَّ وَجَلَّ - فَهِيَ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ.

«نماز از سنت‌های دین و مایه خشنودی پروردگار و راه و روش پیامبران است»
و نیز فرموده‌اند: أَلصَّلَاةُ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ. «نماز راه و روش انبیاء است»^۱.

در حدیثی دیگر خداوند خطاب به حضرت موسی -علیه السلام- چنین می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، ج ۸۲ ص ۲۳۱.

عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّهَا بِمَكَانٍ وَلَهَا عِنْدِي عَهْدٌ وَثِيقٌ. «بر تو باد به نماز، پس همانا نماز از مکان رفیع و پیمان محکمی پیش من برخوردار می‌باشد»^۱.
از پیامبران و انبیای الهی گذشته، روایات و احادیثی نقل شده که درباره اهمیت و فضایل آن است.

چنانچه قرآن از قول حضرت ابراهیم-علیه السلام- وقتی که همسر و فرزندش اسماعیل را به سرزمین مکه (حجاز) برد چنین نقل می‌کند:
إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ.
«پروردگارا من برخی فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه‌ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز را برپا دارند»^۲

و از پنندهای لقمان حکیم که معاصر با داود پیامبر-علیه السلام- است قرآن می‌فرماید:
يَا بَنِيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ. «پسر! نماز را برپا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و در برابر سختی‌ها و مصائبی که به تو می‌رسد با استقامت باش و صبور باش که این از کارهای مهم و اساسی است»^۳.

علاوه بر اینکه از این طریق (طریق اخبار و احادیث وارده از معصومین-علیهم السلام-) مطلب برای ما ثابت شده است. راه دیگری برای اثبات موضوع وجود دارد و آن تاریخ ادیان است که نحوه عبادت پیروان آن را بیان می‌دارد.

نماز از دیدگاه اندیشمندان

* حضرت امام خمینی-قدس سره-

در اسلام از نماز هیچ فریضه‌ای بالاتر نیست. نماز پشتوانه ملت است. سید الشهداء-علیه السلام- در همان ظهر عاشورا که جنگ بود، و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت ظهر شده است فرمود: یادم آوردید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران

۱- کلمه الله، ص ۲۵۷.

۲- سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۳۷.

۳- سوره مبارکه لقمان، آیه ۱۷.

حساب کند. و ایستاد در همان جا نماز خواند. نگفت که ما می‌خواهیم جنگ بکنیم، خیر، جنگ را برای نماز کردند. امیرالمؤمنین-علیه السلام- وقتی که مسأله‌ای، از او می‌پرسیدند در همان بحبوحه جنگ می‌ایستاد و جواب می‌داد.

... مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام، انسان درست کنند. نماز یک کارخانه انسان‌سازی است. فحشا و منکر را نماز از یک امتی بیرون می‌کند.^۱

* مقام معظم رهبری حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای - مد ظله‌العالی -

یکی از عمل‌هایی که سرشار از انگیزه یاد خداست و می‌تواند انسان را یکسره غرق در یاد خدا کند و می‌تواند بیدار باش و به خویش آورنده باشد، و می‌تواند همچون شاخص و علامتی، رهروان راه خدا را بر روی خط مستقیم بدارد و از گیجی و گمی حفظ کند و می‌تواند از لحظه‌ای غفلت زندگی آدمی مانع شود، نماز است. ... نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه‌روز است. به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد و به روز و شب او معنی می‌دهد. و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد...^۲

* حضرت آیت‌ا... اراکی (ره)

إِنَّ الصَّلَاةَ عَمُودُ الدِّينِ إِنْ قِيلَتْ، قَبْلَ مَسْوَاحِهَا وَإِنْ رُدَّتْ، رُدَّ مَا سِوَاهَا. وَهِيَ تَنْهَى عَنِ
الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

برای هر عضوی از اعضای بدن وظیفه‌ای است، در ابتدا که قیام و قعود و رکوع و سجود باشد که چهار تا بیشتر نیست. برای هر یک وظیفه است، از فرق سر تا نوک پا، برای چشم، برای گوش، کف دست‌ها، سر زانو، حتی نوک انگشت‌ها، هم وظیفه و حکمی است. این چنین وظایف و احکامی در هیچ دین و مذهبی وجود ندارد.

^۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

^۲- از زرفای نماز، حضرت آیت‌ا... سید علی‌الحسینی‌الخامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، ص ۱۱ و ۱۰ و ۷.

بالتر از همه این اعضاء، مغز، سر و مخ انسان است، وقتی که می‌گوید **إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ**^۱ باید متوجه باشد که مقابل چه کسی ایستاده است. مقابل خانه‌ای ایستاده که خانه خداست. باید متوجه باشد که تمامی اعضاء از مغز سر تا نوک پا در عبادت او باشد. در بندگی او، و خضوع و خشوع او باشد. و دست خضوع به طرفش دراز کند. روح، روان و مغز او با آن خدایی که در مقابل خانه‌اش ایستاده است شفاهاً لب به لب دارد، صحبت می‌کند. باید بفهمد که با چه کسی دارد حرف می‌زند. اگر هر شبانه‌روز پنج بار این کار را کرد می‌شود: «**تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ**». به این خاطر گفته است: **إِنْ قَبِلْتُمْ، قَبِلَ مَسْأَلَاهَا وَإِنْ رُدَّتْ، رُدَّ مَا سَأَلَهَا**. همیشه نماز است، نماز، نماز همیشه‌اش نماز، نماز، نماز است.^۲

* علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره)

کُربن معتقد بود که در دنیا یگانه مذهب زنده و اصیل که نمرده است شیعه است. علامه طباطبائی می‌فرماید روزی به هانری کربن گفتم: در دین مقدس اسلام تمام زمین‌ها و مکان‌ها بدون استثناء محل عبادت است، اگر فردی بخواهد نماز یا قرآن بخواند یا سجده کند یا دعا کند در هر جا می‌تواند، بنابراین اگر فردی از مسیحیان در وقتی از اوقات حالی پیدا کرد مثلاً در نیمه شب در خوابگاه منزل خود است و خواست خدا را بخواند چه می‌کند؟ او باید صبر کند تا روز یکشنبه، کلیسا را باز کنند، این معنی قطع رابطه بنده است با خدا. در پاسخ گفتم: بلی این اشکال در مذهب مسیحیت هست. هم‌چنین روزی به کربن گفتم: اگر در دین مقدس اسلام، انسان حاجت‌مند حالی پیدا کند، طبق همان حال و حاجت خدا را می‌خواند اما در دین مسیح، خدا اسماء حسنی ندارد اگر شما مثلاً حالی پیدا کردید چه خواهید کرد؟! در پاسخ گفتم: من در مناجات‌های خود صحیفه سجاده‌یه را می‌خوانم. کربن کراراً صحیفه سجاده‌یه را می‌خواند و گریه می‌کرد.^۳

^۱ -سوره فاتحه، آیه ۵.

^۲ -یادنامه آیت‌الله العظمی اراکی، ص ۳۲۲.

^۳ -مهر تابان، ص ۴۸.

※ مرحوم سیّد بن طاووس (ره)

نماز ترا به این می‌خواند که در پیشگاه مالک زندگان و مردگان حضور یابی، پس با دلی آکنده از رغبت، و ضمیری مالمال از شرف، به نماز برخیز و هر کاری را که خدای تعالی تو را از اشتغال به آن معذور نمی‌دارد ترک کن، چه، اشتغال به چنان اموری مخالفت با مولا و سبک شمردن فرمان او باشد و خطری است سهمگین که از کیفر آن ایمن نمی‌توان بود. و مشنو که گویند به تأخیر انداختن وقت نماز دشوار نیست. پس به نماز برخیز، با کمال اشتیاق، با رغبتی از سر عشق، و با عشقی به کمال، در نماز به خدای حیّ هستی بخش، روی سخن داشته باش و مقام خود را که بنده ای از یاد مبر، و از ستایش ذات پاکش کوتاهی مکن.^۱

※ ابو حامد امام محمد غزالی (ره)

ظاهر نماز چون کالبد است و وی را حقیقتی است که آن روح نماز است. ظاهر نماز مانند طهارت تن و جامه و جای پاک ایستادن و روی به قبله آوردن و چشم از جایگاه سجود فراتر نبردن است. این همه صورت نماز است و این صورت را حقیقتی است که آن روح نماز است. اگر اصل روح نباشد نماز همچون آدمی مرده باشد و کالبدی بی جان. اصل روح نماز، خشوع است و حاضر بودن دل در جمله نماز، که مقصود نماز، راست داشتن دل است با حق تعالی، و تازه کردن ذکر حق تعالی بر سبیل تعظیم، چنان‌که حق تعالی گفت: **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي**، «نماز بپای دار برای یاد کردن من»^۲ رسول خدا -صلی الله علیه واله وسلم- فرمودند: «کسی که نصیب وی از نماز جز رنج و درماندگی نیست. و این آنست که به ظاهر نماز کند و به دل غافل».^۳

※ حضرت آیت ... بهاء‌الدینی (ره)

۱- کشف المحجّه، سیّد بن طاووس، ص ۲۱۲.

۲- سوره طه، آیه ۱۴.

۳- کیمیای سعادت، محمد غزالی، ص ۱۴۱ و ۱۲۰.

نماز معراج است اگر صادقانه باشد و حرف‌هایی را که بنده در نماز می‌زند دروغ نباشد، این نماز معراج است. وقتی انسان می‌گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بنده هیچ موجودی غیر از خدا نیستم، استعانت به غیر از خدای تعالی ندارم و در تمام حوائج، علوم، اقتصاد، سلامت و شفا، پناهگاه من خدای تعالی است. اگر انسان موجودی باشد که غیر خدا را عبادت نکند و به ما سوی الله استعانت نجوید، نماز معراج اوست. معارف اخلاق، عبادات، صوم و صلاه و حج، برای این است که انسان به این مرحله برسد. این عروج و معراج اوست. اما خدا باید توفیق دهد، تا کسی بتواند خود را به این مرحله برساند. نماز معراج است اما مؤمنی که راستگو باشد وقتی می‌گوید: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» دروغگو نباشد. اگر روزی صد مرتبه انسان این دروغ‌ها را بگوید به جای این که صعود پیدا کند، سقوط می‌کند. عروج نتیجه صداقت انسان است. اگر صادقانه گفت: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» آن وقت منبع علم و حکمت و قدرت می‌شود و تمام برکات الهی بر این موجود نازل می‌شود اما ورود به این مرتبه مشکل است و بدون توفیقات و تأییدات الهی نمی‌توان آتش‌های دنیا را تحمل کرد.^۱

*آیت ۱... شهید دکتر بهشتی(ره)

این ایستادن و خم شدن، این نشستن و به خاک افتادن، و با هر یک کلماتی گفتن چه معنا دارد؟ در آن لحظه که آدمی به کمال و شکوه بی‌نهایت آفریدگار جهان می‌اندیشد، سراپا شیفته آن می‌شود، دل و جانش به خضوع و خشوع و فروتنی می‌گراید، با آهنگ فطرت در برابر آن همه عظمت سر تعظیم فرود می‌آورد، رکوع و سر به زمین می‌ساید، سجود و زبان به ستایش می‌گشاید، حمد و تسبیح . و در آن لحظه که انسان خود را به کمک یک نیروی برتر از ماده نیازمند می‌یابد، دل به سوی آفریدگار دانا و توانا و مهربان جهان می‌آورد، راز و نیاز خود را با او در میان می‌نهد و او را به کمک می‌خواند، دعا این است، نماز ما و نیایش روزانه ما، به سوی خدای یکتا، خدای پر مهر. نیایشی که هر فرازش، بیانگر اصلی از اصول جهان‌بینی اسلام، و هر حرکتش، نمایشگر پیوند عمیق انسان با خداست. نیایشی که انسان را به سوی

^۱ - نردبان آسمان، مجموعه درسهای اخلاق آیت ۱... بهاء الدین ره، درس ۶۲ ص ۲۶۷.

خدا، به سوی راه او، و به سوی رهبران او می‌کشانند. او را به همه شایسته‌کاران روی زمین، در طول تاریخ، در گذشته و آینده و حال، پیوند می‌دهد. و صف او را از صف ستمگران و تبهکاران و گمراهان جدا می‌سازد تا در راه راست خدا استوار بماند و به بیراهه نیفتد.^۱

*دکتر علی شریعتی

نماز انسان، تلاش برای شدن و زنده ماندن، و نیایش خواستن است. خواستن انسانی است که از آنچه دارد خوشنود نیست. و در آنچه که هست رنج می‌برد. اساسی‌ترین درسی که در نماز می‌اندیشیم توحید در هستی است و طرد همه (شرک‌ها) و (تفرقه‌ها) و نفی همه قدرت‌های دروغین، غیر از خدا. اولین عبارتی که بر زبان می‌آوریم در شروع، اذان (الله اکبر) یعنی خدا بزرگ‌تر است این بدین معنی است که خدا از همه قدرت‌ها و ایده‌آل‌ها بزرگ‌تر است و باید به بزرگ‌تر بودن خدا از همه توجه داشت. این ضربه محکمی است بر کسانی که ایده‌آلهایی را در مسیر غیر خدا شعار زندگی خویش قرار می‌دهند و در آن خود را گم می‌کنند. انقلابی راستین که با خدا و خلق میثاقی مقدّس بسته است، از تزلزل در برابر خداوندان زر و زور و نیروهایشان منع می‌کند. و یاد آور می‌شود که هان فراموش نکن که خدا بزرگ‌تر است و اگر در راه خدا قدم گذاری و براه خویش ایمان داشته باشی قدرت (فرعون و قارون) را در هم می‌شکند و می‌تواند تو را یاری کند. وقتی (لااله الاالله) می‌گوئیم بار دیگر همه خدایان دروغین را نفی می‌کنیم. الله، خدای غیر الله، خدای غیر حقیقی، پول مقام قدرت موقعیت اجتماعی و ... همه و همه که در قالب هوس‌های پوچ گذاشته شوند و در راه خدا و اسلام نباشند اله می‌باشند. این انقلابی‌ترین شعار اسلام است که در دل مجاهدین این همه شور و شوق آفریده و می‌آفریند که مایه رستگاریشان است.^۲

۱- نماز چیست، شهید آیت‌الله... دکتر سید محمد حسین بهشتی (ره) ص ۱۰.

۲- نماز شدن انسان، دکتر علی شریعتی، ص ۴ و ۵.

* علامه محمد اقبال لاهوری

انتخاب جهت واحدی در اسلام برای نماز، برای آن است که وحدت احساسی میان جماعت نمازگزاران حاصل شود. شکل کلی نماز و عبادت چنان است که احساس مقام یا برتری نژادی را در میان عبادت‌کنندگان بر می‌اندازد، و روح تساوی اجتماعی را به جای آن می‌نشانند و تقویت می‌کند. تصور کنید که اگر چنان شود که در زمان ما همه فرق مسلمین، روزانه برای نماز شانه به شانه در کنار یکدیگر در یک صف بایستند، چه انقلاب روحی عظیمی حاصل خواهد شد! از یگانگی من جهان‌شمولی که همه من‌ها را آفریده و نگاهداری می‌کند، وحدت اساسی نوع بشر نتیجه می‌شود. تقسیم نوع بشر به نژادها و ملت‌ها و قبیله‌ها، بنا به گفته قرآن، تنها برای شناختن و شناخته شدن است. صورت اجتماعی نماز در اسلام، گذشته از جنبه ادراکی و معرفتی آن، برای این است که وحدت اساسی نوع بشر، با ویران شدن سدّ و بندهایی که میان انسانی و انسان دیگر موجود است، به صورت حقیقتی از زندگی پدیدار شود و پایدار بماند.^۱

* جان هیل^۲

از روزی که اسلام ظاهر شد، نماز یگانه شعار اسلامی به صورت یک ضرورت درآمد. ارتباط این نماز با مسیحیت و یهودیت هرچه باشد نیروی خاص و اهمیتی فوق‌العاده در بین مسلمانان پیدا کرد. و بعدها به صورت نماز جماعت با اقتدا به امامی که اغلب خود محمد -صلی الله علیه و آله وسلم- بود اقامه می‌شد. هر کسی به هنگام نماز جماعت، اجتماع مسلمانان را مشاهده کند که برای نماز صف بسته‌اند و با نظام خاصی در کمال وقار و با طرز حیرت‌انگیزی رکوع و سجود می‌کنند، به شگفتی در می‌آید، و آثار تربیتی آن را در روان مسلمین از همان روزهای نخستین درک خواهد نمود. کافی است که ما نقش نماز را مورد بررسی قرار دهیم که چه تأثیر مهمی در بیدار کردن روح نظم و حفظ نظام داشته است.

۱- احیای فکر دینی، علامه اقبال لاهوری، ص ۱۰۹.

۲- این دانشمند مشهور اروپائی، قبلاً از رهبران حزب کمونیست بود پس از تحقیق دین مسیحیت را بگزید و سپس در پی تحقیقات عمیق به دین اسلام مشرف گردید.

آنگاه به خوبی در می‌یابیم که در حقیقت نماز، برای مسلمانان مانند یک آموزش نظامی بوده است و همین نظم مسلمانان در نماز، روح وحدت و یگانگی را در میان مسلمانان زنده کرده، برادری، مساوات و برابری و دستاوردهای اجتماعی اسلام را عملاً ایجاد می‌نموده است.^۱

*الکسیس کارل^۲

دعا و نماز قوی‌ترین نیرویی است که انسان می‌تواند تولید کند، نیرویی است که چون قوه جاذبه در زمین وجود حقیقی و خارجی دارد. در حرفه پزشکی خود من، مردانی را دیده‌ام که پس از آن که تمام معالجات دیگر در حال آنان، مؤثر واقع نشده بود به نیروی نماز و دعا از بیماری، رهایی یافتند. دعا و نماز چون رادیوم یک منبع نیرویی مشعشعی است که خود به خود تولید می‌شود. از راه دعا و نماز انسان می‌کوشد نیروی محدود خود را با متوسل شدن به منبع نامحدود تمام نیروها افزایش دهد. وقتی که ما دعا و نماز می‌خوانیم، خود را به قوه محرکه پایان‌ناپذیری که تمام کائنات را به هم پیوسته است متصل و مربوط می‌کنیم. نماز و دعا می‌خوانیم که قسمتی از آن نیرو به حوائج ما اختصاص داده شود. به صرف همین استدعا، نواقص برطرف می‌شود و با قدرتی بیشتر و حالتی بهتر از جای بر می‌خیزیم.

هر وقت ما با شور و حرارت خداوند را در دعا و نماز مخاطب می‌سازیم، هم روح و هم جسم خود را به وجهی احسن تغییر می‌دهیم. غیر ممکن است مرد یا زنی تنها برای یک لحظه به دعا و نماز بپردازد و نتیجه مثبت و مفیدی از آن نگیرد.^۳

احساس عرفانی جنبشی است که از اعماق دل انسانی برخاسته شده است یک غریزه اصلی است. انسان همان طوری که به آب نیاز دارد به خدا هم نیاز دارد. و بهترین چیزی که فطرت را تقویت می‌کند نماز است که سمبل عبادت است اگر صمیمانه به دعا و نماز بپردازید خواهید دید که زندگی شما به صورت عمیق و

^۱ - اسلام از دیدگاه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۴.

^۲ - نویسنده مشهور کتاب انسان موجود ناشناخته

^۳ - آئین زندگی، الکسیس کارل، ص ۱۷۰ و ۱۷۱.

مشهودی تغییر خواهد کرد. باید بگوییم که دعا فعالیتی است که برای تکامل صحیح شخصیت و تمامیت عالی‌ترین ملکات انسانی ضرورت دارد. تنها در دعا و نماز اجتماع کامل و هماهنگ بدن و فکر و روح حاصل می‌شود که به آدمی، که هم‌چون نی شکننده‌ای است، نیرومندی و استقامت بیرون از حد تصوّر می‌بخشد. دعا و نماز عملی است که آدمی را در حضور خدا قرار می‌دهد.

انسان همیشه از دعا و نماز نتیجه مفیدی می‌گیرد. دعا کردن هم‌چون خوردن و آشامیدن ضروری است. در اجتماعی که نیایش و دعا و نماز وجود نداشته باشد، از فساد و زوال مصون نخواهد بود. نیایش علاوه بر این که آرامش به وجود می‌آورد، بطور کامل و صمیمی در فعالیتهای مغزی انسان یک نوع شگفتی و انبساط باطنی و گاه قهرمانی و دلاوری را تحریک می‌کند.^۱

^۱ - نیایش، الکسیس کارل، ص ۷ و ۱۲.

چکیده:

در دوره ساسانیان نماز عبارت بود از تعظیم، نیایش و خدمت فروتران نسبت به فرمانروایان، کدخدایان و ایزدان که در مقابل ایزدان در «سه پاس» یعنی بامداد، نیم‌روز و غروب صورت می‌گرفته است.

صلاه از ریشه "صلو" یعنی نرم شدن و انعطاف‌پذیری و از ریشه "صل" به معنی صاف کردن و جدا نمودن حبه از خاک به وسیله ریختن آب و به معنی دعا، درود، رحمت و نماز بکار رفته است.

نماز اختصاص به دین اسلام ندارد و در تمام ادیان به شکل‌های مختلف بوده است. نماز روش همه انبیاء الهی بوده و قرآن در آیات متعدد به نماز نزد پیامبران اشاره نموده است. همچنین در روایات منقول از ائمه و سخنان اندیشمندان و علماء درباره نماز مطالب و نظریات مهم و فراوانی دیده می‌شود. من جمله:

نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است. به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد، و به روز و شب او معنی می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد. * نماز انقلابی‌ترین شعار اسلام است که در دل مجاهدین این همه شور و شوق آفریده و می‌آفریند که مایه رستگاریشان است. * بهترین چیزی که فطرت را تقویت می‌کند نماز است که نشانه‌ی عبادت است. * دعا و نماز قویترین نیروی است که انسان می‌تواند تولید کند. * نماز مقام و برتری نژادی را در میان عبادت‌کنندگان بر می‌اندازد و روح تساوی اجتماعی را به جای آن می‌نشاند و تقویت می‌کند.

پرسش‌های درس

- ۱- جمله « نماز کارخانه انسان‌سازی است، و فحشا و منکر را از یک امت بیرون می‌کند» نظر کیست؟
الف) دکتر بهشتی (ب) علامه طباطبائی (ج) امام خمینی (د) سیدبن طاووس
- ۲- « الصَّلَاةُ مِنْهَاجُ الْأَنْبِيَاءِ » کلام کیست و دلیل بر چیست؟
الف) کلام الهی و دلیل وجود نماز در تمام ادیان
ب) کلام حضرت پیامبر اسلام و دلیل بر اینکه نماز روش همه انبیاء است.
ج) کلام لقمان حکیم به فرزندش و دلیل وجوب نماز در تمام ادیان
د) کلام حضرت پیامبر اسلام و دلیل بر وجوب نماز
- ۳- از نظر دکتر شریعتی اساسی‌ترین درسی که در نماز می‌اندیشیم چیست؟
الف) توحید در هستی (ب) توحید در افعال (ج) توحید کردار (د) "الف" و "ب"
- ۴- عبارت « پروردگارا! مرا از نمازگزاران قرار ده» از زبان چه کسی بیان شده است؟
الف) پیامبر اسلام (ب) حضرت عیسی (ج) حضرت زرتشت (د) حضرت ابراهیم
- ۵- نماز در زمان ساسانیان قبل از اسلام چه مفهومی داشته است؟
- ۶- منظور از اینکه خدا و پیامبر بر انسان «صلوة» می‌گذارند چیست؟
- ۷- دستورات اسلام از جهت تاریخی به چند دسته تقسیم و نماز جزو کدام دسته است؟ دلیل آن چیست؟
- ۸- اعتقاد "کُربن" در مورد نماز چیست؟ و در مناجات‌های خود چه می‌خواند؟
- ۹- نظر " الکسیس کارل" در مورد نماز را نوشته و بفرمائید چگونه نماز را بهترین تقویت‌کننده فطرت و نشانه‌ی عبادت می‌داند؟

درس سوم روح و باطن نماز

پرسش های اساسی

باطن و روح نماز چیست؟

فلسفه نماز چیست؟

معانی نماز:

نماز لفظ و واژه‌ای است که در متون دینی ما بعنوان «صلاة» از آن یاد شده و دارای معانی متعددی بوده که یکی از آن معانی، همین عمل مخصوصی است که به نام (نماز) در دین اسلام تشریح شده است. مانند آنجا که خداوند در قرآن می‌فرماید: اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي. این لفظ در برخی از آیات به معنای سلام و تحیت آمده است آنجا که می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا.

«همانا خداوند و فرشتگانش بر پیامبر -صلی الله علیه واله وسلم- درود می‌فرستند شما هم ای اهل ایمان بر او صلوات و درود بفرستید و با تعظیم بر او سلام گوید»^۱.

و در آیه دیگر با اشاره به همین معنی می‌فرمایند: هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ «اوست خدایی که هم او و هم فرشتگانش بر شما تحیت و رحمت می‌فرستند»^۲.

و به معنای دعا هم در برخی از آیات آمده است.

آنجا که به پیامبر -صلی الله علیه واله وسلم- دستور گرفتن زکات داده می‌شود خداوند می‌فرماید بعد از گرفتن زکات برای آنها و در حقشان دعا کن.

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ.

«ای رسول ما، تو از مؤمنان صدقات را بگیر تا بدان واسطه نفوس آنان را پاکیزه سازی و آنها را به دعای خیر یاد کن همانا دعای تو در حق آنان، موجب تسلی خاطر است».

۱- سوره مبارکه احزاب، آیه ۵۶.

۲- سوره مبارکه احزاب، آیه ۴۳.

حقیقت و معنای باطنی نماز

عالم ربانی و مفسر الهی فیض کاشانی می‌فرماید: نماز شش معنای باطنی دارد و آن‌ها عبارتند از:

* حضور قلب

و آن خالی کردن دل از محبت غیر خداست و متوجه باشد که چه می‌گوید، و چه می‌کند، و در غیر این معنا اندیشه نراند، و اگر اتفاقاً فکرش به جای دیگر رفت اما قلبش همچنان ذاکر بود و غفلتی پیش نیامد باز هم حضور قلب دارد.

* تفهّم

یعنی معنی گفتار و اذکار نماز را بفهمد. و این غیر از حضور قلب می‌باشد. چون گاهی اوقات همان‌گونه که الفاظ را بر زبان جاری می‌سازد حضور قلب هم دارد، ولیکن متوجه به معنی آن نمی‌باشد بنابراین، منظور ما از تفهّم آن است که قلب هم متوجه به معنی لفظ باشد.

* تعظیم

این نیز موضوعی است غیر از حضور قلب و تفهّم، چون بسیاری از اوقات، انسان با حضور قلب و درک معنی کلام با کسی سخنی می‌گوید، لیکن برای او احترامی قائل نیست.

* هیبت (خوف)

این معنی علاوه بر تعظیم است، یعنی کسی که دیگری را محترم دانست بایستی علاوه بر آن هیبتی هم از او در خود احساس نماید، زیرا هیبت از آنجا سرچشمه می‌گیرد که آدم به فرد دیگری احترام بگذارد و از او بترسد و کسی که بیمناک از دیگری نباشد او را هائب نمی‌نامند، گذشته از این هر خوفی را هم مهابت نمی‌گویند، بلکه هیبت همان خوفی است که از بزرگواری دیگری ناشی شود.

* رجاء

نمازگزار باید هنگامیکه مشغول نماز است امید بهره‌گیری از پاداش الهی را داشته باشد هم چنانکه از عقاب تقصیرات خود می‌ترسد.

* حیا

نمازگزار خود را گنهکار بداند و از خداوند بخاطر گناهانش شرمسار باشد.

فلسفه نماز

بحث درباره فلسفه و حکمت نماز در واقع آشنایی با اسرار و رموزی است که در این عمل عبادی نهفته است این نکته برای ما بسیار روشن است که هرگز خداوند متعال هیچ دستوری را بدون حکمت و علت بر بنده‌اش واجب نمی‌سازد اگر حکمی از جانب او رسد یا واجب است و یا حرام و یا مستحب است و یا مکروه.

در اعمال واجب، مصلحت شدید نهفته است و در حرام، مفسده شدید در مستحب و مکروه، مصلحت و مفسده وجود دارد و لیکن چون مصالح و مفاسدشان زیاد نبوده به حد وجوب و حرمت نرسیده است. و به همین خاطر خداوند در مستحب و مکروه امر و نهی نکرده است. اما در واجب و حرام خداوند بنده‌اش را الزام به انجام و ترک فعل نموده است. این مطلب برای ما پر واضح است که خداوند چون مصالح بندگان خود را می‌خواسته آنها را مکلف به انجام برخی از اعمال کرده است. برای ما تردیدی روا نیست و از حیث روحیه تعبد و تسلیم‌پذیری در مقابل پروردگار این امر پذیرفته است اما در اینجا می‌خواهیم جهت عقلی قضیه برای ما روشن گردد چون بحث ما درباره فلسفه نماز است و فلسفه هر چیزی یعنی تبیین عقلی آن چیز. وقتی لفظ فلسفه به کلمه‌ای اضافه شود به همین معنا خواهد بود. مثلاً فلسفه روزه، فلسفه حج، فلسفه وضو و فلسفه جهاد. بنابراین در این فصل می‌خواهیم برای پرسش‌های نماز پاسخ عقلی و منطقی ارائه نمائیم. چرا باید نماز خواند؟ حقیقت نماز چیست؟ معنای رکوع و سجود چیست؟ چرا باید پیشانی به زمین گذاشت؟ دست به قنوت برداشتن به چه معناست؟ و سئوالاتی از این قبیل مطالبی هستند که باید توضیح داده شوند که ما بصورت مجمل راز و رمز و فلسفه وجودی هر یک از اجزای نماز را بیان خواهیم داشت. نخست به فلسفه اصل نماز اشاره می‌کنیم.

تمام پدیده‌های نظام هستی معلول و مخلوق ذات حق بوده و منشأ آفرینش آنها خالق قادری است که هستی از او نشأت گرفته است. همه موجودات از جمله انسان از فیض حق وجود یافته‌اند. و نه تنها در مقام حدوث بلکه در مقام بقاء نیازمند و محتاج اویند. یعنی خداوند نه تنها نعمت وجود را به موجودات اعطا نموده است بلکه ربوبیت و سرپرستی آنها را نیز عهده‌دار گشته است پس خدا هم خالق است و هم رب، و همه

موجودات به خالقیت و ربوبیت او اعتراف دارند.

يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ.

« آنچه در آسمان‌ها و در زمین است تسبیح می‌گوید خدا را آن پادشاه پاک، عزیز و حکیم را»^۱.

انسان که اشرف کائنات است بر اساس فطرت به ربانیت او مقرر و معترف است و هرگونه شرک را از او نفی می‌کند و لازم است که فقر خویش و غنای خالق، کوچکی خود و عظمت رب را اظهار نماید و رمز نماز در همین است که بنده اظهار عبودیت و بندگی نماید.

چنانچه در کلام گوهر بار امام رضا -علیه السلام- آمده است:

عَلَيْهِ الصَّلَاةُ إِنَّهَا إِقْرَارٌ بِالرُّبُوبِيَّةِ لِلَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَخَلْعُ الْأَنْدَادِ وَقِيَامٌ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ -جَلَّ جَلَالُهُ- بِالذُّلِّ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْخُضُوعِ وَالْإِعْتِرَافِ. «علت نماز اقرار به ربوبیت خدا و نفی هرگونه شریک برای او و ایستادن با خضوع و کوچکی و بیچارگی در پیشگاه خداست»^۲.

از آن جهت که آدمی مرکب از عقل و شهوت است و نیز در فرمانبرداری او هیچ‌گونه جبری وجود ندارد بلکه با اختیار زندگی می‌کند قطعاً دارای معاصی و گناهان هم هست. پنج بار ایستادن در مقابل خداوند در حال نماز به معنای اعتراف به گناه و درخواست آمرزش گناهان و طلب مغفرت در مقام عمل است. پس «نماز، ایستادن با اعتراف به گناه و درخواست آمرزش گناهان پیشین و نهادن صورت بر زمین پنج نوبت در شبانه روز با عظمت خدا، همراه است»^۳. و چون هوای نفس هر لحظه او را به غفلت و سرکشی سوق می‌دهد و به غرور و خودخواهی دعوت می‌کند و به افزون طلبی و تمامیت خواهی فرا می‌خواند باید در مقابل آن، عاملی باشد بسیار قوی و نیرومند که جلوی این رذایل را سد نموده و او را به سمت عزت و عظمت انسانی سوق دهد که آن نماز است چون نماز تنها عنصر بازدارنده‌ی ذمائم اخلاقی است.

۱- سوره مبارکه جمعه، آیه ۱.

۲- میزان الحکمه، ج ۵ ص ۳۷۶.

۳- میزان الحکمه، ج ۵ ص ۳۷۶.

چنانچه در حدیث آمده است که «نماز موجب یاد خدا و دوری از غفلت و سرکشی و باعث خشوع، فروتنی و خواهان طلب افزایش معنوی و مادی است»^۱. و چون در سرشت آدمی نسیان و فراموشی عجین است هر لحظه بیم آن می‌رود که انسان خود و آفریدگارش را به نسیان و فراموشی سپرده و طغیان و سرکشی را پیشه خود سازد و عمری را در حیوانیت و پستی سپری سازد و کمال و انسانیت خویش را در حیات حیوانی ببیند اینجاست که: «نماز او را به مداومت بر ذکر خدا در شب و روز بر می‌انگیزاند تا بنده، مولی و مدبر و آفریدگار خود را فراموش نکند چرا که فراموش‌کاری، باعث طغیان و سرکشی خواهد بود»^۲.

و بالاخره اینکه فلسفه نماز، حضور در پیشگاه ربوبی و اظهار بندگی و عبودیت و اقرار به ربوبیت پروردگار و جاودانگی بر آن ذاتی است که موجب می‌شود بنده در پی اصلاح و سعادت خویش برآید و به کمال انسانی خود دست یابد.

«انسان در حال نماز در محضر خدا و به یاد خداست و همین حالت او را از معاصی بازداشته و از همه‌ی تباهی‌ها و تاریکی‌ها او را مانع می‌شود»^۳.

روح و حقیقت نماز

* نماز و یاد خدا

خداوند به حضرت موسی -علیه السلام- می‌فرماید: *أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي* «برای یاد من نماز به پا دار»^۴.

ذکر قلبی با روشی مخصوص یاد خداوند و با شیوه‌ای ابتکاری که اعضای بدن انسان از موی سر تا نوک پا در آن نقش دارند. هنگام وضو که مقدمه‌ای برای شروع نماز است، هم روی سر را مسح می‌کنیم هم روی پا را؛ هنگام سجده هم پیشانی بر زمین نهاده می‌شود هم انگشت پا؛ هم زبان حرکت می‌کند و هم دل به یاد اوست. در

۱- همان.

۲- همان.

۳- میزان الحکمه، ج ۵ ص ۳۷۶.

۴- سوره طه آیه ۲۴.

نماز چشم‌ها باید به محل سجده به حال نیمه باز دوخته شود. اگر خودتان بیشتر فکر کنید در می‌یابید که در نماز، همه اعضا به نحوی در خدمت یاد خدا هستند.

* نماز و تشکر

یکی از اسرار نماز تشکر از ولی نعمت است. قرآن می‌فرماید:
« عبادت کنید پروردگاری را که شما و نیاکان شما را آفرید. هستی شما و همه از اوست».

در سوره‌ی کوثر می‌خوانیم: « ما به تو کوثر دادیم و خیر زیاد عطا کردیم پس نماز بخوان ». یعنی به شکرانه عطایای ما نماز به پا دار.
نماز بهترین نوع شکرگزاری است که شیوه‌ی آن را خداوند تبیین نموده و تمام اولیاء هم آن شیوه را به کار گرفته‌اند. تشکر از ولی نعمت یک ارزش است و نماز تشکری است هم عملی، هم زبانی و هم دائمی.

* نماز و قیامت

مردم نسبت به رستاخیز و معاد چند دسته هستند:

• به قیامت شک دارند: « إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ »

• به قیامت گمان دارند: « يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهَ »

• به قیامت یقین دارند: « وَ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ »

• منکر قیامت هستند: « وَ كُنَّا نَكْذِبُ بِيَوْمِ الدِّينِ »

• به آن ایمان دارند ولی فراموش می‌کنند: « نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ».

قرآن کریم برای رفع شک استدلال کرده و از مومنین و گمان‌دارندگان با (تفاوت‌ها) ستایش کرده و از منکران خواسته است که دلیل و برهان بیاورند. و برای گروه پنجم تذکراتی داده که انسان فراموش نکند. نماز هم شک‌زدایی می‌کند و هم غفلت‌ها را به «یاد» تبدیل می‌کند. در نماز با گفتن جمله «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، در هر شبانه‌روز حداقل ده بار مسأله قیامت به انسان تذکر داده و تلقین می‌شود.

ابعاد نماز

* نماز و صداقت

کسی که دیگری را دوست دارد سخن گفتن با او را هم دوست دارد. آنها که با زبان مدعی خداخواهی و خدا دوستی‌اند ولی علاقه‌ای به نماز ندارند در ادعای خود صداقت ندارند. نماز ملاک و میزان مقدار تعهدی است که انسان در اظهارات خود دارد. به همین دلیل نماز منافق همچون سایر اعمالش همراه با صداقت نیست.

* نماز و تجملات

علاوه بر حضور قلب و خشوع معنوی و توجه کامل که سفارش اسلام و از علائم مومن است و اهمیت آن تا آنجاست که اگر نمازی با توجه خوانده نشود قبول نمی‌شود و از نماز همان مقداری مورد قبول است که با حضور قلب باشد؛ ولی با این همه، اسلام سفارش کرده است که نماز با بهترین لباس از نظر پاکی و نو بودن همراه با عطر و گلاب و وقار و آرامش انجام گیرد. تا جایی که بعضی به امام سجاد -علیه السلام- که به سوی مسجد می‌رفت گفتند: گویا مجلس عروسی می‌روی!

امام فرمودند: «ملاقات با خالق زیبایی‌ها دارم».

* نماز یک معامله پرسود

خداوند می‌فرماید: فَادْكُرُونِي اَذْكُرْكُمْ^۱. یعنی: «شما مرا یاد کنید من هم شما را یاد می‌کنم». یاد ما برای خداوند سودی ندارد ولی یادی که خداوند از ما می‌کند لطفش را نصیب ما می‌گرداند، لغزش ما را می‌بخشد، دعای ما را می‌پذیرد، مشکل ما را حل می‌کند و ... لطف او برای ما بی‌نهایت ارزش دارد. پس در نماز که ما یاد خدا می‌کنیم متاع کم ارزشی را داده و در عوض متاع بسیار با ارزشی را می‌گیریم. ما از کسی یاد کرده‌ایم که او به یاد ما نیاز ندارد:

إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ. «خداوند از تمام جهانیان بی‌نیاز است». ولی بدین وسیله یاد خداوندی را به سوی خود جلب کرده‌ایم که در حقیقت تمام کمالات را دریافت کرده‌ایم. و این معامله پرسودی است (البته برای برخی‌ها!) که خداوند ما را به آن دعوت کرده است.

۱- سوره بقره آیه ۱۵۲.

چکیده:

نماز علاوه بر معنای ظاهری و اصطلاحی آن که همین مجموعه اعمال و اذکار تشریح شده است باطن و حقیقتی نیز دارد که شامل حضور قلب، تفهم، تعظیم، هیبت، رجاء و حیا می‌باشد.

هر عمل فلسفه‌ای دارد و فلسفه یعنی تبیین عقلی آن عمل و چیستی و چرایی عمل را پاسخ می‌دهد.

فلسفه نماز این است که تمام پدیده‌های هستی معلول و مخلوق ذات حق هستند و نه تنها در مقام حدوث که در مقام بقا نیز محتاج ذات باری تعالی هستند چرا که خدا وجود را اعطا نموده و ربوبیت و سرپرستی را نیز بر عهده گرفته است و بر اشرف مخلوقات لازم است که فقر خویش و غنای خالق، حقارت خود و عظمت رب را اظهار کند و رمز و فلسفه نماز در همین است که بنده اظهار عبودیت و بندگی نماید و به لحاظ ممانعت از فراموش‌کاری و عصیانگری انسان لازم است این عمل مرتب تکرار شود.

نماز یک معامله پر سود و منفعت است به شرطی که با صداقت و تجمل لازم همراه بوده و در جهت تشکر از خالق باشد.

پرسش‌های درس:

- ۱- از نظر امام رضا-علیه السلام- رمز نماز در چیست؟
الف) اقرار به ربوبیت خدا
ب) باز داشتن از فحشا
ج) نفی هرگونه شرک
د) " الف " و " ج "
- ۲- هیبت یعنی چه؟
الف) همان تعظیم است ب) ترس از اعمال
ج) همان خوفی است که از بزرگواری دیگری ناشی می‌شود د) هیچکدام
۳- با توجه به آیه «فاذکرونی اذکرکم» یاد خداوند از بندگان چگونه است؟
الف) لطفش را نصیب ما می‌کند ب) دعای ما را می‌پذیرد
ج) لغزش ما را می‌بخشد د) همه موارد
۴- با توجه به آیه یک سوره جمعه چه کسانی به ربوبیت خدا معترف هستند؟
الف) همه موجودات عالم ب) مومنین ج) انسان و ملائکه د) حیوانات و جمادات
- ۵- معانی باطنی و حقیقت نماز را نام ببرید.
- ۶- نماز چگونه تشکری است؟
- ۷- مردم در مورد قیامت چگونه فکر می‌کنند؟
- ۸- این جمله از کیست و به چه منظوری بیان شده است: « ملاقات با خالق زیبایی‌ها دارم.»

درس چهارم اهمیت و فضیلت نماز

پرسش‌های اساسی

نماز چه اهمیتی در زندگی فردی و اجتماعی نمازگزار و جامعه دارد؟
نماز دارای چه فضائلی است؟

الف) اهمیت نماز:

نماز در تمام ادیان بوده است. پیش از حضرت محمد -صلی الله علیه و آله وسلم- در آیین حضرت عیسی -علیه السلام- هم نماز بوده است. قرآن از زبان او نقل می‌کند که خدا مرا به نماز سفارش کرده است: **وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ^۱** و قبل از آن در دین حضرت موسی -علیه السلام- نیز بوده است. خداوند به او خطاب می‌کند: **أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي^۲** و قبل از حضرت موسی -علیه السلام- پدر زن او حضرت شعیب -علیه السلام- بوده که نماز داشته است: **يَا شُعَيْبُ أَصْلَاتِكَ تَأْمُرُكَ^۳** و قبل از همه‌ی این پیامبران حضرت ابراهیم -علیه السلام- بوده که از خدا برای خود و ذریه‌اش توفیق اقامه نماز را می‌خواهد: **رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي^۴** لقمان حکیم نیز به فرزندش می‌گوید: **يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ^۵** «ای فرزندم نماز را بپا دار و امر معروف و نهی از منکر کن».

۱- سوره مریم آیه ۳۱.

۲- سوره طه آیه ۲۴.

۳- سوره هود آیه ۸۷.

۴- سوره ابراهیم آیه ۴۰.

۵- سوره لقمان آیه ۱۷.

دلایل اهمیت نماز

• تبلیغی‌ترین عبادت

در هر شبانه‌روز پنج نماز واجب است. برای هر نماز سفارش به اذان و اقامه شده است. در مجموع: بیست مرتبه «حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ»، بیست مرتبه «حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ»، بیست مرتبه «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» و ده مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» گفته می‌شود و با توجه به این که مراد از فلاح و خیرالعمل در اذان و اقامه همان نماز است، هر مسلمان در هر شبانه‌روز شصت مرتبه با کلمه «حَيَّ» خود و دیگران را به نماز دعوت می‌کند.

• رأس همه عبادات

در ایام ویژه مثل شب قدر، اعیاد اسلامی، روز جمعه و هر شب و روزی که دارای فضیلت و ارزشی است یا برای ایامی که مراسم مخصوصی دارد مثل شب مبعث، شب جمعه، و ... معمولاً نمازهای مخصوصی هم وارد شده است. شاید نتوان ایام مقدسی را پیدا کرد که در آن برنامه نماز نباشد.

• پر تنوع‌ترین عبادت

اگر جهاد و حج تنها چند نوع است، اگر چند نوع وضو و غسل وارد شده است، نماز صدها نوع است. با یک نگاه اجمالی به حاشیه‌های کتاب مفاتیح الجنان محدث حاج‌شیخ عباس قمی می‌توان دریافت که تنوع این امر چقدر است. به عنوان مثال نماز امام علی-علیه السلام، نماز امام حسن-علیه السلام- و... که نماز هر امام، غیر از دیگری است.

• هجرت برای نماز

حضرت ابراهیم-علیه السلام- می‌فرماید:

رَبَّنَا إِنِّي سَكَنْتُ مِنْ دُرَيْتِي بَوَادٍ غَيْرَ ذِي زَرْعٍ، رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ. «خداوندا فرزندانم را در منطقه خشک و بی آب و علف قرار دادم، پروردگارا برای اقامه نماز.»

• ترک مهم‌ترین جلسات تاریخ به خاطر نماز

یکی از ادیبانی که نامش در قرآن آمده «صابئین» است که به حضرت یحیی -علیه السلام- گرایش مخصوص دارند. (ضمناً برای ستارگان تأثیری قائلند و نماز و مراسم ویژه‌ای دارند که هنوز در خوزستان گروهی از آنان زندگی می‌کنند). این فرقه رهبری بسیار دانشمند ولی مغرور داشتند که بارها با امام رضا -علیه السلام- گفتگو کرد ولی زیر بار نمی‌رفت. در یکی از جلسات، امام رضا -علیه السلام- استدلالی کرد. او تسلیم شد و گفت: «الآنَ لَأَنْ قَلْبِي» یعنی حالا قلب من نرم شده و حاضریم مکتب تو را بپذیریم. در این هنگام صدای اذان طنین‌انداز شد. امام رضا -علیه السلام- برای اقامه نماز جلسه را ترک کرد. مردم به ایشان گفتند: فرصت حساسی است، چنین فرصتی پیش نمی‌آید. امام رضا -علیه السلام- در پاسخ فرمود: «اول نماز!» او که این تعهد را از امام دید علاقه‌اش بیشتر شد و بعد از نماز گفت و گویش را تکمیل کرد و ایمان آورد. آری نماز یعنی خیرالعمل.

• نماز اول وقت حتی وسط جنگ

ابن عباس می‌دید امام علی -علیه السلام- گاهی در وسط جنگ به آسمان نگاه می‌کند، باز مقداری می‌جنگد دوباره به آسمان نگاه می‌کند. جلو آمد و پرسید: چرا به آسمان نگاه می‌کنید؟ حضرت فرمودند: «برای اینکه اول وقت نماز از دستم نرود». ابن عباس گفت: الان در حال جنگ هستی! حضرت فرمودند: «از نماز اول وقت نباید غفلت شود».

اهمیت نماز از منظر قرآن

در مواردی قرآن و نماز در کنار هم آمده‌اند، مانند: يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ «قرآن تلاوت می‌کنند و نماز به پای می‌دارند». و یا در جای دیگر می‌فرماید: يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ «به قرآن تمسک می‌جویند و نماز به پای می‌دارند». گاهی برای نماز و قرآن، یک صفت آورده شده، چنانکه کلمه ذکر هم به قرآن گفته شده است: أَنَا

نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ «ما ذکر را نازل کردیم». و هم به عنوان فلسفه نماز شمرده شده است: اَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي «نماز را بخاطر یاد من به پای دار». جالب آنکه گاهی بجای کلمه نماز کلمه قرآن آمده است، مانند آیه إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا که گفته‌اند مراد از قرآن الفجر، نماز صبح است.

از این گذشته، خواندن قرآن بصورت حمد و سوره، یکی از واجبات نماز است و بحث نماز در اکثر سوره‌های قرآن، هم در بزرگ‌ترین سوره (بقره) و هم در کوچک‌ترین سوره (کوثر) آمده است.

اهمیت نماز از منظر روایات

ارزش و اهمیت نماز بر هیچ مسلمانی پوشیده نیست. نماز از ارکان بسیار مهم اسلام است که بپا داشتن آن باعث رضایت و خشنودی خدا می‌گردد.

نماز عامل اتصال و ارتباط بندگان با خداست. رابطه‌ای که نباید هیچگاه گسسته شود و تا آخرین لحظه عمر باید پابرجا بماند.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید:

«خداوند نماز را نور چشم من قرار داده و آنرا محبوب من ساخته است آن طور که گرسنه را بر طعام و تشنه را به آب مشتاق کرده است. (از این هم بالاتر) انسان گرسنه وقتی غذا می‌خورد سیر می‌شود و هنگامی که تشنه آب می‌نوشد سیراب می‌گردد ولی من هیچگاه از نماز سیر نمی‌شوم».

و نیز فرمودند: «اولین عمل بنده که روز قیامت بدان رسیدگی می‌شود نماز اوست و اگر پذیرفته شد بقیه اعمال او نیز بررسی می‌شود ولی اگر نمازش پذیرفته نشد به اعمال دیگرش هم وقعی نمی‌نهند.

به جز آنچه که از آیات و احادیث درباره نماز نقل شده، رفتار اولیاء خدا نیز اهمیت و جایگاه آن را بیان می‌کند. نماز جزء برنامه انبیاء بوده است.

حضرت عیسی - علیه السلام - در گهواره هم می‌گوید خداوند مرا تا زنده هستم به نماز و زکات سفارش کرده است: وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا.

امام حسین -علیه السلام- حتی ظهر روز عاشورا در میدان مبارزه و در برابر تیرهای دشمن هم نماز را رها نکرد. حضرت ابراهیم -علیه السلام- همسر و کودک خویش را در بیابان‌های داغ مکه، که آن هنگام هیچ آب و گیاهی نداشت، مسکن داد و گفت: اِنِّی اَسْكَنتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بَوَادِ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ . «...خدایا، تا نماز به پا دارند.» پیشوایان معصوم ما، هنگام نماز، رنگ خود را می‌باختند و می‌فرمودند: « وقت ادای امانت الهی و حضور در پیشگاه و درگاه الهی است.» گرچه بعضی نماز را به طمع بهشت یا ترس از عذاب جهنم می‌خوانند، اما امیرالمؤمنین -علیه السلام- نماز را نه برای تجارت یا سپری در مقابل آتش، بلکه بخاطر شایستگی خدا برای عبادت، انجام می‌دهند. نماز سبب آمرزش گناهان و زدودن آثار لغزش‌هاست. قرآن، پس از دستور به نماز، می‌فرماید: اِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ.

اهمیت نماز از منظر رسول الله - صلی الله علیه و آله وسلم -

• نماز بالاترین اعمال

رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند : يا اَسَامَةَ ! عَلَيْكَ بِالصَّلَاةِ فَإِنَّهَا مِنْ أَفْضَلِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ لِأَنَّ الصَّلَاةَ رَأْسُ الدِّينِ وَ عَمُودُهُ وَ ذُرْوَةُ سَنَامِهِ ؛^۱
« ای اسامه ! تو را به نماز سفارش می‌کنم که نماز از بالاترین اعمال بندگان است؛ زیرا نماز، رأس ، اساس و اوج بلندی دین است.»

رسول خدا- صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: مَوْضِعُ الصَّلَاةِ مِنَ الدِّينِ كَمَوْضِعِ الرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ؛^۲
«موقعیت و نسبت نماز به دین مانند نسبت سر به بدن است.»

رسول خدا- صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْقُسْطَاطِ ؛ إِذَا تَبَتَّ الْعَمُودُ نَفَعَتِ الْأُتُنَابُ وَالْأُوتَادُ وَالْغِشَاءُ وَ إِذَا تَكَسَّرَ الْعَمُودُ لَمْ يُنْفَعِ طُنْبُ وَ لَا وَتْدٌ وَ لَا غِشَاءٌ؛^۳ « مَثَلُ نماز مانند ستون خیمه است ؛ هنگامی که ستون خیمه ثابت و محکم است،

۱ _ مستدرک الوسائل ج ۳ ، ص ۹۲ و ج ۱ ، ص ۱۸۵ .

۲ _ الحكم الزاهره، ص ۱۳۹؛ نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۲۴ .

۳ _ وسائل الشیعه ، ج ۳ ، ص ۲۱ ؛ بحار الانوار ، ج ۷۹ ، ص ۲۱۸ .

ریسمان‌ها و میخ‌ها و پرده‌ی خیمه هم فایده دارد و اگر ستون خیمه شکسته شود، دیگر طناب و میخ و پرده به کار نمی‌آید.»

• نماز، زینت اسلام

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمودند: **إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ زِينَةً وَزِينَةُ الْإِسْلَامِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ**^۱ «به راستی برای هر چیزی زینتی است و زینت اسلام نمازهای پنجگانه است.»

• نماز، میزان اعمال

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمودند: **الصَّلَاةُ مِيزَانٌ**، مَنْ وَفَى إِسْتَوْفَى؛^۲ «نماز میزان و ترازوست؛ کسی که حق نماز را ادا کند [آن را بطور کامل، صحیح و با حضور قلب بجا آورد]. همان اندازه ثواب به او می‌دهند.»

• نماز، چهره دین

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمودند: **لِكُلِّ شَيْءٍ وَجْهٌ وَ وَجْهُ دِينِكُمْ الصَّلَاةُ وَ لَا يَشِينَنَّ أَحَدُكُمْ وَجْهَ دِينِهِ ...**^۳؛ «برای هر چیزی صورتی است [که نشان‌دهنده زیبایی و زشتی آن است] و صورت دین نماز است؛ پس [بر اثر بی توجهی به نماز] صورت دینتان را زشت نشان ندهید.»

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمودند: **... لِكُلِّ شَيْءٍ رُكْنٌ وَ رُكْنُ الْمُؤْمِنِ الصَّلَاةُ؛** «برای هر چیزی ستون و برپا دارنده‌ای است و برپا دارنده‌ی مؤمن نماز است.»

• نماز روشنایی دل

رسول خدا - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرمودند: **لِكُلِّ شَيْءٍ سِرَاجٌ وَ سِرَاجُ قَلْبِ الْمُؤْمِنِ الصَّلَاةُ الْخَمْسُ؛**^۴ «برای هر چیزی روشنایی است و روشنایی قلب مؤمن نمازهای پنج گانه است.»

۱_ زبده العلوم، ج ۲، ص ۲۳۱.

۲_ من لايحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲؛ مستدرک الوسائل ج ۳، ص ۱۴ و ج ۱، ص ۱۷۲.

۳_ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۱۴ و ج ۱۷ ص ۱۷۲.

۴_ زبده العلوم، ج ۲، ص ۲۳۱.

• نماز، اولین سؤال قیامت

رسول خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِالْعَبْدِ، فَأَوَّلُ شَيْءٍ يُسْتَلَى عَنْهُ الصَّلَاةُ فَإِذَا جَاءَ بِهَا تَامَّةً وَ الْآ زُحَّ فِي النَّارِ ؛^۱ « در روز قیامت، هنگامی که انسان برای سؤال و جواب حاضر می‌گردد، اولین چیزی که از او سؤال می‌شود نماز است؛ اگر نماز را به طور صحیح و کامل خوانده باشد [پاداش او داده میشود] و اگر نمازش کامل نباشد، در آتش جهنم انداخته خواهد شد.»

اهمیت نماز از منظر امام علی - علیه السلام -

حضرت علی - علیه السلام - بارها در نهج البلاغه از نماز و یاد خدا سخن به میان آورده که در کتابی به نام « نماز در نهج البلاغه » گردآوری شده است. ما در اینجا جملاتی را در مورد فلسفه ذکر و یاد خدا که مهم‌ترین مصداقش نماز است از آن حضرت نقل می‌کنیم: حضرت می‌فرماید: إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الذِّكْرَ جَلَاءً لِلْقُلُوبِ تَسْمَعُ بِهِ بَعْدَ الْوَقَرَةِ وَ تُبْصِرُ بِهِ بَعْدَ الْعَشْوَةِ « خداوند ذکر و یادش را صیقل روح‌ها قرار داد تا گوش‌های سنگین با یاد خدا شنوا و چشم‌های بسته با یاد او بینا شوند.»

آنگاه حضرت در مورد برکات نماز می‌فرماید: قَدْ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ وَ نُزِّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَ فُتِحَتْ لَهُمُ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ أُعِدَّتْ لَهُمْ مَقَاعِدُ الْكِرَامَاتِ « فرشتگان آنان را در بر می‌گیرند و آرامش بر آنان نازل می‌شود، درهای آسمان بر آنان گشوده و جایگاه خوبی برایشان آماده می‌شود.»

در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: وَ أَنَّهَا لَتَحْتُ الذُّنُوبَ حَتَّى الْوَرَقِ وَ تُطَلِّقُهَا إِطْلَاقَ الرَّبِّقِ « نماز گناهان را مثل برگ درختان می‌ریزد و گردن انسان را از ریسمان گناه آزاد می‌کند.» آن گاه در ادامه، تشبیه جالبی از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله وسلم - نقل می‌فرماید: « نماز هم‌چون جوی آبی است که انسان روزی پنج مرتبه خود را در آن شستشو دهد، آیا دیگر آلودگی باقی می‌ماند؟ » در خطبه ۱۹۶ گوشه‌هایی از مفاسد اخلاقی همچون کبر و سرکشی و ظلم را برمی‌شمرند و سپس می‌فرمایند: « درمان این مفاسد نماز و روزه و زکات است.»

آنگاه در مورد آثار نماز می‌فرمایند: تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ، تَخْشِعًا لِأَبْصَارِهِمْ، تَذَلِيلًا لِنُفُوسِهِمْ، تَخْفِيزًا لِقُلُوبِهِمْ، إِزَالَةً لِلْخِيَلِ عَنْهُمْ إِنَّ أَوْ حَشْتَهُمُ الْوَحْشَةَ أَنْسَهُمُ ذِكْرُكَ « نماز به همه وجود انسان آرامش می‌بخشد، چشم‌ها را خاشع و خاضع می‌گرداند، نفس سرکش را رام، دل‌ها را نرم و تکبر و بزرگ‌منشی را محو می‌کند. به هنگام وحشت و اضطراب و تنهایی، یاد تو موجب انس و الفت آنها می‌شود».

البته روشن است که همه مردم چنین بهره‌هایی را از نماز ندارند، بلکه تنها گروهی هستند که شیفته نماز و یاد خدا هستند و آن را با تمام دنیا عوض نمی‌کنند.

ب) فضیلت نماز:

خداوند متعال فرموده است: « نماز [سوره حمد] را بین خود و بندهام دو نیمه کرده‌ام و آنچه بخواهد به او می‌دهم. پس هنگامی که بنده می‌گوید: الحمد لله ربّ العالمین خداوند متعال می‌گوید: بندهام مرا ستود. و هنگامی که گفت: الرحمن الرحیم خداوند متعال می‌گوید: بندهام مرا ستایش کرد و هنگامی که گفت: مالک يوم الدين می‌گوید: بندهام مرا بزرگ داشت و هنگامی که گفت: ایتاک نعبد و ایتاک نستعین می‌گوید: این میان من و بندهام می‌باشد و آنچه خواست به او می‌دهم. پس هنگامی که گفت: اهدنا الصراط المستقیم می‌گوید: این برای بندهام می‌باشد و آنچه خواست به او می‌دهم».^۱

در بیان فضیلت نماز پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: « هر چیز را زینتی است و زینت اسلام، نمازهای پنج‌گانه است و هر چیز پایه دارد و پایه مؤمن، نماز است و برای هر چیز، چراغی است و چراغ دل مؤمن، نمازهای پنج‌گانه است. خداوند - جل جلاله - چیزی برتر از توحید و نماز را واجب نمی‌کند و اگر چیزی برتر بود، آن را بر فرشتگانش واجب می‌کرد که برخی در رکوع و برخی دیگر در سجودند. دینی که رکوع و سجود در آن نباشد، هیچ خیری ندارد».

^۱ - در نقل تفسیر تبیان چنین آمده است: «بنده ام مرا بزرگ داشت. سپس فرمود: این برای من و بقیه برای اوست».

فضیلت نماز اول وقت

• نماز اول وقت محبوب‌ترین عمل نزد پروردگار

مولای متقیان حضرت علی-علیه السلام- می‌فرماید: لَيْسَ عَمَلٌ أَحَبُّ إِلَيَّ إِلَهَ -عَزَّوَجَلَّ- مِنْ الصَّلَاةِ فَلَا يَسْغَلَنَّكُمْ عَنْ أَوْقَاتِهَا شَيْءٌ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا، فَإِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ- ذَمَّ أَقْوَامًا فَقَالَ: الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ يَعْنِي إِنَّهُمْ غَافِلُونَ اسْتَهَانُوا بِأَوْقَاتِهَا.^۱

«هیچ عملی در محضر خداوند محبوب‌تر از نماز نیست، (سعی کنید) چیزی از امور دنیا شما را از خواندن نماز در اول وقت باز ندارد، زیرا خداوند مذمت کرده قوم‌ی را پس فرمود: (وای بر آن نمازگزارانی که از نمازشان غفلت ورزند) یعنی وای به نمازگزارانی که از اوقات نماز غفلت کنند و در انجام نماز در اول وقت غفلت کنند».

حضرت صادق-علیه السلام- می‌فرماید:

لِكُلِّ صَلَوةٍ وَقْتَانِ أَوَّلٌ وَ آخِرٌ، فَأَوَّلُ الْوَقْتِ أَفْضَلُهُ، وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَّخِذَ آخِرَ الْوَقْتَيْنِ وَقْتًا مِنْ دُونِ عِلَّةٍ، وَ إِنَّمَا جَعَلَ آخِرَ الْوَقْتِ لِلْمَرِيضِ وَ الْمُعْتَلِّ وَ لِمَنْ لَهُ عُذْرٌ وَ أَوَّلُ الْوَقْتِ رِضْوَانُ اللَّهِ وَ آخِرُ الْوَقْتِ عَفْوُ اللَّهِ، وَ الْعَفْوُ لَا يَكُونُ إِلَّا مِنْ تَقْصِيرٍ وَ إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصَلِّي فِي غَيْرِ الْوَقْتِ وَ إِنَّ مَا فَاتَهُ مِنَ الْوَقْتِ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَهْلِهِ وَ مَالِهِ.^۲

«برای هر نماز واجبی- دو وقت می‌باشد، اول وقت و آخر وقت. اول وقت افضل است از آخر وقت، نباید کسی آخر وقت را وقت نمازش قرار دهد مگر علت و عذری داشته باشد، آخر وقت برای مریضان، معلولان و کسانی که عذری دارند قرار داده شده است، نماز اول وقت، رضوان الله است (یعنی سبب خشنودی خداست) و نماز آخر وقت عفوالله (یعنی سبب غفران خدا می‌باشد). و عفو و بخشش نیست، مگر در مورد کسی که تقصیری کرده باشد، برآستی انسانی که نمازش را در آخر وقت می‌خواند اجر و ثوابی که از دستش رفته است بالاتر است از اهل و اولاد و ثروتش».

از این روایت شریفه استفاده می‌شود که انسان حق ندارد بدون علت نمازش را تأخیر بیاورد: أَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ مَا سِوَاهَا. إِنَّ الصَّلَاةَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي وَقْتِهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ بَيْضَاءُ مُشْرِقَةً تَقُولُ، حَفَظْتَنِي حَفَظَكَ اللَّهُ، وَ إِذَا ارْتَفَعَتْ فِي

^۱ وسائل، ج ۴، ص ۸۲.

^۲ - دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۷.

غَيْرِ وَقْتِهَا بِغَيْرِ حَدِّهَا رَجَعَتْ إِلَى صَاحِبِهَا وَ هِيَ سَوْدَا مُظْلَمَةٌ تَقُولُ ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ.^۱ «اولین چیزی که از بنده در روز قیامت محاسبه می‌شود نماز است اگر نماز او مقبول واقع شد سایر اعمال او نیز مقبول می‌شود، برآستی اگر نماز در اول وقتش ادا گردد و بالا رود، به سوی صاحبش بر می‌گردد در حالی که نورانی است و به صاحبش می‌گوید: مرا حفظ کردی خداوند ترا حفظ کند، و اگر در غیر وقتش خوانده شود و بالا رود، به سوی صاحبش برمی‌گردد، در حالی که سیاه و تاریک است و می‌گوید: مرا ضایع کردی خداوند ترا ضایع گرداند».

رسول خدا- صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرمایند: « شیطان همیشه از مومن می‌ترسد تا زمانی که بر نمازهای پنجگانه محافظت دارد. اما هنگامی که پنج وقت نماز را ضایع کرد بر او جرأت پیدا می‌کند و او را در گناهان بزرگ می‌اندازد».^۲

سبط اکبر امام حسن مجتبی-علیه السلام- از لسان پدر بزرگوارش حضرت مولی‌الموحدین امیرالمومنین-علیه السلام- نقل می‌فرمایند که فرمودند: أُوصِيكَ يَا بُنَيَّ بِالصَّلَاةِ عِنْدَ وَقْتِهَا.^۳ «فرزندم: وصیت می‌کنم ترا به خواندن نماز در وقت خودش [اول وقت]». حضرت صادق -علیه السلام- می‌فرمایند: اِمْتَحَنُوا شَيْعَتَنَا عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافِظَتَهُمْ عَلَيْهَا.^۴ «شیعیان ما را در اقامه نماز آزمایش کنید که چگونه بر خواندن نماز در موعد مقرر محافظت می‌کنند».

حضرت صاحب الزمان - ارواحنا فداء- می‌فرمایند:

مَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مِّنْ آخِرِ الْمَغْرِبِ إِلَى أَنْ تَشْتَبِكَ النُّجُومُ، مَلْعُونٌ، مَلْعُونٌ مِّنْ آخِرِ الْعَدَاةِ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ^۵ « ملعون است، ملعون است هر کسی که نماز مغربش را تأخیر بیاندازد تا وقتی که ستارگان آسمان پدیدار شوند. ملعون است، ملعون است انسانی که نماز صبحش را تأخیر بیاندازد تا زمانی که ستارگان محو شوند».

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

۲- وسائل، ج ۳، ص ۱۸.

۳- وسائل، ج ۲، ص ۹۰.

۴- سفینه البحار محدث قمی (ص)، باب صلوه.

۵- بحار، ج ۵۲، ص ۱۵ و ۱۶.

• نماز اول وقت نوری در قیامت

پیامبر اسلام - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - می‌فرماید: مَنْ حَافِظَ عَلَيَّ الْخَمْسِ بِإِكْمَالِ ظُهُورِهَا وَ مَوَاقِيْتِهَا كَانَتْ لَهُ نُورًا وَ بُرْهَانًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ ضَيَّعَهَا حَشَرَ مَعَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ.^۱

«کسی که نمازهای پنج‌گانه‌اش را با طهارت کامل در اول وقت بجا آورد، این نماز در قیامت برای او نور و برهان است، و کسی که نمازش را ضایع کند (اول وقت نخواند) با فرعون و هامان محشور خواهد شد». در صحیفه کامله سجادیه برای توفیق درک اوقات نماز آمده است:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَوَقِّنَا فِيْهِ عَلٰى مَوَاقِيْتِ الصَّلٰوَاتِ الْخَمْسِ بِحُدُوْدِهَا الَّتِي خَدَدْتَ، وَ فُرُوْضِهَا الَّتِي فَرَضْتَ، وَ وُظَّأْنَهَا الَّتِي وَظَفْتَ، وَ اَوْقَاتِهَا الَّتِي وَقَّتْتَ.

«پروردگارا بر محمد و آلش درود فرست و ما را در ماه مبارک رمضان بر مراقبت اوقات نمازهای پنجگانه با شرایط و حکمتی که مقرر نموده‌ای و واجباتش را که واجب فرموده‌ای و به وظایفی که تعیین گردانیده‌ای موفق بگردان.»

بیان زیبای حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا -علیه‌الاف التحیه و الثناء-: «یکی از محبان حضرت بنام ابراهیم بن موسی القزاز می‌گوید: حضرت رضا -علیه‌السلام- برای استقبال بعضی از طالبین خارج شدند. هنگام نماز شد، قصری در آن اطراف بود، حضرت -علیه‌السلام- با یاران به سوی آن رفتند و در کنار سنگ بزرگی فرود آمدند. سپس حضرت -علیه‌السلام- بمن فرمودند: اذان بگو، عرض کردم: منتظر رسیدن بعضی از دوستان هستیم که بما ملحق بشوند. حضرت -علیه‌السلام- فرمودند: خدا ترا بیامرزد، نماز را از اول وقتش بدون علت تأخیر نینداز، بر تو باد که همیشه نماز را در اول وقت بجا آوری. سپس اذان گفتیم و نماز خواندیم».^۲

۱- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۳.

۲- بحار، ج ۸۳، ص ۲۱.

فضیلت نمازگزار

«آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز بر پا می‌دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.» و کسانی که به کتاب ما چنگ می‌زنند و نماز بر پا داشته‌اند، [بدانند که] درست‌کاران را تباه نخواهیم کرد.»

« مردانی که نه تجارت و نه داد و ستد، آنان را از یاد خدا و بر پا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیر و رو می‌شود می‌هراسند.»

« در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتي بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.»

«محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با یکدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند.»

* پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - : « نمازگزار هنگام نماز با پروردگارش - تبارک و تعالی - مناجات می‌کند.»

امام حسن - علیه السلام - : «خداوند متعال می‌گوید: نمازگزار، با من مناجات می‌کند.» پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - : « نیکو حال تر از همه دوستانم، مؤمنی سبک بار است که بهره‌ای فراوان از نماز دارد.»

هیچ کس وضویی کامل و نیکو نمی‌گیرد و سپس برای نماز به مسجد نمی‌آید، مگر اینکه خداوند با لطف از او استقبال می‌کند؛ هم‌چون خوشحالی خانواده شخص غائب هنگام ورودش.

هیچ صبح و شبی نیست مگر اینکه قطعه‌های مختلف زمین به یکدیگر ندا می‌دهند: ای همسایه، آیا امروز، بنده‌ای صالح بر تو گذشته که نماز خوانده یا خدا را یاد کرده باشد؟ پس اگر بگوید: آری، آن را برایش فضیلتی می‌بینند.

پروردگارتان از چوپانی که بر پاره سنگی در قلّه کوه برای نماز اذان می‌گوید و نماز می‌خواند خوشش می‌آید. سپس خدای جلّ جلاله می‌فرماید: به این بنده‌ام بنگرید، از

ترس من اذان می‌گوید و نماز می‌خواند، بنده‌ام را بخشیدم و او را به بهشت بردم. امام علی - علیه السلام - : « هنگامی که انسان در نماز است، کالبد و لباسش و هر چه در اطراف اوست، تسبیح می‌گوید».

امام سجاد - علیه السلام - : نماز گزار تا آنگاه که در نماز است، در پیشگاه خدای - جل جلاله - ایستاده است.

امام باقر - علیه السلام - : « هنگامی که [نماز گزار] به قبله رو می‌کند، به خداوند رحمان رو کرده است، جز او خدایی نیست».

وجوب نماز

نماز بر مؤمنان نوشته و واجب شده است.

از امام باقر - علیه السلام - منقول است:

واژه «موقوتاً» در آیه إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا به معنی «موجوباً» است. یعنی «نماز بر مؤمنان نوشته و واجب شده است».

پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - به کسی که از واجبات الهی پرسیده بود، فرمودند: «خداوند، بر تو هفده رکعت نماز در هر شبانه‌روز واجب کرده است. بر من و امتم، پنج نماز نازل شده که بر امت‌های پیشین نشده و بر امتی پس از من واجب نمی‌شود، زیرا پیامبری پس از من نمی‌آید».

امام باقر - علیه السلام - فرمودند: « خداوند [اصل] نماز را واجب کرد و پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - آن را بر ده گونه نهاد: نماز حاضر و مسافر، نماز خوف که خود سه گونه است، نماز خورشید و ماه گرفتگی، نماز دو عید [فطر و قربان] نماز باران و نماز بر مرده».

امام صادق - علیه السلام - به کسی که واجبات خداوند بر بندگان را پرسیده بود، فرمودند: « شهادت بر یگانگی خداوند و پیامبری حضرت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - و بر پاداشتن نمازهای پنج‌گانه».

چکیده:

نماز با اهمیت‌ترین عبادات و دارای فضائل بسیار با ارزشی است و وجوب نماز بر همه‌ی انسان‌ها دلیلی است محکم بر اهمیت و فضیلت نماز نزد خالق هستی. در اهمیت نماز همین بس که در تمام ادیان الهی (و حتی اکثر ادیان غیر الهی) مطرح بوده و قرآن در آیات متعدد به آن اشاره کرده است. و معصومین علیهم السلام نیز فراوان در اهمیت آن سخن رانده‌اند به طوری که آنرا باعث و عامل اتصال و ارتباط بندگان حق دانسته‌اند. از جمله موارد قابل ذکر می‌توان موارد زیر را بر شمرد.

در رأس همه‌ی عبادات بوده و تبلیغی‌ترین و متنوع‌ترین آنها است. نور چشم پیامبر و روشنای دل، از بین برنده سیئات و موجب ریزش گناهان، صیقل‌دهنده و عامل پاکی روح و روان، زینت اسلام و از همه مهم‌تر میزان اعمال است اگر نماز پذیرفته شد اعمال دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد و اگر رد شد آنها ارزشی ندارند.

از جمله فضائل نماز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود. نماز اول وقت محبوب‌ترین عمل نزد خداوند بوده و موجب رضوان خدا، حافظ انسان از شر شیطان، عامل آزمایش و شناسایی شیعیان واقعی و در قیامت نوری است برای مؤمنین. فضیلت نمازگزار در این است که به تجارتی دست زده است که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

پرسش‌های درس:

- ۱- بنا بر فرمایش حضرت امام صادق - علیه السلام - نماز اول وقت است.
الف) رضوان الله (ب) عفو الله (ج) افضل (د) الف و ج هر دو
- ۲- نماز در حق کسی که آنرا بدون علت به تأخیر می‌اندازد چه می‌گوید؟
الف) وای بر مصلین (ب) خدا تو را ضایع کند که مرا ضایع کردی
ج) عفوک الله (د) شیطان بر تو مسلط می‌شود.
- ۳- چرا حضرت رسول اکرم نماز را به ستون خیمه تشبیه می‌کنند؟
الف) چون تا زمانی که نماز برپا باشد دین و ایمان نیز پابرجاست.
ب) چون اگر نماز ترک شود اعمال دیگر ارزشی ندارد.
ج) چون نماز مانند ستون خیمه مقاوم است.
د) هر سه مورد
- ۴- منظور از فلاح در اذان واقامه چیست؟
الف) رستگاری بعد از مرگ (ب) رستگاری قبل از مرگ
ج) رستگاری دنیا و آخرت (د) منظور نماز است.
- ۵- چه عملی باعث شد که رهبر "صابئین" به دین اسلام گروید؟
- ۶- امیرالمؤمنین درمان مفاسد اخلاقی را در چه می‌دانند؟
- ۷- چه کسانی در قیامت با فرعون و هامان محشور خواهند شد؟
- ۸- منظور از «قرآن الفجر» چیست؟

درس پنجم فواید، برکات و آثار نماز

پرسش‌های اساسی:

نماز چه فوائد و برکاتی برای انسان دارد؟

آثار دنیوی و اخروی نماز چیست؟

الف) فواید

• شست و شوی گناهان

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله وسلم - : *مَثَلُ الصَّلَاةِ الْخَمْسِ كَمَثَلِ نَهْرٍ جَارٍ غَدَبٍ عَلَى بَابٍ أَحَدِكُمْ يَغْتَسِلُ فِيهِ كُلَّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَّاتٍ فَمَا يَبْقَى ذَلِكَ النَّهْرُ مِنَ الدَّنَسِ؟*^۱ « نمازهای پنج‌گانه به نهر جاری گوارایی می‌مانند که بر در خانه‌هایتان روان است و هر روز پنج‌بار خود را در زلال آن شست و شو می‌دهید، پس هیچ پلیدی باقی نمی‌ماند. ابو عثمان می‌گوید: با سلمان فارسی زیر درختی نشسته بودیم که ناگاه وی شاخه خشکیده‌ای را گرفت و تکان داد تا آنکه تمام برگ‌هایش به زمین ریخت سپس رو به من کرد و گفت: نمی‌پرسی چرا چنین کردم؟ پس از پرسش من، گفت: یک روز در خدمت پیامبر - صلى الله عليه و آله وسلم - زیر درختی نشسته بودم حضرت همین کار را انجام داد و سپس رو به من کرد و فرمود نمی‌پرسی چرا چنین کردم؟ فرمودند: « هنگامی که انسان وضو می‌سازد و نیکو وضو می‌گیرد و بدنبال آن نمازهای پنج‌گانه را بجا می‌آورد گناهان او فرو می‌ریزد، همان‌گونه که برگ‌های این شاخه فرو ریخت. » سپس این آیه را تلاوت فرمودند: « *إِنَّ الْخَسَنَاتِ يَذُوبُنَ السَّيِّئَاتِ* » آری ... نماز اگر به حق انجام شود، چنین خاصیت اکسیری دارد که موجب زوال گناهان می‌گردد و این مژده ایست بسیار امیدوارکننده که نمازها را در اول وقت و با حضور قلب خواندن گناهان را نابود می‌کند.^۲

^۱ - کنز العمال، ج ۷، ص ۲۹۱، حدیث ۱۸۹۳۱.

^۲ - امالی طوسی جلد اول صفحه ۱۷۰.

• وسیله نجات

قال رسول الله - صلى الله عليه و آله وسلم -: خَمْسُ صَلَوَاتٍ ، مَنْ حَافِظَ عَلَيْهِنَّ كَانَتْ لَهُ نُورًا وَ بُرْهَانًا وَ نَجَاهٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؛ « کسی که بر نمازهای پنج‌گانه محافظت و مراقبت نماید ، این نمازها برای او در قیامت نور و وسیله نجات خواهد بود».^۱

برانگیزاننده حسادت شیطان

قال علی - عليه السلام - : إِذَا قَامَ الرَّجُلُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ إِلَيْهِ إِبْلِيسُ يُنْظِرُ إِلَيْهِ حَسَدًا لِمَا يَرَى مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ الَّتِي تَغْشَاهُ ؛ « هنگامی که کسی به نماز برمی‌خیزد، شیطان می‌آید و به نظر حسادت به او نگاه می‌کند، زیرا می‌بیند که رحمت خدا او را فراگرفته است».^۲

• تقرّب به خدا

قال علی - عليه السلام - : الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ ؛ « نماز خواندن وسیله نزدیکی به خداست برای هر شخص پرهیزکار».^۳

• دستیابی به توفیق شهادتین

قال الصادق - عليه السلام - : إِنْ مَلَكَ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَ يُلَقِّنُهُ شَهَادَةَ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ ؛ « همانا ملک الموت شیطان را در هنگام مرگ از کسی که حافظ نماز است، دور می‌کند و شهادت بر وحدانیت خدا و رسالت رسول خدا-صل الله علیه و آله وسلم- را در هنگام هولناک مرگ به او تلقین می‌کند (توفیق شهادتین پیدا می‌کند)».

• برات بهشت

قال رسول الله - صل الله عليه و آله وسلم - : قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِفْتَرَضْتُ عَلَى أُمَّتِكَ خَمْسَ صَلَوَاتٍ وَ عَهْدْتُ عِنْدِي عَهْدًا إِنَّهُ مَنْ حَافِظَ عَلَيْهِنَّ لَوْ قَتِلَتْهُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ لَمْ يُحَافِظْ عَلَيْهِنَّ فَلَا عَهْدَ لَهُ عِنْدِي ؛

« خداوند متعال می‌فرماید: نمازهای پنج‌گانه را بر امت تو واجب کردم و با خود

۱- کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۸۶۲.

۲- بکار الانوار، ج ۴.

۳- من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۶، ح ۱۶.

۴- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹.

۵- کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹، حدیث ۱۸۸۷۲.

پیمان بستم که هرکس مراقب آن نمازها و وقت آنها باشد، او را به بهشت داخل نمایم و کسی که مراقب آنها نباشد من تعهدی نسبت به او ندارم».

• ورود به حریم خدا

قال رسول الله -صلی الله علیه واله وسلم- : يَا أَبَادِر! مَا دُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّكَ تَقْرَعُ بَابَ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ وَ مَنْ يُكْثِرُ قَرَعَ بَابَ الْمَلِكِ فَإِنَّهُ يُفْتَحُ لَهُ ؛ « ای ابادر! تا هنگامی که در نماز هستی، درب خانه ملک جبار را می‌کوبی، و هرکس درب خانه ملک را بسیار بکوبد، به رویش باز می‌شود».^۱

• ذلت شیطان

عن الإمام المهدي -عليه السلام- : مَا أَرْعَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلَ الصَّلَاةِ فَصَلَّاهَا وَ أَرْعَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ.^۲ « هیچ چیز مثل نماز بینی شیطان را به خاک نمی‌مالد و او را خوار نمی‌کند، پس نماز بخوان و بینی شیطان را به خاک بمال».

• عامل برطرف کننده گناهان

قال رسول الله -صلی الله علیه و اله وسلم- : لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يُرْعِبُ مِنْ بَنِي آدَمَ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ وَ أَوْقَعَهُ فِي الْعُظَائِمِ ؛^۳ « شیطان پیوسته از فرزندان آدم در وحشت و هراس است تا آنگاه که نمازهایشان را به دقت و با شرایط و آداب می‌خوانند. پس اگر نماز را ضایع نموده [و در وقت مقرر آن به جا نیاورد]، شیطان بر او چیره می‌شود و او را در گناهان کبیره می‌اندازد و وی را گرفتار می‌کند».

قال علی -عليه السلام- : الصَّلَوَاتُ الْخَمْسُ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُنَّ مَا أُجْتَنِبَ مِنَ الْكَبَائِرِ وَ هِيَ أَلْتَى قَوْلُ اللَّهِ -عَزَّوَجَلَّ- « إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ».^۴

« نمازهای پنج‌گانه کفاره گناهانی است که میان آنها انجام گرفته است ؛ به شرط آن که از گناهان کبیره اجتناب شده باشد و این است گفتار خداوند بزرگ که نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان می‌برد».

۱- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۰.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۲.

۳- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲.

۴- جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۱۰.

• دست‌یابی به رحمت خاص خدا

عن العسکری -علیه السلام- : فَإِذَا تَوَجَّهَ الْعَبْدُ إِلَى مُصَلَّاهُ ، قَالَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - لِمَلَائِكَتِهِ يَا مَلَائِكَتِي أَلَا تَرَوْنَ هَذَا عَبْدِي كَيْفَ قَدْ انْقَطَعَ عَنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ إِلَيَّ ، وَأَمَّلَ رَحْمَتِي وَجُودِي وَرَأْفَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أُحْضَهُ بِرَحْمَتِي وَكَرَامَتِي ؛^۱ « زمانی که بنده جانب مصلايش برای نماز می‌ایستد، خداوند به ملائکه‌اش خطاب می‌کند: ای ملائکه‌ی من! آیا نمی‌بینید بنده‌ی من چگونه از جمیع خلق منقطع شده و به طرف من آمده، در حالی که امیدوار به رحمت و جود و رأفت من است. شاهد گیرم شما را ، به درستی که رحمت و کرامت خود را مخصوص او گردانم».

• مونس قبر

قال رسول الله - صلى الله عليه و الله وسلم- : إِنَّ الصَّلَاةَ تَأْتِي إِلَى الْمَيِّتِ فِي قَبْرِهِ بِصُورَةِ شَخْصٍ أَنْوَرِ اللَّوْنِ يُؤْنِسُهُ فِي قَبْرِهِ وَيَدْفَعُ عَنْهُ أَهْوَالَ الْبَرْزَخِ ؛
« نماز به صورت انسانی سفید چهره وارد قبر می‌ت شده و با او انس می‌گیرد و وحشت‌های برزخ را از او برطرف می‌کند».^۲

• دفع بلا

قال الصادق -عليه السلام- : إِنَّ اللَّهَ يَدْفَعُ بِمَنْ يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا عَمَّنْ لَا يُصَلِّي مِنْ شِيعَتِنَا وَ لَوْ أَجْمَعُوا عَلَى تَرْكِ الصَّلَاةِ لَهَلَكُوا ؛^۳ « همانا خداوند به خاطر شیعیانی که نماز به جا می‌آورند، بلا و عذاب را از شیعیان بی‌نماز دفع می‌کند، و اگر همه تارک نماز بودند، هر آینه همه هلاک می‌شدند».

• نجات از عذاب

قال الصادق -عليه السلام- : يُؤْتَى بِشَيْخٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ ظَاهِرُهُ مِمَّا يَلِي النَّاسَ وَ لَا يَرَى إِلَّا مُسَاوِيًا فَيَطُولُ ذَلِكَ عَلَيْهِ ، فَيَقُولُ : يَا رَبِّ أَتَأْمُرُنِي إِلَى النَّارِ ؟ فَيَقُولُ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ : يَا شَيْخُ أَنَا اسْتَحْيَيْتَنِي أَنْ أُعَذِّبَكَ وَ قَدْ كُنْتَ تُصَلِّي لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا . اذْهَبُوا بِعَبْدِي إِلَى الْجَنَّةِ ؛^۴
« وقتی پرونده‌ی عمل پیرمردی را در قیامت به دستش می‌دهند، مردم در آن نظاره

۱- جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۲۲.

۲- ثنالی الاخبار، ج ۴، ص ۱.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۴.

۴- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵.

می‌کنند و جز بدی‌های او را نمی‌نگرند. این حسابرسی به طول می‌انجامد، پیرمرد به حضرت حق عرض می‌کند: آیا امر می‌کنی که مرا به آتش ببرند؟ خطاب می‌رسد: ای پیرمرد! من حیا می‌کنم تو را عذاب کنم، در حالی که در دنیا برای من نماز خواندی، ای ملائکه! بنده‌ی مرا به بهشت ببرید».

• مانع عذاب

عن عبدالرحمن بن سمرة قال: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - يَوْمًا ، فَقَالَ : رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَجَائِبَ فَقُلْنَا : يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا رَأَيْتَ حَدَّثْنَا بِهِ فِدَاكَ أَنْفُسَنَا وَ أَهْلُونَا وَ أَوْلَادَنَا (إِلَى أَنْ قَالَ ...) قَالَ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - وَ رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ إِحْتَوَشَتْهُ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ فَمَنْعَتْهُ مِنْهُ ؛^۱ عبدالرحمن بن سمرة گفت: « روزی خدمت رسول گرامی اسلام- صلی الله علیه و اله وسلم- بودم، حضرت فرمودند: من دیشب عجایی دیدم. عرض کردم: یا رسول الله! چه دیدی؟ برای ما بیان بفرمایید، جان و اهل و اولاد ما فدای تو باد! حضرت فرمودند: دیدم مردی از امت مرا که ملائکه عذاب، او را محاصره کرده بودند. در این حال نمازش به فریادش آمد و مانع از عذابش شد».

• ورود آسان به بهشت

قال الصادق - عليه السلام - : إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَحِيمٌ يَشْكُرُ الْقَلِيلَ ، إِنَّ الْعَبْدَ لَيُصَلِّي الرُّكْعَتَيْنِ يُرِيدُ بِهَا وَجْهَ اللَّهِ فَيَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِنَّ الْجَنَّةَ ؛^۲ «همانا پروردگار شما مهربان است، عمل کم را تقدیر می‌کند، هر آینه انسان دو رکعت نماز با اخلاص به جای آورد، خداوند به سبب آن نماز، او را وارد بهشت می‌کند».

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۱۸۳.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۱۶.

ب) برکات نماز

• نور چشم پیامبر - صلی الله علیه و اله وسلم -

حبیب خدا - صلی الله علیه و اله وسلم - در وصایایش به ابذر می‌فرماید: جَعَلَ اللهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ كَمَا إِلَى الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمَانِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ، وَ إِنَّ الظَّمَانَ إِذَا شَرَبَ رَوَى، وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ ... قُلْتُ: فَأَيُّ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ، قَالَ: طَوَّلُ الفُتُوتِ.^۱

« خداوند روشنی چشم مرا در نماز قرار داده و نماز را چنان محبوب من ساخته، که غذای لذیذ را برای گرسنه، و آب گوارا را برای تشنه محبوب قرار داده است. [ای ابذر:] انسان گرسنه و تشنه از غذا و آب سیر می‌گردد ولی من از نماز هرگز سیر نمی‌گردم.... گفتم [یا رسول الله] کدام نماز افضل و برتر است؟ حضرت فرمودند: نمازی که قنوتش طولانی باشد.»

• تسبیح اعضاء و جوارح

آنچه مسلم است تمام ذرات عالم به تصریح قرآن کریم خدا را تسبیح می‌کنند، در ابتدای سوره جمعه می‌فرماید: يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ. و یا در آیه شریفه دیگر می‌فرماید: وَ إِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ

« هیچ شیئی در عالم وجود نیست مگر اینکه خدا را تسبیح می‌کند ولی شما تسبیح آن‌ها را درک نمی‌کنید.»

سنگ احمد را سلامی می‌دهد	کوه احمد را پیامی می‌دهد
جمله ذرات زمین و آسمان	با تو می‌گویند روزان و شبان
ما سمیعیم و بصیریم و هشیم	با شما نامحرمان ما خامشیم

هنگامی که مصلی رو به قبله ایستاده است و مشغول راز و نیاز با معبود است بدن و تمام اشیاء اطرافش خدا را تسبیح می‌کنند، حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا كَانَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّ جَسَدَهُ وَ ثِيَابَهُ وَ كُلَّ شَيْءٍ حَوْلَهُ يُسَبِّحُ^۲

^۱ - مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۴۶۱ و ۴۷۲.

^۲ - بکار، ج ۸۲، ص ۲۱۳.

« به حقیقت انسان مومن هنگامی که به نماز می‌ایستد جسد و لباس و هر چه در کنار او قرار گرفته تسبیح می‌گویند». برای برخی از بزرگان این معنا ظهور پیدا کرده است که هنگام مناجات، ذکر موجودات را می‌دیدند و می‌شنیدند.

امام باقر - علیه السلام - می‌فرمایند: پیامبر گرامی - صلی الله علیه و اله وسلم - فرمودند:

« وقتی بنده مومن در محضر خدا می‌ایستد، خدا به او نظر لطف می‌اندازد تا نمازش را به پایان ببرد یا خداوند رو می‌کند به او تا وقتی که از نماز منصرف گردد، و از بالای سرش تا افق آسمان‌ها سایه رحمت خود را می‌گستراند و فرشتگان از کنار او تا آسمان‌ها طواف می‌نمایند و خدا ملکی را بر او موکل می‌کند که در بالای سرش ایستاده و به او خطاب می‌کند: ای نمازگزار اگر بدانی چه کسی تو را می‌نگرد و تو با کی مشغول مناجاتی؟ توجّهت را قطع نمی‌کردی و هرگز از مصلاّیت جدا نمی‌شدی!»^۱

• آخرین توصیه انبیاء

بدون تردید انبیاء برای تزکیه و پاکی انسان از آلودگی‌های درونی و برونی آمده‌اند و چون مهم‌ترین عامل تزکیه و پاکی نماز است آخرین توصیه انبیاء نیز نماز بوده است، در حقیقت نماز است که انسان را از زشتی‌ها و فحشاء دور می‌کند.

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ.

امام جعفر صادق - علیه السلام - می‌فرمایند:

« محبوب‌ترین اعمال نزد پروردگار نماز است، و نماز آخرین توصیه انبیاء به امتشان بوده است، چه زیباست. از انسان مومنی که غسل نماید و یا وضوی کامل بگیرد، سپس به گوشه‌ای دور از دیدگاه انسان‌ها برود و خداوند به او در حال رکوع و سجود نظر نماید، زیرا وقتی بنده مومن سجده‌اش را طولانی می‌کند، فریاد شیطان بلند می‌شود: وای بر من، ایشان اطاعت خدا کردند، ولی من معصیت خدا نموده و عصیان ورزیدم، آنان سجده کردند و من امتناع کردم».^۲

^۱ - بحار، ج ۸۴، ص ۲۶۰.

^۲ - من لا یحضره الفقیه ج ۱ - باب فضل صلوه، ج ۶۳۴.

• بالاترین عبادت

امام صادق-علیه السلام- می‌فرماید: اِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ -عَزَّوَجَلَّ- خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ شَيْءٌ مِنْ خِدْمَتِهِ بَعْدَ الصَّلَاةِ، فَمِنْ ثَمَّ نَادَتْ الْمَلَائِكَةَ زَكْرِيَا وَهُوَ قَادِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ^۱ «به حقیقت طاعت خداوند عز و جل خدمتش در روی زمین است، و هیچ خدمتی در راه خدا معادل با نماز نیست، از همین جهت است که ملائکه حضرت زکریا-علیه السلام- را در حالی که در محراب عبادت و نماز بود ندا دادند».

از روایت فوق استفاده می‌شود که هیچ عملی ارزش نماز را ندارد، متأسفانه گاهی در اجتماع دیده و شنیده می‌شود که می‌گویند، فلانی مرد خیر و خدمتگزاری است ولی نماز نمی‌خواند و خدا هم او را می‌بخشد. زهی تصور باطل و خیال خام، کسی که نماز ندارد هیچ خیری از او پذیرفته نیست، زیرا در روایت داریم، نماز به منزله ستون و پایه دین است که دین بر آن استوار است. انسانی که دینش پایه ندارد همه اعمال خیرش فرو می‌ریزد، پیامبر گرامی اسلام -صلی الله علیه و آله وسلم- می‌فرماید: اِنَّمَا مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْقِسْطِ إِذَا تَبَتِ الْعَمُودُ تَبَتِ الْأَطْنَابُ وَالْأَوْتَادُ وَالْغِشَاءُ وَإِذَا انْكَسَرَ عَمُودٌ لَمْ يَنْفَعِ وَتَدَّ وَلَا طَنْبَ وَلَا غِشَاءً.^۲

«به راستی نماز شبیه به عمود و ستون خیمه است، هرگاه ستون ثابت و استوار باشد، طناب‌ها و میخ‌ها و چادر نیز سالم و استوار می‌ماند، ولی اگر ستون شکست بقیه خیمه [اگر چه سالم باشند] بدون استفاده می‌مانند». اگر همه اعمال صحیح باشد ولی نماز ناقص باشد ارزشی ندارد.

• سبب آمرزش گناهان

یکی از عباداتی که گناهان را از بین می‌برد و انسان را از معاصی دور می‌کند نماز است. قرآن کریم می‌فرماید: وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ لِلذَّاكِرِينَ.^۳

۱- وسائل، ج ۳، ص ۲۶.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۱، باب فضل صلوة، ج ۶۳۹.

۳- سوره هود، آیه ۱۱۴.

« نماز را اقامه کن و در دو طرف از روز (که مراد نماز صبح، ظهر و عصر و مغرب می‌باشد) و نمازی که مقداری از شب گذشته خوانده می‌شود (که مراد نماز عشاء است) و براستی که حسنات (یعنی نمازهای پنج‌گانه) محو کننده سیئات است، این تذکری است برای اهل ذکر».

از امام حسن عسگری -علیه السلام- منقول است که رسول خدا -صلی الله علیه واله وسلم- فرموده است:

« انسانی که نمازهای پنجگانه را بجا می‌آورد، خدا همه گناهان مابین دو نمازش را می‌آمرزد، نمازگزار مانند کسی است که در جلو خانه‌اش نهر آبی جاری باشد و او روزانه پنج بار در آن شستشو نماید که دیگر گناهی بر او باقی نخواهد گذاشت مگر گناهان مهلک، مثل انکار رسالت، امامت، ظلم به برادران دینی و یا ترک تقیه تا جائیکه ضرری به او و یا به برادران مومن او برسد»^۱.

• بهترین وسیله برای ترک گناه

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

علامه بزرگوار مجلسی -نُورُ اللَّهِ تَرْبِيَةٌ- در کتاب پر ارزش بحار می‌نویسد:

« جوانی بود که در نماز پیامبر -صلی الله علیه واله وسلم- حاضر می‌شد، با اینکه مرتکب کارهای زشت می‌شد. حکایتش نزد پیامبر -صلی الله علیه واله وسلم- گفته شد. پیامبر -صلی الله علیه واله وسلم- فرمودند: همانا به زودی نمازش او را از آلودگی‌ها باز می‌دارد و نهی می‌کند، سپس چیزی نگذشت که نماز بر او اثر گذاشت و جوان توبه کرد و از انحراف به صراط مستقیم برگشت»^۲.

• حائلی بین نمازگزار و گناه

امام ناطق، حضرت صادق -علیه السلام- می‌فرمایند:

« آگاه باشید، براستی نماز حاجبی است از سوی خداوند در روی زمین، پس آن کسی که دوست دارد بداند که چه قدر از منافع نمازش را درک کرده، پس دقت کند و

۱- بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۹.

۲- بحار، ج ۸۲، ص ۱۹۸.

بنگرد که اگر نمازش مانعی بین او و منکرات است، از منافع نماز به اندازه‌ای که از گناه دوری کرده بهره برده است، اگر کسی می‌خواهد بداند چه قدر مقام نزد خداوند دارد، بنگرد خداوند متعال نزد او چه مقامی دارد؟ هر کسی عملی را انجام داد پس بدقت در عملش بنگرد، اگر آن عمل شایسته و نیکو و خالص بود، پس آن را ادامه دهد و اگر عمل زشتی بود دیگر بجا نیاورد و اجتناب کند، که اگر چنین کند برآستی که خداوند -عزوجل- به وفا و زیاد کردن روزیش و برآوردن حاجاتش سزاوارتر است، انسانی که در خلوت مرتکب گناهی شود، پس باید در خلوت حسنه و کار شایسته‌ای نیز انجام دهد، و اگر کسی در انظار مردم گناهی کرد پس باید کار خوبی را نیز در انظار مردم انجام دهد»^۱.

ج) آثار نماز

• آثار نماز در عالم برزخ

رسول خدا -صلی الله علیه و اله وسلم- فرمودند: الصَّلَاةُ . . . شَفِيعٌ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مَلَكِ الْمَوْتِ . . . «نماز . . . بین نماز گزار و فرشته مرگ شفاعت می‌کند [تا بر او آسان بگیرد] . . .»
 وَ أُنْسٌ فِي قَبْرِهِ . . . « . . . نماز در قبر ، مونس و همدم نماز گزار است . . .»
 وَ فِرَاشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ . . . « [و نماز] فرش نماز گزار در قبر می‌شود [مایه آسایش و راحتی مرده در عالم برزخ است] . . .»
 وَ جَوَابٌ لِمُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ . . . ؛ « . . . نماز ، پاسخی برای منکر و نکیر [دو فرشته سؤال کننده در قبر] است . . .»^۲
 مُونِسٌ وَ زَائِرٌ فِي قَبْرِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ؛ « . . . نماز شب تا روز قیامت مونس و زائر نماز گزار در قبر است.»^۳

۱- بحار، ج ۸۷، ص ۱۹۹.

۲- خصال ، ابواب ۲۹ کانه ؛ بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۳۲؛ مستدرک الوسائل ، ج ۱، ص ۱۸۰.

۳- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۶۱.

صَلَاةُ اللَّيْلِ سِرَاجٌ لِصَاحِبِهَا فِي ظُلْمَةِ الْقَبْرِ... « نماز شب چراغی برای صاحبش در تاریکی‌های قبر است. »^۱

رسول خدا-صل الله علیه و آله وسلم- فرمودند: فَإِنَّ لِلْقَبْرِ ظُلْمَةً وَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ ظُلْمَةٌ ؛ أَمَرَنِي رَبِّي - عَزَّوَجَلَّ - وَ أُمَّتِي بِهَذِهِ الصَّلَاةِ لِتَنْوِرَ الْقَبْرَ وَ لِيُعْطِيَنِي وَ أُمَّتِي النُّورَ عَلَى الصِّرَاطِ ؛ «حقیقتاً در عالم قبر و روز قیامت تاریکی هولناکی وجود دارد ؛ پروردگرم به من و امتم به نماز دستور داد تا به وسیله‌ی آن قبر نورانی شود و خداوند به من و امتم نوری دهد تا از پل صراط بگذریم.»^۲

• آثار نماز در قیامت

بعد از عالم برزخ - که مدتش را تنها خدا می‌داند، وارد صحنه قیامت می‌شویم و صحنه قیامت آن قدر وحشتناک و هولناک است که مردم مثل انسان مست، بی‌اراده و بی‌اختیار می‌شوند؛ پدر و مادر و برادر و فرزند و همسر از یکدیگر فرار می‌کنند و هر کسی دنبال نجات خویش است و حتی کاری به نزدیک‌ترین افرادی که در دنیا عزیزش بودند، ندارد؛ جز انسان‌های صالح که با فرزندان و همسران و اقوام صالحشان روابط صمیمی دارند و این مطلب را کتاب آسمانی و الهی و مقدس و منور ما، قرآن کریم ، خبر داده است. در آن صحنه‌ی هولناک - که ما توان درک و وصفش را نداریم - تنها راه نجات و رفع ترس و اضطراب ، قلب پاک و اعمال صالح و ولایت و دوستی اهل بیت -علیهم السلام- است.

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَ لَا خِلَالَ ؛ « به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو : نماز را بر پا دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم ، در پنهان و آشکار، انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه در آن خرید و فروش است و نه دوستی [نه با مال می‌توانند از کیفر خدا رهایی یابند و نه با پیوندهای مادی] ».^۳

۱ - ارشاد القلوب، باب ۵۲ ، ص ۲۶؛ بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۶.

۲ - تفسیر نور الثقلین ، ج ۳ ، ص ۲۰۳.

۳ - سوره ابراهیم آیه ۳۱ .

رسول خدا- صل الله علیه و الع وسلم- فرمودند: فَتَكُونُ صَلَاةُ الْعَبْدِ عِنْدَ الْمُحْشَرِ تَاجًا عَلَى رَأْسِهِ ... ؛
 « نماز [واقعی و با حضور قلب] در قیامت تاجی بر سر نمازگزار است.»
 وَ نُورًا عَلَى وَجْهِهِ ... ؛ « و نوری بر چهره نمازگزار ؛»
 وَ لِبَاسًا عَلَى بَدَنِهِ ... ؛ « و پوششی بر بدن نمازگزار [که او را حفظ می کند] ؛»
 وَ سِتْرًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ ... ؛ « و مانعی بین نمازگزار و آتش دوزخ ؛»
 وَ حِجَّهً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الرَّبِّ - عَزَّوَجَلَّ - ... ؛ « و حاجتی بین نمازگزار و پروردگار»
 وَ نَجَاهَ لِبَدَنِهِ ؛ « و مایه نجات او از آتش؛»
 وَ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ ... ؛ « و برکه عبور از پل صراط ؛»
 وَ مِفْتَاحًا لِلْجَنَّةِ ... ؛ « و کلید بهشت است.»^۱

الدَّعَاءُ مِفْتَاحُ الرَّحْمَةِ وَ الْوُضُوءُ مِفْتَاحُ الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ الْجَنَّةِ ؛ « دعا کلید رحمت و وضو کلید [ورود به] نماز و نماز [واقعی] کلید بهشت است.»^۲

رسول خدا-صلی الله علیه و اله وسلم- فرمودند: مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ فِي خَلَاءٍ لَا يَرَاهُ إِلَّا اللَّهَ كَانَتْ لَهُ بَرَاتُهُ مِنْ النَّارِ ؛ « کسی که در خلوت دو رکعت نماز بخواند، به طوری که جز خداوند کسی او را نبیند، این نماز باعث دوری او از آتش دوزخ می گردد.»^۳ ما مِنْ عَبْدٍ يَأْتِي الصَّلَاةَ بِالْغَدَاةِ وَ الْعَشِيِّ إِلَّا ضَمَّنَ اللَّهُ لَهُ الرُّوحَ وَ الرَّاحَةَ وَ الْجَوَازَ عَلَى الصِّرَاطِ ؛ « هر بنده ای که نماز صبح و عشا را بخواند ، خداوند سبحان شادی ، آرامش و عبور از پل صراط را برای او قرار خواهد داد.»^۴

رسول خدا-صلی الله علیه و اله وسلم- فرمودند: أَطْوَلُكُمْ قُنُوتًا فِي الْوُتْرِ أَطْوَلُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ ؛ « هر که قنوت نماز وترش [در نماز شب] طولانی تر باشد، بیشترین راحتی را در روز قیامت خواهد داشت.»

۱- خصال ، ابواب ۲۹ گانه ؛ بحار الانوار ، ج ۷۹ ، ص ۲۳۲ .

۲- نهج الفصاحه ، ج هشتم ص ۱۵۸ .

۳- ارشاد القلوب ، باب ۵۱ ، ص ۲۵۷ .

۴- بحار الانوار ، ج ۸۴ ، ص ۲۸۷ .

رسول اکرم-صلی الله علیه واله وسلم- فرمودند: یا ابادر! ما مِنْ رَجُلٍ یَجْعَلُ جِبْهَتَهُ فِی بُقْعِهِ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا شَهِدَتْ لَهُ بِهَا یَوْمَ الْقِیَامَةِ؛ «ای ابادر! هیچ کس نیست که پیشانی‌اش را روی قطعه‌ای از قطعات زمین قرار دهد، مگر اینکه زمین به خاطر این سجده در قیامت به نفع او شهادت می‌دهد.»^۱

رسول خدا-صلی الله علیه واله وسلم- فرمودند: خَمْسُ صَلَوَاتٍ مَنْ حَافَظَ عَلَیْهِنَّ کَانَتْ لَهُ نُوراً وَبُرْهَاناً وَ نَجَاةً یَوْمَ الْقِیَامَةِ؛ «هر کس نمازهای پنج‌گانه را محافظت نماید [اول وقت و با حضور قلب بخواند] در روز قیامت، نور، دلیل است برا او و مایه نجاتش خواهد شد.»^۲

امام رضا-علیه السلام- فرمودند: طَوَّلُوا الْوُقُوفَ فِی الْوُتْرِ، فَإِنَّهُ رُویَ مَنْ طَوَّلَ الْوُقُوفَ فِی الْوُتْرِ قَلَّ وَقُوفَهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ؛ «ایستادن در نماز و تر را طول بدهید [قنوت و دعاهای آن را کامل بخوانید] که روایت شده هر کس ایستادنش در نماز و تر بیشتر باشد، ایستادنش در روز قیامت کمتر است.»^۳

رسول خدا-صلی الله علیه واله وسلم- فرمودند: الصَّلَاةُ ... زَادَ الْمُؤْمِنِ مِنَ الدُّنْیَا إِلَى الْآخِرَةِ ...؛ «نماز، توشه آخرت مؤمن است که در دنیا فراهم می‌آید.»^۴

رسول خدا-صلی الله علیه واله وسلم- فرمودند: فَإِذَا كَانَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ، کَانَتْ الصَّلَاةُ ظِلًّا عَلَیْهِ وَ تَاجًا عَلَی رَأْسِهِ ... وَ نُورًا یَسْعَى بَیْنَ یَدَیْهِ؛ «هنگامی که روز قیامت فرا رسد، نماز سایه‌ای بر او [نمازگزار] می‌گستراند و چون تاجی بر سر او است، و نوری است که پیش روی او را روشن می‌کند.»^۵

۱- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۸.

۲- کنز العمال، ج ۵، ص ۳۱۹.

۳- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۵۴.

۴- خصال، ابواب ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۲.

۵- ارشاد القلوب، باب ۵۲، ص ۲۶۶.

چکیده :

نماز برای نمازگزار یک سری فوائد ، آثار و برکات به دنبال دارد. البته مرز دقیقی بین این سه عنوان نمی‌توان پیدا کرد. بعضی از فواید نماز این است که گناهان را از بین برده و انسان را پاک نموده و بلاها را دفع کرده و موجب تقرب به خدا می‌گردد. موجب توفیق گفتن شهادتین در هنگام مرگ و مونس انسان در قبر و باعث نجات از عذاب قیامت و ورود آسان به بهشت می‌گردد.

بالاترین عبادت است و موجب پذیرش سایر اعمال و عبادات، سبب آمرزش گناهان، حائل بین نمازگزار و وسوسه‌های شیطان است.

نور چشم است و هنگام نماز تمام اعضاء و جوارح و اشیاء پیرامون انسان تسبیح خدا می‌گویند و این موجب صواب بیشتر برای نمازگزار است.

در دنیا موجب آرامش، نورانیت چهره و در برزخ مونس و همدم اوست و شفاعت او را می‌کند تا بر او آسان بگیرند و در آخرت موجب رفع ترس و اضطراب است و تاجی بر سر نمازگزار و مانعی بین او و آتش دوزخ و حجتی بین او و پروردگارش می‌شود. برات عبور از پل صراط و کلید بهشت است.

پرسش‌های درس:

- ۱- نماز اگر چنین خاصیت اکسیری دارد که موجب زوال گناهان می‌گردد.
الف) باخضوع باشد. (ب) در اول وقت خوانده شود.
ج) به حق انجام شود. (د) همراه با وضوی نیکو باشد.
- ۲- حضرت پیامبر - صل الله علیه وعلی اله- خطاب به اباذر می‌فرماید ای اباذر تا وقتی که در نماز هستی.....
الف) شیطان بر تو حسد می‌برد. (ب) درب بهشت بر روی تو باز است.
ج) بینی شیطان را بر خاک می‌مالی. (د) درب خانه ملک جبار را می‌کوبی.
- ۳- بنا بر فرمایش حضرت امام رضا -علیه السلام- چه چیز باعث سرعت رسیدگی به اعمال در روز قیامت است؟
الف) نماز اول وقت (ب) ایستادن طولانی در نماز وتر
ج) نماز جماعت (د) قنوت طولانی در نمازها
- ۴- بنا بر فرمایش رسول اکرم - صل الله علیه وعلی اله- نماز واقعی با حضور قلب در قیامت چگونه است؟
الف) همچون تاجی بر سر نماز گزار (ب) همچون لوء لوء و مرجان
ج) همچون ستون خیمه (د) همچون چراغی پر نور
- ۵- با چه شرطی نمازهای پنج‌گانه کفاره‌ی گناهانی می‌شود که مابین آنها انجام شده است؟
- ۶- نماز شیعیان دفع بلا از چه کسانی می‌کند؟
- ۷- ملاک تشخیص بهره بردن از منافع نماز چیست؟
- ۸- چه چیز باعث می‌شود که شیطان فریاد بلند کند که: «وای بر من»

فصل دوم

آداب و مراحل

نماز

درس ششم :

آداب و مراحل نماز

پرسش‌های اساسی

نماز چه آدابی دارد؟

آداب باطنی نماز چیست؟

نماز چه مراحل دارد؟

منظور از مقدمات نماز چیست؟

آداب نماز

نماز دارای یک سری آداب، مراحل و شرایط مختلفی است، بگونه‌ای که اعتبار و درجه قبولی آن در درگاه الهی بسته به میزان رعایت این آداب و مراحل می‌باشد، زیرا رعایت آداب نماز در کمال این عبادت موثر است. در این فصل به بررسی اهم این آداب و مراحل می‌پردازیم.

* آداب ظاهری

۱- مسواک زدن

پیامبر خدا- صلی الله علیه و آله وسلم- می‌فرمایند: « دو رکعت نماز [کسی که] مسواک زده، بهتر از هفتاد رکعت بدون مسواک است.»^۱

۲- زینت کردن

از خیثمه بن ابی خیثمه منقول است که امام حسن بن علی- علیه السلام- هرگاه به نماز می‌ایستاد، بهترین لباسش را می‌پوشید، پس به ایشان گفته شد: ای پسر فرستاده

^۱ - نهج النماحه، جمله ۱۶۶۹.

خدا، چرا بهترین لباس را می‌پوشی؟ فرمودند: «خداوند متعال زیباست و زیبایی را دوست دارد. پس برای پروردگرم خود را زیبا می‌سازم، که می‌فرماید: «نزد هر مسجد، زینتتان را بگیرید» پس دوست می‌دارم که بهترین لباسم را بر تن کنم.»

در بعض روایات بلند کردن دست تا مقابل گوش‌ها را هنگام تکبیر زینت نماز به حساب آمده است.

۳- استفاده از بوی خوش

امام صادق- علیه السلام- می‌فرمایند: «نماز شخص خوشبو، برتر از هفتاد نماز بدون بوی خوش است.»

۴- انگشتر به دست داشتن

امام علی- علیه السلام- می‌فرمایند: «پیامبر خدا -صلی الله علیه و آله وسلم- بر ما درآمد و انگشتری نقره با عقیق یمانی در دست داشت. پس با ما نماز خواند و هنگامی که نمازش را به پایان برد، آن را به من داد و فرمود: ای علی، آن را در دست راست کن و با آن نماز بخوان. آیا نمی‌دانی که نماز با عقیق برابر هفتاد نماز است؟»

۵- رعایت نماز اول وقت

یونس بن عمار می‌گوید از امام صادق -علیه السلام- پرسیدم آیا آیه «آنان که از نمازشان غافلند» ناظر به وسوسه‌ی شیطان است؟ فرمودند: «نه، همه به این مصیبت گرفتارند بلکه منظور این است که غافل شود و نماز اول وقت را از دست بدهد.»

۶- نماز واجب را در مسجد خواندن

امام علی- علیه السلام- می‌فرمایند: «برای آن دسته همسایگان مسجد که تندرست و فارغاند ولی در نمازهای واجب حاضر نمی‌شوند، نمازی نیست.»

۷- دعاکردن در آغاز نماز

امیرمؤمنان -علیه السلام- به یارانش می فرمودند: «هر کس که نماز بر پا دارد و پیش از تکبیره الإحرام بگوید:

يَا مُحْسِنُ قَدْ أَنَاكَ الْمُسِيءُ وَقَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ أَنْتَ الْمُحْسِنُ
وَأَنَا الْمُسِيءُ فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزْ عَنِّي مَا
تَعَلَّمَ مِنِّي يَعْنِي (ای نیکوکار، زشت کار نزد تو آمد و خود به نیکوکار فرمان داده‌ای که
از زشت کار بگذرد. تو نیکوکاری و من زشت کار، پس به حق محمد و خاندانش بر
محمد و خاندانش درود فرست و از زشتی‌هایی که از من می‌دانی درگذر)، خدا
می فرماید: فرشتگان من، گواه باشید که او را بخشیدم و طلبکاران او [حقوق مالی و
غیر آن] را راضی ساختم.»

۸- پناه جستن

از ابو سعید خدری منقول است که پیامبر -صلی الله علیه و آله وسلم- پیش از قرائت [احمد
در نماز] چنین می گفت:

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ « از شیطان رانده شده به خداوند پناه می برم.»

۹- آشکارا گفتن بسم الله

پیامبر خدا -صلی الله علیه و آله وسلم- فرمودند: «جبرئیل نزد آمد و نماز را به من
آموزش داد. پس بسم الله الرحمن الرحيم را آشکارا گفت.» ائمه معصومین اصرار
داشتند که بسم الله را بلند و آشکار بگویند.

۱۰- آرامش و سکون تن

سالم بن عبدالله به نقل از عقبه بن عمرو می گوید: آنگونه که دیدم پیامبر -صلی الله علیه
و آله وسلم- نماز می خواند، برایتان نماز نگزارم؟ گفتیم: چرا، پس برخاست و نماز گزارد.
هنگام رکوع، کف دستانش را بر زانوان و انگشتانش را در پشت زانوها نهاد و بازوهایش
را از زیر بغل دور ساخت تا تمام بدنش آرام گرفت. سپس سر بر داشت و ایستاد تا
تنش آرام گرفت. سپس سجده کرد و بازوهایش را از زیر بغل دور ساخت تا اینکه

بدنش آرام گرفت. سپس سرش را بلند کرد و نشست تا بدنش آرام گرفت و چهار رکعت اینگونه خواند. سپس گفت: پیامبر خدا -صلی الله علیه و آله وسلم- را دیدم اینگونه نماز می‌خواند و همین‌گونه هم برای ما نماز می‌گزارد.

امام باقر -علیه السلام- می‌فرماید: « هنگام نماز با دست و سر و صورت خود بازی مکن زیرا همه‌ی این کارها، سبب نقص نماز می‌شود، و در حالت کسالت و خواب و سنگینی مشغول نماز مشو، زیرا چنین نمازی، از آن منافقان است»^۱.

۱۱- درنگ کردن

پیامبر خدا -صلی الله علیه و آله وسلم- می‌فرماید: « هر کس نماز را طول بدهد، خداوند در روز قیامت، روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان می‌ایستند، ایستادن را از او بر می‌دارد.

۱۲- بینی به خاک مالیدن

پیامبر خدا -صلی الله علیه و آله وسلم- فرمودند: « کسی که بینی خود را همچون پیشانی به خاک نرساند، نماز (کامل) ندارد و خداوند نمازش را [بعنوان نماز کامل] نمی‌پذیرد.»

* آداب باطنی

۱. حضور قلب داشتن

پیامبر خدا -صلی الله علیه و آله وسلم- فرمودند: « ای مردم، همانا نمازگزار هنگام نماز، با پروردگار بزرگ و بلند مرتبه‌اش مناجات می‌کند. پس باید بدانند چه می‌گویند. بنده نماز می‌خواند و یک ششم [یک سوم] و حتی یک دهم آن را هم نمی‌نویسند. از نماز بنده، فقط آنچه را که درک می‌کند می‌نویسند.» امام باقر -علیه السلام- می‌فرماید: « در نماز توجه به خدا داشته باش، زیرا از نماز آن مقدار قبول می‌شود که

^۱ - محجّه البیضاء، ج ۱ ص ۳۵۴.

با توجه خوانده شود.^۱ و امام صادق - علیه السلام - بیان می‌دارند که: « هنگام نماز از دنیا و آنچه در آن است مأیوس شو و تمام توجهت را به خدا قرار ده و به یاد روزی باش که در برابر دادگاه عدل الهی قرار می‌گیری.^۲»
از امام رضا - علیه السلام - روایت شده است که « حرکت دست‌ها به بالا در موقع تکبیر در توجه و ابتغال به خدا و حضور قلب موثر است.^۳»

۲. فروتنی

امام علی - علیه السلام - درباره گفته خداوند: «آنان که در نمازشان فروتنند» فرمودند: « منظور، فروتنی در دل است و این که مسلمانان را در سایه مهر خود بگیری و در نماز به این سو و آن سو رو نکنی.»

۳. گریستن

امام صادق - علیه السلام - می‌فرمایند: « اگر فرد به سبب یاد بهشت و دوزخ بگرید، برترین کار در نماز است و اگر به سبب یاد کسی از مردگانش باشد، نمازش باطل است.»

۴. شباهت نماز خواندن به نماز خدا/حافظی کننده

پیامبر خدا - صلی الله علیه و آله وسلم - فرمودند: « در نماز، مرگ را به یاد آر که هر گاه انسان مرگ را در نماز به یاد آورد، سزاوار است که نمازش را نیکو بگذارد و مانند کسی نماز بخواند که گمان نمی‌برد جز آن، نماز دیگری بخواند.»

مراحل نماز

وآن شامل سه بخش به شرح ذیل است :

- * مقدمات نماز یعنی اموری که باید قبل از شروع به نماز به آنها پرداخت.
- * مقارنات نماز یعنی اعمال و آداب متن نماز.
- * متفرعات نماز

^۱ - محجّه البیضاء، ج ۱ ص ۳۵۴.

^۲ - محجّه البیضاء، ج ۱ ص ۳۸۲.

^۳ - وسائل الشیعه ج ۴ ص ۷۲۷.

*مقدمات نماز

مقدمات نماز را « شرایط نماز » نیز می‌گویند. مقدمات نماز یا کارهای پیش از نماز بر دو نوع هستند:

- ۱- مقدمات مستحب نماز، مانند اذان و اقامه و... پیش از نمازهای واجب یومیه.
- ۲- مقدمات واجب نماز که آنها عبارتند از:

• طهارت

نماز گزار، باید برای انجام این عبادت کسب طهارت کند که یا با " وضو " صورت می‌گیرد یا با " غسل " و در بعض شرایط با " تیمم " است. با وضو روح و جسم نمازگزار تطهیر و برای نماز آماده می‌شود.

یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلِكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ. « ای اهل ایمان چون برای نماز بر می‌خیزید، صورت‌ها و دست‌ها را تا مرفاق (آرنج) بشویید و سر و پاها را تا برآمدگی مسح کنید»

امام باقر -علیه السلام- فرموده است: لا صَلَوةَ إِلَّا بِطَهْوَرٍ^۱ « نماز بدون وضو نماز نیست. » وضو جزئی از ایمان است. نورانیت و صفای درونی می‌آورد، نشاط‌آور و کسالت‌زداست. به علاوه نظافت جسم را نیز به همراه دارد و انسان را آماده نماز می‌سازد.

فیض کاشانی گفته است: « یک مرتبه از مادیات برخاستن و به معنویت سفر کردن دشوار است وضو انسان را کم‌کم آماده می‌سازد. »

وضو کفاره‌ی گناهان کوچک است و خوب است انسان در همه حال با وضو باشد و حتی هنگام خوابیدن هم وضو بگیرد. بی‌وضو دست زدن به قرآن و نام خدا و پیامبر و امامان حرام است. طهارت به منزله‌ی اجازه ورود به حضور خداست. البته طهارت مراتبی دارد از جمله: طهارت ظاهر از نجاسات و آلودگی‌ها. طهارت اعضاء از گناهان

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۱ ص ۲۵۶.

و جرایم . طهارت روح از مفسد و رذایل اخلاقی.

گاهی طهارت لازم برای نماز با غسل میسر است . اگر نماز گزار جنب باشد یا به دلایلی غسل بر او واجب شود باید غسل کند. در مواردی هم وظیفه نمازگزار، تیمم بر خاک و زمین است آنجا که آب نباشد یا ضرر داشته باشد یا وقت برای غسل یا وضو نداشته باشد یا آب برای آشامیدن و حفظ جان لازم باشد و ...

یک نکته: مصرف آب در وضو، اگر به حد اسراف رسید حرام است و باید از مصرف بی‌رویه آن جلوگیری کرد. حضرت محمد - صلی الله علیه و آله وسلم - فرموده‌اند: **الْوُضُوءُ مَدٌّ وَالْغَسْلُ صَاعٌ وَ سَيِّئَاتِي أَقْوَامٌ يَسْتَقِلُّونَ ذَلِكَ فَأَوْلِيكَ عَلَى خِلَافِ سُنَّتِي** « برای وضو ده سیر آب و برای غسل سه کیلو آب کافی است. ولی افرادی در آینده می‌آیند که این مقدار را کم می‌شمارند و آب زیاد مصرف خواهند کرد آنها بر خلاف راه من می‌روند.»^۱

• لباس نمازگزار

شخص نمازگزار باید پوشش و حجاب واجب را در هنگام نماز رعایت کند. مردان باید در حال نماز اگرچه کسی آنان را نمی‌بیند، دو عورت جلو و پشت خود را بپوشانند. بهتر است که از ناف تا زانو را بپوشانند. و زنان باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و گردن و زیر چانه و موهای خود را بپوشانند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود و دست‌ها و پاها تا مچ لازم نیست. اما برای آنکه یقین کنند که مقدار واجب را پوشانیده‌اند، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین‌تر از مچ‌ها را هم بپوشانند. بهتر است لباس نمازگزار، سفید و پاکیزه و همراه با بوی خوش باشد و انگشتری عقیق در دست کند. نماز خواندن با لباس سیاه، چرک، تنگ و لباسی که نقش صورت دارد مکروه است.

^۱ - محجه البیضاء ج ۱ ص ۳۰۱.

لباس نمازگزار شش شرط دارد:

- پاک باشد.
- مباح باشد.
- از اجزای مردار نباشد.
- از حیوان حرام گوشت نباشد.
- اگر نمازگزار مرد است، لباس او ابریشم خالص نباشد.
- اگر نمازگزار مرد است، لباس او طلا باف نباشد.

لباس نمازگزار در هنگام نماز باید پاک باشد و اگر عمداً و در حال اختیار با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است. اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، نمازش صحیح است. اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از نماز بیاد بیاورد، باید نمازش را دوباره بخواند و یا اگر وقت نماز گذشته است، نماز را قضا کند و دوباره بخواند. اگر نداند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است. زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مردان حرام و نماز خواندن با آنها باطل است.

• مکان نمازگزار

مکان نمازگزار باید دارای شرایطی باشد از جمله:

شرط اول: آنکه مکان و جایی که در آن نماز می‌خوانیم مباح و غیرغصبی باشد. نماز خواندن در جایی که صاحبش راضی نیست، کار حرامی می‌باشد و نماز خواندن در آنجا باطل است. مثلاً اگر کسی در جایی از مسجد نشسته باشد، ما نباید جای او را بگیریم و غصب کنیم و در آنجا نماز بخوانیم.

شرط دوم: آنکه مکان و جایی که در آن نماز می‌خوانیم بی حرکت، یعنی ثابت باشد. مثلاً در حال اختیار اگر قطار حرکت می‌کند، نمی‌توانیم در قطار نماز خود را بخوانیم.

شرط سوم: آنکه مکان نماز اگر نجس است، به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس ما برسد. ولی جایی که پیشانی را بر آن می‌گذاریم اگر نجس باشد، در صورتی که خشک هم باشد نماز باطل است و خوب است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

برای مردان مستحب است نماز را در مسجد بخوانند ولی زنان بهتر است که در خانه و خارج از دید دیگران نماز بخوانند. نماز در حرم امامان بهتر از مسجد و در حرم امیرالمومنین برابر دو بیست هزار نماز است.

نماز خواندن در حمام، زمین نمکزار، مقابل انسان، دری که باز است، آتش، چاه و چاله ای که محل فاضلاب است، عکس و مجسمه و در جاده و خیابان و کوچه و مکروه است.

• شناخت قبله

نماز باید به سوی قبله باشد قبله‌ی ما کعبه‌ی مقدس است. گرچه خدا در طرف خاصی نیست که به او رو کنیم هر طرف که رو کنیم خدا آنجاست **أَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ** ولی هم برای گرامی‌داشتن خاطره‌ی حضرت ابراهیم -علیه السلام- بنیانگذار خانه‌ی توحید هم برای متوجه ساختن دل به نقطه‌ای مقدس هم برای هماهنگی و نظم عبادت کنندگان و نمازگزاران در جهت‌گیری عبادی و هم برای اسرار دیگر ماموریم که قبله نمازمان را کعبه قرار دهیم.

مسلمانان اوایل بسوی بیت المقدس نماز می‌خواندند. و این یهودیان بودند که زخم زبان می‌زدند که مسلمانان قبله ندارند و بسوی قبله‌ی ما عبادت می‌کنند.

پیامبر منتظر تکلیف الهی بود. فرمان رسید هر کجا هستید روی را به سوی مسجد الحرام کنید. این فرمان این درس را می‌دهد که مسلمانان باید متکی به خود و مستقل باشند حتی در مسأله‌ی قبله و جهت نماز. از این رو امت اسلام نماز و دعا و ذبح حیوان و حتی خواب و خوراک را به سوی قبله انجام می‌دهند تا به موازات توجه ظاهری به کعبه، دل و جان انسان نیز جهت‌گیری خدایی داشته باشند و همه جا و در همه حال به یاد خدا و توحید باشند. کعبه هم یادگار حضرت ابراهیم و اسماعیل -علیهم السلام- و حضرت محمد -صلی الله علیه و آله وسلم- است، هم نقطه‌ی شروع حرکت عاشورایی امام حسین -علیه السلام- بود و هم تکیه‌گاه امام زمان -علیه السلام- در قیام جهانی

خویش خواهد بود.

• اذان

اذان شعار توحیدی مسلمانان است. اذان اعلام یکتایی خدا، رسالت حضرت محمد -صلی الله علیه و آله وسلم-، ولایت علی-علیه السلام-، رستگاری در سایه نماز و تکبیر خداوند است.

اذان فریادی بر ضد معبودهای خیالی، معرفی عقیده‌ی اسلامی و شعار اسلام است. نخستین مؤذن اسلام بلال حبشی بود که با اذان او مردم به نماز حاضر می‌شدند و مؤذن شدن او دلیل اعتبار تقوا و ایمان در دیدگاه اسلام است نه رنگ و قیافه و نژاد ثروت!

اذان هم فراخواندن امت اسلام به شرکت در نماز جماعت است هم آماده‌سازی جان و دل برای ورود به نماز. وقتی طنین ملکوتی نماز در فضا می‌پیچد، دل مومنان را به سوی خدا می‌کشد و بر وحشت و خشم کافران می‌افزاید. مرحوم شهید نواب صفوی به یاران خود دستور داده بود هنگام ظهر و مغرب هر کجا که بودید با فریاد بلند اذان بگویند. همین اذان‌ها وحشتی در دل ماموران نظام طاغوت به وجود آورده بود. این گوشه‌ای از معنای حدیثی است که می‌فرماید: « با صدای بلند اذان شیطان عصبانی می‌شود و فرار می‌کند.»

بی‌جهت نیست که گلاستون- سیاستمدار انگلیسی- در پارلمان گفته بود تا نام محمد -صلی الله علیه و آله وسلم- بر فراز مناره‌ها بلند است و تا کعبه پا برجاست و قرآن کتاب راهنمای مسلمین است امکان ندارد سیاست ما در سرزمین‌های اسلامی استوار شود.

آری ... اذان شعار باطل کوب و دشمن‌شکن توحید است. ما نیز از عمق جان علی رقم خواسته مشرکان و کافران امروزی در سراسر جهان اعلام می‌کنیم:

الله اکبر... الله اکبر... لاله الا الله محمد رسول الله.

• وقت نماز

بسیاری از نمازها وقت معینی دارند، یعنی اگر نمازها در آن وقت معین خوانده شوند، صحیح است و اگر قبل از وقت یا بعد از وقت آن خوانده شوند، باطل است. یکی از این نمازها، نمازهای واجب یومیه (شبانه‌روزی) است. هریک از نمازهای واجب شبانه‌روزی (یومیه) باید در وقت خود خوانده شوند. وقت نمازهای یومیه و پنج‌گانه به این صورت است:

- وقت نماز صبح: از اذان صبح زمانی که سفیدی و روشنایی در آسمان مشرق پهن شود [فجر صادق] تا طلوع آفتاب است.
- وقت نماز ظهر: از اول ظهر که سایه شاخص [میل‌ه‌ای] که در زمین فرو می‌کنند به کوتاه‌ترین حد خود می‌رسد تا چهار رکعت مانده به مغرب است.
- وقت نماز عصر: بعد از نماز ظهر تا هنگام مغرب است.
- وقت نماز مغرب: از اول مغرب زمانی که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب خورشید پیدا می‌شود از بین برود تا چهار رکعت مانده به نصف شب شرعی است.
- وقت نماز عشاء: بعد از نماز مغرب تا نصف شب شرعی است.

نمازی را که در وقت معین خود خوانده می‌شود «نماز ادا» می‌گویند. مثلاً اگر نماز صبح بعد از اذان صبح و قبل از طلوع خورشید خوانده شود به آن، نماز ادا می‌گویند. نمازی که بعد از وقت معین خود خوانده می‌شود را «نماز قضا» می‌گویند. مثلاً اگر نمازگزار خواب بماند و نماز صبح را بعد از طلوع خورشید بخواند، به آن، نماز قضا می‌گویند. باید مراقب بود که نمازها قضا نشوند، یعنی هر نمازی در وقت معین خود خوانده شود. ولی هرگاه نماز واجبی در وقت خود خوانده نشد، باید قضای آن را به‌جای آورد. اگر فردی نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد. تا انسان زنده است اگرچه از خواندن نماز قضاها خود عاجز و ناتوان باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید.

دو نکته :

* انسان وقتی می‌تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت نماز داخل شده است.

* کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد باید نماز را به نیت ادا

بخواند.

چکیده:

پذیرش و درجه قبولی نماز بستگی به میزان رعایت آداب و مراحل نماز دارد. هر قدر آداب نماز کاملتر باشد ارزش و اعتبار آن بیشتر می‌شود. مثلاً مسواک ارزش نماز را هفتاد برابر می‌کند.

آداب نماز دو بخش است: ظاهری و باطنی. بعضی از آداب ظاهری عبارتند از : مسواک‌زدن، زینت کردن، استعمال بوی خوش، رعایت اول وقت، خواندن دعای قبل از تکبیره الإحرام، آرامش بدن، گذاشتن بینی بر خاک و..... و از جمله آداب باطنی می‌توان حضور قلب، فروتنی، گریه از خوف خدا و..... را نام برد.

و اما قبل از ورود به نماز باید مقدماتی را فراهم نمود . اول طهارت، انسان باید طهارت داشته باشد و آن سه رتبه دارد طهارت ظاهر، اعضاء و روح . وضو یک نوع طهارت است برای نماز. دوم پوشش، مردان هنگام نماز حداقل باید عورتین خود را بپوشانند و زنان تمام بدن را بجز قرص صورت و دست و پا تا مچ و لباس نمازگزار باید پاک و مباح باشد و از اجزای حیوان حرام گوشت و مردار نباشد. لباس مردان طلا یا ف و از ابریشم خالص نباشد. سوم مکان؛ مکان و فرش نمازگزار باید مباح و غیر غصبی باشد، ثابت و بی حرکت و پاک باشد و اگر نجس است رطوبت سرایت‌کننده نداشته باشد. چهارم قبله، نماز باید به سوی قبله باشد و قبله مسلمین به جهت استقلال از دیگر امم خانه خدا یعنی کعبه است. پنجم اذان که شعار توحیدی و دشمن‌شکن مسلمانان است و موجب وحشت شیطان و طاغوتیان است. ششم وقت، هر نمازی را باید در زمان و وقت معین شده خود بجای آورد که در این صورت به آن نماز " ادا " و اگر بعد از زمان مشخص شده خوانده شود به آن نماز " قضا " می‌گویند.

پرسش‌های درس

- ۱- ارزش نماز با بوی خوش چقدر است؟
الف) هفت برابر (ب) ده برابر (ج) هفتاد برابر (د) صد برابر
- ۲- بنا بر فرمایش پیامبر در چه صورتی ایستادن در روز قیامت از نمازگزار برداشته می‌شود؟
الف) در صورتی که نماز را با آرامش بخواند. (ب) در صورتی که نماز را طول بدهد.
ج) در صورتی که بینی را بر خاک بمالد. (د) در هر سه صورت
- ۳- مقدار پوشش لازم در نماز برای مردان چیست؟
الف) از ناف تا زانو (ب) در حد پوشاندن عورتین
ج) تمام بدن (د) از سرشانه تا مچ پا
- ۴- کسی که به اندازه خواندن وقت دارد باید نمازش را به نیت «ادا» بجای آورد.
الف) یک نماز (ب) سوره حمد (ج) یک رکعت (د) الف وج
- ۵- یادآوری مرگ در نماز برای چیست؟
- ۶- خداوند فرشتگان را گواه بر چه چیزی می‌گیرد؟ و چرا؟
- ۷- امام رضا چه چیز را در حضور قلب موثر می‌داند؟
- ۸- چرا پیامبر قبله را از بیت‌المقدس به سوی کعبه برگردانید؟
- ۹- پیامبر اسلام در مورد میزان لازم آب برای وضو و غسل چه می‌فرمایند؟

درس هفتم:

مقارنات یا واجبات نماز (۱)

پرسش‌های اساسی

نیت چیست و در نماز چگونه باید باشد؟

حقیقت تکبیره الإحرام چیست؟

ویژگی خاص قیام در نماز چیست؟

• نیت

سر فصل هر عبادت و نخستین جزء واجب و یکی از ارکان نماز، نیت است. نیت تعیین‌کننده ارزش هر عمل است، «الأعمال بالنیات». انگیزه آگاهانه نسبت به هر عمل «نیت» آن است و در عبادت این انگیزه باید خدایی باشد، انسان باید نماز را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند و رضایت او بجای آورد. عمل بدون نیت مانند جسد بدون روح است که ارزش ندارد و کار وی بی نتیجه و عبادتش فاسد و رنجش بی‌اثر خواهد بود. و روح نماز، اخلاص در نیت است و اصلاً امری که از جانب خداوند به عبادت تعلق گرفته، (به خصوص در نماز)، عبادت با نیت و خالص است.

اخلاص در عمل

و ما أمرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ^۱. «و به آنها دستوری داده نشده بود؛ جز این که خدا را بپرستند، عبادتی خالص و منزّه از همه شوائب».

و یا در آیه‌ای دیگر:

فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَ لَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أُخَذَ^۲.

«پس هر که به لقای پروردگارش امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند».

۱- سوره بینه، آیه ۵.

۲- سوره کف، آیه ۱۱۰.

کسی که امید دارد به وسیله عمل عبادی خود به دیدار با خدا نایل آید، بر او لازم است عمل صالح را با نیت خالص به پیشگاه خدا عرضه کند. حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کنند که حضرت فرمودند:

« کسی نیت صادق و خالص خواهد داشت که دلی خالص و قلبی سلیم داشته باشد؛ قلبی که از همه خاطرات و خطورات زشت و ناپسند منزه باشد آن گاه او می‌تواند نیت خود را خالص کند؛ آن هم برای روزی که مال و فرزندان سودی نمی‌بخشد مگر کسی که با قلب سلیم به پیشگاه خدا آید»^۱.

سلامت و پاکی دل در این دنیا با عبادتی مثل نماز، تقویت می‌شود؛ و اگر انسان موفق نشود که در عبادتی، مانند نماز، نیت خالص و به دور از همه شوائب داشته باشد، در هیچ عملی این توفیق را پیدا نخواهد کرد. اساساً نماز و هر عبادت دیگری، با ریا، عُجب و یا هر چه که با عبادت در تضاد است، تفاوت ماهوی و ریشه‌ای دارد؛ به این معنی که اگر در نیت عبادت، غیر خدا لحاظ شد، دیگر عبادت نخواهد بود. نماز ریایی؛ که نیت غیر خدا در آن است نمازی است که معبود در آن فراموش شده و مورد غفلت واقع شده است. قرآن نیز اینگونه نماز را نشأت گرفته از نفاق می‌داند:

إِنَّ الْمُنَافِقِينَ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَادِعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَ لَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا. « منافقان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ در حالی که او آنها را فریب می‌دهد؛ و هنگامی که به نماز برمی‌خیزند، با کسالت بر می‌خیزند؛ و در برابر مردم ریا می‌کنند؛ و خدا را جز اندکی یاد نمی‌نمایند».

منافقین در نمازشان با خدا خدعه می‌کنند. از راه مکر و حيله‌گری وارد شده‌اند و در حقیقت تظاهر به عبادت و پرستش می‌کنند و خدا را از یاد برده‌اند.

آفات اخلاص در عمل

در بعضی از تعبیرات، به کسانی که در عمل خود، غیر خدا را شریک می‌کنند بدتر از نفاق، کفر محض و مطلق را به آنها نسبت داده است؛ مثلاً رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ

۱- سوره شعراء، آیه ۸۸ و ۸۹.

۲- سوره نساء، آیه ۱۴۲.

إِلهٍ وَ سَلَّمَ - فرمودند: إِنَّ أَوْفَ مَا أَخَافَ عَلَيْكُمُ الشِّرْكَ الْأَصْغَرَ، قِيلَ: وَ مَا الشِّرْكَ الْأَصْغَرَ يَا رَسُولَ اللَّهِ - صلى الله عليه وآله وسلم -؟ قَالَ: الرِّيَاءُ^۱.

« خطرناک‌ترین چیزی که من بر شما می‌ترسم، شرک اصغر است، گفتند: یا رسول‌الله! شرک اصغر چیست؟ در جواب فرمودند: ریا [در عمل و عبادت] »

از آسیب‌هایی که خلوص را در معرض خطر قرار می‌دهد و آفت بسیار خطرناکی است، تظاهر و ریاکاری است.

امام سجاد -علیه السلام- در دعای مکارم‌الأخلاق می‌فرماید:

وَ عِبْدَنِي لَكَ وَ لَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ^۲. « خدایا! مرا بنده خود قرار ده تا عبادت کنم، اما نگذار این عبادتم با عجب و خودپسندی باطل شود».

روایت دیگری از امیرالمؤمنین -علیه السلام- نقل شده است که می‌فرماید:

سَيِّئُهُ تَسُوؤُكَ خَيْرٌ مِنْ حَسَنِهِ تَعْجِبُكَ^۳. « گناهی که تو را آزار دهد و متأثر کند، بهتر از عبادت و حسنه‌ای است که تو را گمراه کند و موجب عجب و خودپسندی تو شود».

سرّ این مطلب نیز روشن است: حسنه مؤمن بی‌ظرفیت ممکن است او را به وادی تباهی و سقوط ببرد، ولی یک گناه هشداردهنده موجب نجات او می‌شود، چنان که نمونه آن را در سخن امام سجاد -علیه السلام- می‌بینیم که فرمودند: دَخَلَ رَجُلَانِ الْمَسْجِدَ أَحَدُهُمَا عَابِدٌ وَ الْآخَرُ فَاسِقٌ فَخَرَجَا مِنَ الْمَسْجِدِ وَ الْفَاسِقُ صَدِيقٌ وَ الْعَابِدُ فَاسِقٌ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَدْخُلُ الْعَابِدُ الْمَسْجِدَ مَدْلًا بِعِبَادَتِهِ يَدُلُّ بِهَا فَتَكُونُ فِكْرَتُهُ فِي ذَلِكَ وَ تَكُونُ فِكْرُهُ الْفَاسِقُ فِي التَّنَبُّهِ عَلَى فِسْقِهِ وَ يَسْتَغْفِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِمَّا صَنَعَ مِنَ الذُّنُوبِ^۴.

« دو فرد وارد مسجد شدند؛ یکی عابد و زاهد، دیگری فاسق و گناهکار. به هنگام خروج از مسجد آن عابد، فاسق شد و آن فاسق به یک صدیق پاکیزه تبدیل شد؛ زیرا عابد، مغرور به عبادت خود شد و عجب او را گرفت و فاسق به هنگام خروج از مسجد، در خاطرش پشیمان و نادم از گناهان بود و از خدا استغفار می‌کرد».

بنابراین، گناهی که انسان را تکان دهد و تنبیه کند، از نظر روحی و روانی برای او

۱- بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۲۲۶، حدیث ۱.

۲- صحیفه سجادیه، ص ۱۲۹ (دعای بیستم).

۳- تصنیف غرر الحکم، ص ۳۰۸، حدیث ۷۰۸۱.

۴- کافی، ج ۲، ص ۳۱۴، حدیث ۶، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۱، حدیث ۲۴۱.

بهتر از حسنات و عباداتی است که موجب غرور و خودپسندی او شود. بر این اساس در باب نیت، این نکته خیلی دقیق است که امیرالمومنین -علیه السلام- فرمودند: مَنْ حَسَنَتِ نِيَّتَهُ ، أَمَدَهُ التَّوْفِيقُ^۱. «اگر کسی نیت خود را پاکیزه کرد و نیت سالم پیدا کرد، توفیق الهی او را یاری می‌کند».

عطایا و تفضلات الهی و اجر و ثواب پروردگار در دنیا و آخرت براساس نیت انسان است. عَلَي قَدْرِ النِّيَّةِ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ الْعَطِيَّةُ^۲. «به همان مقداری که انسان نیت کار خیر می‌کند، حتی اگر به مرحله عمل هم نرسد، خدا تفضل می‌کند»..

در روایتی از رسول اکرم -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ- وارد شده است که فرمودند: مَنْ أَتَى فَرَاشَهُ وَهُوَ يَنْوِي أَنْ يَقُومَ يَصَلِّيَ مِنَ اللَّيْلِ فَلَعَلَّتْهُ عَيْنَاهُ حَتَّى أَصْبَحَ كَتَبَ لَهُ مَا نَوَى وَكَانَ نَوْمُهُ صَدَقَةً عَلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۳.

«کسی که به بستر برود و نیتش این باشد که قبل از اذان صبح برخیزد و نماز بخواند، چنانچه خواب او را بگیرد و تا صبح بیدار نشود، خداوند همین نیت او را که قصد انجام نماز شب داشته برای او ثبت می‌کند و این خواب هم به عنوان صدقه و عنایتی از جانب خدا برای او نوشته می‌شود».

وقتی در زیارت سید الشهداء -علیه السلام- می‌گوییم: يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزُ فَوْزاً عَظِيماً^۴. «ای کاش با شما بودم تا به رستگاری بزرگ می‌رسیدم».

اگر واقعا در این گفته صادق باشیم، بنا به تصریح روایات و کلمات اهل بیت -علیهم السلام- ثواب شهدای کربلا و حضور در رکاب حضرت اباعبدالله -علیه السلام- نصیب ما می‌شود.

در خطبه دوازدهم نهج البلاغه می‌خوانیم: لَمَّا أَظْفَرَهُ اللَّهُ بِأَصْحَابِ الْجَمَلِ وَ قَدْ قَالَ لَهُ بَعْضُ أَصْحَابِهِ : وَدِدْتُ أَنْ أَخِي فَلَانَا كَانِ شَاهِدَتَنَا لِبِرِّي مَا نَصَرَكَ اللَّهُ بِهِ عَلَى أَعْدَائِكَ فَقَالَ لَهُ

۱- تصنیف غررالحکم، ص ۹۲، حدیث ۱۶۰۵.

۲- تصنیف غررالحکم، ص ۹۲، حدیث ۱۵۹۴.

۳- سنن نسائی، ج ۳، ص ۲۵۸.

۴- مفاتیح الجنان، ص ۷۰۱ (زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام).

علیه السلام أهوی أخیك مَعَنَا؟ فقال : نعم ، قال فقد شهدنا و لقد شهدنا! فی عسکرنا هذا أقوام فی أصحاب الرجال و أرحام النساء، سیرَعْفُ بهم الزمان و یقوی بهم الايمان^۱.

« وقتی امیرالمؤمنین - علیه السلام - پیروزمندانه از واقعه جنگ جمل باز می‌گشتند، یکی از اصحاب نزد حضرت رفت عرض کرد: ای کاش فلان دوست من هم این جا بود و از این پیروزی شما بر دشمنانت لذت می‌برد! حضرت به او فرمودند: آیا دل و فکرش با من و تو است؟ عرض کرد: آری یا امیرالمؤمنین! حضرت فرمودند: با این نیت که او دارد، مانند دیگر اصحاب جمل که حضور دارند، او هم حاضر و شاهد است؛ نه تنها دوست تو، بلکه بسیاری از انسان‌هایی که در طول زمان‌های دور خواهند آمد و اینک بر پشت پدران و یا در رحم مادرانند و هنوز قدم به این دنیا نگذاشته‌اند، ثواب حضور در این جنگ و پیروزی را دارند».

این نیست جز این که کسانی در طول تاریخ بعد از امیرالمؤمنین - علیه السلام - آمدند و بر مظلومیت آن حضرت گریستند، آرزو می‌کردند که ای کاش آنها هم در جمل، صفین و نهروان بودند و مولایشان را یاری می‌کردند. اینها با این نیت و صفای درون یقیناً از یاران امیرالمؤمنین - علیه السلام - هستند.

در سخن دیگری از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - روایت شده که در یکی از جنگ‌ها (ظاهراً جنگ تبوک) فرمودند: تَرَكْنَا فِي الْمَدِينَةِ أَقْوَامًا لَا نَقْطَعُ وادِيًا و لَا نَصْعَدُ صُغُودًا و لَا نَهْبِطُ هُبُوطًا إِلَّا كَانُوا مَعَنَا. قَالُوا: كَيْفَ يَكُونُونَ مَعَنَا و لَمْ يُشْهَدُوا، [أَقَالَ] يُحْشِرُ النَّاسَ عَلَي نِيَاتِهِمْ^۲.

« ما افرادی را در مدینه گذاشتیم و آمدیم ، که نه با ما راهی را آمده‌اند و نه پستی و بلندی‌ها را با ما طی کرده‌اند؛ اما آنها در پیمودن همه این بیابان‌ها و کوه‌ها و دامنه‌ها با ما همراه بودند. سوال کردند: یا رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - چگونه آنها با ما بودند و ما آنها را نمی‌دیدیم!؟ حضرت فرمودند: مردم در قیامت بر اساس نیت‌هایشان محشور می‌شوند».

۱- نهج البلاغه ، ص ۹، خطبه ۱۲.

۲- کنز الاعمال ، ج ۳، ص ۴۲۲، حدیث ۷۲۶۱.

در غیر این صورت اصلاً خلود در نعیم و عذاب و جهنم و بهشت الهی معنا ندارد، کسی پنجاه سال گناه می‌کند و مشرک است، یک عمر که هیچ، بلکه برای همیشه در عذاب الهی مخلد است. خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضُ^۱ کسی که چهل سال، کمتر یا بیشتر عمل خیر انجام داده و مومن بوده است، برای همیشه مخلد در نعیم الهی است؛ و این نیست جز به خاطر نیت.

پس اخلاص در نیت، سنگین‌ترین وزنه در میزان اعمال است. از طرفی در عین این که گران‌قیمت و ارزشمند است؛ در دنیا و آخرت کاربرد و کارایی دارد و سهل و آسان است؛ از سویی دیگر بسیار مشکل و سخت است؛ چرا که یک جدال واقعی و منازعه‌ای سنگین با تمایلات نفسانی است که اگر انسان بتواند بر آن غلبه کند، حاصلش خیلی زیبا و شیرین است.

امام سجاده - علیه السلام - در دعای نهم صحیفه سجادیه، می‌فرماید:

اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ هَمَسَاتِ قُلُوبِنَا، وَحَرَكَاتِ أَعْضَائِنَا، وَ لَمَحَاتِ أَعْيُنِنَا وَ لَهْجَاتِ أَلْسِنَتِنَا فِي مُوجِبَاتِ ثَوَابِكَ^۲.

« خدایا! بر محمد - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - و خاندانش درود فرست و آنچه را که در دل‌های ما می‌گذرد و حرکتی که اعضا و جوارح ما مرتکب می‌شوند و چشم برهم زدن‌ها و سخنان ما را مشمول ثواب خود قرار ده.»

آنچه به قلب انسان خطور می‌کند، در پرونده عمل انسان ثبت می‌شود. سوال این است که نیت خیر عمل نیست، پس چگونه در پرونده اعمال به عنوان حسنه ثبت و ضبط می‌شود. باید گفت منشا اعمال، نیت است و اگر نیت، فکر و اندیشه انسان، در مسیر خیر و صلاح باشد، همان خلوص در نیت است که برای انسان ارزش دارد و فقط نیت پاکیزه و منزّه برخاسته از قلب سلیم می‌تواند چنان روح مقدسی در اعمال ناچیز و بی‌مقدار انسان بدمد، تا آنها را به اعمالی موثر در دنیا و آخرت، و سنگین در میزان اعمال تبدیل کند.

^۱ - سوره هود، آیه ۱۰۷.

^۲ - صحیفه سجادیه، ص ۸۷ (دعای نهم).

• تکبیره‌ی الإحرام

یکی از ارکان نماز تکبیره‌ی الإحرام است. قبل از تکبیر، ادعیه منصوصه‌ای وارد شده که توجه انسان را به سمت معبود بیشتر می‌کند. یکی از این دعاها این عبارت است: **وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ خَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ!** «رو به سوی کسی آورده‌ام که خالق آسمان‌ها و زمین است؛ دانای نهان و آشکار است و من تسلیم او شده‌ام و از مشرکان نیستم».

نه این که صرفاً رو به قبله ایستاده‌ام، بلکه دل به او داده‌ام؛ پس باید نمازگزار مراقب باشد که واقعا دل را متوجه او کند. در این عبارت می‌گوید: که رو به سوی تو آورده‌ام و مشرک هم نیستم. البته معلوم است کسی که به نماز می‌ایستد، برای خدا شریک قائل نیست، ولی باید مراقب ابتلا به شرک خفی که ریا و تظاهر است باشد تا آلوده نشود. حضرت رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - فرموده‌اند: **ذَانَّ أَحْوَفَ مَا أَحَافَ عَلَيْكُمْ الشُّرْكَ الْأَصْغَرَ، قِيلَ: وَ مَا الشُّرْكَ الْأَصْغَرَ يَا رَسُولَ اللَّهِ -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ-؟ قَالَ: الرِّيَاءُ.** «خطرناک‌ترین چیزی که من بر شما می‌ترسم، شرک اصغر است، گفتند یا رسول الله! شرک اصغر چیست؟ در جواب فرمودند: ریای در عمل و عبادت».

شرک اصغر که تظاهر و آلودگی به ریا است، یکی از خطرات و آفات بسیار مهم است و درباره شرک در عبادت فرموده‌اند: **إِنَّ الشُّرْكَ أَحْفَى مِنْ ذَبِيبِ النَّمْلِ عَلَى صَفَاهِ سَوْدَاءَ فِي لَيْلِهِ ظُلْمَاءٌ.**³

«شرک در عبادت از حرکت مورچه‌ای بر روی سنگ خارا سیاه در دل شبی تاریک پنهان‌تر است».

پس این مطلب انسان را تنبیه می‌دهد که غیر از خدا هر نیت دیگری را باید از خویش دور کند. دیگر این که می‌گوید: **خَنِيفًا مُسْلِمًا** «من مسلمان هستم». بیعتی است که مسلمان به حکم مسلمان بودنش رو به قبله ایستاده و نماز می‌خواند؛ اما در

۱- کافی، ج ۳، ص ۳۱۰، حدیث ۷.

۲- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۲۶۶، حدیث ۱.

۳- بحارالانوار، ج ۶۹، ص ۹۳، حدیث ۳.

این جا به یک نکته‌ای توجه می‌دهد و آن این که : **الْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ يَدِهِ وَ لِسَانِهِ**^۱. «مسلمان کسی است که دیگران از آزار دست و زبان او ایمن باشند». اگر واقعا چنین نبوده، باید از همان وقت که این کلمات را بر زبان می‌آورد و اعتراف می‌کند که من مسلمانم، نسبت به گذشته نادم پشیمان باشد. عبارت دیگری که در مقدمه نماز مستحب است : **انَّ صَلَاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**^۲. «نماز من، راه و روش من، زندگی من، مرگ من، همه برای خداست».

یعنی همه حرکات و سکنتات من برای خداست و برای خود هیچ قائل نیستم و به درستی که باید این چنین باشد که انسان همه زندگی خود را بر اساس فرمان الهی تنظیم کند. خشم و سخط و همه افعال و کارهای او باید بر اساس رضای الهی تنظیم شده باشد. آنچه خدا می‌پسندد فعل و کار او باشد و آنچه مبعوض ذات حق تعالی است مطلقا انجام ندهد. در حقیقت در مقدمه ورود به محضر دوست با بیان این عبارات و با القای این مفاهیم خود را تربیت می‌کند و باید خیلی مراقب باشد که در بیان این کلمات دروغ نگفته باشد. در دعای منصوص دیگر این عبارت است :

يا محسن قد اءتاك المسىء و قد اءمرت المحسن اءن يتجاوز عن المسىء و اءنت المحسن و اءنا المسىء فبحق محمد و آل محمد صل على محمد و آل محمد... و تجاوز عن قبيح ما تعلم منى^۳.

«ای خدای محسن و نیکوکار! این بنده گناهکار بدکردار به پیشگاه تو آمده است . خدایا! تو امر کرده‌ای که نیکوکاران از گناه بدکاران بگذرند. خدایا! تو نیکوکاری و من هم گناهکار و بدکردار؛ پس تو را قسم می‌دهم به حق محمد و آل محمد از سیئات اعمال و از کارهای قبیح و زشت من [به زیبایی ها و کمال و جمال خود] بگذر».

این همان تعبیری است که امام سجاد -علیه السلام- در وصف نماز و در بیان حقوق نماز فرمودند: **الطَّلْبُ إِلَيْهِ فِي فَكَاكِ رَقَبَتِكَ الَّتِي أَحَاطَتْ بِهَا خَطِيئَتِكَ وَ اسْتَهْلَكَتْهَا دُئُوبِكَ**

^۱ - معانی الاخبار، ص ۲۳۹، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۸، حدیث ۱۶۳۰۰.

^۲ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۸، حدیث ۱۶۳۰۰.

^۳ - مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۱۲۳، حدیث ۴۲۹۴.

به گونه‌ای سخن بگویند و از خدا طلب کند که بدکاری‌ها و زشت‌کاری‌های خود را به یاد آورد؛ قصور و ناتوانی خود را در مقابل نعمت‌های غیرقابل شمارش خدا به یاد آورد. به قول سعدی :

بنده همان به، که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد
ور نه سزاوار خداوندیش کس نتواند که به جای آورد

معنای تکبیر

حالا، بعد از توجه تام و کامل، تکبیر می‌گویند، معنای تکبیر به نقل از روایت این است که : **اللَّهِ اكْبَرُ مِنْ أَنْ يُوصَفَ**^۱. «او بزرگ‌تر از آن است که به وصف درآید» به تعبیر دیگر : **اللَّهِ اكْبَرُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ**^۲. «او از هر چیز و از هر کس بزرگ‌تر است». و یا این که : **اللَّهِ لَا يُدْرِكُ بِالْحَوَاسِ ، وَ لَا يُقَاسُ بِالنَّاسِ**^۳. «خدا بالاتر و بزرگ‌تر از این است که با حواس ما قابل ادراک و با سایر مخلوقاتش قابل قیاس باشد». به تعبیر امام حسین -علیه السلام- : **أَيُّكُونُ لَغَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ المَظْهَرُ لَكَ**^۴. «آیا مخلوقات خدا ظهور و تجلیشان از او بیشتر است تا آن‌ها برهان و دلیل بر او قرار بگیرند».

در روایتی از امام صادق -علیه السلام- نقل شده که فرمودند: **فَإِذَا كَبَّرْتَ فَاسْتَصْغِرْ مَا بَيْنَ السَّمَاوَاتِ الْعُلَى وَ الثَّرَى ، دُونَ كِبْرِيَاءِهِ**^۵. «وقتی تکبیر گفتی، همه چیز، هر چه بین آسمان و زمین است نزد تو کوچکتر از کبریایی و عظمت ذات ذوالجلال الهی است». بنده واقعی که خدا را یاد می‌کند این چنین است که : **عَظَّمَ الخَالِقُ فِي أَنْفُسِهِمْ قَصَّعَرًا مَا دُونَهُ فِي أَعْيُنِهِمْ**^۶. «خالق در نزد او از هر چیز بالاتر و والاتر است و در چشم او همه مخلوقات کوچک، حقیر و ناچیزند». اما باید مراقب باشی که آنچه بر زبان جاری می‌کنی قلب و دلت نیز تصدیق کند

۱- کافی ، ج ۱۰، ص ۱۱۷، حدیث ۸.

۲- کافی ، ج ۱، ص ۱۱۷، حدیث ۸.

۳- تفسیر امام عسکری علیه السلام ، ص ۵۹.

۴- مفاتیح الجنان ، ص ۴۵۱ (دعای عرفه).

۵- مستدرک الوسائل ، ج ۴، ص ۹۶، حدیث ۴۲۲۰.

۶- نهج البلاغه ، ص ۱۱۹، خطبه ۱۹۳.

وگرنه دروغگو و منافق هستی هرچند کلام تو راست است و مطابق با واقع اما چون دل مریض است و به آنچه بر زبان می‌آورد اعتقاد راسخ ندارد، خداوند شهادت می‌دهد که تو دروغ می‌گویی، همان طور که در قرآن می‌فرماید: «[ای پیامبر] وقتی منافقان نزد تو آمدند و گفتند: شهادت می‌دهیم که تو رسول خدا هستی. خدا می‌داند که تو رسول او هستی [با این حال] خدا شهادت می‌دهد که منافقان دروغ می‌گویند.»^۱

وقتی خداوند، بنده نمازگزار را می‌بیند که تکبیر می‌گوید؛ و او را به بزرگی یاد می‌کند، اما در دلش شایبه و عارضه‌ای نسبت به حقیقت تکبیر وجود دارد، او را خطاب می‌کند که آیا تو با من خدعه می‌کنی و دروغ می‌گویی؟ به زبان، تکبیر می‌گویی، اما در دلت نسبت به کبریایی و عزت و جلال من شائبه وجود دارد؟ یا کاذب اتَّخَذْتَنِي و عِزَّتِي و جَلَالِي لِحَرَمْنِكَ حَلَاوَه ذِكْرِي و لِحَبْنِكَ عَن قَرْبِي و الْمَسَارَةَ بِمَنَاجَاتِي^۲. «بدان که با این خدعه، تو را از شیرینی یاد خود محروم می‌کنم و مقام قرب خودم را بر تو محجوب می‌دارم و تو را از لذت گفتگوی با خود محروم می‌نمایم.»

خلاصه این که باید ذات اقدس الهی نزد نمازگزار از همه چیز بزرگ‌تر و مهم‌تر باشد، و دنیا و متعلقاتش باید در قبال فرمان‌ها و خواسته‌های او ناچیز باشد؛ وگرنه نتیجه‌اش محرومیت از درک شیرینی و لذت عبادت است. عیسی بن مریم -علیه السلام- در سخنی خطاب به حواریون می‌گوید: بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ: كَمَا نَظَرَ الْمَرِيضُ إِلَى الطَّعَامِ فَلَا يَلْتَذُّ بِهِ مِنْ شِدَّةِ الْوَجْعِ كَذَلِكَ صَاحِبُ الدُّنْيَا لَا يَلْتَذُّ بِالْعِبَادَةِ وَ لَا يَجِدُ حَلَاوَتَهَا مَعَ مَا يَجِدُهُ مِنَ حَلَاوَةِ الدُّنْيَا^۳. «همان‌گونه که انسان مریض، خوش‌خوراک‌ترین و لطیف‌ترین طعام را در مقابل چشمش می‌بیند و از این طعام لذیذ به خاطر درد و کسالتی که دارد لذت نمی‌برد، انسان‌هایی هم که دل به دنیا بسته‌اند مانند بیماری که از طعام لذیذ، لذت نمی‌برد، از عبادت و مناجات با خدا احساس لذت و شیرینی نمی‌کنند.»

^۱ - سوره منافقون آیه ۱

^۲ - مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۹۵، حدیث ۴۲۲۰.

^۳ - بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۵، حدیث ۳۹.

وقتی به عیسی -علیه السلام- گفتند: عَلَّمْنَا عَمَلًا وَاحِدًا يُحِبُّنَا اللَّهُ عَلَيْهِ ، قال : أَبْغَضُوا الدُّنْيَا يُحِبِّبْكُمْ اللَّهُ^۱. « به ما کاری یاد بده که خدا ما را دوست داشته باشد. فرمود: اگر شما دنیا را مغضوب بدارید، خدا شما را دوست خواهد داشت ». باز در سخن دیگری عیسی بن مریم -علیه السلام- فرمودند: لا يَسْتَقِيمُ حُبُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي قَلْبِ مُؤْمِنٍ كَمَا لَا يَسْتَقِيمُ الْمَاءُ وَالنَّارُ فِي آتَاءِ وَاحِدٍ^۲. « دوستی دنیا و آخرت در یک دل قابل جمع شدن نیست؛ همان گونه که آب و آتش در یک کاسه نمی‌گنجد»..

بنابراین، کسی که تکبیر می‌گوید، با گفتن تکبیر، به حریم قدس الهی وارد می‌شود و آنجا، جای نامحرم نیست و نامحرم کسی است که آنچه زبانش می‌گوید با آنچه در دل دارد، یکی نباشد. پس باید او و فرمان و اراده او محبوب بنده نمازگزار باشد و بس. احرام در نماز با تکبیر حاصل می‌شود و می‌گویی تکبیره الإحرام؛ چرا که مثل احرام در حج است. همان گونه که در احرام حج باید از بسیاری امور بپرهیزد، در حال نماز هم علاوه بر آن که به حسب ظاهر نباید به چپ و راست بنگرد و غیر از نماز و سخن‌هایی مقرر، سخن دیگری بگوید و فعل کثیری انجام دهد، در باطن نیز باید دل از یمین و یسار بردارد و فقط به او بیندیشد و به سخن و فعلی دیگر فکر نکند و گرنه نماز او، کامل نخواهد بود. این معانی کنایی «الله اکبر» است.

• قیام

یکی از ارکان نماز قیام هنگام گفتن تکبیره الإحرام و قبل از رفتن به رکوع است^۳ (قیام متصل به رکوع)، قیام یعنی ایستادن از روی ادب و احترام در پیشگاه قدرت‌مداری که اقتدارش دایمی و همیشگی است، و بر ضمیر تو آگاه است خواه ظاهر کنی و خواه بپوشانی و او از رگ گردنت به تو نزدیک‌تر است. پس عبادت کن او را چنانکه گویا می‌بینی او را، و اگر تو او را نمی‌بینی او تو را می‌بیند، و برجای دار دلت

^۱ - بعار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۸، حدیث ۵۵.

^۲ - بعار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۷، حدیث ۵۱.

^۳ - قابل ذکر است که قیام هنگام قرائت حمد و سوره، قنوت، تسبیحات اربعه و بعد از رکوع نیز واجب است اما رکن نیست.

را نزد او همان‌گونه که بدنت را راست نگه داشته‌ای و سرت را پایین بینداز در حالی که خود را بیچاره می‌بینی و تواضع و خشوع کن در برابر حق و از سربلندی و تکبر بپرهیز. تعبیر امام سجاد -علیه السلام- در حقوق نماز برگرفته از همین واجب رکنی در نماز است. اخلال عمدی در این رکن موجب بطلان و عدم مقبولیت نماز است بنابراین حکم است که حضرت فرمودند:

أَنْتَ قَائِمٌ بِهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ فَإِذَا عَلِمْتَ ذَلِكَ كُنْتَ خَلِيقًا أَنْ تَقُومَ فِيهَا مَقَامَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ الرَّأْغِبِ الرَّأْهِبِ الْخَائِفِ الرَّاجِي الْمَسْكِينِ الْمَتَضَرِّعِ الْمَعْظَمِ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ .
در پیشگاه پروردگار جهانیان، قیام باید از روی خضوع، خشوع، احساس حقارت و تعظیم و تکریم ذات ذوالجلال ربوبی باشد. همه نمازهای روزمره، یادآور قیام قیامت در محضر عدل مطلق و قیام عندالله قیوم است؛ چنانچه در مقدمات، مقارنات و افعال نماز، خوب دقت شود، تذکار دو خصیصه روحی خوف و رجا لحاظ شده است .

و أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ^۱. «هرکس از مقام عز ربوبی ترسید و خداپرست شد؛ و از هوای نفس دوری جست، بهشت منزلگاه اوست.»
ترس ذکر شده در آیه، نه خوف از خداست، که او أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ است. او لطیف، رؤوف، غفور و شکور است، بلکه خوف از مقام اوست؛ مقام و جایگاهی که امیرالمؤمنین -علیه السلام- در دعای افتتاح از آن به اشد المعاقبین، تعبیر می‌فرمایند. عقاب، در حقیقت عکس‌العمل اعمال ناروا و ناپسند است و مجرم از مقام قاضی خائف است نه از خود او. لذا اگر امروز مقام این قاضی به دیگری تفویض شود، دیگر مجرم از قاضی دیروز نمی‌ترسد. اگر این خوف در انسان قوت گیرد، مانع تمکین و پیروی از هوی و امیال نفس می‌شود، و هنگامیکه به نفسانیات وقعی نگذاشت، جایگاه او بهشت است .

این هر دو باید به گونه‌ای مساوی در روح انسان وجود داشته باشد و اگر خوف غلبه کند مُنْتَهَبِی به یأس از روح الله است که :

لَا يِيَّاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ^۲. «هرگز از رحمت بی‌منت‌های خدا ناامید نباش.»

^۱ - سوره نازعات، آیه ۴۰ و ۴۱.

^۲ - سوره یوسف، آیه ۸۷.

حضرت یعقوب-علیه السلام- به فرزندانش می‌گوید: فقط کفار از رحمت و مغفرت الهی مأیوس و نا امیدند و اگر امید و رجا غالب شود، به غرور و خودبینی منتهی می‌شود و باز موجب تباهی اعمال است .

چکیده:

مقارنات یا واجبات نماز هشت مورد است که در این درس سه مورد آن بررسی گردید. اول نیت: انگیزه آگاهانه نسبت به هر عملی را نیت می‌گویند و در نماز این انگیزه باید خدایی باشد و به قصد تقرب و رضایت خداوند صورت بگیرد و گرنه مثل جسد بدون روح بوده و هیچ ارزشی ندارد. هرکس در نیت خود صادق نباشد و زبان و دل او یکی نباشد خداوند او را دروغگو و منافق خطاب می‌کند. ربا، عجب و خودپسندی و نفاق آفتهای عمل صالح هستند و نیت خیر حتی اگر به مرحله عمل هم نرسد خدا بر بنده تفضل می‌کند. حضرت رسول- صلی الله علیه و اله- می‌فرمایند: مردم براساس نیت‌هایشان محشور می‌شوند، پس اخلاص در نیت سنگین‌ترین وزنه در میزان اعمال است.

دوم تکبیره الإحرام: هنگام تکبیره‌الإحرام انسان باید توجه داشته باشد که در مقابل کیست و چه می‌گوید و واقعا دل را همراه با زبان متوجه او کند و در حقیقت کلام خدا را بزرگ بشمارد از هر چیز و وصفی، و غیر او در نظرش ذلیل حقیر باشد و گرنه دروغگو و منافق است هرچند کلام او راست و مطابق با واقع است و مرتکب شرک در عبادت شده است، و شرک در عبادت از حرکت مورچه‌ای بر روی سنگ خارای سیاه در دل شبی تاریک پنهان‌تر است. باید بداند که با تکبیر به حریم قدس الهی وارد می‌شود و حریم الهی جای نامحرم نیست و هر که زبان و دلش یکی نباشد نامحرم است و از فیض الهی محروم.

سوم قیام: در هنگام تکبیره‌الإحرام و قبل از رفتن به رکوع باید قیام کامل داشته باشد بدون تکیه بر چیزی. قیام در نمازهای روزمره یادآور قیام قیامت در محضر عدل مطلق و قیام عندالله‌القیوم است و قیام باید به حالتی باشد که در آن خوف و رجا با هم بطور مساوی مشهود باشد، سر به زیر، متواضع، ترسان از مقام ربوبی و امیدوار به لطف حق و اگر خوف غلبه کند منتهی به یأس از روح‌الله می‌گردد و چنانچه رجا غلبه کند ممکن است به ورطه عجب و خودپسندی در افتد.

پرسش‌های درس:

- ۱- امام سجاده - علیه السلام - چه چیز را باعث بطلان نماز می‌داند؟
الف) ریا ب) عُجب و خودپسندی ج) تفاخر د) فسق و فجور
- ۲- امام صادق - علیه السلام - چه کسی را صاحب نیت صادق می‌داند؟
الف) کسی که دل سالم دارد ب) کسی که عمل شایسته دارد
ج) آن که دلی خالص و قلبی سلیم دارد د) آن که نماز شب را ترک نکند
- ۳- قیام در نمازهای روزمره یادآور چیست؟
الف) عظمت خدا ب) قیام قیامت در محضر عدل مطلق
ج) برابر بودن خوف و رجا د) فقر و نیاز بشر
- ۴- معنی و مفهوم تکبیر چیست؟
الف) او بزرگ‌تر از آن است که به وصف آید.
ب) او از هر چیز و هر کس بزرگ‌تر است.
ج) او با حواس درک نمی‌شود و با چیزی قابل قیاس نیست.
د) هر سه گزینه صحیح است.
- ۵- با آنکه نیت خیر «عمل» نیست چگونه در پرونده اعمال ثبت می‌شود؟
- ۶- قرآن چگونه نمازی را برگرفته از نفاق میدانند؟
- ۷- شرک اصغر را توضیح دهید.
- ۸- در چه صورتی نمازگزار در تکبیر خود صادق است؟
- ۹- چرا خدا به دروغگو بودن منافقان گواهی می‌دهد؟

درس هشتم:

مقارنات یا واجبات نماز (۲)

پرسش‌های اساسی

در قرائت و رکوع و سجود چه چیز مشترکی حائز اهمیت است؟

• قرائت

بعد از بیان اسرار تکبیره‌الإحرام سخن در نکته‌های ظریفی است که در قرائت نهفته است. بعد از تکبیره‌الإحرام باید سوره حمد را بخواند و مستحب است که در مقدمه سوره حمد استعاذه کند؛ یعنی جمله اعوذ بالله من الشیطان الرجیم^۱ را بر دل و زبان جاری کند.

نه این که در حصار هوی و هوس باشد و فقط لفظ استعاذه را بر زبان جاری کند؛ مراد از قرائت صرف حرکت زبان نیست بلکه تدبیر در معانی الفاظ و اذکار و استفاده از حکمت‌های آن است. نمازگزار باید بداند شیطان دشمن بزرگ اوست و به خاطر حسادتش در کمین است که قلب او را از خدا دور کند پس پناه می‌برد به خدا از شر شیطان و در هنگام تلفظ باید معنا را هم فهم کند یعنی در عمل هم آنچه را شیطان دوست می‌دارد ترک کند و از جمله مکر شیطان این است که در وقت نماز فکر انسان را به آخرت و کارهای خیر مشغول می‌کند تا او را از فهم معانی که می‌خواند باز دارد. مردم نسبت به آنچه در نماز می‌خوانند سه گروه هستند. گروه اول دل‌هایشان بر زبان آنها سبقت گرفته و زبان در خدمت قلب سلیم آنها است و فهم تدبیر مقدم بر گفتارشان می‌باشد، این همانا درجه "مقربان" است. گروه دوم دل و زبانشان باهم همراه هستند و زبان حرکت می‌کند و دل پیرو آن است پس گوش می‌دهند و فهم معانی می‌کنند چنانکه گویا آن کلمات را از غیر خود (خداوند تعالی) می‌شنوند و این درجه

۱- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۳۵، حدیث ۷۵۴۷.

"اصحاب یمین" است. گروه سوم بدون تفکر و تدبیر و فهم نماز می‌خوانند اینها جزء "زیانکاران" هستند و بردل‌های‌شان قفل‌هایی زده شده است و حضرت رسول اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وآله- می‌فرماید: «وای بر کسی که بگرداند قرائت قرآن را میان دو فک خود و تدبیر و تأمل نکنند در اطراف معنای آن». یعنی تابع شیطان و هوای نفس خویش باشد، چرا که خداوند به پیامبرش می‌فرماید:

أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا^۱. «کسی که هوای نفسش معبود اوست، تو هم نمی‌توانی او را کفایت کنی. معبود، معشوق و محبوب او هوی و هوس است.»

در تعبیری از رسول اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- وارد شده که فرمودند: أَبْغَضَ إِلَهَ عَبْدٍ فِي الْأَرْضِ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ الْهَوَى^۲. «نزد خداوند مبعوض‌ترین خدایی که به عنوان شریک قرار داده شده است هوای نفس است.» چون این بتی است درون انسان و خطرناک‌تر است؛ پس انسان باید از آفات و خطرات این دشمن درونی، خود را در حصار توحید قرار دهد و بعد از استعاده گفتگوی خود را با خدا آغاز کند. در این گفتگو به تعبیر امام سجاد -علیه‌السلام- وَ حَسَنَ الْمُنَاجَاةِ لَهُ^۳ «زیبا سخن بگوید»؛ زیرا بهترین شیوه گفتگو همان است که محبوب می‌پسندد و آنچه را که او می‌پسندد خود او تعلیم داده است؛ که با من اینگونه سخن بگویید؛ اول او را به اسمی بخواند که یادآور جامعیتش نسبت به همه اوصاف جمال و کمال است: یعنی کلمه «اللَّهِ». بنابراین بگوید: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ و در ضمن آن دو وصفی که بیشتر از همه نزد او محبوب است را ذکر کند؛ یعنی الرحمن الرحیم به حکم این‌که رحمان است، خالق است؛ چرا که الرحمن * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ^۴ به حکم رحمانیتش، انسان و همه موجودات را خلق کرده است و قوه بیان و قدرت نطق به انسان‌ها کرامت داده است. به حکم رحمانیت خود مَا تَرَى فِي الْخَلْقِ الرَّحْمَنَ مِنْ تَفَاوُتٍ^۴ «هیچ فرقی میان بندگانش قائل نشده است» که این رحمانیت صفات فعل خداست: وَ قُلْ رَبِّ اغْفِرْ و

۱- سوره فرقان، آیه ۴۳.

۲- محجة البیضاء، ج ۱، ص ۸۵.

۳- سوره الرحمان، آیه ۱-۴.

۴- سوره ملک، آیه ۳.

أَرْحَمَ وِ أَنْتَ خَيْرَ الرَّاحِمِينَ^۱ او در مقام فعل رحمان و رحیم است : و كان بالمؤمنين رحيماً^۲ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ^۳ تَبَّيَّءَ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۴.

نه تنها نسبت به مومنان رؤوف و رحیم است، بلکه این وصف معمولاً از لوازم غیر منفک و جدا نشدنی ذات او است. بنابراین نسبت به همه مردم رؤوف و رحیم است؛ چرا که او جامع همه کمالات است؛ هم در ذاتش رحم و عطوفت نهفته است و هم در فعل و عملش؛ و این چنین ذاتی شایسته حمد و ستایش و شکر است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۵ حمد در قبال افعال اختیاری است. مدح در مقابل ذم است و حمد در مقابل ملامت و سرزنش. و خلاصه در سوره حمد، مدح و شکر از آن کسی است که رب، مالک و مربی همه مخلوقات و موجودات است. قال ربنا الَّذِي اءَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى^۶. «پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازم آفرینش او بوده داده؛ سپس او را هدایت کرده است».

مالک حقیقی نه مالک اعتباری. مالک حقیقی نسبت به روز جزا که انتهای سیر و حرکت همگان است و بعد می‌خوانیم : اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَ اِيَّاكَ نَسْتَعِينُ^۷ این جا به تعبیر اهل ادب (تقدیم ما حَقُّهُ التَّأخِيرُ يُفِيدُ الْحَصْرَ) ایاک نعبد، مفعول مقدم است که افاده انحصار می‌کند؛ یعنی این تویی که فقط شایسته عبادتی و نه دیگری. نکته دیگری که در این آیه کریمه نهفته است، التفات از غایب به خطاب است. تا این جا خدا را به صورت غایب وصف می‌کند، نام می‌برد و حمد و ستایش می‌کند و بعد یکباره توجه می‌دهد و می‌گوید: ایاک نعبد؛ زیرا موجودی که مالک و مربی همه مخلوقات است ، همه چیز نزد او حاضر است؛ از جمله همین بنده حقیر نمازگزار؛ بنابراین او را به صورت مخاطب (حاضر) می‌خواند و می‌گوید: ایاک نعبد در قبال آن ثنا و تمجید،

۱- سوره مومنون، آیه ۱۱۸.

۲- سوره احزاب، آیه ۴۳.

۳- سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۴- سوره حجر، آیه ۴۹.

۵- سوره فاتحه، آیه ۵.

۶- سوره طه، آیه ۵۰.

۷- سوره فاتحه، آیه ۵.

اعتراف و انحصار عبادت نسبت به او، باید فقط از او استعانت بجوید. پس در حقیقت در رهروی راه راست از او یاری می‌طلبید و می‌گویید: ای‌ک نستعین .

تفسیر و بیان سوره حمد

در سخنی از امام هشتم حضرت ابوالحسن الرضا -علیه السلام- وارد شده است که فرمودند: « خداوند متعال می‌فرماید که سوره مبارکه حمد را میان خود و بنده ام به دو نصف تقسیم کردم، آنچه را که او بخواهد به او می‌دهم ، وقتی می‌گوید: بسم الله الرحمن الرحیم خداوند می‌فرماید: بنده‌ام به نام من آغاز کرد، بر من واجب است که امور او را به پایان رسانیده و همه احوال او را مبارک گردانم هنگامی که می‌گوید: الحمد لله رب العالمین خداوند می‌فرماید: بنده‌ام مرا سپاس می‌گوید و می‌داند که نعمت‌های او از من است و دفع بلیات با تفضلات من است، و شما را شاهد می‌گیرم که به نعمت‌های دنیوی او، نعم اخروی را نیز بیفزایم و همان‌گونه که بلاهای دنیوی را از او دفع نمودم، او را از بلیات اخروی نیز مصون دارم. آن‌گاه که می‌گوید: الرحمن الرحیم خداوند می‌فرماید: بنده‌ام مرا به رحمانیت و بخشندگی یاد کرد و من نیز شما را به شهادت می‌طلبم که او را سرشار از رحمت خود نموده و از عطای بی‌حساب خود او را بهره‌مند سازم . چون می‌گوید: مالک یوم الدین خداوند می‌فرماید: شاهد باشید که به سپاس اعتراف او که ملک و سلطنت قیامت از آن من است، در آن روز که یوم‌الحساب است، حساب را بر او آسان کنم و از گناهانش بگذرم. وقتی می‌گوید: ای‌ک نستعین خداوند می‌فرماید: آری راست می‌گوید که مرا می‌پرستد، پس شما شاهد باشید که من بر این پرستش و عبادت، چنان ثوابی به او اعطا کنم که همه مخالفان در عبودیت بر او غبطه و رشک برند. و هنگامی که می‌گوید: و ای‌ک نستعین خداوند می‌فرماید: بنده من، از من استعانت جسته و به من پناه آورده است، گواه باشید که در آموزش او را یاری می‌کنم، در شداید و گرفتاری‌ها به فریادش می‌رسم و در مشکلات دست او را می‌گیرم . آن‌گاه که می‌گوید: اهدنا الصراط المستقیم خداوند می‌فرماید: او را هدایت می‌کنم و هر خواسته دیگرش را نیز اجابت می‌نمایم ، همه آرزوهایش را برآورده می‌کنم و از آنچه هراس دارد، او را ایمنی می‌بخشم.

نکته‌ای که در فهم این آیات باید بدان توجه شود این است که تکرار اهدنا الصراط المستقیم در شبانه‌روز و در همه نمازها، باعث هدایت نمی‌شود و نباید شخص تصور کند که او هدایت شده است و دیگر تقاضا معنی ندارد؛ چون امکان لغزش و احتمال خطا برای همگان بسیار است پس این که مرتب بر تکرار این تقاضا و خواهش توصیه شده است این ثبات بر هدایت و استواری آن است .

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ! « بار پروردگارا! دل‌های ما را میل به باطل مده پس از آنکه به حق هدایت فرمودی و به ما از سر لطف رحمتی عطا فرما؛ که تویی بخشنده بی‌منت ».

بعد از تقاضای هدایت در راه راست، صراط مستقیم را تعلیم می‌دهد که کدام صراط است؛ صراط‌الذین انعمت علیهم غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین راه بندگانی که به آنها نعمت هدایت داده‌ای؛ و از مجموعه نعمت‌ها چه نعمتی بالاتر و والاتر از نعمت هدایت است؟! البته آن هم نه هدایت تکوینی، بلکه هدایت تشریحی؛ هدایتی که خداوند راه‌های صحیح رسیدن به مقصد را با ارسال رسل و با عنایت قوه عاقله به انسان عنایت کرده است و این هدایت و نعمت همان هدایت و نعمتی است که در این آیه موردنظر است. انعمت علیهم نه آنهایی که مورد غضب تو قرار گرفته‌اند؛ نه گمراهانی که بالإصالة گمراهند و نه کسانی که بعد از هدایت دوباره مبتلا به گمراهی شده‌اند.

اینها نکات ظریف و دقیقی است که این کلمات در بردارد و گوینده به وسیله آن با خدای خود سخن می‌گوید و البته مخفی نماند که نکات و اسرار و دقایق نهفته در سوره مبارکه حمد که از واجبات نماز است و در همه نمازها باید حداقل دو مرتبه تکرار شود بسیار زیاد است و چون بحث ما در باره حقوق نماز زیاد شد، به همین مقدار اکتفا می‌کنیم .

• رکوع

یکی دیگر از ارکان نماز رکوع است که پس از آن گفتگوی پرمحتوا، پر مغز و به تعبیر امام سجاد -علیه السلام- (حسن مناجات) و قرائت حمد و سوره، به قصد تعظیم و

۱- سوره آل عمران، آیه ۸.

تکریم، سر فرود می‌آورد و پشت خود را در پیشگاه با عظمت او خم می‌کند و عزت او و ذلت خود را یاد می‌کند که : مولای یا مولای أنت العزیز و أنا الذلیل ، و هل یرحم الذلیل الا العزیز...، مولای یا مولای أنت القوی و أنا الضعیف و هل یرحم الضعیف الا القوی ... مولای یا مولای أنت الغالب و أنا المغلوب و أنا المغلوب و هل یرحم المغلوب الا الغالب!

« مولای من ! تو عزیزی و من خوار، و آیا جز عزیز بر خوار رحم می‌آورد؟ مولای من ! تو توانایی و من ناتوان، و آیا جز توانا بر ناتوان رحم می‌آورد؟ مولای من ! تو بالادستی و من زیردست و آیا جز بالادست بر زیردست رحم می‌آورد؟»

و در حال رکوع به تسبیح و تقدیس ذات پروردگار می‌پردازد. سبحان ربی العظیم وبحمده امام صادق -علیه السلام- فرمودند: لا یرکع عبد لله رکوعاً علی الحقیقه الا زینة الله بنور بهائه و اظله فی ظلال کبریائه و کساءه کسوه أصفیائه^۱. « اگر واقعا با درک معنا و مفهوم رکوع، آن را به جای آورد، خداوند به نور خود او را مزین می‌کند و در سایه کبریائی‌اش جای می‌دهد و لباس برگزیدگان و اصفیای خود را به او می‌پوشاند».

رکوع همان خشوع الأطراف است که در بیان امام سجاد -علیه السلام- برای ادای حق نماز ذکر شد که خشوع اطراف، حکایت از لین‌الجناح و خشوع دل دارد. حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین -علیه السلام- نقل شده است : سأل رجل عن امیرالمؤمنین -علیه السلام- فقال : یا ابن عمّ خیر خلق الله -عزّ و جَل- ما معنی مدّ عُنُقک فی الرکوع ؟ فقال : تأویله أمنت بالله و لو ضُربت عنقی^۲. « مردی از حضرت امیرالمؤمنین -علیه السلام- سوال کرد: این که انسان در حال رکوع مستحب است گردنش به سمت جلو کشیده باشد، نه سر به زیر افتاده باشد معنایش چیست ؟ حضرت فرمودند: تأویل این عمل این است که : ایمان آوردم به خداوند، اگر چه گردنم را با شمشیر جدا نمایند».

^۱ - مفاتیح الجنان ، ص ۶۵۶ (مناجات امیرالمؤمنین علیه السلام) ، بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۱۱۰، حدیث ۱۵.

^۲ - مصباح الشریعه ، ص ۱۰۳، محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۹۰.

^۲ - من لایحضره الفقیه ، ج ۱، ص ۲۰۴، حدیث ۱۳.

گردن نهادیم الحُكْمُ لِلَّهِ

گر تیغ بارد در کوی آن ماه
و این نهایت تذلل و خشوع و تسلیم است که مطلوب و مراد او همان مطلوب و مراد ماست و آنچه خدا می‌پسندد، برای ما نیکوست. آنگاه از رکوع سر برمی‌دارد بطور کامل می‌ایستد و می‌گوید: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ گویی این سخن خالق است از زبان مخلوق؛ یعنی بنده من حمد و ثنای تو را شنیدم و پاسخ می‌گویم و بعد به سجده می‌رود.

● سجود

سجده یکی دیگر از ارکان نماز است که نمازگزار باز در دلش همان تذلل، خشوع و ناتوانی را تجدید می‌کند، جبهه و پیشانی بر آستان دوست می‌ساید؛ یعنی شریف‌ترین عضو را بر خاک درگاه او می‌نهد که :

درکوی دوست شوکت شاهی نمی‌خرند اقرار بندگی کن و دعوی چاکری

از امیرالمؤمنین -علیه السلام- درباره سجده سوال کردند، حضرت فرمودند: تَأْوِيلُهَا اللَّهُمَّ أَنْتَ مِنْهَا خَلَقْتَنَا يَعْنِي مِنَ الْأَرْضِ وَ تَأْوِيلُ رَفْعِ رَأْسِكَ وَمِنْهَا أَخْرَجْتَنَا وَ تَأْوِيلُ السُّجْدَةِ الثَّانِيَةِ وَ إِلَيْهِ نُعِيدُنَا وَ رَفْعِ رَأْسِكَ وَمِنْهَا تُخْرِجُنَا تَارَةً أُخْرَى^۱.

« وقتی سر به سجده می‌گذاری، می‌گویی : خدایا! تو ما را از این خاک آفریدی . سر، که برمی‌داری معنایش این است که : ما را از این خاک بیرون آوردی و در سجده دوم وقتی سر به خاک می‌نهی به این معناست که باز ما را به همین خاک برمی‌گردانی و هنگامی که سر برمی‌داری یعنی این که در قیامت دوباره سر از خاک بیرون خواهیم آورد.»

در تعبیر دیگری از امام صادق -علیه السلام- وارد شده است که فرمودند: مَا خَسِرَ وَاللَّهِ مَنْ أَتَى بِحَقِيقَةِ السُّجُودِ وَلَوْ كَانَ فِي الْعُمْرِ مَرَّةً وَاحِدَةً^۲. « اگر کسی در همه عمر یکبار حقیقتاً

^۱ - من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۶، حدیث ۱۶.

^۲ - مصباح الشریعه، ص ۱۰۸، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۳۸۲، حدیث ۵۲۲۵.

با ادراک معنا و مفهوم سجود، به پیشگاه باری تعالی سر به خاک بساید خسران و زبانی نخواهد دید».

حال حقیقت سجود چیست؟ در همین روایت امام صادق -علیه السلام- بیان می‌کنند: فاسجد سجود متواضع ذلیل عليم أَنَّهُ خُلِقَ مِنْ تَرَابٍ يَطْوُهُ الْخَلْقُ وَ أَنَّهُ رُكْبٌ مِنْ نُطْفَةِ يَسْتَقْدِرُهَا كُلُّ أَحَدٍ وَ كَوْنٌ وَ لَمْ يَكُنْ وَ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ مَعْنَى السَّجْدِ سَبَبَ التَّقَرُّبِ إِلَيْهِ بِالْقَلْبِ وَ السَّرِّ وَ الرُّوحِ فَمَنْ قَرَّبَ مِنْهُ بَعْدَ عَنِ غَيْرِهِ .

«مانند انسان متواضعی سجده کند که در پیشگاه خدا ذلیل است و می‌داند که خدا او را از همان خاکی که زیر پای بندگان او است خلق کرده است و ترکیبش از نطفه‌ای است که مورد نفرت همگان است و خداوند او را بعد از نبودن به وجود آورد. خداوند سجود را وسیله نزدیکی دل، ضمیر و روح انسان به خدا قرار داد. آن کسی که به خدا نزدیک شود، از همه چیز دیگر دور خواهد شد».

و نتیجه‌اش این است که پیامبر -صلى الله عليه و آله و سلم- در یک حدیث قدسی فرمودند که : لا أَطَّلِعُ عَلَى قَلْبِ عَبْدٍ فاعلم منه حبَّ الاخلاص لطاعتي لوجهي وابتغاء مرضاتي الا توليت تقويمه و سياسته و من اشتغل في صلاته بغيري فهو من المُسْتَهْزِئِينَ بنفسه و مكتوب اسمه في ديوان الخاسرين^۱.

«خدا وقتی بر قلب انسان در حال سجده و خضوع اشراف پیدا کرد و او را دید که عاشقانه و مخلصانه اطاعت می‌کند، و در مسیر طلب رضای پروردگار است، متولی همه امور او می‌شود و آن کسی که در نماز به غیر خدا مشغول است، و فکرش به دیگری معطوف است، در حقیقت خود را مسخره می‌کند، و نام او در دیوان زبان‌کاران ثبت می‌شود».

به دلالت آن روایتی که در اوایل بحث نماز ذکر کردیم، برای کسی که در سجده جز به خدای متعال توجه کند جز رنج و زحمت چیزی باقی نمی‌ماند. سبحان ربی الاعلی و بحمده

^۱ - مستدرک الوسائل ، ج ۴ ، ص ۴۳۸ ، حدیث ۵۲۲۵ .

• تشهد و سلام

نمازگزار پس از سجده دوم به تشهد می‌نشیند بعد از به جای آوردن همه این مقدمات، مقارنات و افعال دقیق که هر یک مشتمل بر اسرار و نکته‌های لطیفی است، موظف به تشهد است آن چنان که گویی این انسان نمازگزار، از آغاز تاکنون، هیچ حاصلی نیندوخته و الآن است که گفتگو، استدعا و گدایی او پایان پذیرد و او با دست خالی از این میزبانی بازگردد؛ این جا است که باز خود را مکلف می‌داند یک بار دیگر با اظهار بندگی و اعتراف به وحدانیت ذات ذوالجلال الهی، خود را در حصار توحید قرار دهد. گویا می‌گوید:

يا الهی وَ سَيِّدِی وَ رَبِّی ! اُتْرَاكَ مُعَذِّبِی بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ وَ بَعْدَ مَا انطَوَى عَلَیْهِ قَلْبِی مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَ لَهْجَ بِهِ لِسَانِی مِنْ ذِكْرِكَ وَ اَعْتَقِدُهُ ضَمِيرِی مِنْ حُبِّكَ ... وَ لَبِيتَ شَعْرِی يَا سَيِّدِی وَ اِلٰهِی وَ مَوْلَاى ! اَنْسَلَطُ النَّارَ عَلٰی وَجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَه وَ عَلٰی اَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَه وَ بِذِكْرِكَ مَادِحَه وَ عَلٰی قُلُوبٍ اِعْتَرَفَتْ بِالْهَيْبَتِكَ مُحَقِّقَه وَ عَلٰی ضَمَائِرٍ حَوَّتْ مِنْ الْعِلْمِ بِكَ حَتٰى صَارَتْ خَاشِعَه وَ عَلٰی جَوَارِحٍ سَعَتِ اِلٰى اَوْطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَه وَ اَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُدْعِنَه ، مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَ لَا اُخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنكَ يَا كَرِيمٌ وَ يَا رَبَّ!

«ای خدای من! خود را در حصن توحید تو قرار می‌دهم، آیا تو مرا با آتش خود می‌سوزانی؟! آیا پس از دل سپردن به معرفت تو و زبان گشودن به ذکر تو و اعتقاد قلبی‌ام به دوستی تو، مرا با آتش خود می‌سوزانی؟ خدایا! آیا من که سر و پیشانی بر خاک تو نهاده‌ام، باز استحقاق آتش و عذاب تو را دارم؟ آیا زبان‌هایی که به راستی گویای توحید تو اند و مداح شکر تو و دل‌هایی که با تحقیق، اعتراف به معبودیت تو می‌کنند و ضمائری که پر از معرفت تو شدند تا ترسان گردیدند و دست و پاهایی که به پرستشگاه تو شتافتند تا اطاعت تو کنند و از تو آمرزش خواهند، استحقاق عذاب تو را دارند؟ چنین گمانی به تو نیست و فضل تو چنین خبری به ما نداده است. ای کریم و ای پروردگارا!»

^۱ - مصباح المتعجد، ص ۸۴۶، مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۷، حدیث ۵۲۶۱.

نمازگزار این معنا را در تشهد تکرار می‌کند و به تعبیر امام صادق -علیه السلام- :
التَّشَهُدُ تَنَاءٌ عَلَى اللَّهِ فَكُنْ عَبْدًا لَهُ بِالسَّرِّ خَاضِعًا لَهُ بِالْفِعْلِ كَمَا أَنَّكَ عَبْدٌ لَهُ بِالْقَوْلِ
وَالدَّعْوَى! « تشهد، حمد و ثنای خداست پس همان‌گونه که به زبان، ادعای بندگی
 خدا می‌کنی، در دل هم خاضع باش و ثناگوی او باش.»

شهادت به وحدانیت و یگانگی خدا، در حقیقت تکرار آن چیزی است که از آغاز نماز
 تا پایان بر آن تاکید شده است. و بعد به رسالت و عبودیت بنده برگزیده او محمد- صلی
 الله علیه و آله و سلم- شهادت می‌دهد و امام صادق- علیه السلام- در این باره می‌فرماید:

و قد أمرَكَ بالصلاةِ على حبيبِهِ محمد -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ- فأَوْصَلَ صَلَاتَهُ بِصَلَاتِهِ وَ
طَاعَتَهُ بِطَاعَتِهِ وَ شَهَادَتَهُ بِشَهَادَتِهِ وَانظُرْ إِلَى أَنْ لَا تَفُوتَكَ بِرَكَاتِكَ مَعْرِفَةَ حَرَمَتِهِ
فَتُحْرِمَ عَنْ فَائِدَةِ صَلَاتِهِ وَ أَمْرِهِ بِالاسْتِغْفَارِ لَكَ وَ الشَّفَاعَةِ فَيَكُ انْ أُنْتِيتَ بِالْوَاجِبِ فِي
الْأَمْرِ وَ النَّهْيِ السُّنَنِ وَالْأَدَابِ وَ تَعَلَّمَ جَلِيلَ مَرْتَبَتِهِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ!
 « خداوند تو را مأمور کرد که در نمازش بعد از شهادت به یگانگی او، شهادت به
 رسالت و عبودیت بنده خاص او رسول خاتم- صلی الله علیه و آله و سلم- بدهی. پس نماز برای
 خدا را به دورد بر پیامبرش، اطاعت خدا را به اطاعت او و شهادت به یگانگی خدا را به
 شهادت به نبوت او متصل ساز و توجه داشته باش که پیامبر- صلی الله علیه و آله و سلم-
 را بشناسی و منزلت و قرب او را در درگاه ربوبی بدانی و مقام شفاعت او را نزد
 خالق دریایی، مراقب باش که پیامبرت را بشناسی و معرفت او را از دست ندهی که
 فایده نماز را از دست خواهی داد. او پیامبری است که در حقیقت، خدا او را شفیع
 امت قرار داده است و تو مورد شفاعت او قرار خواهی گرفت.» .

فضیلت و برتری پیامبر اسلام- صلی الله علیه و آله و سلم-

پس کسی که تشهد می‌خواند، در حقیقت در این مقام است که آنچه را به جای آورده
 مقبول نمی‌یابد و در مقام فراهم آوردن واسطه و شفיעی در پیشگاه خداست؛ و چه
 شفיעی ارزنده تر از پیامبر خاتم- صلی الله علیه و آله و سلم- که همه دنیا و آفرینش، طفیل

^۱ - مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۷، حدیث ۵۲۶۱، محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۹۲.

^۲ - مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۱۷، حدیث ۵۲۶۱، محجة البیضاء، ج ۱، ص ۳۹۳.

وجود او است :

لَوْلَا كَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ! « ای رسول اگر تو نبودی من آسمان‌ها و زمین را نمی‌آفریدم.»

در شأن او وارد شده است : همه انبیا و اولیا مقدمه وجود اویند؛ خود حضرت فرمودند:

أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي^۱. « اولین مخلوق آفرینش، نور من بوده است.»

و به تعبیر دیگری حضرت فرمودند: كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمَ -عليه السلام- مَنخُولٌ فِي طِينَتِهِ^۲.

« من پیامبر بودم و آدم هنوز در غربال بود که آیا شایستگی آفرینش دارد یا ندارد.»

و در فرمایش دیگری فرمودند: آدَمَ وَ مِنْ دُونِهِ تَحْتَ لِوَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۳. « در روز

قیامت، آدم و همه فرزندان او زیر پرچم من هستند.»

نام احمد نام جمله انبیاست چونکه صد آمد نود هم پیش ماست

إِرَادَةَ الرَّبِّ فِي مَقَادِيرِ أُمُورِهِ تَهَيَّبُ إِلَيْكُمْ وَ تَصَدِّرُ مِنْ بَيُوتِكُمْ^۴. « خواست خداوند در

تقدیرکارها، به سوی شما نازل شود و از خانه های شما صدور یابد.»

از این روست که باید در انتهای نماز بر پیامبر اسلام و آتش صلوات و سلام فرستاده

شود؛ و بدین منظور ابتدا باید در دل حضور سید المرسلین و ملائکه مقربین و محبت

اهل البیت نبوت و ولایت مولای متقیان و ائمه هدی را تجسم کند و بعد سلام بگوید

و بعد از آن خود و بندگان صالح خدا در نظر آورده و سلام بفرستد و در آخر نیز

نمازگزار حاضرین، فرشتگان، مومنان و شهدا را مد نظر قرارداده و سلام کند؛ زیرا

سلام یکی از نام‌های پروردگار است به این معنی که هرچه از او دریافت می‌کنیم خیر

و لطف و برکت است و و آن خیر و برکت را نثار مخاطب و سلام‌شونده می‌کنیم. سلام

مؤمن به پیامبر، نشانه‌ی قدر شناسی از زحمات اوست که انسان‌ها را هدایت کرده و با

خدا آشنا و مرتبط ساخته است و در سلام به مومنان و بندگان صالح و خودش

احساس می‌کند که تنها نیست و یکی از احاد امت بزرگ اسلام است. در آخر به

۱- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۶، حدیث ۱.

۲- عوالی اللالی، ج ۴، ص ۹۹، حدیث ۱۴۰. بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۷، حدیث ۷.

۳- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۲، حدیث ۱.

۴- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۴۰۲، حدیث ۱.

۵- مفاتیح الجنان، ص ۶۹۶ (زیارت مطلقه امام حسین علیه السلام).

علامت تسلیم و نیاز و احتیاج، دست‌ها را سه مرتبه تا محاذی گوش بالا می‌آورد؛ کنایه از این که خدایا من محتاج دستگیری تو هستم و اگر تو دستم را نگیری هیچ راه نجاتی نیست. و بدین ترتیب نماز را به پایان می‌برد. امیدواریم خداوند متعال همه ما را از نمازگزاران واقعی قرار دهد که مقام، منزلت و جایگاه نماز واقعی از همه عبادات و اطاعات الهی بالاتر است. چنان که در آن مهلکه روز عاشورا، وقتی آن شخص به محضر اباعبدالله حسین -علیه السلام- آمد و نماز را یادآوری کرد، حضرت درباره این مجاهد فی سبیل الله دعا کردند:

جَعَلَكَ اللَّهُ مِنَ الْمُصَلِّينَ^۱ «خدا تو را از نمازگزاران قرار دهد.»

^۱ -بحارالانوار، ج ۴۵، ص ۲۱.

چکیده:

چهارمین از مقارنات نماز، قرائت است، مراد از قرائت صرف بیان الفاظ نیست بلکه مراد تدبر در معانی آن و استفاده از حکمت‌های آن، قول و عمل باید با هم توأم گردد به همین لحاظ ابتدا باید از شر شیطان به ذات حق پناه برد چراکه او دشمن بزرگ بندگان است و به ذات حق سوگند خورده که انسان را از خدا دور کند.

نمازگزاران نسبت به آنچه قرائت می‌کنند سه گروه هستند، گروهی بدون تدبر و تفکر که همانا زیانکارانند. گروهی دل و زبانشان همراهند و آنچه زبان می‌گوید قلبشان تأیید می‌کند و این‌ها اصحاب یمینند. گروه سوم دلشان بر زبانشان سبقت گرفته و زبان در خدمت قلب آمده و این گروه جزء مقربین هستند.

پنجم رکوع: همان کرنش به قصد تعظیم در برابر حق تعالی و مخصوص ذات اوست که باید با درک معنی و مفهوم آن بجای آورده شود. تا در نتیجه خداوند به نور خود او را مزین کند و لباس برگزیدگان را بر او بپوشاند. بهتر آن است که در رکوع گردن را بکشند که نهایت تذلل و خشوع و تسلیم است و انسان در آن حال پستی خود و عظمت باری تعالی را می‌بیند و زبان به تسبیح و تعظیم او می‌گشاید.

ششم سجده: بزرگ‌ترین مراتب خضوع و نیکوترین درجات خشوع در برابر دوست و محبوب حقیقی پیشانی بر خاک ساییدن است. و بنده در این حال تجدید می‌کند عظمت و جلالت خداوند متعال را و منزّه می‌گرداند پروردگارش را. خداوند سجود را وسیله نزدیکی دل، ضمیر و روح انسان به خدا قرار داده است و کسی که به خدا نزدیک شود از چیزهای دیگر دور خواهد شد و در نتیجه خدا متولی همه امور او می‌شود.

هفتم و هشتم: تشهد و سلام است که بار دیگر انسان خود را در حصن توحید الهی قرار می‌دهد و خداوند خود بندگان را مأمور کرده که در نماز ابتدا شهادت بر یگانگی ذات او داده و سپس شهادت به رسالت و عبودیت بنده او خاتم انبیا محمد مصطفی -صلی الله علیه و آله- بدهند. حقیقت تشهد در این است که آنچه بنده بجای آورده را مورد قبول حق نمی‌یابد و در قبول آن از جانب حق پیامبر را شفیع قرار می‌دهد. و در پایان سلام می‌دهد بر پیامبر و اهل البیت او و بندگان صالح خدا و فرشتگان و شهدا و... و همچنین بر خودش زیرا که سلام به مفهوم درخواست خیر و برکت است و از نام‌های خداوند است.

پرسش‌های درس:

- ۱- میغوض‌ترین معبودی که شریک حق تعالی قرار گرفته چیست؟
(الف) شیطان (ب) هوای نفس (ج) بت‌های ساخت بشر (د) خورشید
- ۲- در ابتدای نماز خدا را به چه نامی می‌خوانیم؟
(الف) نامی که جامع اوصاف جمال و کمال است. (ب) خالق هستی بخش جهان
(ج) جبار که نشانگر قدرت اوست (د) رحمان و رحیم
- ۳- بنا بر فرمایش امام صادق - علیه السلام - اگر کسی یک بار با درک معنی و مفهوم، سجده کند چه می‌شود؟
(الف) گناهان او همه بخشیده می‌شود. (ب) به اعلا درجه عبودیت می‌رسد.
(ج) خسران و زیان نخواهد دید. (د) هر دو گزینه "الف" و "ب"
- ۴- مردم در فهم نماز چند دسته هستند؟
(الف) عالم و جاهل و شکاک (ب) پنج دسته
(ج) مقربین و اصحاب شمال و خاسرین (د) مقربان، اصحاب یمین و زیانکاران
- ۵- منظور از نعمت در أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ چیست؟
- ۶- حاصل رکوع همراه با درک معنی و مفهوم آن چیست؟
- ۷- نتیجه سجده واقعی را توضیح دهید.
- ۸- حقیقت تشهد و مفهوم سلام چیست؟

درس نهم

متفرعات نماز (۱)

پرسش‌های اساسی

مفهوم تعقیبات نماز چیست؟

نتیجه سبک شمردن نماز و یا ترک آن چیست؟

الف) تعقیبات نماز

اذان و اقامه، نوعی استقبال از نماز است و تعقیبات، بدرقه آن. بی‌اعتنایی به تعقیبات و دعا‌های پس از نماز، نشان بی‌علاقگی به خود نماز است. آن گونه که در روایات، نسبت به زودتر رفتن به مسجد و انتظار شروع نماز را کشیدن، تشویق و سفارش شده و منتظر نماز را (مهمان خدا) گفته‌اند.^۱ به انجام مستحبات و دعا‌هایی پس از اتمام نماز نیز سفارش شده است. قرآن می‌فرماید: **فَإِذَا قَرَعْتَ فَانصَبْ وَآلِي رَبِّكَ فَارْعَبْ**^۲ «همین که فارغ شدی، به کار دیگری بپرداز و به سوی پروردگارت رغبت نما».

اینک به ذکر برخی از مسائل مربوط به تعقیبات می‌پردازیم:

تعقیب نماز

امام صادق-علیه السلام- می‌فرماید: «همین که از نماز واجب فارغ شدی، به دعا و تعقیب نماز مشغول باش»^۳ و می‌فرماید: «دعا پس از نماز صبح و ظهر و مغرب، مستجاب می‌شود»^۴ و نیز تسبیحات حضرت زهرا -سلام الله علیها- از هزار رکعت نماز مستحب، نزد خداوند بهتراست.^۵ و در حدیث می‌خوانیم که هر کس این تسبیحات را

۱ - مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۳۳۶.

۲ - انشراح، آیه ۷.

۳ - مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۳۳۶.

۴ - همان.

۵ - همان.

بگوید، به آیه **وَ اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا**^۱ که به معنای زیاد یاد کردن خداوند است، عمل کرده است.^۲ البته دعا و تعقیبات به جای خود و ادامه کار و تلاش هم به جای خود. و هیچ کدام مانع یکدیگر نیست. برخی می‌پندارند اگر به جای دعا، سراغ کار بروند، کامیاب‌تر و موفق‌ترند. رسول خدا-صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ- می‌فرماید: **التَّعْقِيبُ بَعْدَ صَلَاةِ الْفَجْرِ أَبْلَغُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ**^۳ «دعای پس از نماز صبح، برای زندگی و طلب رزق، مؤثرتر است».

• درود و نفرین

از جمله کارهای تعقیباتی، درود و صلوات فرستادن بر نیکان و زبده‌های کمال بشری، و لعن و نفرین بر مظاهر شرک و پلیدی و سردمداران کفر و ستم است. در آنچه به عنوان دعا‌های تعقیب آمده، هم به موارد متعددی از «صلوات» بر می‌خوریم، هم به مواردی از لعن و این، گوشه‌ای از تولی و تبری در یک مکتب زنده و جهت‌دار است. صلوات‌ها که نقل شده به جای خود، حتی در نمونه‌های فراوانی، خود **اللهم صل علی محمد و آل محمد**، به عنوان یکی از تعقیبات نمازها بیان شده است. اما در مورد لعن امام باقر-علیه السلام- می‌فرمایند: **إِذَا انْحَرَفَتْ عَن صَلَاةِ مَكْتُوبَةٍ فَلَا تَنْحَرِفِ إِلَّا بِانْصِرَافِ لَعْنِ بَنِي أُمِّيَّةٍ**^۴ «هرگاه نماز واجب را تمام کردی، جز با لعن بنی امیه، از جای خود حرکت نکن». چرا که آن دودمان ننگین و تبه‌کار، نمونه طاغوت‌ها و از بارزترین چهره‌های مخالف با خط رهبران معصوم و آل پیامبر-صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ- بودند و مستحق هرگونه نفرت و نفرین‌اند.

امام صادق-علیه السلام- در پی هر نماز، چهار مرد و چهار زن (که از دشمنان سر سخت مقام امامت بودند) را لعن و نفرین می‌کرد.^۵ چه زیباست اسلامی که در کنار

۱- احزاب/۴۱.

۲- وسائل، ج ۴ ص ۱۰۲۳.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۳۳۶.

۴- وافی، ج ۲ ص ۱۲۱.

۵- وسائل الشیعه، ج ۴ ص ۱۰۳۷.

برنامه‌های عبادی و الهی خویش، بیزاری از ستمگران و مفسدان و طاغوت‌ها را هم جزء برنامه‌های خود ساخته و نماز و عبادات و حج آن، همراه با برائت و اعلام تنفر از کفار و مشرکان و منافقان است. پس تعقیبات نماز، برخوردار از نوعی فریاد لعنت بر دشمنان خدا و مخالفان خط رهبری الهی است.

• تسبیح حضرت زهرا - سلام الله علیها -

یکی دیگر از تعقیبات نماز، تسبیحات حضرت زهرا - سلام الله علیها - است. یعنی گفتن ۳۴ مرتبه **الله اکبر**، ۳۳ مرتبه **الحمد لله** و ۳۳ مرتبه **سبحان الله**، پس از فراغت از هر نماز. این تسبیحات را رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به دخترش فاطمه - سلام الله علیها - تعلیم داد و برگفتن آن، بسیار سفارش شده است و پاداش بسیار دارد. امام باقر - علیه السلام - می‌فرماید: در میان ستایش‌ها، بهتر از تسبیحات حضرت زهرا - سلام الله علیها - نیست^۱، و اگر بود، رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - به فاطمه - سلام الله علیها - تعلیم می‌داد. در روایات متعددی، تاکید شده به همراه داشتن تسبیح ۳۴ دانه‌ای از خاک مقدس امام حسین - علیه السلام - و اینکه ذکر گفتن با آن، ثواب زیاد دارد و حتی گرداندن آن، بدون ذکر هم ارزشمند و خوب است^۲ و در حدیثی است که خود آن دانه‌ها ذکر می‌گویند^۳. تربت امام حسین - علیه السلام - یادآور حماسه‌های کربلا و احیاگر «فرهنگ‌شهادت» است و انس انسان را با رهبری الهی، جهاد، شهادت، ایثار سیدالشهداء، مبارزه با ستم و انتقام از ظالمان را بیشتر می‌کند. تسبیحات حضرت زهرا - سلام الله علیها - به ترتیبی که گفته شد، حتی در کتب حدیثی اهل سنت نیز آمده^۴، اما هیچ یک نگفته‌اند که نام این تسبیحات، تسبیح حضرت زهرا - سلام الله علیها - است.

^۱ - وسائل، ج ۴ ص ۱۰۲۴.

^۲ - جواهر، ج ۱۰ ص ۴۰۵.

^۳ - وسائل، ج ۴ ص ۱۰۳۳.

^۴ - از جمله در: صحیح مسلم، ج ۱ ص ۴۱۸، صحیح بخاری، ج ۱ ص ۱۱۰، سنن ابن ماجه، ج ۱ ص ۲۹۹ در بحث تعقیبات نماز.

• سجده شکر

سپاس نعمت‌های حق تعالی، نشان معرفت و ادب و بندگی است. در آیات و روایات، به مسأله شکرگزاری از نعمت‌ها، بسیار سفارش شده و این که یاد نعمت‌ها، محبت انسان را به خدا زیاد می‌کند و نعمت‌های الهی را مستدام و افزون می‌گرداند.^۱ گر چه شکر نعمت‌ها، از توان و طاقت بشر بیرون است، ولی انسان باید هر قدر که می‌تواند، سپاس‌گزار احسان و نعمت و نیکی پروردگار باشد. یکی از شکل‌های تشکر، سجده بر خاک کردن و پیشانی بر خاک‌نهادن در برابر خداوند و شکر گفتن اوست. و «سجده شکر» یکی از تعقیبات نماز به حساب آمده است.^۲ مرحوم علامه مجلسی، تمام جلد ۸۳ بحار الأنوار را (جز چند صفحه آخر) به روایات تعقیبات نماز اختصاص داده و ۶۳ حدیث، پیرامون سجده شکر، از ائمه اطهار-علیهم السلام- نقل کرده است. سجده بعد از نماز، شکرانه توفیق انجام نماز است.^۳ در سجده شکر، سه مرتبه «شُكْرًا لِلَّهِ» کافی است، اما در حدیث است که اگر انسان به طول یک نفس، «یا رب، یا رب» بگوید: خداوند به او خطاب می‌فرماید: «لبیک! ما حاجتک؟» حاجت تو چیست تا انجام دهم^۴ امام صادق-علیه السلام- فرمودند: «سجده شکر بعد از نماز، دلیل کامل شدن نماز و رضای خدا و اعجاب و خوش آمدن فرشتگان است. خداوند بارها از آنان می‌پرسد، پاداش این بنده شاکر چیست؟ می‌گویند: رحمت تو، بهشت تو، حل مشکل او و هر خیری را که فرشتگان می‌گویند، جوابی نمی‌شنوند، به خدا عرضه می‌دارند: ما نمی‌دانیم پاداش این سجده چیست؟ خداوند می‌فرماید: هم‌چنان که او مرا شکر کرد، من هم از او تشکر می‌کنم، و با این جمله به فرشتگان می‌فهماند که رضا و سپاس الهی از بنده، بالاتر از بهشت و رحمت و حل مشکلات است.»^۵

۱- لئن شکرتم لازیدنکم (ابراهیم، آیه ۵)

۲- بحار الأنوار، ج ۸۳ (بیروت) ص ۱۹۴ (در این کتاب، حدود ۸۷ روایت و ۳۸ آیه در باره مسئله شکر نقل کرده است.

۳- بحار، ج ۸۳ ص ۲۰۰.

۴- وسائل، ج ۴ ص ۱۰۷۱.

۵- وسائل، ج ۴ ص ۱۰۷۱، وافی، ج ۲ ص ۱۲۳.

در حدیث است که خداوند به حضرت موسی-علیه السلام- فرمود: «دلیل آن که تو را به پیامبری مبعوث کردم، سجده‌هایی بود که بعد از نماز داشتی.»^۱

ب) ترک نماز

ترک نماز قطع رابطه کردن با آفریدگار هستی است و این در دنیا و آخرت عواقب تلخی دارد. امام حسین بن علی -علیه السلام- می فرماید: **إِنَّ تَارِكَ الصَّلَاةِ كَافِرٌ**^۲ بقدری عبادت نماز در محضر دین عظیم است که روایات شریفه می فرمایند: «ترک‌کننده نماز کافر است». در روایت دیگری امام صادق (ع) از حضرت باقر -علیهما السلام- از رسول خدا -صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ- روایت می فرماید: «که بین کفر و ایمان جز ترک نماز چیزی نیست.»^۳

عقوبت ترک نماز

• مسلمان کافر

قال رسول الله -صلى الله عليه وآله وسلم-: **مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ أَنْ يَكْفُرَ إِلَّا أَنْ يَتْرُكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يُصَلِّيُهَا**؛^۴ «فاصله بین مسلمان و بین کفرش، چیزی جز ترک نماز واجب نیست؛ چه عمدتاً ترک نماید و اصلاً قبول نداشته باشد و یا از بی‌اعتنائی نماز نخواند.»

^۱ - بحار، ج ۸۳ ص ۲۰۰.

^۲ - وسائل، ج ۳، ص ۲۹.

^۳ - وسائل، ج ۳، ص ۲۹.

^۴ - بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۱۶.

• لعن فرشتگان

قال رسول الله -صلى الله عليه وآله وسلم-: تَارِكُ الصَّلَاةِ مَلْعُونٌ فِي التَّوْرَةِ، مَلْعُونٌ فِي الْإِنْجِيلِ، مَلْعُونٌ فِي الزَّبُورِ، مَلْعُونٌ فِي الْقُرْآنِ، مَلْعُونٌ فِي لِسَانِ جِبْرَيْلَ، مَلْعُونٌ فِي لِسَانِ مِيكَائِيلَ، مَلْعُونٌ فِي لِسَانِ إِسْرَافِيلَ، مَلْعُونٌ فِي لِسَانِ مُحَمَّدٍ؛^۱ « ترك کننده نماز در تورات و انجیل و زبور و قرآن، مورد لعن قرار گرفته و به زبان جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و محمد-صلى الله عليه وآله وسلم- ملعون است.»

• اهل دوزخ

قال علي -عليه السلام-: أَلَا تَسْمَعُونَ إِلَى جَوَابِ أَهْلِ النَّارِ حِينَ سُئِلُوا: مَا سَأَلَكُمُ فِي سَقَرٍ؟ قَالُوا: لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ؛^۲ «آیا به پاسخ اهل دوزخ گوش فرا نمی‌دهید که وقتی از آنها می‌پرسند: چه چیز شما را گرفتار دوزخ ساخت؟ می‌گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.»

• تفاوت بی‌نماز و زناکار

سعه از حضرت امام صادق-عليه السلام- پرسید: چرا زانی را کافر نمی‌دانید و تارک نماز را کافر می‌دانید، حضرت در پاسخ فرمودند « چون شخص زناکار و شبیه آن (شارب خمر، قمارباز و ...) از جهت لذتی که در آن عمل است و آن لذت غالب می‌گردد بر نفسشان، آن عمل را انجام می‌دهند؛ ولی تارک نماز، نماز را ترک نمی‌کند مگر از جهت سبک شمردن و بی‌اعتنایی کردن به آن و نیز هر زانی از عمل خود لذت می‌برد و به خاطر قصد لذت آن عمل را انجام می‌دهد، ولی هیچ تارک نمازی از ترک نماز لذت نمی‌برد؛ بنابراین فقط به عنوان سبک شمردن نماز، نماز را ترک می‌نماید. وقتی نماز سبک شمرده شد کفر می‌آید.»^۳

۱- الحکم الزاهره، ص ۲۹۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰.

۳- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۸.

• لعن بر بی نماز

قال علی -علیه السلام-: **اللَّهُمَّ الْعَنْ مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا**^۱؛ «خدا یا لعنت کن کسی را که عمداً نماز را ترک کند.»

ج) سبک شمردن نماز

ارزش‌گذاری به نماز، نشانه ایمان به خدا است و بی‌اعتنایی، دلیل ضعف عشق و علاقه به معنویات است. کسی که نماز را سبک بشمارد خداوند برکت و بهره و خیر را از عمر و مال او برمی‌دارد، پاداش کارهای او از بین می‌رود، دعاهایش مستجاب نمی‌شود و هنگام مرگ، با احساس گرسنگی و تشنگی و ذلت مخصوصی از دنیا می‌رود، در برزخ شکنجه و ظلمت و فشار می‌چشد و در قیامت حساب سختی از او کشیده می‌شود.

• غفلت از نماز

قال الصادق -علیه السلام-: **إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ أَقْبَلَ اللَّهُ -عَزَّوَجَلَّ- عَلَيْهِ بِوَجْهِهِ فَلَا يَزَالُ مُقْبِلًا عَلَيْهِ حَتَّى يَلْتَفِتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِذَا إلتَفَتَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَعْرَضَ عَنْهُ**^۲؛ «وقتی بنده به نماز ایستاد، خداوند متعال به وی توجه می‌کند و توجه‌اش را از او قطع نمی‌کند تا موقعی که سه مرتبه از یاد خدا غافل گردد. در این هنگام خداوند سبحان نیز از او اعراض خواهد کرد.»

^۱ - جامع احادیث الشیعه، ج ۴، ص ۷۶.

^۲ - بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۴۱.

• تحقیر نماز

قال الصادق -عليه السلام-: لَا يَنَالُ شَفَاعَتُنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ؛^۱ «هرکس نماز را سبک بشمارد، به شفاعت ما دست نخواهد یافت.»

• دزدترین مردم

قال النبي -صلى الله عليه وآله وسلم-: أَسْرَقَ النَّاسُ مِنْ صَلَاتِهِ فَصَلَاتُهُ تُلْفَأُ كَمَا يُلْفَأُ الثُّوبُ الخُلُقِ فَيُضْرَبُ بِهَا وَجْهُهُ؛^۲ «دزدترین مردم کسی است که (به خاطر سرعت و شتابزدگی) از نماز خود کم کند، نماز چنین انسانی، همچون جامه‌ی مندرسی در هم پیچیده شده، به صورت او پرتاب می‌گردد.»

• بی توجهی به نماز

قال رسول الله -صلى الله عليه وآله وسلم-: الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ، فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ، وَمَنْ تَرَكَ أَوْقَاتَهَا يَدْخُلُ الْوَيْلَ، وَالْوَيْلُ وَادٍ فِي جَهَنَّمَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيْلٌ لِّلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَن صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ».^۳ «نماز ستون دین است، پس کسی که عمدتاً نمازش را ترک کند، به تحقیق که دینش را منهدم کرده است و کسی که نمازش را در وقتش به جا نیاورد داخل «ویل» می‌شود؛ و ویل چاهی است در جهنم که خداوند می‌فرماید: «ویل برای نمازگزارانی است که از نماز خویش غفلت دارند.»

۱- فروع کافی، ج ۳، ص ۲۷۰، حدیث ۱۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۴۰۶.

۳- بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲.

• نماز با عجله

قال الصادق -عليه السلام-: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فَقَامَ لِحَاجَتِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «أَمَا يَعْلَمُ عَبْدِي أَنِّي أَنَا أَفْضَى الْخَوَائِجِ»^۱؛ «زمانی که بنده برای رفع حاجت خود نمازش را با عجله بخواند، خداوند می‌فرماید: آیا بنده‌ی من نمی‌داند که حاجت او را من برآورده می‌کنم.»

حضرت علی -عليه السلام- به مردی که نمازش را به سرعت می‌خواند، نگاه کرد و از او سؤال کرد: «از چه وقتی این طور نماز می‌خوانی؟ مرد پاسخ داد: از فلان وقت تا به حال. امام فرمودند، مَثَل (نماز خواندن) تو در پیش خداوند مثل کلاغی است که (بسرعت) از زمین دانه می‌چیند، اگر تو به این حالت بمیری، مرده‌ای به غیردین پیامبر اسلام». امام فرمودند: «همانا که دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد».^۲

• لعنت خدا

قال النبی -صلى الله عليه و آله وسلم-: «لَا تُضَيِّعُوا صَلَاتَكُمْ، فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَاتَهُ حَشِرَةُ اللَّهِ مَعَ قَارُونَ وَ فِرْعَوْنَ وَ هَامَانَ - لَعْنَهُمُ اللَّهُ وَ أَخْرَاهُمْ - وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُتَنَافِقِينَ، فَأَلْوَيْلُ لِمَنْ لَمْ يُحَافِظْ صَلَاتَهُ»^۲؛ «نماز خودتان را ضایع نکنید، به حقیقت هرکس نماز خویش را ضایع کند، خداوند -عزوجل- او را با قارون و فرعون و هامان محشور می‌کند، خداوند به آنان لعنت کند و آنها را رسوا سازد، و بر خدا لازم

^۱ - وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴ .

^۲ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۴ .

^۲ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۲۰۲ .

است آنها را با منافقان به آتش داخل کند، پس وای بر کسی که بر نمازش مواظبت نکند.»

کیفر سبک شمردن نماز

فاطمه زهرا-سلام الله علیها-از پدر بزرگوارش-رسول الله- پرسید: « پدر جان! زنان و مردانی که نسبت به نماز بی‌اعتنا هستند و نماز را سبک می‌شمارند ، چه عواقبی را در پیش دارند؟ رسول خدا-صلی الله علیه و آله و سلم- فرمود: ای فاطمه جان! هرکس از مردان و زنان نمازش را سبک بشمارد، خداوند او را به پانزده بلا مبتلا می‌سازد. شش مورد دردنیای، سه مورد در وقت مرگ، و سه مورد آنها در قبر و سه مورد در قیامت زمانی که از قبر خارج شود :

الف) اما آن شش بلایی که دردنیای دامنگیرش می‌شود:

- خداوند برکت را از عمرش می‌برد.
- خداوند برکت را از رزقش می‌برد.
- خداوند -عزوجل- سیمای صالحین را از چهره‌اش محو می‌کند.
- هر عملی که انجام می‌دهد، پاداش داده نمی‌شود.
- دعایش به آسمان نمی‌رود.
- بهره‌ای از دعای صالحین برای او نیست.

ب) اما آن سه بلایی که هنگام مرگ گرفتارش خواهد شد:

- دلیل از دنیا می‌رود.
- هنگام مرگ در حال گرسنگی خواهد بود.
- تشنه از دنیا خواهد رفت، اگر چه آب همه نهرهای دنیا را به او بدهند.

ج) اما آن سه بلائی که در قبر دامنگیرش می‌شود:

- خداوند ملکی در قبر برای او می‌گمارد تا او را زجر دهد.
- قبرش برای او تنگ خواهد شد.
- گرفتار ظلمت و تاریکی قبر خواهد شد.

د) اما آن سه بلایی که در روز قیامت گرفتارش خواهد شد:

- خداوند ملکی را موکل می‌سازد که او را با صورت بر روی زمین بکشد، در حالی که خلائق تماشا می‌کنند.
- محاسبه اعمالش به سختی انجام میشود.
- خدابه نظر لطف به او نمی‌نگرد و برای اوست عذاب همیشگی.^۱

^۱ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴.

چکیده:

تعقیبات: نماز را نباید بدون بدرقه و تعقیبات رهاکرد، چون نشان بی‌علاقگی به خود نماز و راز و نیاز با معبود است. تسیحات حضرت زهرا از بهترین تعقیبات است که از هزار نماز مستحبی برتر است. سجده بعد از نماز شکرانه توفیق انجام نماز است. صلوات بر نیکان و لعن و نفرین بر مظاهر شرک و پلیدی، دعا و نوافل از دیگر تعقیبات مهم نماز به شمار می‌آیند.

ترک نماز: فاصله بین کفر و ایمان ترک نماز است. کسی که نماز را ترک کند مورد لعن و نفرین فرشتگان، و خداوند و ائمه قرار می‌گیرد و در آخر هم اهل دوزخ می‌شود.

سبک شمردن نماز: نشانه ضعف ایمان است و طبق فرمایش پیامبر اسلام و حضرت علی علیهماالسلام کاهل نماز، دزدترین مردم است. موجب روی‌گردانی خداوند از نمازگزار شده و مورد شفاعت قرار نمی‌گیرد، با فرعون و هامان محشور شده و ملعون خداست و مستحق عذاب چاه و یل.

پیامبر اسلام می‌فرماید: کسی که نماز را سبک بشمارد به ۱۵ بلا مبتلا می‌گردد، ۶ بلا در دنیا، ۳ بلا در هنگام مرگ، ۳ بلا در قبر و ۳ بلا هم در قیامت.

پرسش‌های درس:

- ۱- هرکس بعد از نماز تسبیحات حضرت زهرا را بگوید به عمل کرده است.
 الف) بهترین تعقیبات
 ب) سفارش امام صادق
 ج) آیه واذکروا الله کثیرا
 د) هر سه مورد
- ۲- مطابق روایات چه هنگام دعا برای طلب رزق موثرتر است؟
 الف) در نماز شب ب) پس از نماز صبح ج) در قنوت نماز د) پس از نماز وتیره
- ۳- خداوند پاداش و نتیجه سجده شکر را چه می‌داند؟
 الف) رحمت حق ب) بهشت جاودان ج) حل شدن مشکلات د) تشکر خدا
- ۴- بنا بر فرمایش پیامبر بر خدا لازم است سبک شمارندگان نماز را
 الف) در چاه ویل افکند ب) با منافقان به آتش داخل کند
 ج) قطع روزی کند د) دعایشان را مستجاب نکند
- ۵- صلوات و لعن و نفرین در تعقیب نماز نشانه‌ای از چیست؟
- ۶- مطابق روایات دلیل نبوت حضرت موسی چیست؟
- ۷- عقوبت ترک نماز را بیان کنید.
- ۸- شش مورد از بلاها و عقوبت سبک شمردن نماز را توضیح دهید.

درس دهم متفرعات نماز (۲)

پرسش‌های اساسی

حضور قلب داشتن در نماز به چه مفهوم است و آثار آن چیست؟
چه عواملی باعث عدم حضور قلب در نماز می‌شود؟ و درمان آن چیست؟

د) حضور قلب در نماز

یکی از شرط‌های اساسی پذیرفته شدن نماز در نزد خدای متعال، مسأله‌ی «حضور قلب پیدا کردن» در حین نماز است؛ از این رو آیات و روایات فراوانی در این باره وارد شده که همه بر این مطلب تصریح می‌کنند که میزان قبولی نماز، بستگی به میزان توجه انسان در نماز دارد و این در حالی است که متأسفانه بسیاری از ما عبادت‌های خود را بدون حضور قلب و با حواس پرتی کامل انجام می‌دهیم و به همین جهت است که یک عمر نماز می‌خوانیم، اما اثری از آثار معنوی و روح‌نواز آن را در خود نمی‌بینیم.

اهمیت و امکان حضور قلب

در ضرورت تحصیل حضور قلب همین بس که بدانیم، نماز بی‌حضور قلب، نماز حقیقی نیست و وقتی نماز از حقیقت و باطن خود جدا شد و به صورت یک عمل بی‌روح در آمد، تمام ثمرات و فوایدی که در آیات و روایات، برای نماز آمده، در چنین نمازی وجود ندارد و چه بسا موجب دوری از خدا هم بشود. احادیث فراوانی در این باره وارد شده که همه بر این مطلب تصریح می‌کنند که میزان قبولی نماز، بستگی به میزان حضور قلب در نماز دارد و به تناسب وجود حضور قلب، نماز مورد قبول واقع

می‌شود. امام صادق - علیه السلام - می‌فرمایند: *إِنَّ الْعَبْدَ لَيُرْفَعُ لَهُ مِنْ صَلَاتِهِ نَصْفُهَا أَوْ ثُلُثُهَا أَوْ رُبْعُهَا أَوْ خُمْسُهَا وَ مَا يَرْفَعُ لَهُ إِلَّا مَا أَقْبَلَ عَلَيْهِ بِقَلْبِهِ*^۱

«همانا از نماز انسان، نصف یا ثلث یا ربع یا خمسش بالا برده می‌شود و بالا برده نمی‌شود مگر آن مقدار از نماز که به آن توجه قلبی داشته باشد.»

گر چه حضور قلب از شرایط صحت نماز نیست؛ یعنی با نبودن حضور قلب نماز باطل نمی‌شود و از لحاظ فقهی اشکالی ندارد. ولیکن چنین نمازی، قالبی خالی و بی‌فضیلت و غیر مقبول است، یعنی بالا نمی‌رود و اثر معراجی خود را از دست می‌دهد.

مراتب حضور قلب

گرچه درباره مراتب حضور قلب، سخنان بسیاری از بزرگان اهل معرفت رسیده، ولی ما به جهت مختصرگویی و ساده نویسی برآنیم تا با الهام از سخنان ارزشمند آنان به ذکر پنج مرتبه از مراتب حضور قلب بپردازیم.

• مرتبه اول

شخص نمازگزار باید اجمالاً بداند که با خداوند سخن می‌گوید و حمد و ثنای او می‌کند، اگر چه به معانی الفاظ توجه نمی‌کند. این مرتبه برای آنانی است که معانی نماز را نمی‌دانند؛ حضرت امام خمینی - قدس سره - از قول مرحوم شاه آبادی - قدس سره - نقل می‌کند:

«مَثَلُ أَيْنِ نَحْوِهِ، بِهَ إِينِ صَوْرَتِ اسْتِ كِهْ يَكِي، قَصِيْدَهْ دَرِ مَدْحِ كَسِيْ بَغْوِيْدِ وَ بِهْ طِفْلِيْ كِهْ مَعَانِيْ أَيْنِ رَا نَمِيْ فِهْمِدْ بَدَهْدْ كِهْ دَرِ مَحْضَرِ أَوْ بَخْوَانْدِ وَ بِهْ طِفْلِ بَفِهْمَانْدْ كِهْ اَيْنِ قَصِيْدَهْ دَرِ مَدْحِ اَيْنِ شَخْصِ اسْتِ، الْبَتَّهْ أَيْنِ طِفْلِ كِهْ قَصِيْدَهْ رَا مِيْ خَوَانْدِ اَجْمَالاً مِيْدَانْدِ ثِنَايِ مَمْدُوْحِ رَا مِيْ كَنْدِ، اِكْرَ چِهْ كَيْفِيْتِ أَيْنِ رَا نَمِيْ دَانْدِ.»^۲

۱- بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۳۸.

۲- امام خمینی، اربعین، ص ۴۳۴.

• مرتبه دوم

علاوه بر مرحله قبلی، به معانی کلمات و اذکار نیز توجه داشته باشد و بداند که چه می‌گوید. امام صادق - علیه السلام - می‌فرمایند:

« مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا. انصَرَفَ و لَيْسَ بَيْنَهُ و بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ إِلَّا عَفَرَهُ؛^۱ » هر کس دو رکعت نماز بخواند در صورتی که بداند چه می‌گوید، از نماز فارغ می‌شود در حالی که بین او و خداوند گناهی نیست، مگر اینکه خداوند آنها را می‌بخشد». در این مرحله، قلب، تابع زبان است.

• مرتبه سوم

اسرار عبادت و حقیقت اذکار و تسبیح و تحمید و سایر مفاهیم را بفهمد و در حال نماز به آنها توجه کند تا خوب بداند چه می‌گوید و چه می‌خواهد.

• مرتبه چهارم

نمازگزار علاوه بر مراحل سابق، باید اسرار و حقایق اذکار را بطور کامل در باطن ذاتش نفوذ داده و به مرحله یقین و ایمان کامل برسد. در این صورت است که زبان از قلب پیروی می‌کند. قلب چون به آن حقایق ایمان دارد، زبان را به اذکار وادار می‌کند.

• مرتبه پنجم

در این مرحله، نمازگزار به مرتبه کشف و شهود و حضور کامل می‌رسد که به این مرحله حضور قلب در معبود می‌گویند نه حضور قلب در عبادت؛ یعنی مرحله‌ای که اسماء و صفات و کمالات حق را با چشم باطن مشاهده می‌کند، چیزی را جز خدا نمی‌بیند، حتی به خودش و افعال و حرکات و اذکارش نیز توجه نداشته از سخنگو و

۱- ثواب الاعمال، ص ۷۲.

سخن نیز غافل است. البته در این مرحله هم مراتبی است که نسبت به سالکین متفاوت است.^۱

عوامل عدم حضور قلب و درمان آن

۱. عوامل درونی

الف) هرزگی قوه خیال

از اسباب محوری و اصلی حواس‌پرتی، فرار بودن، و هرزگی قوه خیال است. آدمی دارای نیرویی است که به طور دائم ذهن و خیالش را به کار می‌گیرد. اگر ذهن انسان در مورد موضوعات کلی، به صورت منظم و مرتب فعالیت کند و از یک مقدمه، نتیجه‌ای بگیرد، در این صورت تفکر و تعقل حاصل شده است، ولی اگر ذهن انسان بدون هیچ مقدمه و نظمی در موضوعات جزئی، از چیزی به چیزی و از جایی به جایی پرواز کند و هیچ رابطه منطقی بین موضوعاتی که در ذهن آمده ایجاد نکند، تخیل صورت گرفته است.

یکی از ویژگی‌های قوه خیال، فرار و متحرک بودن آن است، چون اگر تفکر نباشد، هزاران خاطره و مسأله به ذهن انسان (در طی چند لحظه، بدون هیچ ارتباطی با هم) می‌رسد. دیگر از ویژگی‌های قوه خیال که از تعریف آن بر می‌آید آنست که در موضوعات جزئی کار می‌کند و هم چنین از بی‌نظمی خاصی برخوردار است.

^۱ - بر همه ماست که در این مراتب به دقت تأمل نموده و درصدد تحصیل آنها باشیم؛ برای اطلاع بیشتر ر.ک: امام خمینی، اربعین، ص ۴۳۴؛ ابراهیم امینی، خودسازی، ص ۲۳۱؛ میرزا ملکی تبریزی، اسرار الصلوة، ص ۳۰۷.

انواع خیالات در نماز

در نمازی که می‌خوانیم، تمام انواع چهارگانه تصورات خیالی که در ذیل می‌آید، وجود دارد، مگر کسانی که قوه خیال را کاملاً تربیت کرده و متمرکز بر نماز کرده باشند. گاهی آنچه در نماز به ذهن خطور می‌کند، انجام کار خیری است؛ مثلاً در این تصور است که چگونه بعد از نماز سخنرانی کند و یا با فلان بزرگ یا دوست، چگونه گفتگو کند. و یا انجام کار شری است، مثلاً در این تصور است که چگونه بر سر دیگری کلاه بگذارد و... گاهی آنچه در خاطر و خیال می‌آید، صرف خیال است و آن یا خیال پسندیده است مثلاً (در خاطر خود بگذراند که پول‌دار شود تا بتواند گرسنگانی را سیر و برهنگانی را لباس بپوشاند و...) و یا خیال فاسد می‌باشد (مثلاً در خاطر خود لذت گناه و چگونگی آن را بیاورد و با آن دلخوش کند)

پس آنچه که در قوه خیال می‌آید از این چهار حالت خارج نیست، اگر چه گاهی در نماز قوه خیال در امور پسندیده فعالیت می‌کند، ولیکن در جهت کسب حضور قلب، خیال در امور پسندیده هم باید کنترل شود و از پرواز آن به امور مختلف، خوب نگه داشته شود تا قلب یکسره متوجه خداوند گردد.

درمان

• ۱- تمرین در بیرون نماز

باید در بیرون نماز، تمرین و ممارست در حفظ قوه خیال و متمرکز کردن آن صورت گیرد، به این صورت که در ابتدا تمرین کنیم که فکر و خیال خود را به امور خاصی تمرکز بدهیم و دائماً مواظبت بنماییم که خیال به جایی دیگر نرود که اگر این تمرکز ادامه پیدا کند، آرام آرام می‌توانیم فکر و خیال خود را ضبط و نگهداری کنیم که هر کجا اراده کردیم حرکت کند.

• ۲- تغذیه قوه خیال

هر یک از قوای ما محتاج به تغذیه مناسب خود می‌باشد. باید برای منظم کردن قوه خیال و جهت دادن به آن، از عوامل کنترل قوه خیال و گفتن ذکر دایم با توجه و متمرکز کردن ذهن به امور پسندیده، استفاده کرد. از جمله امور پسندیده عبارتند از یاد خدا بودن؛ تمام کارها و اعمال خود را نیت و هدف خدایی دادن؛ تفکر در مسائل علمی و مسائل اعتقادی (مبدأ و معاد) و وظایف انسانی و عملی (کسب اخلاق حسنه و رفتار انسانی)؛ مراقبت بر احوال و رفتار خود که چه مقدار منطبق با عقل، شرع و رضای خداوند است و هم چنین یادآوری گذرگاه بودن دنیا و مسافر بودن خود و دقت و تعقل به عجایب خلقت و آثار نظم و قدرت پروردگار؛ همه این‌ها عوامل کمک کننده در کنترل قوه خیال می‌باشد.

• ۳- کنترل قوه خیال داخل نماز

یکی از روش‌های کنترل قوه خیال در نماز «تصمیم بر مخالفت است»؛ یعنی تصمیم بگیرد که خیال خود را متمرکز در نماز و یا معانی نماز نماید و هر وقت کنترل آن از اراده انسان خارج شد دوباره برگرداند. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید: راه عمده رام نمودن قوه خیال «عمل نمودن به خلاف است» و آن، چنان است که انسان در وقت نماز خود را مهیا کند که حفظ خیال در نماز کند و آن را حبس در عمل نماید و به مجرد این که بخواهد از چنگ انسان فرار کند آن را برگرداند و در هر یک از حرکات و سکنتات و اذکار و اعمال نماز ملتفت حال آن (قوه خیال) باشد و از حال آن جستجو کند و نگذارد سر خود باشد و این در اول امر، کاری مشکل به نظر می‌آید، ولی پس از مدتی عمل و دقت و علاج، حتماً رام می‌شود و ورزیده می‌شود.^۱

۱- آداب الصلوة، ص ۴۴.

• ۴- ترک دنیاپرستی و اسارت دنیا

از موانع مهم و اصلی حضور قلب، دنیا پرستی و اسارت و فریفتگی در برابر آن است. غالب اندیشمندانی که درباره اهمیت نماز کتاب نوشته‌اند، مسأله دنیاپرستی را یکی از مهم‌ترین موانع حضور قلب بر شمرده‌اند. آراء و نظریاتی که درباره دنیا مطرح شده به طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شود:

• ترک اصل دنیا

برخی بر این عقیده‌اند که باید از تمام موهبت‌های دنیایی دور شویم و با کناره‌گیری از اجتماع بشری، فقط به عبادت خدا بپردازیم، چرا که دنیا و متعلقات آن را موجب بدبختی و گمراهی بشر می‌پندارند. با این طرز تفکر، عبادت و خداپرستی، منافعی با زندگی کردن تلقی می‌گردد و لذا، یا باید دنیا را انتخاب کرد و یا آخرت را و جمع بین این دو ممکن نخواهد شد.

دیدگاه اسلام

اسلام شدیداً با رهبانیت، دوری از دنیا، ترک کار و تلاش و عدم همسرگزینی و... مخالف است، از همین جهت، پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله وسلم - می‌فرماید: لا رهبانیة فی الاسلام^۱ « رهبانیت (ترک دنیا) در اسلام نیست.»

تفکر رهبانیت و جدایی دین از زندگی، از مذاهب مسیحی و بودایی، وارد اسلام شد، به همین جهت بعضی تصور می‌کنند که اسلام با دنیا و کار کردن، تلاش و ... مخالف است. زندگی در دنیا یعنی کار کردن، خوردن، آشامیدن، استراحت کردن، ازدواج و... چگونه ممکن است خداوندی که آفریدگار همه موجودات از قبیل زمین، خورشید، حیوانات و حتی خود انسان است، ما را از استفاده و توجه به آنها نهی نماید؟

۱- بحار الانوار، ج ۱۵، باب النهی عن الرهبانیه.

پیغمبر اسلام - صلی الله علیه و آله وسلم - می فرمایند: العبادَه سَبْعُونَ جِزَاءً اَفْضَلُهَا طَلَبُ الخَلَالِ؛^۱ «عبادت هفتاد جزء دارد که بهترین عبادت‌ها، کار و تلاش می‌باشد.»

در روایت دیگر آمده : ابن اَبی يَعْفُورُ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ - عليه السلام - : اِنَا لِنُحِبُّ الدُّنْيَا فَقَالَ لِي : «تَصْنَعُ بِهَا مَاذَا؟ قُلْتُ اَتَزَوَّجُ مِنْهَا وَ اَحْجُّ وَ اَنْفَقُ عِيَالِي وَ اَنْبِلُ اِخْوَانِي وَ اَتَصَدَّقُ قَالَ : لَيْسَ هَذَا مِنَ الدُّنْيَا، هَذَا مِنَ الْآخِرَةِ؛^۲ « ابن ابي يعفور می‌گوید: خدمت امام صادق - عليه السلام - عرض کردم: ما دنیا را دوست می‌داریم. فرمودند: با اموال دنیا چه می‌کنی؟ عرض کردم: به وسیله آنها ازدواج می‌کنم، به حج می‌روم، برای خانواده‌ام خرج می‌کنم، به برادرانم کمک می‌کنم و در راه خدا صدقه می‌دهم. فرمودند: این دنیا نیست، این آخرت است.» از این روایت به روشنی معلوم می‌گردد که اصل دنیا مذموم نیست و روایات دیگری در این باب وارد شده که همه آنها سفارش می‌کنند که با استفاده کردن بهینه از دنیا، انزوا و رهبانیت را رها سازید. نتیجه آنکه اصل دنیا و توجه به آن، نه تنها منافات با دینداری و عبادت خدا ندارد، بلکه همان طور که ذکر شد، از بهترین عبادت‌ها است.

• ترک محبت دنیا

گروه دوم معتقدند که اسلام، محبت و علاقه به دنیا را به طور مطلق مذموم دانسته و از همین جهت علاقه به زن، فرزند، اموال، خوراکی‌ها و... را مردود می‌دانند، در این باره به آیات و روایات استناد می‌کنند.

دیدگاه اسلام

اگر منظور از محبت، علاقه و ارتباط عاطفی و غریزی است که اسلام نه تنها آن را نفی نکرده، بلکه با واقع‌بینانه‌ترین دیدگاه، آن را تفسیر کرده و آن‌را غریز و تمایلات را

^۱ - کافی، ج ۵، ص ۷۸.

^۲ - بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۶۳.

جزء سرشت آدمیان دانسته است. از نظر اسلام تمایل به دنیا و علاقه به آن، قابل کسب نیست، بلکه از امور فطری و غریزی است که خداوند بر حسب ضرورت و نیاز در درون ما نهاده است که بدون آنها به کمال رسیدن، ممکن نخواهد بود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **و من آیاته ان خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا الیها و جعل بینکم موده و رحمه!**^۱

« از جمله نشانه‌های حق این است که از جنس خود شما، همسرانی برای شما آفریده که در کنار آنها آرامش بیابید و میان شما و آنها الفت و مهربانی قرار داد». با کمی دقت می‌توان فهمید، زن و علاقه به آن، که از مظاهر دنیا است، نه تنها مذمت نشده، بلکه فلسفه وجودی آن، تسکین و آرامش مردان شمرده شده است.

در روایت دیگر از امام صادق - علیه السلام - آمده است: **لاخیرقی من لایحب جمع المال من حلال، یكف به وجهه و یقضی به ذینته و یصل به رحمه!**^۲ « خیر و خوبی نیست، در کسی که تحصیل مال حلال را دوست ندارد تا بدین وسیله آبرویش را حفظ کند و دینش را ادا نماید و صلح رحم به جا آورد.»

از امثال این روایات معلوم می‌گردد که اسلام نه تنها دنیا بلکه علاقه به دنیا را که از روی غرایز مادی در درون انسان است، تأیید می‌نماید و از بین بردن علایق فطری را، مردود دانسته و برخلاف تکامل آدمی می‌داند.

• ترک دنیا پرستی

آنچه اسلام بدان معتقد است، ترک پرستش دنیا و کمال مطلوب و محبوب واقعی ندانستن آن است. تمام آیات و روایاتی که در مذمت حبّ به دنیا آمده، اشاره به این

۱- روم (۳۰)، آیه ۲۰.

۲- کافی، ج ۵، ص ۷۲.

قسم دارند و آنچه مانع حضور قلب در نماز می‌گردد، همین «دنیاپرستی و اسارت دنیا» است. در قرآن کریم و روایات اهل بیت، دنیا، ناپایدار و محل گذر و اهل دنیا، مسافر معرفی شده است و این واقعیتی غیر قابل انکار است و نیز در برخی از آیات آمده که دنیا وسیله‌ای است جهت رسیدن به هدف، نه نهایت کمال مطلوب بشری.

ب) حواس ظاهری

یکی از عوامل حواس‌پرتهی، متوجه شدن به امور خارجی است، چرا که قلب و ذهن به منزله حوضی هستند که این پنج حس به آن می‌ریزند و به واسطه آنها صورت‌های معانی بر قلب وارد می‌شود، به طوری که به واسطه دیدن تصویری یا شنیدن صدایی چندین صورت خیالی بر ذهن وارد می‌شود و قلب را مشغول خود می‌کند. اگر در هنگام نماز، گوش آدمی چیزی را بشنود یا چشم چیزی را ببیند، حواس و ذهن نمازگزار متوجه آن شنیدنی (مسموع) یا تصویر می‌گردد و از خدا و توجه به او غافل می‌گردد و چه بسا با شنیدن یک کلمه، خاطره‌های زیادی در ذهن او نقش بندد و تا آخر نماز او را مشغول بدارد.

درمان

علاج آن در از بین بردن این اسباب است که به صورت‌های مختلف بیان می‌گردد:

• ۱- چشم بستن

یکی از راه‌های معمولی که در میان مردم بیشتر مشاهده می‌شود، بستن چشم‌ها در حین نماز است تا تمرکز حواس بیشتری حاصل کنند که این امر البته برای کسانی است که نمی‌توانند بدون بستن چشم‌ها در نماز و با نگاه به محل سجده، آن تمرکز لازم را کسب کنند و گرنه کسی که می‌تواند با نیستن چشم‌ها در نماز و با نگاه کردن به محل سجده، حواس خود را جمع کند، بهتر است که چشم‌ها را نبندد.

• ۲- انتخاب مکان خلوت و تاریک

نمازگزار برای این که هیچ چیز او را به خود جلب نکند، باید مکان خلوت و بی سر و صدا، بی منظره و تاریکی را انتخاب کند؛ مثلاً در مکانی که عکس، تلویزیون و رادیوی روشنی، زن و بچه و... نباشد که مسلماً تحصیل حضور قلب در چنین مکانی راحت‌تر از مکان شلوغ، پر رفت و آمد و... می‌باشد. چون زمینه حواس‌پرتی در آنجا کمتر است.

پ) وسواس در قرائت

هدف اصلی از عبادت، تحصیل مقام «جدایی کامل از غیر خدا» است، لذا موانع این راه، باید برداشته شود. یکی از این موانع، توجه زیاد و وسواس داشتن در قرائت است که موجب می‌شود نمازگزار از باطن و حقیقت نماز به ظاهر توجه کند و به جای توجه کردن به معانی نماز و کسب حضور قلب به الفاظ و چگونگی تلفظ آن‌ها مشغول گردد، اگرچه رعایت قرائت، از شرایط صحت نماز است، ولیکن شرط صوری است و باید در حد تکلیف آن را انجام داد و نیز از توجه زیاد به ظاهر، باید پرهیز کرد. این که برخی می‌خواهند بواسطه حفظ قرائت، تمرکز حواس کامل پیدا کنند، اشتباه است، چون حواس در قرائت، کافی نیست، ثانیاً هدف نیست، بلکه هدف، توجه کامل قلب به خداست و چنین شخصی، به جای توجه به خدا و بریدن از اغیار، گرفتار ادای کلمات از مخرجشان می‌شود.

درمان

• ۱- آشنایی به ظاهر و باطن نماز

باید بداند که رعایت قرائت و امثال آن، از احکام ظاهری نماز و عبادت می‌باشند و باید در حد اعتدال و تکلیف به آنها توجه کرد و حضور قلب و تخلیه قلب از اغیار از

شرایط باطنی نماز است و حقیقت نماز با وجود آن معنا پیدا می‌کند که هرچه توجه به این معنا زیادتر باشد، نماز کامل‌تر خواهد شد، چرا که باطن نماز برخلاف ظاهر آن، محدود به حدی نیست. باید دانسته شود که فرق نماز امیر المؤمنین با نماز ما در حضور قلب به خدا می‌باشد نه به مدّ «و لا الضالّین» و قرائت کامل‌تر آن حضرت.

• ۲- همانند سازی با الگوهای دینی

برای این که نمازگزار، متوجه شود که دچار وسواس شده یا خیر، بهتر است عمل خود را بر علما و فقها عرضه کند و از آنها سؤال کند که آیا مبتلا به مرض وسواس است یا خیر؟ چون کشف مرض، برای مریض مشکل است، بلکه چه بسا خود را عادی می‌بیند و دیگران را متهم به بی‌مبالاتی می‌کند و از عمل آنها رنج می‌برد. لذا وقتی از علما در مورد حال خود سوال کند و از نظر آنها نسبت به خود با خبر شود، مقداری مشکل حل خواهد شد. بالاتر این که، به عمل خود علما نگاه کند و ببیند که آنها هم مثل او این قدر حساسیت دارند یا عملشان بر خلاف او است؟ اگر عملکرد علما را برخلاف خود یافت، پس باید بداند که یقیناً دچار وسواس شده است.

• تندخوانی و شتاب‌زدگی

از موجبات حواس‌پرتی، تندخوانی و تعجیل در اتمام نماز است، که علت سریع‌خوانی هم، عدم اهتمام به نماز است. چرا که چنین افرادی، نماز را فقط برای رفع تکلیف می‌خوانند، لذا با کراهت و بی‌میلی عبادت را انجام می‌دهند و در نتیجه احساس خستگی می‌کنند.

انگیزه تندخوانی، حاضر شدن نزد محبوب‌کدایی است و از اینکه چند لحظه‌ای در نزد کسی که قلبش متوجه او نیست ایستاده، رنج می‌برد و می‌خواهد هر چه سریع‌تر به طرف کسی یا کاری که دوست دارد پرواز کند.

اگر کسی قلبش متوجه خدا باشد و از این حضور راضی باشد، لزومی برای تندخوانی و فرار از نماز نمی‌بیند، چون در محضر کسی است که باید باشد، لذا تمام حواسش را متمرکز به محبوب واقعی می‌نماید.

ت) گناه

همان‌طور که نماز، عامل بازدارنده از گناه است، فحشا و منکرات نیز مانع حضور قلب در نماز است. نماز و گناه رابطه متقابل و متضاد دارند. کسی که اهل فحشا و منکر است، توفیق تحصیل حضور قلب در نماز را ندارد، چراکه گناه اثر منفی خود را در نماز می‌گذارد و از طرفی نماز به میزان حضور قلب در آن، بازدارنده از معصیت و بزهکاری می‌باشد و این که خداوند در قرآن کریم فرموده است:

إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ «نماز انسان را از فحشا و منکر باز می‌دارد»^۱ مسلماً نماز با حضور قلب را اراده کرده است، چرا که حضور قلب یعنی حاضر شدن قلب در محضر خدا که مبدأ پاکی هاست و قلب آدم فاسق، فاجر و گناه کار نزد معاصی است نه خدا؛ ممکن نیست دل آدمی هم در معاصی غرق باشد و هم در معنویات. با دقت معلوم می‌شود کسی که غرق در شهوات و معاصی است، حق معنویات و نماز را ضایع می‌کند و به همین جهت است که خداوند می‌فرماید:

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسُوفَ يَلْقَوْنَ غَيًّا؛^۱ پس جانشینان این جمعیت پاک و خداپرست، قومی شدند که نماز را ضایع کردند و از شهوات پیروی کردند و به دنبال آن به گمراهی افتادند.

۱- مريم (۱۹) آیه ۵۹.

نتیجه آن که با خدا بودن، منافات با اسارت در شهوات و گناه و آلودگی دارد. مسلماً روح و قلبی که به گناه عادت کرده و انس گرفته نمی‌تواند قبله خدا و محل توجه او باشد.

درمان

- ۱- با علل فساد و گناه مبارزه کنیم

ریشه گناه عبارت است از جهل، هوای نفسانی (منفعت) و ترس. اگر می‌خواهیم گناه از صفحه زندگی ما پاک شود، باید در مرحله اول، گناه را بشناسیم و بدانیم که چه چیزهایی گناه و موجب فساد و آلودگی روح آدمی و اجتماع بشری است و در مرحله دوم به نقش مخرب گناهان در زندگی خود و بشر توجه کنیم و آثار منفی آنها را با دقت درک کنیم.

- ۲- از القائات جهت ترک گناه کمک بگیریم

برای این منظور باید به قلب خود تفهیم کنیم، اگر نماز خوان هستیم پس کلاهبرداری برای چه؟ اگر نماز می‌خوانیم، پس چرا زنا، چشم‌چرانی، شراب و همراهی با دوست بد...؟ و با توجه به جنبه منفی گناه، از گذشته خود توبه کنیم و با القائات مثبت، امید به خوب شدن و عوض شدن و ... را در خود زنده کنیم.

- ۳- از خود نماز در ترک گناهان کمک بگیریم

به هیچ وجه نماز را ترک نکنیم، بلکه همواره عزم و همت خود را متوجه ترک گناه کنیم و در هنگام نماز به خلوص و حضور قلب بیشتر توجه کنیم و از آن جاکه گناه و نماز رابطه متقابل دارند، به موازات ترک گناه به کسب حضور قلب و خالی کردن قلب از اغیار بپردازیم و این مطلب که «نماز با توجه، با گناه منافات دارد» را به قلب تفهیم کنیم و با خود تکرار کنیم که قلب پر گناه آشیانه حق تعالی قرار نمی‌گیرد.

ث) چشم چرانی

چشم چران کسی است که کنترل چشم خود را ندارد و به هر طرفی خیره می‌شود و چه بسا نگهداری چشم از اختیار او خارج شده و به صورت عادت در آمده است که ترک آن مشکل به نظر می‌آید. چشم‌چرانی قبل از اینکه برای دیگران مزاحمت و ناراحتی ایجاد کند، برای خود شخص مضرّ است و موجب آشفتگی، اضطراب، عدم اعتماد به نفس، بی حالی و رخوت نسبت به معنویات، مخصوصاً نماز می‌گردد. خداوند سبحان زن و مرد را از چشم‌چرانی نهی نموده است. آن جا که فرموده است: **قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ...**؛ به مردان بگو دیدگان خود را فرو خوابانند و... به زنان مؤمنه بگو دیدگان خویش را فرو خوابانند. کسی که معتاد به چشم چرانی شد، فکر و خیال و قلبش مشغول دیده می‌شود و روحش آشفته و ذهنش مشوّش می‌گردد و هنگام عبادت، قوه خیالش با این آشفتگی به پرواز در می‌آید و به شاخه‌هایی پرواز می‌کند که با چشم خود مشاهده کرده است.

درمان

• کنترل چشم در همه حال

اگر در بیرون از نماز چشم آزاد بود، محال است هنگام نماز متمرکز به خدا شود، اگر در بیرون نماز چشم فرّار بود، در هنگام نماز هم آزاد است؛ یعنی هر چه چشم ضبط کرده و ذخیره کرده، هنگام نماز مزاحم می‌شود. پس حفظ و کنترل حواس در نماز منوط به حفظ و کنترل چشم در بیرون از نماز است.

چگونه ممکن است کسی که عادت به نگاه پراکنی کرده، بتواند هنگام عبادت به طرف محبوب واقعی پرواز کند؟ قلبی که آشفته محبوب پنداری است، چگونه معشوق واقعی را می‌بیند؟

تو درون نماز و دل بیرون، گشت‌ها می‌کنی به جهانی
این چنین حالتی پریشان را شرم نآید نماز می‌خوانی؟

۲. عوامل بیرونی

در شکل‌گیری نظام شخصیتی و روحی آدمیان، علاوه بر عوامل درونی و فردی، عوامل بیرونی نیز مؤثر است و این واقعیتی است که دین واقع‌گرای اسلام به آن توجه کرده است، چرا که روح انسان‌ها دائماً دستخوش تأثیرپذیری از عوامل بیرونی است. از عوامل بیرونی، دوست فاسد، مجلس گناه و محیط فاسد را می‌توان بر شمرد.

الف) دوست فاسد

همنشینی و مصاحبت با دوست فاسق، اثرات منفی در آدمی می‌گذارد، چراکه شخصیت انسان بستگی به شخصیت دوست و همنشین او دارد و این واقعیتی غیر قابل انکار است که امام صادق - علیه السلام - به آن اشاره کرد است:

المرء علی دین خلیله؛^۱ «دین آدمی بستگی به نوع دین دوست او دارد».

«تو اوّل بگو با کیان دوستی پس آن بگویم که تو کیستی»

همنشینی با تارک نماز، موجب ترک نماز یا سهل‌انگاری در آن می‌شود و همان‌طور که دوست بد، اثر منفی در انسان می‌گذارد، انتخاب دوست خوب، نقش سازنده در آدمی دارد. همنشینی با کسانی که اهل حضور قلب هستند، زمینه را برای تحصیل حضور قلب آماده می‌کند.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

ب) مجلس و محیط فاسد

مجلس گناه و محیط فاسد خانواده، اجتماع و... جوّ روحی انسان را فاسد می‌کند و جوّ روحی فاسد، زمینه لازم را برای رشد معنویات از بین می‌برد. به میزان تأثیرپذیری از مجلس گناه و محیط فاسد، معنویات ضعیف می‌شود.

به همین جهت است که امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: لا یَنْبَغِ لِلْمُؤْمِنِ أَنْ یَجْلِسَ مَجْلِساً یُعْصَى اللهُ فِیْهِ وَ لَا یَقْدِرُ عَلَی تَغْیِیرِهِ^۱

« شایسته نیست، مؤمن، در مجلسی که معصیت خدا در آن می‌شود و قادر بر تغییر آن نیست، بنشیند». مجالست با گناهکاران، روان آدمی را بیمار نموده و اسارت نفسانی را شدت می‌بخشد و ذهن را آشفته می‌کند.

چگونه ممکن است کسی در مجلس فساد، پای فیلم مخرب ویدئو و ماهواره بنشیند و بعد در محضر خدا حاضر گردد؟ چگونه ممکن است چشم‌ها به تماشای تصاویر مبتذل بپردازند و خاطره آنها در نماز مزاحمت ایجاد نکند؟ چگونه خدا در قلبی که غیر خدا حکومت می‌کند، جا دارد؟

پ) موانع جسمانی

نمازگزار برای این که بتواند با سکون و طمأنینه در محضر خدا حاضر شود، بایستی تمام موانع را از سر راه بردارد، از جمله موانعی که باید برداشته شود، پرخوری، کثرت خواب، جلوگیری از بول، کسالت و خستگی، است.

• پرخوری

پرخوری علاوه بر مضرات جسمی و فیزیولوژیکی دارای مضرات روحی و روانی نیز هست که از جمله ناراحتی‌های روحی آن، مانع بودن از قلب در نماز است.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۴.

پر خوری بیش از حد، موجب بی‌حالی و کسالت در عبادت و کسالت و بی‌حالی موجب حواس پرتی در نماز می‌گردد.

و در روایتی از رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله - داریم که: **من تعوّد کثرة الطّعام و الشّرابِ قسی قلبه^۱** «هرکس زیادی خوردن و آشامیدن عادت او شود قلبش سیاه می‌شود».

• پر خوابی

پر خوابی هم یک نوع مریضی است که مبتلا به آن نه تنها توفیق تحصیل حضور قلب پیدا نمی‌کند، بلکه تارک نماز هم می‌شود. پر خوابی و اعتیاد به آن، جسم را بی‌حال می‌کند و موجب ضعیف شدن اراده می‌گردد و اعتماد به نفس از آدمی سلب می‌شود، در نتیجه آدمی در مقابل معنویات عکس العمل منفی نشان میدهد، چنین شخصی در نماز با حالت خواب آلود روبه‌رو می‌شود و هنگام بیدار شدن از خواب، به سختی بر می‌خیزد و به علت اسارت خواب، با بی‌حالی وضو می‌گیرد و طوری صورت را می‌شوید که خواب از سرش نیپرد و در هنگام نماز در فکر خواب است و با اتمام نماز دست و پا شکسته، به طرف رختخواب پرواز می‌کند، چرا که محبوبش خواب است و نماز مزاحم بود.

در این مورد در روایتی از حضرت عیسی - علیه‌السلام - آمده است: **یا بنی اسرائیل لا تکثروا الاکل فانه من اکثر الاکل اکثر النوم و من اکثر النوم اقل الصلاة و من اقل الصلاة کتب من الغافلین^۲**

«ای بنی اسرائیل در خوردن زیاده روی نکنید که همانا محصول زیاد خوردن بسیار خوابیدن است و هر کس بسیار بخوابد نماز و عبادتش کم خواهد بود و آن‌گاه در زمره غافلان به شمار خواهد آمد».

^۱ - نهج الفصاحه، ص ۵۷۳.

^۲ - تنبيه الخواطر و نزهة النواظر، ص ۳۸.

• کسالت و خستگی

نماز را نباید در حال کسالت خواند بلکه ابتدا باید خستگی و خواب آلودگی را برطرف کرد، آن گاه به نماز ایستاد.

امام باقر - علیه السلام - در این زمینه حدیثی دارند که می فرمایند: لا تَقْمُ الی الصَّلَوةِ مُتْكَاسِلًا و لا متناعسًا و لا متناقلاً فَأَنَّهُما من خَللِ النَّفَاقِ؛^۱

« با بی حالی و خواب آلودگی، کاهلانه به نماز نایستید، چرا که اینها از علامات نفاق است». یعنی کسیکه در مقابل خدا می ایستد، باید در حضور او حاضر و قلبش متوجه او باشد.

• جلوگیری از بول

از عوامل حواس پرتی جلوگیری از بول است که فشار حاصل از جلوگیری، موجب عدم تعادل جسمی و به دنبال آن موجب عدم تمرکز حواس و قلب آدمی در نماز می شود.

امام صادق - علیه السلام - می فرماید: لا صلوة لحاقن و لا لحاقب و لحازق و الحاقن الّذی به البول و الحاقب الّذی به الغائط و الحازق الّذی ضَعَطَهُ الخف؛^۲

« نماز شخص حاقن و حاقب و حازق کامل نیست و حاقن، کسی است که بول به او فشار می آورد و حاقب، کسی است که غائط به او فشار می آورد و حازق، کسی است که جوراب او را آزار می دهد». پس بر نمازگزاران لازم است که قبل از اقامه نماز، به

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۹۸.

۲- سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۶.

تخلیه کامل خود از بول و غائط بپردازند تا این موانع موجب حواس‌پرتی در نماز نگردند.

(ت) عدم توجه به احکام فقهی و ظاهری غیر واجب

از عوامل حواس‌پرتی ترک مستحبات و انجام دادن مکروهات همانند با سر و ریش و لباس و اعضای بدن بازی کردن، خاراندن بدن، به اطراف توجه کردن، پوشیدن لباس و جوراب تنگ به پا کردن، خمیازه کشیدن اختیاری، نگاه کردن به آسمان، گذاردن دست به کمر، فشار دادن بند انگشتها، مقابل آتش ایستادن، مقابل در باز ایستادن و... است.

انجام دادن این امور، اگر چه موجب بطلان نماز نمی‌شود، و لیکن موجب حواس‌پرتی و عدم حضور قلب در نماز می‌شود. شاید سؤال شود که ترک این امور چه ربطی به حضور قلب دارد که امری باطنی است؟ در پاسخ می‌گوییم:

حواس آدمی با کوچکترین حرکت و عمل اضافی، مشغول میشود، لذا برای تحصیل حضور قلب، رعایت این امور لازم است.

در این باره از امام باقر - علیه السلام - روایت شده است: *اِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَعَلَيْكَ بِالْاِقْبَالِ عَلٰى صَلَاتِكَ، فَاِنَّمَا لَكَ مِنَ الصَّلَاةِ مَا اَقْبَلْتَ عَلَيْهِ بِقَلْبِكَ وَ لَا تَعْبَثْ فِيهَا بِيَدِكَ وَ لَا بِرَأْسِكَ وَ لَا بِلِحْيَتِكَ وَ لَا تَحَدِّثْ نَفْسَكَ وَ لَا تَتَنَاءَبْ وَ لَا تَمُطُّ!*^۱

« هرگاه به نماز ایستادی کاملاً متوجه نمازت باش، چون آن مقدار از نمازت که با توجه باشد، برای تو مفید خواهد بود، در نماز با دست، سر و ریش خود بازی مکن و در دل، حدیث نفس مکن و در هنگام نماز، دهن درّه مکن و قامت کشی نکن.»

(ج) بیهوده‌گویی

۱- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۰۱.

یکی از موانع حضور قلب، بیهوده‌گویی و پرگویی در بیرون از نماز است. بیهوده‌گو، کسی است که مواظبت بر زبان خود ندارد و زبان را بدون موافقت قلب، ایمان و عقل به حرکت در می‌آورد. چنین شخصی هیچ ملاک و معیاری برای سخن گفتن ندارد و هر چه در ذهن پدید آمد، بدون تعقل، مطرح می‌نماید.

امام صادق - علیه السلام - می‌فرمایند: **لا تكثرُوا الكلامَ فی غیرِ ذکرِ الله فانَّ الذین یكثرُونَ الكلامَ فی غیرِ ذکرِ الله قاسیةٌ قلوبُهُم و لكن لا یعلمون؛**^۱

«در غیر ذکر خدا، زیاد سخن نگویند به راستی آنان که در غیر ذکر خدا پر حرفی کنند، دل‌هایشان سخت و قسی می‌شود، لیکن خودشان نمی‌دانند».

عارف ربّانی و فیلسوف بزرگ علامه طباطبایی - رحمه الله علیه - فرموده است: «من از سکوت آثار گرانمایی را مشاهده کرده‌ام. چهل شبانه روز سکوت اختیار کنید و جز در موارد لازم سخن نگویند و به فکر و ذکر خدا مشغول باشید تا برایتان صفا و نورانیت حاصل شود».

چ) خودنمایی

اخلاص از شرایط قلبیه مهمّ نماز است و نقطه مقابلش ریا است که آفت بزرگی است. حضور قلب یعنی حاضر بودن قلب در محضر خدا و خالی کردن قلب از اغیار و اخلاص یعنی خالص کردن نیت و پاک کردن آن از غیر خدا و از طرف دیگر، ریا یعنی غیر خدا را در نیت آوردن. حال، من و شما که نماز می‌خوانیم و در ذهن خود غیر او را قصد می‌کنیم و توجه مردم و تظاهر به نماز و چگونگی آن را در قلبمان می‌گذرانیم، چگونه قلب خود را حاضر در محضر خدا ببینیم؟

۱- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۸۱.

پر واضح است که در صورت ریا و نبودن اخلاص، قلب متوجه غیر خداست و در این هنگام، حضور قلب بی معناست؛ بله، قلب حاضر است، اما در محضر اغیار.

معیار تشخیص ریا

برای تشخیص عبادت و عمل خالص، از غیر آن، باید به ملاکها و معیارهایی که گفته شده رجوع کنیم، چرا که فهمیدن و تشخیص وجود ریا مشکل است و چه بسا شخص ریاکار متوجه نیست که عملش ریاکارانه است؛ از این رو امام صادق - علیه السلام - معیاری برای تشخیص ریا تعیین کرده است، آن جا که می فرماید: **ثَلَاثُ عِلْمَاتٍ لِلْمِرَائِي: يَنْشِطُ إِذَا رَأَى النَّاسَ وَ يَكْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يَحِبُّ أَنْ يَحْمَدَ مَنْ جَمِيعٍ** ^۱ **أموره؛**

« برای ریا کننده سه علامت است:

- در پیش مردم با نشاط اعمال را انجام می دهد.
- در تنهایی با کسالت انجام می دهد.
- دوست دارد که در تمام کارهایش مردم او را تمجید و تعریف کنند.»

ح) عادت

از اسباب بی توجهی و غفلت در نماز، مسأله عادت به عبادت است، به این معنا که انسان، اصل نماز و افعال و اذکار آن را از روی عادت به جا آورد، به طوری که به حقیقت و روح نماز (حضور قلب) توجه نداشته باشد. از آن جایی که حضور قلب در نماز بستگی به میزان آگاهی و توجه قلبی نمازگزار دارد، لذا اگر نماز، به صورت عادت و غیر آگاهانه در آید، موجب غفلت و حواس پرتی

۱- اسرار الصلوة، ص ۲۷۱.

خواهد شد، به نحوی که موجب می‌شود گاهی انسان تمام افعال و اذکار را از روی عادت انجام دهد، بدون این که بفهمد چه کرده است. چنانچه در روایات آمده، گاهی طولانی کردن نماز (رکوع و سجود) به صورت عادت در می‌آید و لذا ارزش خود را از دست می‌دهد.

امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: **لَا تَنْظُرُوا إِلَى طَوْلِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سَجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اِعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ اِسْتَوْحَشَ لَذَلِكَ وَ لَكِنْ اَنْظُرُوا اِلَى صَدَقِ حَدِيثِهِ وَ اِداءِ اِمَانَتِهِ؛^۱** «به طولانی کردن رکوع و سجود کسی نگاه نکنید، زیرا شاید این چیزی باشد که به آن عادت کرده باشد که اگر ترکش کند وحشت می‌کند، و لیکن برآستی درگفتارش و ادای امانتش نگاه کنید».

درمان

اسلام مسأله نیت را واجب نمود تا عبادات از روی عادت و نا آگاهی صورت نگیرد. روایات زیادی در باب نیت وارد شده که همه تصریح بر اهمیت موضوع می‌کنند، چنان که رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: **لَا عَمَلَ اِلَّا بَيْنَهُ؛^۲** «هیچ عملی، بدون نیت قبول نیست»

و به همین جهت است که فقها می‌گویند:

«برای عبادت نیت لازم است، به طوری که اگر از انسان در حال نماز، سؤال شود چه می‌کنی؟ در پاسخ باید بلافاصله بگویند که چه کار می‌کند» و اگر فکر کند و بعد پاسخ دهد، به اجماع علما نمازش باطل است. فلسفه نیت، آن است که آدمی را از سطح ناخودآگاهی به خودآگاهی برساند. نیت، اگر استمرار داشته باشد، موجب می‌شود که

^۱ - عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۵۱.

^۲ - اصول کافی، ج ۱، ص ۷۰.

انسان از نماز و توجه به آن، غافل نشود، لذا هر چه میزان خالص بودن نیت بالاتر باشد، توجه به نماز و خداوند هم بیشتر خواهد شد.

خ) دسیسه‌های شیطان

از مهم‌ترین عوامل حواس پرتی، وسوسه شیطان در نماز است که نمازگزاران را به دام می‌اندازد، از جمله آن دام‌ها که در خیال نمازگزاران می‌پروراند «حضور قلب در نماز واجب نیست» می‌باشد تا نمازگزار تحصیل آن ننماید.

رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید:

انَّ الْعَبْدَ إِذَا اشْتَغَلَ بِالصَّلَاةِ جَاءَهُ الشَّيْطَانُ وَقَالَ لَهُ: اذْكَرْ كَذَا، حَتَّى يَضِلَّ الرَّجُلُ أَنْ يَدْرِيَ كَمْ صَلَّى!^۱

« هنگامی که بنده خدا مشغول نماز می‌شود، شیطان می‌آید و به انسان می‌گوید، این را بگو، تا اینکه نداند، چه میزان نماز خوانده است». از این روایت معلوم می‌شود که وسوسه‌های شیطان در عبادت، همیشگی است و از راه‌های مختلف وارد می‌شود تا انسان را گمراه کند و چون هواهای نفسانی، جنود و لشکریان شیطان‌اند و به فرمان شیطان عمل می‌کنند و با توجه به مختلف بودن هواهای نفسانی، راه‌های نفوذ شیطان هم مختلف خواهد شد.

درمان

باید بدانیم که شیطان و وسوسه‌هایش آن در عبادت، واقعیت و حقیقتی است که اگر به آن توجه نشود، همیشه در گرفتاری خواهیم بود و نمازمان بدون حضور قلب خواهد بود. باید بدانیم که به فرمایش خود خداوند که فرمود: **إِنَّ الشَّيْطَانَ عَدُوٌّ**

۱- بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۹.

مُبِينٌ^۱ «شیطان دشمن قسم خورده انسان است» و هیچ وقت از وسوسه ما آدمیان دست بر نمی‌دارد.

استعاذه از خدا جهت پناه بردن به او از شرّ وسوسه‌های شیطان ضروری است و البته در همین استعاذه هم باید صادق باشیم، نه این که زبانمان استعاذه کند و خاطرمان به غیر خدا متعلق باشد و مثل کسی باشیم که در حصار استواری ایستاده و درنده‌ای، درصدد است که او را بگیرد و او پی در پی به زبان گوید که پناه می‌برم از شرّ این درنده به این قلعه محکم، ولیکن همین طور برجای خود ایستاده و درون قلعه نمی‌رود. منظور این است که ابتدا باید تمام موانعی را که تا اینجا برشمردیم بر طرف کنیم و با آمادگی وارد نماز شویم و از شر شیطان به خدا پناه ببریم.

۱- یوسف (۱۲) آیه ۱۰.

چکیده:

شرط اساسی پذیرش نماز حضور قلب است میزان قبولی نماز بسته به میزان توجه انسان در نماز دارد.

حضور قلب دارای پنج مرحله است. ۱- اجمالا بدانند که با خدا صحبت می‌کند. ۲- به معنای کلمات واذکار توجه داشته باشد. ۳- حقیقت اذکار و تسبیح و تمحید را بدانند و مورد توجه قرار دهد. ۴- اسرار نماز را در باطن خود نفوذ دهد و به مرحله یقین برسد. در این مرحله زبان از قلب پیروی می‌کند. ۵- مرحله کشف شهود حضور کامل است. اسماء و صفات حق را با چشم باطن مشاهده می‌کند.

آنچه که مانع حضور قلب می‌شود را میتوان در دو دسته عوامل درونی عوامل بیرونی تقسیم کرد.

عوامل درونی : ۱- هرزگی قوه خیالاست که برای درمان آن باید در خارج نماز تمرین تمرکز نمود و قوه خیال را تغذیه مناسب نمود. و در درون نماز نیز باید بر معانی نماز تمرکز نمود و هرزگی قوه خیال را کنترل نمود. ۲- هواس ظاهر ی است که باید کنترل شوند بواسطه بستن چشم ها و انتخاب مکان خلوت و ساده و تاریک ۳- وسواس یا شتاب زدگی در قرائت است که درمان آن آشنای با ظاهر و باطن نماز و همانند سازی با الگوهای دینی است. ۴- گناه که درمان آن مبارزه با علل فساد و کمک گرفتن از القائنات مثبت و همچنین کمک از خود نماز است. ۵- چشم چرانی است که باید در همه حال آن را کنترل نمود.

عوامل بیرونی: ۱- دوست فاسد ۲- مجلس و محیط فاسد ۳- موانع جسمانی مثل

پرخوری، پر خوابی، کسالت و خستگی و جلوگیری از بول ۴- بی توجهی به مکروهات و آثار آن ۵- بیهودگویی ۶- خود نمایی یا ریا، برای تشخیص ریاکار سه علامت است درپیش مردم بانشاط اعمال را انجام می دهد. درخلوت باکسالت انجام می دهد. دوست دارد که تمام مردم از کارهای او تمجید و تعریف کنند. ۷- عادت به عبادت و مکانیکی شدن نماز ۸- دسیسه های شیطان، شیطان مرتب دسیسه می کند و وسوسه می کند که حضور قلب واجب نیست بدون حضور قلب هم نماز صحیح است. راه درمان آن برطرف کردن سایر موانع و استعاذه صادقانه است.

پرسش های درس:

- ۱- در کدام مرحله از مراحل حضور قلب زبان پیرو قلب می گردد؟
 الف) مرحله کشف و شهود (ب) مرحله توجه به معانی کلمات
 ج) مرحله نفوذ اسرار در باطن (د) مرحله تسبیح و تحمید
 ۲- از ویژگی های قوه خیال این است که :
 الف) فرار و متحرک است (ب) در موضوعات جزئی کار می کند
 ج) از بی نظمی خاصی برخوردار است. (د) هر سه گزینه صحیح است.
 ۳- رعایت قرائت از شرایط است.
 الف) صحت نماز (ب) کمال نماز (ج) گزینه الف و ب (د) لازم نماز
 ۴- مطابق روایت به کسی که از ادرار خود جلو گیری می کند چه می گویند؟
 الف) حازق (ب) حاقن (ج) حاقب (د) حازق و حاقب
 ۵- مراحل حضور قلب را بیان کنید.
 ۶- برای وسواس چه باید کرد؟
 ۷- ریشه گناه چیست و چگونه می توان گناهان را پاک نمود؟
 ۸- معیار ریاو ریاکاری را توضیح دهید.
 ۹- دسیسه های شیطان را چگونه می توان دفع کرد؟

- ۱۰- موانع جسمانی حضور قلب را نام ببرید.
- ۱۱- بی توجهی به مکروهات در نماز چه ربطی به حضور قلب دارد؟

فصل سوم

انواع نماز

درس یازدهم انواع نماز

پرسش اساسی

نمازهای واجب کدام است و شرایط و کیفیت آنها چگونه است؟

نماز این بزرگترین عبادت الهی دارای عناوین و شیوه‌های مختلف است و متناسب با موضوع دسته‌بندی‌های مختلف پیدا می‌کند. در یک دسته‌بندی آن را به دو گروه واجب و مستحب تقسیم می‌کنند که در این درس و دو درس بعدی به آن می‌پردازیم.

الف: نمازهای واجب

نمازهای واجب نمازهایی هستند که از طرف شارع مقدس وضع گردیده و بندگان موظف هستند آنها را مطابق با دستور شارع در زمان و مکان تعیین شده اقامه نمایند. این نمازها برشش قسم است: نمازهای یومیّه، نماز آیات، نماز میت، نماز طواف، نماز قضای پدر و مادر، نماز نذر و قَسَم؛ ذیل توضیح مختصری برای هر کدام ارائه می‌گردد.

۱. نمازهای یومیّه:

نمازهای واجب یومیّه پنج نماز است در هفده رکعت که در پنج وقت معین ظهر و عصر هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشا چهار رکعت و نماز صبح دو رکعت اقامه می‌گردد.

چند نکته:

در رکعت اول و دوم نمازهای واجب ابتدا باید سوره حمد و بدنبال آن یکی دیگری از ۱۱۴ سوره‌ی قرآن به استثناء سوره‌های عزائم (چهار سوره‌ای که آیه سجده دار دارد: سوره سجده ، فصلت، النجم، علق) انتخاب و بطور کامل قرائت شود.

* در رکعت سوم و چهارم باید تسبیحات اربعه یا سوره حمد را به تنهائی خواند البته بهتر آنست که تسبیحات اربعه قرائت شود.

* نمازهای واجب را می‌توان به صورت فردی یا به جماعت اقامه نمود، در ادامه، بحث آن خواهد آمد.

* نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر، عشا) در هنگام مسافرت با تحقق یک سری شرایط مانند نماز صبح دو رکعتی اقامه می‌گردد که در بحث نماز مسافر بیان می‌شود.

* نماز اگر در وقت تعیین شده اقامه گردد «آدا» و نمازی که خارج از وقت خوانده شود «قضا» نامیده می‌شود. نمازهای چهار رکعتی را نماز «کامل یا حاضر» و اگر در سفر به صورت دو رکعتی اقامه شود «قصر یا شکسته» می‌نامند.

نماز مسافر

نمازهای چهار رکعتی (ظهر، عصر و عشا) مسافری در طول مسیر رفت و برگشت و در مقصد سفر خود، با تحقق شروطی^۱ که توضیح داده خواهد شد سه حالت پیدا می‌کند: ۱- باید شکسته بخواند. ۲- باید کامل بخواند. ۳- مخیر است شکسته یا کامل بخواند.

(۱) شرایط نماز شکسته (قصر) مسافر:

شرط اول: آنکه طول سفر او (رفت و برگشت) از هشت فرسخ شرعی کمتر نباشد، بطوری مسافت مسیر رفت کمتر از چهار فرسخ شرعی (حدود ۲۲/۵ کیلومتر)^۲ نباشد.

^۱ - هر یک از این شرایط، دارای مسائل و جزئیات بسیاری است که توضیح آنها را از رساله مطالعه کنید.

^۲ - هر فرسخ برابر با شش کیلومتر می‌باشد و چهار فرسخ ۲۴ کیلومتر می‌شود ولی هر فرسخ شرعی کمی کمتر از فرسخ عرفی می‌باشد.

شرط دوم: آنکه از آغاز حرکت قصد و نیت رفتن مسافت چهار فرسخ را داشته باشد. اگر قصد و نیت نداشته باشد هر چند بیش از هشت فرسخ برود نمازش شکسته نمی‌شود.

شرط سوم: آنکه در بین راه، از قصد و نیت خود منصرف نشود.

شرط چهارم: آنکه نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند.

شرط پنجم: آنکه برای انجام کار حرامی مانند دزدی، جنایت، معصیت و... سفر نکند و یا خود سفر برای او حرام نباشد مانند وجود ضرر و خطر مرگ قطعی، سفر زن بدون اذن شوهر و...

شرط ششم: آنکه از صحرائشینان بیابان‌گرد نباشد که جای ثابتی ندارند و هر چند وقت یکبار به دنبال آب و خوراک برای خود و حشمتان جایشان را عوض می‌کنند. شرط هفتم: آنکه شغل او مسافرت نباشد مانند راننده، ملوان، خلبان، مدیر کاروان و... شرط هشتم: آنکه از « حد ترخص » بگذرد. حد ترخص یعنی جایی که به انسان رخصت و اجازه داده می‌شود نماز را شکسته بخواند و آن هنگامی است که به قصد سفر از وطن و محل سکونت خود خارج شده و بقدری دور شود که در هوای صاف و شفاف و آفتابی صدای اذان را نشنود و سواد شهر را نبیند.

۲) شرایط نماز کامل (تمام) مسافر:

الف) قصداقامت ده روز در یک مکان:

در طول مسافرت، اگر انسان قصد ماندن ده روز تمام یا بیشتر در یک جا داشته باشد، باید نمازهایش را کامل بخواند. ولی اگر نیت واقعی او، ماندن کمتر از ده روز است، نمی‌تواند در ظاهر قصد ده روز کند و کامل بخواند.

اگر قبل از تمام شدن ده روز، یا بعد از خواندن یک نماز کامل (چهار رکعتی) به دلایلی

تصمیم انسان عوض شد و تصمیم گرفت کم‌تر از ده روز در آنجا بماند و قصد بازگشت یا ادامه سفر کرد، روزهای باقی‌مانده را تا زمانی که حرکت نکرده نمازش را باید تمام بخواند، اما چنانچه قبل از اقامه یک نماز کامل از قصد ماندن خود منصرف شد تا زمانی که در آنجاست نمازش شکسته می‌باشد.^۱

ب) در طول زمان مسافرت به زادگاه یا وطن (دوم) خود برسد

اگر مسافر در طی مسیر مسافرتش به زادگاه یا وطن (دوم) خود برسد، از زمانی که داخل حد ترخص می‌شود تا زمانی که مجدداً از حد ترخص آنجا خارج نشده است باید نمازهایش را تمام و کامل بخواند. اما اگر قبلاً از وطن و زادگاه خود اعراض کرده و قصد بازگشت دائم به آنجا را نداشته باشد حکم مسافر با نماز شکسته را دارد. زادگاه انسان (مسقط الرأس)، وطن اصلی و اول اوست و محل دیگری را هم که انسان برای اقامت و زندگی دائمی انتخاب می‌کند، وطن دوم و غیر اصلی او به حساب می‌آید. کسی که در دو جا زندگی می‌کند، هر دو جا وطن او محسوب می‌شود. تا انسان، قصد ماندن همیشگی در جایی غیر از وطن اصلی نداشته باشد، وطن او حساب نمی‌شود، مگر آنکه بدون قصد ماندن، آن قدر بماند که مردم بگویند آنجا وطن اوست.^۲

ج) برخورداری از شغل مسافرتی

کسی که مسافرت، شغل اوست (مثل رانندگان، خلبانان و...) یا شغلش به گونه‌ای در ارتباط با سفر است (مثل بازاریاب‌ها و فروشندگان دوره‌گرد و...) که همواره در تردد و رفت و آمد در فاصله‌های بیش از چهار فرسخ می‌باشد، نمازهایش را باید تمام بخواند. این‌گونه افراد هرگاه برای استراحت ده روز یا بیشتر در شهر و وطن خود بمانند در اولین سفر کاری خود پس از استراحت باید نماز خود را بصورت شکسته اقامه نمایند

^۱- رساله حضرت امام،.

^۲- رساله حضرت امام،.

هم‌چنین کسی که شغلش مسافرت است اگر در غیر وطن خود ده روز بماند چه از اوّل قصد ده روز را داشته باشد یا نداشته باشد، در اوّلین سفر بعد از ده روز باید نمازش را شکسته بخواند.^۱

(د) توقف بیش از سی روز در غیر وطن با حالت تردید

چنانچه شخص مسافر با قصد کمتر از ده روز، یا بدون اینکه قصد ده روز ماندن در مکانی را داشته باشد، با حالت شک و تردید (در رفتن یا ماندن) سی روز در آن مکان توقف کند در روز سی و یکم (ولو اینکه به مقدار یک نماز چهار رکعتی باشد) و بعد از آن هر چند روز که بماند باید نماز خود را بصورت کامل اقامه نماید.^۲

۳) شرایط نماز کامل یا شکسته اختیاری

مسافر، در چهار مکان مخیر است نمازش را شکسته یا تمام بخواند:

- مسجد الحرام
- مسجد النبی
- مسجد کوفه
- حرم سید الشهداء (محدوده دور ضریح) و مسجد متصل به حرم آن حضرت.^۳

در این موارد، برای فیض بیشتر بردن از معنویات این اماکن، مسافر مجاز است نماز را تمام بخواند.

^۱ - همان.

^۲ - رساله حضرت امام.

^۳ - رساله حضرت امام، مسئله ۱۳۵۶.

نماز قضا

نماز، از حقوق خدا بر عهده انسان است و انجام درست و به موقع آن، بر انسان مکلف واجب است. کسی که نمازهای واجب یومیّه خود را به هر دلیل در وقت آن نخوانده است، مانند فراموشی، بیهوشی، مستی، بیماری، یا عدم امکان و از روی اجبار، یا از روی سهل‌انگاری و معصیت، و یا آن که خوانده ولی باطل بوده و بعداً فهمیده است، باید آن نمازها را که نخوانده یا باطل بجا آورده، قضا کند. البته نمازهای روزانه‌ای را که زنان در حال حیض یا نفاس نمی‌خوانند، قضا ندارد.

کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوری آن را بجا آورد. انسان تا زنده است، اگر چه از خواندن نمازهای خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا نماید. نماز قضا را می‌توان با جماعت خواند و لازم نیست نماز هر دو یکی باشد. مثلاً می‌توان قضای نماز صبح را، در جماعت نماز مغرب و عشاء خواند، یا برعکس. نمازی که از انسان فوت شده، از نظر تعداد رکعات، به همان صورت که فوت شده باید قضا شود. مثلاً انسان می‌تواند در مسافرت، قضای نماز چهار رکعتی را به صورت تمام بخواند و اگر مثلاً در مسافرت، نماز ظهر از انسان قضا شده، در وطن باید آن را به صورت دو رکعتی قضا کند.

۲. نماز قضای پدر و مادر:

الف: نماز قضای پدر:

تمام مراجع عظام از گذشته تاکنون (با کمی اختلاف در جزئیات) فتوا داده‌اند: «اگر پدری در زمان حیات نماز و روزه خود را بجا نیاورده باشد، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده و می‌توانسته قضا کند، بر پسر بزرگ‌تر واجب است که بعد از مرگش بجا آورد، یا برای او اجیر بگیرد بلکه اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد

واجب است همین‌طور عمل کند و نیز روزه‌ای را که در سفر نگرفته، اگر چه نمی‌توانسته قضا کند، واجب است که پسر بزرگ‌تر قضا نماید، یا برای او اجیر بگیرد^۱.
«اگر پسر بزرگ‌تر بداند پدرش نماز قضا داشته و شک کند که بجا آورده است یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید»^۲.

«اگر پسر بزرگ‌تر شک دارد که پدر نماز و روزه قضا داشته یا نه چیزی بر او واجب نیست»^۳.

ب) نماز قضای مادر:

در مورد نماز قضای مادر مراجع اسلام سه گروه شده‌اند و سه نوع فتوا صادر نموده‌اند:^۴

* بجا آوردن نماز قضای مادر واجب نیست (امام خمینی ره، خوئی، تبریزی و سیستانی)

* بجا آوردن نماز قضای مادر واجب یا احتیاط واجب است. (اراکي، گلپایگانی، فاضل صافی و مکارم)

* بجا آوردن نماز قضای مادر احتیاط مستحب است. (زنجانی)

۳. نماز آیات:

برخی پدیده‌هایی که در طبیعت رخ می‌دهد و حالت غیر عادی دارد، گاهی موجب وحشت انسان‌ها می‌شود و گاهی نیز ممکن است افکار خرافی و شرک آلودی را در اذهان جاهلان و غافلان پدید آورد. اینجاست که توجه دادن اندیشه‌ها به عوامل اصلی آن‌ها و جلوگیری از انحراف اذهان، بعنوان یک وظیفه برای ادیان حق، جلوه می‌کند. در اسلام، برای اینگونه پدیده‌ها، نماز خاصی واجب شده تا مردم، توجه به خدای هستی آفرین پیدا کنند و منشا این تغییرات و حوادث را، قدرت الهی بشناسند. نام

۱- رساله حضرت امام خمینی (ره) مساله ۱۳۹۰

۲- رساله امام خمینی (ره) مساله ۱۳۹۲.

۳- رساله امام خمینی (ره) مساله ۱۳۹۱

۴- رساله توضیح المسئله دوازده مرجع جلد اول صفحه ۷۸۹-۷۹۰.

این نماز، «نماز آیات» است، چرا که برای بروز حوادثی برگزار می‌شود که از آیات و نشانه‌های الهی در جهان است. در رساله‌ها می‌خوانیم که نماز آیات، به واسطه چهار چیز واجب می‌شود:

- گرفتن خورشید (کسوف)
- گرفتن ماه (خسوف)
- زلزله
- رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ وحشت‌آور، که بیشتر مردم بترسند.

* نماز آیات درسی از توحید

بروز این‌گونه حوادث، در اذهان ساده‌لوحان، نشان نوعی قهر طبیعت و خشم خدایان به شمار می‌آید و چون از کیفیت و علل آن خبر نداشتند، از خدا غافل می‌شدند و به طبیعت بی‌جان متوجه می‌شدند. به خصوص، خورشید پرستان و ماه پرستان، افکار خاصی پیدا می‌کردند. خواندن نماز آیات، برای توجه دادن به منشاء اصلی آفرینش و دگرگونی‌های طبیعت، یعنی خدای تواناست و درسی از توحید به مردم می‌آموزد. روایت است که هنگام درگذشت ابراهیم، فرزند کوچک پیامبر اسلام -صلی الله علیه و اله وسلم- خورشید گرفت. مردم با خود می‌گفتند که این کسوف و خورشیدگرفتگی، به خاطر فقدان پسر رسول خدا -صلی الله علیه و اله وسلم- است. پیامبر خدا -صلی الله علیه و اله وسلم- برای تصحیح افکار و برداشتها به منبر رفت و پس از حمد و ثنای پروردگار، فرمود: ایها الناس! ان الشمس والقمر آیتان من آیات الله، یجریان بامرہ مطیعان له لا ینکسفان لموت احد و لا لِحیاتہ، فاذا انکسفتا او واحده منہما فصلوا «ای مردم! خورشید و ماه، دو نشانه از نشانه‌های الهی‌اند، به فرمان او جریان دارند و مطیع اویند، و بخاطر مرگ یا زندگی کسی، گرفته نمی‌شوند. پس اگر هر دو یا یکی از آن دو گرفت، نماز بگزارید. پس از این سخن، از منبر فرود آمد و با مردم، «نماز کسوف» خواند.^۱ دو درس از این برخورد پیامبر -صلی الله علیه و اله وسلم- می‌آموزیم: یکی، آن که آن حضرت، ابتدا به

۱- وسائل، ج ۵ ص ۱۴۴.

روشنگری افکار، پیرامون این پدیده طبیعی پرداخت، سپس به نماز ایستاد، و این می‌فهماند که فهم و اندیشه، مقدم بر عبادت و نماز است. دیگر، اینکه چون مرد الهی و رسول به حق بود، حق را گفت و مردم را به خدا توجه داد. بر خلاف آنان که حیل‌گر و عوام فریب‌اند، که از چنین حادثه‌ای، شاید به نفع خود و کسب وجهه، سوء استفاده کنند. وحتى حوادث طبیعی را در مسیر خواسته‌های نفسانی، تجزیه و تحلیل و تاویل نمایند.

امام صادق -علیه السلام- از پدرش نقل می‌کند که فرمودند:

« زلزله‌ها و گرفتگی ماه و خورشید و بادهای سخت وحشت‌زا، از نشانه‌های قیامت است. هرگاه یکی از این‌ها را دیدید، به یاد برپائی قیامت بیفتید، به مسجدها پناه برید و نماز بخوانید»^۱.

این روایت نیز، توجه دادن اذهان مردم، از طبیعت، به خدای طبیعت است و در نهایت با نماز، این «خداگرایی» تکمیل می‌شود.

* چگونگی نماز آیات :

در مورد نماز آیات، فقط به چند مساله اشاره می‌شود. توضیح بیشتر آنرا در رساله‌های عملیه بخوانید. نماز آیات، دو رکعت است و هر رکعت، پنج رکوع دارد. در هر رکعت، می‌توان پس از حمد و سوره، به رکوع رفت و برخاست، دوباره حمد و سوره و رکوع، تا پنج مرتبه (که در این صورت در مجموع دو رکعت ده حمد و ده سوره دیگر خوانده می‌شود) و میتوان در هر رکعت، یک حمد خواند و آیات یک سوره را به پنج بخش تقسیم کرد و قبل از هر رکوع، یک بخش از سوره را خواند و به رکوع رفت، و سپس بخش دیگر و رکوع دوم و همچنین تا پنج رکوع تمام شود، (که در این صورت در مجموع دو رکعت فقط دو حمد و دو سوره خوانده می‌شود).

مستحب است پیش از رکوع دوم، چهارم، ششم، هشتم و دهم قنوت خوانده شود و یا فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند. در نماز آیات هم، آنچه در نمازهای روزانه لازم است، واجب می‌باشد، مانند طهارت، قبله، و...

خواندن نماز آیات، واجب فوری است و نباید آن را به تاخیر انداخت. در ماه و خورشید گرفتگی، از وقتی که ماه و خورشید، شروع به گرفتن می‌کند تا اوج گرفتگی، انسان باید نماز آیات را بخواند و بنا بر احتیاط واجب نباید بقدری تاخیر بیندازد که شروع به باز شدن کند. اگر کسی نماز آیات را (در کسوف و خسوف) آنقدر بتاخیر بیندازد که شروع به باز شدن کند باید نیت قضا وادا نکند (بنا بر نظر اکثر مراجع) ولی بعد از باز شدن کامل آن هر زمان بخواهد نماز بخواند باید نیت قضا کند.

در مورد زلزله و رعد و برق و بادهای سرخ و زرد که موجب ترس و وحشت مردم می‌شود و زمان وقوع آن کوتاه است تا آخر عمر برمکلف واجب است هر وقت بخواهد بخواند باید به نیت «ادا» بخواند. اگر عوامل وجوب نماز آیات، در شهری اتفاق بیفتد (مثلاً زلزله و...) برای مردم همان جا واجب است نه شهرهای دیگر. فرقی نمی‌کند که تمام ماه یا خورشید بگیرد، یا قسمتی از آن (خسوف و کسوف کلی یا جزئی) در هر دو حال، نماز آیات واجب است.

۴. نماز میت

وقتی مسلمانی هر چند کودک (بشرط آنکه شش سالش تمام شده باشد و حداقل یکی از پدر یا مادر او مسلمان باشند)، از دنیا می‌رود، پس از غسل دادن و کفن کردن، باید بر پیکر او نماز خواند. این نماز اصطلاحاً «نماز میت» نامیده شده، اما در واقع دعایی بیش نیست، زیرا «لا صلوه الا بالحمد» و این نماز حمد، رکوع، سجود، تشهد و سلام ندارد و وضو و غسل و تیمم داشتن شرط نیست و پاک بودن بدن نمازگزار هم لازم نمی‌باشد. اگر چه بهتر است شرایط نماز را داشته باشد. این مراسم، بهتر است که به صورت جماعت انجام شود.

خواندن نماز بر جنازه مسلمان، «واجب کفایی» است. یعنی بر همه مسلمین واجب است و اگر فرد یا افرادی بخوانند، از دیگران ساقط است. این نماز، خواستن رحمت و مغفرت برای مرده است. از این رو بهتر است که دوستان و بستگان و مؤمنین را خبر کنند تا حضور یافته و بر او نماز بگذارند. این نماز، هم سبب رحمت بر میت است و هم

موجب اجر برای نمازگزاران.^۱

چگونه‌گی نماز میّت:

معمولاً در خواندن این نماز، دعاها و جملات خاصی به صورت مستحب خوانده می‌شود. نماز میّت شامل پنج تکبیر است و پس از هر تکبیر اذکار و دعاهائی خواند می‌شود، این اذکار و دعاها بسته به شخصیت میّت متفاوت، کوتاه یا بلند می‌باشد، آنچه در اینجا آورده شده است حداقل عبارات لازم است و معمولاً دعاهای بین تکبیرات کامل‌تر و بیشتر است.

- پس از نیت و تکبیر اول، بگویند: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ.
- پس از تکبیر دوم: اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ.
- پس از تکبیر سوم: اَللّٰهُمَّ اِغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ.
- پس از تکبیر چهارم: اَللّٰهُمَّ اِغْفِرْ لِهٰذَا الْمَيِّتِ (اگر میت، مرد است) و اَللّٰهُمَّ اِغْفِرْ لِهٰذِهِ الْمَيِّتِ (اگر میت، زن است)
- پس از تکبیر پنجم، نماز تمام است.

کسی که بر میّت نماز می‌خواند، باید رو به قبله باشد، و میّت را، درمقابل او به پشت بخوابانند. بطوری که صورت او رو به قبله و سر او به طرف راست نمازگزار و پایش به طرف چپ او باشد. نمازگزار باید از میت دور نباشد. اما اگر بصورت جماعت باشد، دور بودن نفرات دیگر مانع ندارد ولی اتصال باید حفظ شود و همه‌ی افراد حاضر در جماعت باید تکبیرات و دعاهارا بخوانند. اگر بر میّتی نماز خوانده نشود(به عمد یا از روی فراموشی) یا بعداً معلوم شود که نماز، باطل بوده، پس از دفن شدن بر قبر او باید خواند.^۲

^۱ - وسائل، ج ۲ ص ۷۶۲.

^۲ - توضیح بیشتر مسائل، در رساله علمیه.

۵. نماز طواف واجب خانه کعبه :

هر گاه انسان به سفر حج مشرف شود از جمله مناسکی که باید بجا آورد طواف به دور خانه خدا می‌باشد و بعد از هر طواف واجب است دو رکعت نماز به نیت نماز طواف بجا آورد. این نماز شامل نماز طواف در عمره تمتع و عمره مفرده و نماز طواف در حج تمتع و نماز طواف نساء می‌شود.

۶. نماز نذر و قسم

نمازی است که به واسطه نذرو قسم ، عهد واجاره بر انسان واجب می شود وبه همان صورت که نذر کرده یا قسم خورده یا عهد بسته ویا اجیرشده باید بجا آورد..

چکیده:

نماز تقسیم بندی متعدد دارد . در یک تقسیم به واجب و مستحب تقسیم می شود. نمازهای واجب نمازهایی است که از طرف شارع مقدس وضع گردیده و بندگان باید مطابق با دستوراتی که خود شارع مشخص نموده آنها را اقامه کنند. این نمازها بر شش قسم هستند: یومیه (پنجگانه) آیات، قضای پدر، میت، طواف کعبه و نذر و قسم نمازهای پنجگانه را هنگام صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشاء بجای می آورند. چنانچه در زمان تعیین شده اقامه گردد (ادا) و اگر بعد از وقت اقامه گردد(قضا) نامیده می شود. نماز قضا را همانگونه که فوت شده باید بجا آورد.

شخصی که به مسافرت می رود باحصول ۸ شرط نمازهای چهار رکعتی ظهر، عصر و عشاء را باید مانند نماز صبح دو رکعتی بخواند. در مسجدالحرام، مسجدالنبی، مسجد کوفه و حرم سیدالشهدا (دور ضریح و مسجد متصل به آن) مسافرین مخیر هستند نمازهای چهار رکعتی را کامل یا شکسته بخوانند.

نماز آیات درسی از توحیداست. نمازی است که به جهت جلو گیری از انحرافات و خرافات و بیان اینکه منشأ همه تحولات طبیعت خداوند است، و آن هنگامی است که کسوف ، خسوف، زلزله یا بادهای سرخ و زرد و رعد و برق (های که موجب ترس و وحشت عموم مردم شود) رخ دهد.

نماز میت یک واجب کفایی بوده و در حقیقت یک دعا است و نماز به معنای مصطلح نیست. نماز طواف نمازی است که حاجیان در مراسم حج پس از طواف خانه خدا و طواف نساء بجای میآورند.

پرسش‌های درس:

- ۱- در رکعت سوم و چهارم می‌توان به جای تسبیحات اربعه خواند.
 - الف) فقط سوره حمد
 - ب) یک سوره غیر از حمد
 - ج) حمد و یک سوره باهم
 - د) نمی‌شود هیچ سوره‌ای خواند
- ۲- فرصت برای خوندن نماز قضا چه مقدار است؟
 - الف) به اندازه‌ای که برای اصل نماز می‌باشد.
 - ب) باید فوراً بجا آورده شود.
 - ج) تا زمان نوبت بعدی نمازی که قضا شده است
 - د) فرصت آن وسیع است
- ۳- برای شکسته شدن نماز با وجود شرایط، مسافر چه مسافتی را باید طی کند؟
 - الف) ۸ فرسخ
 - ب) به اندازه‌ای که از حد ترخص بگذرد
 - ج) حد اقل ۲۴ کیلومتر باید برود
 - د) چهار فرسخ شرعی
- ۴- حکم نیت نماز آیات در هنگام وقوع زلزله و رعدوبرق چیست؟
 - الف) قضا، چون بعد از واقعه است
 - ب) همیشه ادا است
 - ج) نه قضا است و نه ادا
 - د) مافی الذمه است
- ۵- در چه صورتی نماز مسافر کامل باید خوانده شود؟
- ۶- منظور از وطن در بحث نماز مسافر چیست؟
- ۷- چرا نماز میت را یک دعا می‌دانند تا یک نماز مصطلح؟
- ۸- اگر پسر بزرگتر شک کند که پدرش نماز قضا داشته یا نه تکلیفش چیست؟
- ۹- اگر مسافرت فردی برای انجام قاجاق مواد مخدر باشد، نماز او شکسته است یا کامل؟

درس دوازدهم نماز جماعت

پرسش‌های اساسی

اهمیت نماز جماعت در چیست و چه آثار و فوایدی دارد؟ آثار سازنده تربیتی و اجتماعی نماز جمعه چیست؟

هیچ شکی نیست که دین مبین اسلام دینی است که مردم را به تضامن، و پیوستگی، و تآلف، و محبت، و ترابط، و اخوت و برادری با هم، دعوت می‌کند. پس دستور خداوند متعال برای زنده کردن چنین حالاتی و تقویت آن نماز جماعت می‌باشد، و آنهم در هر شبانه روز پنج بار با برادران مسلمان خود در مسجد کنار هم و پشت سر هم ایستاده و با خدای خود ذکر و مناجات می‌کنند و در مسجد با یکدیگر ملاقات کرده، روابط برادرانه را محکمتر و استوار می‌سازند، در اینجاست که برادران مسلمان احساس همدردی می‌کنند، و می‌دانند که هدف آنان یکی است و آن هم رضا و خوشنودی باری تعالی است. و در برابر خدا با خشوع و خضوع کامل ایستاده و با او مناجات می‌کنند، و هیچ فرقی بین فقیر و ثروتمند، و امیر و مأمور، و جاهل و نادان، و دانشمند نخواهد بود، بلکه همگی در یک صف ایستاده اند. این باعث می‌شود که برادران مسلمان با هم ألفت و مودت بگیرند و از حال مادی و معنوی همدیگر با خبر شوند، و باعث رفع بسیاری از مشکلات نیز خواهد بود، و این اجتماع است که باعث سربلندی و عزت اسلام در جامعه بشری خواهد بود.

نماز جماعت در اسلام برای از بین بردن فاصله‌های طبقاتی در جامعه می‌باشد، چه از نظر نژاد پرستی و قومیت، و چه از نظر سیاه و سرخ بودن.

هم‌چنین اجتماع مسلمانان در مسجد برای نماز جماعت باعث می‌شود خداوند برکات و رحمت خود را بر آنان نازل فرماید. نماز جماعت مزیت مهمی در جامعه اسلامی دارد، و نباید در ادای آن تهاون و تساهل و کسالت ورزید، چراکه براساس روایات رسیده از معصومین در نزد شیعه برای اقامه نماز جماعت فضائل بسیار زیادی شمرده و براهمت و مداومت بر آن تأکید فراوان شده است.

اهمیت نماز جماعت

غیر از آثار فردی و اجتماعی نماز جماعت (که به آنها اشاره خواهد شد) پاداش‌های عظیمی برای آن بیان شده که در اینجا به بعضی از روایات، اشاره می‌شود.

از رسول خدا -صلی الله علیه واله وسلم- نقل شده که: **مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يَجِبْهُ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ**^۱ «نماز کسی که صدای اذان را بشنود و بی دلیل، در نماز جماعت مسلمانان شرکت نکند، ارزشی ندارد». در حدیث دیگر، تحقیر نماز جماعت، بمنزله تحقیر خداوند بشمار آمده است: **مَنْ حَقَرَهُ فَإِنَّمَا يَحَقِّرُ اللَّهَ**^۲

شرکت دائم در نماز جماعت، انسان را از منافق شدن بیمه می‌کند.^۳ و برای هر گامی که بسوی نماز جماعت و مسجد برداشته شود، ثواب و حسنه در نظر گرفته شده است.^۴ همین که کسی برای شرکت در نماز جماعت از منزل خارج می‌شود، یا در مسجد، در انتظار نماز جماعت به سر می‌برد پاداش کسی را دارد که در این مدت، به

^۱ - وسائل، ج ۵ ص ۳۷۵، کنز العمال، ج ۸ حدیث ۲۲۷۹۹.

^۲ - من لا یحضره الفقیه، ج ۱ ص ۳۷۷.

^۳ - مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۴۸۸.

^۴ - کنز العمال، ج ۸ حدیث ۲۲۸۱۵ از پیامبر اسلام (ص).

نماز مشغول بوده است.^۱ تعداد حاضران در نماز جماعت، هر چه بیشتر باشد، پاداش آن بیشتر است. این کلام رسول خداست که فرمود: مَا كَثَرَ فَهُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ أَحَدِيث جَالِبِي فِي بَيَانِ فَضِيلَةِ نَمَازِ جَمَاعَتِ اسْتِ كِه قِسْمَتِي اَز اَن دَر رَسَالَه‌هَای عَمَلِیَه هِم ذَكَر شَدَه اسْت. تَرْجَمَه تَمَام حَدِیث چَنِین اسْت:

- «اگر اقتدا کننده ۱ نفر باشد، پاداش ۱۵۰ نماز داده می‌شود.
- اگر اقتدا کننده ۲ نفر باشد، پاداش ۶۰۰ نماز داده می‌شود.
- اگر اقتدا کننده ۳ نفر باشد، پاداش ۱۲۰۰ نماز داده می‌شود.
- اگر اقتدا کننده ۴ نفر باشد، پاداش ۲۴۰۰ نماز داده می‌شود.
- اگر اقتدا کننده ۵ نفر باشد، پاداش ۴۸۰۰ نماز داده می‌شود.
- اگر اقتدا کننده ۶ نفر باشد، پاداش ۹۶۰۰ نماز داده می‌شود.
- اگر اقتدا کننده ۷ نفر باشد، پاداش ۱۹۲۰۰ نماز داده می‌شود.
- اگر اقتدا کننده ۸ نفر باشد، پاداش ۳۶۴۰۰ نماز داده می‌شود.
- اگر اقتدا کننده ۱۰ نفر باشد، پاداش ۷۲۸۰۰ نماز داده می‌شود.
- ولی، همین که عدد افراد از ده نفر گذشت، حساب آنرا جز خداکسی نمی‌داند».^۳

در حدیث دیگر است: «هر که نماز جماعت را دوست بدارد، خدا و فرشتگان او را دوست می‌دارند».^۴

در زمان پیامبر -صلی الله علیه و اله وسلم- هرگاه افراد نماز جماعت کم می‌شدند، آنحضرت به جستجو و تفقد از افراد می‌پرداخت و می‌فرمود:

«شُرکت در نماز صَبیح و عِشاء، بَر مَنَافِقان اَز هَر چِیز سَنگین تر اسْت».^۵

۱- کنز العمال، ج ۸ حدیث ۲۲۸۱۸ و ۲۲۸۲۷.

۲- کنز العمال، ج ۸ ص ۲۵۸.

۳- مُستدرک الوَسائل، ج ۱ ص ۴۸۷، رساله حضرت امام، مسئله ۱۴۰۰.

۴- مُستدرک الوَسائل، ج ۱ ص ۴۸۸.

۵- کنز العمال، ج ۸ ص ۲۵۶.

قرآن نیز، از اوصاف منافقان، بی‌حالی و کسالت هنگام نماز را بیان کرده است^۱ چرا که سحرخیزی و حضور در جماعت مسلمین، آن هم از راه‌های دور و در گرما و سرما، نشانه صداقت در ایمان و عشق نمازگزار است. حضور در نماز جماعت، خاص یک منطقه نیست. انسان در هر جا که باشد، خوب است به فکر نماز جماعت و حضور در آن و تشویق دیگران باشد.

رسول خدا -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- درباره اهمیت جماعت، فرمود: **صَلَاةَ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! صَلَاةَ يَوْمٍ؟ فَقَالَ -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ**^۲ «یک نماز با جماعت، بهتر از چهل سال نماز فرادی در خانه است. پرسیدند: آیا یک روز نماز؟ فرمود: بلکه یک نماز» و می‌فرمود: «صف‌های نماز جماعت، همانند صف‌های فرشتگان در آسمان چهارم است»^۳. اولین نماز جماعتی هم که بر پا شد، به امامت رسول خدا -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- و شرکت حضرت علی -علیه‌السلام- و جعفر طیار برادر حضرت علی -علیه‌السلام- بود. همین که ابوطالب، فرزندش علی -علیه‌السلام- را دید که به پیامبر -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- اقتدا کرده، به فرزند دیگرش جعفر گفت: تو نیز به پیامبر اکرم -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- اقتدا کن و این جماعت دو سه نفری، پس از نزول آیه: **فاصدع بما تؤمر بود**، که فرمان به علنی ساختن دعوت و تبلیغ می‌داد.^۴

فضیلت نماز جماعت

نماز جماعت فضیلت‌های بسیار زیادی دارد. عبدالله بن عمر روایت می‌کند که

رسول الله -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- فرمودند:

صلاة الجماعة أفضل من صلاة الفرد بسبع وعشرين درجة^۵

«نماز جماعت بر نماز فرد و تنهایی به بیست و هفت درجه فضیلت و برتری دارد».

^۱ - و اذا قاموا الى الصلوة قاموا كسالى (نساء، آیه ۱۴۲).

^۲ - مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۴۸۸.

^۳ - همان .

^۴ - همان، ص ۶۸۹، وسائل، ج ۵ ص ۳۷۳.

^۵ - متفق علیه .

پس چه بهتر از اینکه انسان مؤمن همیشه با جماعت، و در مسجد نماز بخواند تا این فضیلت را کسب نماید. انسان هر گامی که برای رفتن به مسجد بر می‌دارد خداوند برای او اجر و پاداش می‌نویسد.

ابوهریره روایت می‌کند که رسول الله -صلی الله علیه و آله وسلم- فرمودند:

صَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تَضَعُ عَلَى صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ وَفِي سُوقِهِ خَمْسًا وَعِشْرِينَ ضِعْفًا ذَلِكَ؛ أَنَّهُ إِذَا تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يَخْرُجُهُ إِلَّا الصَّلَاةَ لَمْ يَخْطِ خَطْوَةً إِلَّا رَفَعَتْ لَهُ بِهَا دَرَجَةً وَحَطَّتْ عَنْهُ بِهَا خَطِيئَةٌ، فَإِذَا صَلَّى لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تُصَلِّي عَلَيْهِ مَا دَامَ فِي مُصَلَاةٍ مَا لَمْ يَحْدُثْ، تَقُولُ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ، اللَّهُمَّ اِرْحَمَهُ، وَلَا يَزَالُ فِي صَلَاةٍ مَا انْتَهَرَ الصَّلَاةَ^۱

« نماز فرد در جماعت بیست و پنج برابر نماز در خانه و بازار به اجر و پاداش او اضافه می‌شود، زیرا اگر بطور کامل وضوء گرفت سپس بسوی مسجد خارج شد، و خروج او فقط برای آدای نماز در مسجد بود، هر گامی که بر می‌دارد به اجر و پاداش و ثواب او یک درجه اضافه، و از گناه او یک سیئه کاسته می‌شود، و وقتی نماز را خواند همچنان فرشتگان بر او درود می‌فرستند تا وقتی در جای نمازش می‌باشد، اگر وضوی خود را باطل نکند، فرشتگان می‌گویند: بار الهی بر او درود بفرست، بار الهی او را رحمت کن، و او در حالت نماز است تا هنگامی که منتظر نماز بعدی است». وقتی انسان در جماعت نماز می‌خواند از ریاکاری و نفاق و دو روئی ایمن و پاک خواهد بود.

از عبدالله بن مسعود روایت است که می‌گوید:^۲

« کسی که می‌خواهد خداوند را ملاقات کند در حالی که مسلمان است، پس بر این

^۱ - متفق علیه.

^۲ - رواه أحمد ۱/۴۱۵، ۴۱۹، و مسلم کتاب حدیث ۲۵۶ (۶۵۴) ۱/۴۵۳، و أبو داود، صحیح سنن أبی داود حدیث ۵۵۰، ۱/۱۶۳ - ۱۶۴، و صحیح سنن النسائی حدیث ۸۴۸، ۱/۲۸۱.

نمازها که برای آن اذان گفته می‌شود محافظت کند، زیرا خداوند برای پیامبر شما سنت‌هایی که مردم را به راه مستقیم هدایت کند تشریح و قانون گذاری کرده، و این نمازها جزو این سنت‌هاست و اگر نمازها را در خانه‌هایتان خواندید، هم‌چنانکه این متخلف از نماز در خانه‌اش می‌خواند، سنت پیامبرتان را ترک کرده‌اید، و اگر سنت پیامبرتان را ترک کنید گمراه خواهید شد، و مردی که وضوء را بطور کامل گرفته سپس به طرف مسجدی از این مساجد بحرکت آید، خداوند برای هر گامی که بر می‌دارد یک نیکی نوشته، و درجه‌ای از ثواب و اجر به او اضافه کرده و گناهی از گناهان او کاسته می‌کند و در زمان پیامبر -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- هیچ‌کس از نماز جماعت تخلف نمی‌کرد مگر منافقی که نفاق او ظاهر و آشکار بود، و در آن زمان دو طرف مرد مریض را می‌گرفتند تا او را در صف نماز جماعت قرار دهند».

از ابی هریره روایت است که رسول الله -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- فرمودند:

مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ أَوْ رَاحَ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُ نَزْلَهُ مِنَ الْجَنَّةِ كُلَّمَا عَدَا أَوْ رَاحَ^۱

« کسی که صبح و شام برای نماز جماعت به طرف مسجد می‌رود، هر اندازه به

مسجد رود خداوند برای او در بهشت مهمانی فراهم می‌کند».

از بریده روایت است که رسول الله -صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم- فرمودند:

بَشِّرِ الْمَشَائِبِينَ فِي الظُّلَمِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ التَّامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ^۲ « به کسانی که در

تاریکی شب‌ها به مساجد می‌روند بشارت بده که در قیامت از نوری کامل برخوردار

خواهند شد» .

^۱ - متفق علیه .

^۲ - رواه أبوداود حدیث ۵۶۱، وصحیح سنن أبی داود ۱/۱۶۸، وابن ماجه ۱/۱۴۰، صحیح سنن ابن ماجه حدیث ۶۳۳، ۱/۱۳۰، الترغیب والترهیب ۱/۲۱۲، والترمذی حدیث ۲۲۳، ۱/۴۳۵ .

برکات نماز جماعت

یکی از عواملی که در استجاب دعا اثر دارد اجتماع در دعاست، وقتی عده‌ای مومن در مسجد برای اقامه نماز جماعت گرد هم جمع می‌شوند و بعد از نمازهای یومیه دعا می‌کنند امید استجاب دعاى آنان بیشتر از دعاهاى انفرادیست، بدین جهت شارع انور دستور فرموده است که نمازهایتان را به جماعت بخوانید و بهمین منظور روایات تشویقی زیادی از بزرگان دین رسیده است، در روایتی دارد که اگر یک نفر به امام جماعت اقتداء کند، هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد، و هر چه زیادتر شوند فضیلت نمازشان بالاتر می‌رود تا به ده نفر برسند، وقتی تعداد آنان از ده نفر گذشت، اگر تمام آسمانها کاغذ، و دریاها مرکب، و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.^۱

- هفتاد هزار حسنه، و محو هفتاد هزار گناه در هر قدم به سوی جماعت

پیامبر بزرگوار اسلام -صلی‌الله‌علیه‌واله‌وسلم- می‌فرماید:

أَلَا وَ مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَصْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَمَا عَنْهُ سَبْعِينَ أَلْفَ سَيِّئَةٍ وَيَرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلَ ذَلِكَ، وَإِنْ مَاتَ وَ هُوَ عَلَى ذَلِكَ وَ كَلَّ اللَّهُ -عَزَّوَجَلَّ- بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ بَعُوذُونَهُ فِي قَبْرِهِ يُؤْنِسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يَبْعَثَ.^۲

« آگاه باشید، هر که به طرف مسجد برای اقامه نماز جماعت حرکت کند، به هر قدمی هفتاد هزار حسنه و ثواب برای او نوشته گردد، و هفتاد هزار گناه او پاک گردد و به همین اندازه درجاتش بالا رود، و اگر در همین حال بمیرد خداوند هفتاد هزار فرشته

^۱ - رساله امام خمینی، مسئله ۱۴۰۰.

^۲ - مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۷۵.

بر او بگمارد، که او را در قبرش زیارت کنند، و در تنهایی مونس او باشند و برایش استغفار کنند تا برانگیخته شود».

• یک نماز جماعت افضل از چهل سال نماز فردی

در روایت شریف از حضرت ختمی مآب - صلی الله علیه و آله و سلم - رسیده است:

صَلَّوهُ الرَّجُلُ فِي جَمَاعَتِهِ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِهِ فِي بَيْتِهِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ: صَلَّوهُ يَوْمٍ، فَقَالَ: صَلَّوهُ وَاحِدَةً، ثُمَّ قَالَ النَّبِيُّ - صلی الله علیه و آله و سلم - إِذَا كَانَ الْعَبْدُ خَلْفَ الْإِمَامِ كَتَبَ اللَّهُ مِائَةَ أَلْفٍ أَلْفٍ وَ عِشْرِينَ دَرَجَةً^۱.

« نماز انسان در جماعت بهتر است از نمازی که چهل سال در خانه‌اش خوانده شود، عرض کردند: یا رسول الله: نماز یک روز؟ فرمود: بلکه یک نماز! سپس فرمود: هر گاه بنده خدا پشت سر امام عادل به نماز بایستد برای او صد میلیون و بیست درجه می‌باشد».

* کیفیت و شرایط نماز جماعت:

در نماز جماعت یکی از نمازگزاران که دارای ویژگی خاصی است پیشاپیش جمعیت به عنوان امام جماعت می‌ایستد و دیگران به عنوان مأوم در صفوفی منظم پشت سر او و هماهنگ با او نماز را با نیت جماعت اقامه می‌کنند. مأومین باید غیر از حمد و سوره که وظیفه امام است همه اذکار را خودشان بخوانند ولی اگر رکعت اول و دوم مأوم همزمان با رکعت سوم و چهارم امام باشد مأوم باید حمد و سوره را یا حداقل حمد را بخواند.

در امام جماعت شرط است که بالغ و عادل باشد و نماز را به عربی صحیح بخواند و البته در عدالت او همین مقدار که معروف به فسق و فجور نباشد کفایت می‌کند.

^۱ - جامع الاخبار، ص ۹۱.

نماز جماعت مخصوص نمازهای واجب است و نمازهای مستحبی را (بجز نماز طلب باران) نمی‌توان به جماعت برگزار نمود.

آثار نماز جماعت

برپایی فریضه‌های دینی به صورت دسته جمعی، غیر از پاداش‌های فراوانی که یاد شده، در زندگی فردی و اجتماعی امت مسلمان نیز، آثار مثبت و فراوانی دارد، که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

• آثار معنوی

بزرگ‌ترین اثر معنوی نماز جماعت، همان پاداش الهی است که گفته شده است. شبی امام علی - علیه‌السلام - تا سحر به عبادت مشغول بود. چون صبح شده نماز صبح را به تنهایی خواند و استراحت کرد. پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - که آن حضرت را در جماعت صبح ندید به خانه او رفت. حضرت فاطمه - سلام الله علیها - از شب زنده‌داری علی - علیه‌السلام - و عذر او از نیامدن به مسجد سخن گفت. پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - فرمود: « پاداشی که بخاطر شرکت نکردن در نماز جماعت صبح، از دست علی - علیه‌السلام - رفت بیش از پاداش عبادت تمام شب است.»

• آثار اجتماعی

نماز جماعت و مقدمه وحدت صفوف و نزدیکی دل‌ها و تقویت‌کننده روح اخوت و برادری است. نماز جماعت، بهترین، بیشترین و پاک‌ترین اجتماعات دنیاست و نوعی بازدید و آگاهی از مشکلات و نیازهای یکدیگر و زمینه‌ساز تعاون اجتماعی بین آحاد مسلمین است.

• آثار سیاسی

نماز جماعت، نشان‌دهنده قدرت مسلمین و الفت دل‌ها و انسجام صفوف است. تفرقه‌ها را می‌زداید و بیم در دل دشمنان می‌افکند. منافقان را مأیوس می‌سازد و خوار

چشم بدخواهان است. نماز جماعت نمایش حضور در صحنه و پیوند امام و امت است.

• آثار اخلاقی و تربیتی

در نماز جماعت، افراد در یک صف قرار می‌گیرند و امتیازات موهوم صنفی و نژادی و زبانی و مالی و... کنار می‌رود و صفا و صمیمیت و نوع‌دوستی در دلها زنده می‌شود و مؤمنان، با دیدار یکدیگر در صف عبادت، احساس دلگرمی و قدرت و امید می‌کنند. نماز جماعت، عامل نظم و انضباط و صف بندی و وقت‌شناسی است.

روحیه فردگرایی و انزوا و گوشه‌گیری را از بین می‌برد و نوعی مبارزه با غرور و خود خواهی را در بر دارد. به خاطر این‌همه آثار است که به نماز جماعت اینقدر توصیه شده است و حتی نابینایی وقتی از حضور پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله وسلم- اجازه خواست که به مسجد نیاید و آن حضرت فرمود: از خانه تا مسجد ریسمانی ببند و به کمک آن، خود را به نماز جماعت برسان. از طرف دیگر، برخورد شدید نسبت به کسانی که به نماز جماعت اهمیت نمی‌دهند و نشان دیگری بر اهمیت و سازندگی آن است. در حدیث است که به چنان کسان همسر ندهید. و معرف آنان نشوید.

همچنین مطابق روایات ذیل از دید اهل سنت کسی که نماز جماعت را بدون عذر ترک کند نمازش مورد قبول نیست و واضح و معلوم است کسی که نماز او کامل نیست به بقیه اعمال و کردار او نگاه نمی‌شود.

«ناگفته نماند که این روایات در باب وجوب نماز جماعت نزد اهل تسنن می‌باشد که مورد قبول شیعه نیست و فقط من باب مؤید در رابطه با اهمیت و تأکید بر اقامه نماز جماعت مد نظر می‌باشد».

عبدالله بن عباس روایت می‌کند که رسول الله -صلی الله علیه و آله وسلم- فرمود: مَنْ سَمِعَ الْمُنَادِيَ فَلَمْ يَمْنَعَهُ مِنْ اتِّبَاعِهِ عُدْرٌ - قالوا: و ما العُدْر؟ - مرض لم تقبل منه الصلاه التي صَلَّى^۱.

^۱ - رواه أبو داود ۳۷۳/۱ حدیث رقم ۵۵۱، وصحیح سنن أبی داود ۱/۱۶۴، وابن ماجه حدیث ۷۹۳ - ۱/۲۶۰، وصحیح سنن ابن ماجه حدیث ۶۴۵، ۱/۱۳۲، والدارقطنی فی السنن ۱/۲۲۰، والحاکم فی المستدرک ۱/۲۴۶، وغیرهم

«کسی که اذان را شنید و در اجابت کردن نماز عذری او را منع نکرد، گفتند عذر مانند چه؟ فرمود: مانند ترس از دشمن، و یا مرض؛ نماز او قبول نمی‌شود». یعنی نمازی که در خانه می‌خواند از او قبول نمی‌شود. همچنین در حدیث دیگری روایت می‌کند که آن حضرت فرمودند: من سمع النداء فلم یأته فلا صلاه له إلا من عذر^۱

«کسی که اذان را بشنود ولی در نماز جماعت حضور نیابد نماز از او قبول نمی‌شود، مگر اینکه عذر داشته باشد».

و از ابی الدرداء روایت است که فرمود از رسول اکرم -صلی الله علیه و آله وسلم- شنیدم که می‌فرمودند:

ما من ثلاثه فی قریه ولا فی بدو لا تقام فیهم الصلاه إلا قد استحوذ علیهم الشیطان فعلیکم بالجماعه فانما یأکل الذئب من الغنم القاصیه^۲

«هر سه نفری که در قریه و یا بادیه نشینی باشند و نماز جماعت را بر پا نکنند، کسانی هستند که شیطان بر دل آنان سخت احاطه کرده، پس بر شماست که به جماعت حاضر شوید، زیرا گرگ همیشه گوسفندی را که از چوپان دور شده میخورد».

نماز جمعه

گاهی عبادات اسلامی، غیر از جهات روحی و معنوی، آثار و جنبه‌های سیاسی و اجتماعی هم دارد، به خصوص آنچه که بصورت آشکار و گروهی با آداب و ویژگی‌های خاص اجرا می‌شود. نماز جمعه، یکی از این آیین‌های مقدس و با شکوه است که امت نمازگزار، در کنار برکات معنوی و ثواب عبادت، به آثار و نتایج اجتماعی آن نیز نایل می‌شوند.

^۱- رواه ابن ماجه حدیث رقم ۷۹۳، صحیح سنن ابن ماجه ۱۳۲/۱، ابن المنذر فی الأوسط حدیث رقم ۱۸۹۸ - ۱۳۵/۴، وابن حبان فی (الإحسان) حدیث رقم ۲۰۶۴ - ۴۱۵/۵، والحاکم وصححه ۲۴۵/۱، وازراء الغلیل ۳۳۷/۲ و غیرهم

^۲- رواه أحمد فی المسند ۱۹۶/۵، وأبو داود حدیث رقم ۵۴۳، و صحیح سنن أبی داود حدیث ۵۴۷ - ۱۶۲/۱، (عون المعبود) ۲/۲۵۱، والنسائی فی السنن ۱۰۶/۲ - ۱۰۷، و غیرهم.

نماز جمعه، مظهر شکوه اسلام و عظمت مسلمین و وحدت بخش صفوف و خنثی کننده توطئه‌ها و تفرقه‌افکنی‌هاست.

نماز جمعه، دو رکعت است که همراه با دو خطبه از سوی امام جمعه به جای نماز ظهر روز جمعه خوانده می‌شود. در خطبه‌هایش، علاوه بر دعوت به تقوا و طرح مسائل اخلاقی و سازنده که از واجبات خطبه است، طرح مشکلات مردم و مسائل اجتماعی مسلمانان و آگاهی‌های سیاسی و هشدار نسبت به خطرهای دشمن‌ها و ... نیز ضروری است و همین محتوا، به نماز جمعه تأثیر فراوان در زمینه روشنگری اندیشه‌ها می‌دهد. ضرورت شرکت مستمر در نماز جمعه، مورد تأکید اسلام است و اگر کسی بی‌دلیل و عذر در جماعت مسلمانان و نماز جمعه آن‌ها شرکت نکند، نشانه نوعی نفاق است. رسول خدا -صلی الله علیه و آله- فرموده است: هر کس سه جمعه پیاپی، بدون عذر و بیماری، عمداً در نماز جمعه شرکت نکند بر دل او مَهْری از نفاق زده می‌شود.^۱ نماز جمعه، حج مساکین است. نماز جمعه «یاد خدا» ست و خداوند در قرآن می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ...^۲

«ای مؤمنان! هرگاه به نماز روز جمعه فراخوانده می‌شوید، به سوی «یاد خدا» بشتابید و داد و ستد را رها کنید». روز جمعه، روز تعطیلی مسلمانان است تا در کنار نظافت و استراحت، به تقویت بُعد معنوی و اجتماعی خود بپردازند. دشمنان اسلام، که همواره در صدد تفرقه و تضعیف مسلمانان‌اند، از برگزاری مراسم نماز جمعه ناراحت می‌شوند و تلاش در شکستن این سد استوار ایمانی دارند.

^۱ - وسائل الشیعه، جلد ۵، ص ۶.

^۲ - همان.

^۳ - جمعه، آیه ۹.

امام خمینی (قدس سره) می‌فرمود: «نمازهای جمعه را با شکوه بجا بیاورید، و نمازهای غیر جمعه را هم، که شیطان‌ها از نماز می‌ترسند، از مسجد می‌ترسند...»^۱

کیفیت نماز جمعه:

نماز جمعه در عصر غیبت، واجب تخییری است و انسان می‌تواند نماز جمعه بخواند یا نماز ظهر ولی نماز جمعه افضل است و ظهر احوط و احتیاط بیشتر در آن است که هر دو را بجا آورند.^۲ نماز جمعه دو رکعت است و حتماً باید بصورت جماعت خوانده شود. پیش از نماز، دو خطبه واجب است که خطیب، در آنها علاوه بر دعوت به تقوا، مسائل اجتماعی-سیاسی مسلمانان را هم باید مطرح کند. وقت آن، از آغاز ظهر تا حدود یک ساعت پس از اذان است و از آن دیرتر روا نمی‌باشد. حداقل افرادی که با حضور آنان نماز جمعه تشکیل می‌شود، پنج نفر است. فاصله دو نماز جمعه، نباید کمتر از یک فرسخ باشد. گوش دادن به خطبه‌های نماز جمعه واجب است. شرکت نکردن بدون عذر، در نماز جمعه، نشانه نفاق است. امام جمعه باید مرد، بالغ، عادل، حلال‌زاده و شیعه‌ی دوازده امامی باشد. بهتر است که امام جمعه، در رکعت اول، پس از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم سوره منافقین را بخواند.

رسول خدا-صلی الله علیه واله وسلم- فرموده است: «خداوند با سوره جمعه، مؤمنان را گرامی داشته است، از اینرو، پیامبر-صلی الله علیه واله وسلم- به عنوان بشارت آنان، جمعه را سنت کرده و بعنوان توبیخ منافقان، سوره منافقین را لازم ساخته است.»^۳

۱- صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

۲- توضیح المسائل دوازده مرجع جلد اول صفحه ۸۷۱.

۳- میزان الحکمه، ج ۵ ص ۴۲۶.

اهمیت نماز جمعه

در این زمینه، احادیث بسیاری نقل شده که در اینجا مجال پرداختن به آنها نیست.^۱ رسول خدا-صلی الله علیه واله و سلم- نماز جمعه را «حج مساکین» دانسته^۲ و آنرا موجب آمرزش گناهان شمرده است. نماز جمعه، نمایش وحدت و قدرت مسلمانان و میعاد نمازگزاران مؤمن است.^۳ رسول خدا-صلی الله علیه واله و سلم- در آغاز هجرت، وقتی به مدینه رسید، اولین نماز جمعه را برای مردم بپا داشت و این اجتماع شکوهمند و سازنده را پایه گذاری کرد. این نماز، بُعد سیاسی و حکومتی دارد. خطیب و امام جمعه، یا حاکم مسلمین است، یا کسی که از طرف رهبری، به این سمت منصوب شده است. برکات و آثار سازنده تربیتی و اجتماعی این عبادت سیاسی بسیار است، که به چند نمونه اشاره می‌شود:

- تقویت روحیه اخوت و برادری:

چرا که همه، از هر جا، در یک مجمع و مصلا گرد می‌آیند و با رنگ‌ها و نژادهای مختلف کنار هم می‌نشینند. آنچه در نماز جماعت بود، به مراتب بیشتر و قوی‌تر در نماز جمعه، این تجمع هفتگی مسلمانان وجود دارد.

- تشکل نیروهای اسلام :

این عبادت، به نوعی مسلمانان را بر محور عبادت و نماز، تشکل و یکپارچگی می‌بخشد و مایه ارباب دشمنان اسلام و خنثی شدن توطئه‌های تفرقه‌افکنانه و شایعه‌های آنان است.

^۱ - می‌توانید به منابع زیر مراجعه کنید: بحار، ج ۸۹ ص ۱۲۲، وسائل، ج ۵ ص ۱- من لا یحضر ج ۱ ص ۴۰۹، کنز العمال، ج ۷ ص ۷۰۷ و ج ۸ ص ۳۶۸.

^۲ - همان.

^۳ - کنز العمال، ج ۸ حدیث ۲۲۸۱۵ از پیامبر اسلام(ص).

• رشد فکری- سیاسی مسلمانان :

به مقتضای مطالب آگاهی‌بخشی که درخطبه‌ها بیان می‌شود، مردم از مسائل سیاسی کشور خود و جهان با خبر می‌شوند و با آشنایی به وظایف اجتماعی خویش، در صحنه اجتماع حضور بیشتر می‌یابند.

• تقویت روحیه جمعی :

این نیز از آثار نمازجمعه است که قطره‌های پراکنده افراد انسانی را در یک اقیانوس، گرد می‌آورد و همه با ارتباط متقابل و شناسایی هم، روحیه اجتماعی پیدا می‌کنند و انزوا و فردگرایی از بین می‌رود.

• مرکزیت بسیج مردم:

سنگر نماز جمعه، بهترین جای دعوت مردم به بسیج شدن برای جهاد و دفاع و حل مشکلات اجتماعی و یاری رسانی به دیگران است. این قدرت عظیم مردمی که در نماز جمعه متجلی می‌شود، همواره مورد توجه بوده و درصدر اسلام نیز، رسول خدا-صلی الله علیه واله وسلم- و علی-علیه السلام- از مساجد و پس از خطبه‌ها، افراد را بسیج کرده و به جهاد، می‌فرستادند.^۱

سیره اولیاء دین

روش رسول خدا-صلی الله علیه واله وسلم- و پیشوایان معصوم درباره نمازجمعه، بیانگر اهمیت آن و ضرورت اهتمام به این فریضه است. در روایت است که علی-علیه السلام- فرمودند: «روز پنجشنبه، داروهای ضعیف کننده نخورید، پرسیدند: چرا؟ فرمودند: برای آنکه شما را از حضور در نماز جمعه باز ندارد».^۲

^۱ - درباره نماز جمعه، جزوه «نماز شکوهمند جمعه-» از انتشارات در راه حق.

^۲ - وسائل، ج ۵ ص ۴۷.

امام صادق-علیه السلام- می‌فرمایند: «و كَانَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ يَتَجَهَّزُونَ لِلْجُمُعَةِ يَوْمَ الْخَمِيسِ، لِضَيْقِ الْوَقْتِ^۱» یاران پیامبر، از روز پنجشنبه برای جمعه آماده می‌شدند، چراکه جمعه (بخاطر کارهایی که دارد) وقت تنگ است».

حضرت علی-علیه السلام- زندانیان و متهمان پرونده‌های بدهکاری، تهمت و... را برای نماز جمعه بیرون می‌آورد، تا در نماز جمعه حضور داشته باشند، و اولیاء آنان ضمانت می‌کردند که برگردند. فاسقان زندانی را هم برای شرکت در نماز جمعه، بیرون می‌فرستاد، با کنترل و مراقبت.^۲

حضرت علی-علیه السلام- بعنوان بزرگداشت نماز جمعه و تعظیم این شعائر، پا برهنه برای نماز جمعه حاضر می‌شد و کفش‌ها را در دست چپ می‌گرفت و می‌فرمود: این نماز، جایگاه خاص الهی است، و این کار را از روی تواضع در برابر خداوند انجام می‌داد.^۳ با این حساب، اهمیت این فریضه آشکار می‌شود و مسلمانان متعهد نباید از حضور در این صحنه سیاسی عبادی غفلت ورزند.

امام امت(ره) فرموده است: «نماز جمعه، که نمایی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است، باید هرچه باشکوه‌تر و پر محتواتر اقامه شود...ملت عظیم و عزیز، با شرکت خود، باید این سنگر اسلامی را هرچه عظیم‌تر و بلندپایه‌تر، حفظ نماید، تا به برکت آن، توطئه‌های خائنان و دسیسه‌های مفسدان خنثی شود.^۴

^۱ - وسائل، ج ۵ ص ۲۸.

^۲ - مستدرک الوسائل، ج ۶ ص ۲۷.

^۳ - بحار الانوار، ج ۸۶ ص ۲۵۵.

^۴ - صحیفه نور، سخنان مورخه ۵۸/۶/۲۱.

چکیده:

در اسلام به اجتماع و جماعت اهمیت ویژه ای داده شده است. بطوری که جهت ایجاد و حفظ وحدت، اخوت و برادری، قدرت و شوکت اسلام و مسلمانان، رشد فکری و سیاسی، و آثار معنوی، اجتماعی، اخلاقی و تربیتی دستور به برپایی نماز جماعت و جمعه نموده است. نماز جماعت آنقدر اهمیت دارد که روایات بسیار زیادی در مورد اهمیت، فضائل، برکات و آثار آن وارد شده است، و نباید در ادای آن تساهل و کسالت ورزید تا جاییکه اهل تسنن شرکت در نماز جماعت را واجب دانسته اند. نماز جمعه از جهت سیاسی و اجتماعی از نماز جماعت اهمیت بیشتری دارد بطوری که در بعض روایات آمده که اگر کسی بدون عذر سه هفته در نماز جمعه شرکت نکند بر دلش مهری از نفاق زده می شود.

پرسش های درس

- ۱- نماز جماعت روحیه و گوشه گیری را از بین می برد.
الف) تکبر ب) فردگرایی و انزوا ج) نشاط و شادابی د) تنفر
- ۲- این حدیث « مَنْ سَمِعَ النِّدَاءَ فَلَمْ يَجِبْ مِنْ غَيْرِ عَلَيْهِ فَلَا صَلَاةَ لَهُ » از کدام معصوم روایت شده است؟
الف) امام صادق علیه السلام ب) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله
ج) امام علی علیه السلام د) امام باقر علیه السلام
- ۳- نماز جمعه در عصر ما است.
الف) واجب کفایی ب) مستحب ج) واجب تخییری د) احتیاط واجب
- ۴- روایت « مَنْ حَقَرَهُ فَإِنَّمَا يَحَقِّرُ اللَّهَ » در مورد چیست؟
الف) نماز جمعه ب) نماز جماعت صبح ج) اصل نماز د) نماز جماعت
- ۵- شرایط امام جماعت را بنویسید.
- ۶- آثار نماز جماعت را بیان کنید.
- ۷- نظر امام خمینی در رابطه با نماز جمعه چیست؟
- ۸- فلسفه خواندن سوره جمعه و منافقون در نماز جمعه چیست؟

درس سیزدهم

(نوافل)

پرسش های اساسی

فلسفه و اهمیت نماز های مستحبی در چیست؟خصوصیات نماز های مستحبی چیست؟چگونه میتوان وائع توفیق نماز شب را برطرف نمود؟

ب) نمازهای مستحب

نمازهای مستحبی در اسلام بسیار زیاد و متنوع است، اکثر آنها در مناسبات و موضوعات خاص یا زمان و مکان خاص اقامه می شوند و تعدادی هم به عنوان نوافل یومیّه هستند که همراه با نمازهای واجب یومیّه اقامه می گردد. به این نمازها، چون اضافه بر نماز واجب است، نافله و نوافل گفته می شود (نفل، به معنای زاید و افزون است). این نوشته گنجایش بحث در مورد تمام آنها را ندارد و فقط به برخی از آنها که دارای اهمیت ویژه‌ای هستند می پردازیم و خوانندگان محترم را برای شناخت بیشتر، فواید و خاصیت هریک از آنها به کتب ادعیه بخصوص کتاب *مفاتیح الجنان* و جلد ۸۴ کتاب بحارالانوار ارجاع می دهیم.

در حدیث است که نمازهای نافله، به منزله هدیه است و در هر صورت، پذیرفته می شود.^۱ با همه تأکید و تشویقی که درباره انجام نمازهای مستحبی است، ادای آنها باید از روی علاقه و عشق باشد و انسان، بر خودش آنها را تحمیل نکند. سعی کند که ابتدا، آمادگی روحی و علاقه و کشش قلبی بیاید، آنگاه به انجام آنها بپردازد.

^۱ - بحار، ج ۸۴ ص

امام رضا علیه السلام فرموده است: «دل‌ها، گاهی اقبال و آمادگی دارند، و گاهی نه. عبادات را وقتی که دل‌ها آماده است انجام دهید».^۱ به همین دلیل، در نمازهای مستحب، برخی ارفاق‌ها و تسهیلاتی وجود دارد که در نمازهای واجب نیست. این آسان‌گیری، برای جذب بیشتر افراد است. از جمله این که:

- نماز مستحب را، هم می‌توان ایستاده خواند، هم نشسته.
- در نماز مستحب، می‌توان فقط سوره حمد خواند و به رکوع رفت.
- در نماز مستحب، شک میان رکعت اول و دوم، نماز را باطل نمی‌کند و نمازگزار می‌تواند تصمیم بر هر کدام بگذارد.
- انجام کم و زیادهای اشتباهی در نماز مستحب، سجدۀ سهو ندارد.
- برای نمازهای واجب، بهتر است انسان به مسجد برود اما درباره نوافل، چنین دستوری نیست.
- نمازهای نافله مانند نماز صبح دو رکعتی اقامه می‌گردند و چند مورد استثنا دارد.

این ساده‌گیری‌ها برای تشویق افراد به این عبادت‌های سازنده است. حتی اگر نماز مستحب را کسی در وقتش نتوانست بخواند، قضای آن را می‌تواند انجام دهد، که در این صورت، طبق حدیث، خداوند به فرشتگان مباحث کرده و می‌فرماید: «به بندهام بنگرید! چیزی را که بر او واجب نکرده‌ام، قضا می‌کنند! (و در حدیث دیگری افزوده شده که شمارا شاهد می‌گیرم که او را آمرزیدم.»^۲ در حدیثی آمده: «نماز نافله، جبران کننده نواقصی است که در نمازهای واجب است».^۳ و «... همچون صدقه‌ای است که انسان می‌پردازد».^۴

۲- ان للقلوب اقبالا و ادبارا- (بخاری، ج ۸۴ ص ۴۷)

۲- بخاری، ج ۸۴ ص ۴۳، وسائل ج ۳ ص ۵۶.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۱ ص ۱۷۷.

۴- قصار الجمل، نافله.

(۱) نمازهای نافله‌ی یومیّه

هر نماز یومیّه واجب یک نماز نافله دارد، تعداد رکعت‌های نمازهای مستحب، یومیّه دو برابر رکعات واجب، یعنی ۳۴ رکعت بدین شرح است:

- نافله نماز صبح، دو رکعت، قبل از نماز صبح،
- نافله نماز ظهر، هشت رکعت، قبل از نماز ظهر،
- نافله نماز عصر، هشت رکعت، قبل از نماز عصر،
- نافله نماز مغرب، چهار رکعت، بعد از نماز مغرب،
- نافله نماز عشاء، دو رکعت به صورت نشسته، بعد از نماز عشاء،
- نافله شب، یازده رکعت، پیش از اذان صبح، که هشت رکعت آن «نافله شب» نام دارد، دو رکعتش به نام «شفع»، و یک رکعت دیگر به نام «وتر» است.

نماز شب

در میان نوافل یومیّه، «نماز شب» جایگاه خاصی دارد و تأکید فراوانی که در آیات قرآن و احادیث درباره آن است، به مراتب بیش از نمازهای دیگر مستحب است و به همین جهت، اولیاء خدا بر آن مداومت و مواظبت داشتند و به تهجد و عبادت نیمه‌شب می‌پرداختند. تا آنجا که نماز شب را خداوند، بر بنده محبوبش حضرت محمد-صلی الله علیه واله وسلم- واجب ساخته و چنین فرمان داده بود: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَهُ لَكَ»^۱ بخشی از شب را بعنوان نافله به تهجد بپرداز و سحر خیزی کن». قرآن، در توصیف کسانی که نیایشگران شب و اهل نماز شب‌اند، چنین می‌فرماید: «وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ»^۲ استغفار کنندگان در سحرها «وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا»^۳ آنانکه

۱- اسراء، آیه ۷۹.

۲- آل عمران، آیه ۱۷.

۳- فرقان، آیه ۶۴.

در حال سجود و قیام، برای خدا شب زنده‌داری می‌کنند». کَأَنوَ قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ^۱ «مردان خدا، مقدار کمی از شب را می‌خوابیدند».

در آیه دیگر می‌خوانیم: «مردان خدا برای انجام نیایش سحرگاهان و نماز شب، از بستر گرم فاصله می‌گیرند و به نماز شب مشغول می‌شوند، پاداش آنان، غیر از بهشت و حوریان و... چیزهایی است که خداوند برایشان ذخیره کرد که موجب روشنی دیدگان‌شان است»: فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ^۲ از این رو، نماز شب، مورد عنایت تمام انبیاء بوده^۳ و رسول خدا-صلی الله علیه و آله وسلم- چندین مرتبه حضرت علی-علیه السلام- را به نماز شب سفارش نموده و فرمود: عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ^۴ «بر تو باد، نماز شب». (سه مرتبه) و در حدیث است: شَرَفَ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ^۵ «شرف مؤمن به نماز شب اوست».

امام صادق-علیه السلام- فرمودند: «در خانه‌هایی که نماز شب خوانده می‌شود و قرآن تلاوت می‌گردد، آن خانه‌ها نزد آسمانیان، هم‌چون ستاره‌ها درخشانند».^۶

گذشته از آن، سحرخیزی و استفاده از هوای مفید آن هنگام، برای بدن، نشاط‌آور است. در حدیث است که: قِيَامُ اللَّيْلِ مِصْحَةُ الْبَدَنِ^۷ «شب زنده‌داری، بدن را تندرست می‌کند» و در حدیث دیگری اضافه بر آثار معنوی آن، خاصیت درد زدایی برای آن بیان شده است: ...وَمَطْرَدَةُ الدَّاءِ عَنِ أَجْسَادِكُمْ^۸

نماز شب، نشان عشق و محبت انسان به آفریدگار است و این علاقه، انسان را از خواب، جدا می‌کند و به راز و نیاز نیمه‌شب، با محبوب وا می‌دارد و اگر آن عشق نباشد، انسان با چه انگیزه‌ای، در تنهایی و تاریکی، از استراحت دست بشوید و در خلوتی

۱- ذاریات، آیه ۱۸.

۲- سجده، آیه ۱۷.

۳- بقره، ج ۸۴ ص ۱۳۶.

۴- وافی، ج ۲ ص ۲۲.

۵- وافی، ج ۲ ص ۲۱.

۶- وافی، ج ۲ ص ۲۲.

۷- وسائل، ج ۵ ص ۲۷۲.

۸- وافی، ج ۲ ص ۲۲.

عارفانه، به گفتگو با معشوق بپردازد؟

در حدیث قدسی از قول خداوند، می‌خوانیم: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي فَأِذَا جَنَّهُ اللَّيْلَ نَامَ غَنًى، أَلَيْسَ كُلُّ مُحِبِّ خَلْوَةٍ حَبِيْبَةٍ؟^۱ « دروغ می‌گویند آنکه مدعی محبت منست، اما وقتی شب او را فرا می‌رسد، می‌خوابد، آیا مگر نه اینکه هر عاشقی، خلوت با معشوقش را دوست دارد؟..».

نماز شب، توفیق می‌خواهد که آنرا هم باید از خدا طلبید. گاهی گناهان و دروغ‌ها، سبب محرومیت انسان از نماز شب می‌گردد و شیرینی عبادت و نیایش، از انسان گرفته می‌شود. در حدیث است: إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكِذْبَ فَيَحْرُمُ بِهَا عَن صَلَاةِ اللَّيْلِ^۲ « گاهی کسی دروغ می‌گوید و به همین سبب از نماز شب محروم می‌شود». انسان، با تداوم نماز شب و تهجد و عبادت‌های شبانه، می‌تواند به مقامی از کمال و صفای نفس و قرب به خدا برسد که چشم و گوش و دست‌خداایی پیدا کند (جز حق نبیند، جز حق نشنود و جز حق، عمل نکند) و به آنجا برسد که هر دعایی کند، مستجاب گردد.^۳

وقت نافله شب از نصف شب است تا اذان صبح و هر چقدر به نماز صبح نزدیکتر باشد بهتر است. مسافر یا کسی که برای او سخت است نماز شب را بعد از نصف شب بخواند می‌تواند آن را در اوّل شب بجا آورد یا اینکه بعد از فریضه صبح قضایش را بجا آورد. در نماز شب دو رکعت شفع و یک رکعت وتر از اهمیت بیشتری برخوردارند. نمازگزار می‌تواند بین هر دو رکعت نماز شب فاصله انداخته و استراحت کند یا بخوابد و لازم نیست یازده رکعت را پیوسته بخواند.

۲) نماز غفیله

یکی دیگر از نمازهای مستحبی «نماز غفیله» است که بین نماز مغرب و عشاء خوانده می‌شود و زمان بعد از نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب از بین برود و در

۱- نقل از: مصباح الشریعه.

۲- نور الثقلین، ج ۳ ص ۲۰۴.

۳- ثواب الاعمال، ص ۸۸.

رکعت اول بعد از حمد بجای سوره این آیه خوانده می شود :
 وذالنون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى فى الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك
 انى كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم وكذالك ننجي المومنين .
 در رکعت دوم بعد از حمد این آیه خوانده می شود.
 لا يعلمها الا هو ويعلم ما فى الر والبحر وما تسقط من ورقه الا يعلمها ولا حبه فى ظلمات
 الارض ولا رطب ولا يابس الا فى كتاب مبين.
 در قنوت آن این دعا خوانده می شود.

اللَّهُمَّ اِنِّى اَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ اَلَّتِى لَا يَعْلَمُهَا اِلَّا اَنْتَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
 تَفْعَلَ بِّى كَذَا وَكَذَا

بجای کذا کذا حاجت های خود را بخواهد. و سپس بگوید:
 اللَّهُمَّ اَنْتَ وِلِيُّ نِعْمَتِى وَالْقَادِرُ عَلٰى طَلِبَتِى تَعَلَّمْ حَاجَتِى فَاَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ
 وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِى

۳) نماز عیدین

مناسبت‌های مختلف اسلامی، زمینه توجه به خدای متعال و زنده‌کننده یاد او در
 زندگی و فکر مسلمانان است و برای بسیاری از این مناسبت‌ها، اعمال و دعاهاى
 بخصوصی، از جمله «نماز»، بیان شده است. منظور از نماز عیدین، نماز دو رکعتی است
 که در «عید فطر» و «عید قربان» خوانده می‌شود. برخلاف سایر جشن‌ها و نیز اعیاد
 دیگران، که آمیخته به غفلت‌ها، هوسرانی‌ها و شهوات است، عید اسلامی، همراه با نماز،
 دعا، انفاق و صدقات، غسل و طهارت است. اینک به توضیح مختصری پیرامون نماز
 این دو عید می‌پردازیم:

الف) نماز عید فطر

در نخستین روز ماه شوال، که «عید فطر» است، پس از یک ماه عبادت و روزه، به
 شکرانه این توفیق نماز باید خواند. این نماز، در زمان حضور امام علیه السلام واجب
 است و باید به جماعت خوانده شود ولی در زمان ما مستحب است اما میتوان آن را به
 قصد رجا به جماعت هم خواند. وقت آن، از اول آفتاب روز عید، تا ظهر است ولی بهتر
 است که در آغاز روز، پس از بلند شدن آفتاب بخوانند و قبل از خواندن آن افطار کنند

و زکات فطره خود را بپردازند یا حداقل کنار بگذارند. در رکعت اول، بعد از خواندن حمد معمولاً سوره اعلی (سوره ۸۷) را می‌خوانند و بعد پنج تکبیر گفته می‌شود که پس از هر تکبیر، قنوت گرفته و هر دعایی که می‌خواهیم می‌توان خواند، اما بهتر، دعای اللهم اهل الکبریاء و العظمة... است. در رکعت دوم بعد از حمد سوره شمس (سوره ۹۱) قرائت می‌شود و چهار تکبیر گفته می‌شود که پس از هر تکبیر مانند رکعت اول، قنوت لازم است. نماز عید فطر، با معنویت خاصی که دارد، دل‌ها را متوجه خدا می‌کند، حالت توبه و استغفار در دلها ایجاد می‌سازد و مستحب است که انسان، پیش از نماز عید، غسل کند، دعاها را بخواند و در فضای باز و در زیر آسمان به نماز بایستد.

امام رضا-علیه السلام- می‌فرماید: اِنَّمَا جَعَلَ يَوْمَ الْفِطْرِ الْعِيدَ، لِيَكُونَ لِلْمُسْلِمِينَ مُجْتَمِعاً يَجْتَمِعُونَ فِيهِ وَ يَبْرُزُونَ لِلَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - فَيَمَجِدُونَهُ عَلَى مَا مِنْ عَلَيْهِمْ، فَيَكُونُ يَوْمَ عِيدٍ وَ يَوْمَ اجْتِمَاعٍ وَ يَوْمَ زَكَاةٍ وَ يَوْمَ رَغْبَةٍ وَ يَوْمَ تَضَرُّعٍ^۱

« خداوند، روز فطر را بدین سبب "عید" قرار داد، تا مسلمانان، مجمعی داشته باشند که در آن روز، جمع شوند و در برابر خداوند، بخاطر منتهای و نعمت‌هایش، به تمجید و تعظیم بپردازند، پس آنروز، روز عید و تجمع و زکات و رغبت و نیایش است.» این حدیث شریف، فلسفه این نماز و عید را در محورهای زیر، بیان کرده است:

- اجتماع و گردهمایی
- زکات و رسیدگی به فقرا
- رغبت و گرایش به خدا
- تضرع و نالیدن به درگاه پروردگار

و اینها، هم ناظر به بعد معنوی و عرفانی این نماز و مراسم عبادی است، هم توجه به آثار اجتماعی و فوایدی دارد که به مردم می‌رسد و مردم با پرداخت «زکات فطره»، بینوایان مستمند را به نوایی می‌رسانند و به یک لحاظ، از نظر تأمین معاش محرومان،

۱- وسائل، ج ۵ ص ۱۴۱، من لا یحضره، ج ۱ ص ۵۲۲.

عید فطر، «عید فقرا» محسوب می‌شود. اضافه بر آثار اجتماعی و سیاسی که این اجتماع عظیم سالانه دارد و نشان شوکت و قدرت امت اسلامی است.^۱

جایزه الهی

عمده‌ترین چیزی که در این نماز، از خدا خواسته می‌شود، آمرزش و مغفرت الهی و مبارک ساختن این عید، با قبولی طاعات است و این، بهترین جایزه‌ای است که خداوند به نمازگزاران روزه‌دار، عطا می‌کند. امام باقر-علیه السلام- می‌فرماید رسول خدا- صلی الله علیه و آله وسلم- فرمودند: «هر گاه روز اول ماه شوال (عید فطر) فرا می‌رسد، یک منادی از سوی خداوند ندا در می‌دهد: ایها المؤمنون! اعدوا الی جوائزکم؛ ای مومنان بشتابید بسوی جایزه‌هایتان. آنگاه، امام باقر-علیه السلام- رو به جابر کرده، فرمودند: «ای جابر! جوایز خدا، مثل جایزه‌های این پادشاهان نیست!... امروز، روز جایزه‌هاست!»^۲

عید فطر صحنه‌ای از قیامت

از آثار تربیتی و سازنده نماز عید فطر، آنست که در آن اجتماع دعایی و حضور نیازمندان در مصلاهی بی‌سقف، انسان به یاد خدا و قیامت و نیازمندی خویش به رحمت الهی می‌افتد و صحنه قیامت در نظرها مجسم می‌شود. یادآوری قیامت در آنروز، سفارش امیرالمؤمنین-علیه السلام- است. در روایت است که حضرت علی-علیه السلام- در یک روز فطری در خطبه‌ای که خواند، خطاب به مردم فرمود: «ای مردم! این روز شما، روزی است که نیکان، پاداش می‌گیرند. در این روز، بدکاران، زیان می‌کنند. این روز، شبیه‌ترین روز به قیامت است. با بیرون آمدنتان از خانه‌ها به مصلا، بیرون آمدنتان از قبرها را به یاد آورید. با توقف خود در مصلا و انتظار نماز، توقف در

^۱ وسائل، ج ۵ ص ۱۴۰، من لا یحضر، ج ۱ ص ۵۱۱.

^۲ وسائل، ج ۵ ص ۱۴۰، من لا یحضر، ج ۱ ص ۵۱۱.

حضور خدا را در قیامت به خاطر آورید. و با بازگشت خود به خانه‌ها، بازگشتتان را به خانه‌های خود در بهشت یا جهنم به یاد آورید.^۱

امام مجتبی-علیه السلام- روز عید فطر، به عده‌ای برخورد که به خنده و بازی مشغول بودند. به همراهان خویش فرمودند: « خداوند، رمضان را، میدانی برای مسابقه و دستیابی به رحمت و رضوان خویش قرار داده بود، که عده‌ای پیش تاخته و بردند، عده‌ای هم عقب‌مانده و باختند. شگفت از آنکه در این روز پاداش به خنده و بازی مشغول است.»^۲

ب) نماز عید قربان

روز دهم ذیحجه، روز عید قربان (عید اضحی) و از بزرگترین اعیاد اسلامی است که اعمال و دعاهای خاصی دارد. یکی از نمازها، «نماز عید قربان» است که مثل نماز عید فطر، دو رکعت است و به همان صورت و در همان وقت و با همان شرایط خوانده می‌شود. چه در روز عید فطر و چه قربان، پیش از نماز و پس از آن (در نماز قربان، تا ده نماز پس از نماز عید) تکبیرهایی گفته می‌شود، که همه، بزرگ‌شمردن خدا و توحید و ستایش او و شکر بر نعمت هدایت است.^۳

در قنوت نماز عید، آن‌گونه که گذشت، دعای «اللهم اهل الکبریا و العظمه...» بهتر است.^۴ در این دعا، خدا را به عظمت، جبروت، عفو و رحمت و بخشش می‌شناسیم و یاد می‌کنیم و از او، به حق و منزلت این‌روز بزرگ، که عید مسلمانان و مایه شرافت و افتخار پیامبر و خاندان اوست، درخواست می‌کنیم که بر «محمد و آل او» درود فرستد و ما را از خیرها و برکات خویش بهره‌مند سازد. جمله‌ای که در این دعا آمده، جامع‌ترین درخواستی است که می‌توان از خدا طلبید. از پروردگار می‌خواهیم که: خدا یا، در هر خیری که محمد و آل محمد را در این روز، وارد ساختی، مرا نیز داخل گردان و از هر

^۱ - وسائل، ج ۵ ص ۱۴۱.

^۲ - من لا یحضر، ج ۱ ص ۵۱۱.

^۳ - الله اکبر، الله اکبر، لا اله الا الله، و الله اکبر، الله اکبر و لله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا (مفاتیح، توضیح المسائل).

^۴ - متن آن در کتاب مفاتیح الجنان و رساله عملیه آمده است.

بدی که محمد و آل محمد را در این روز، بیرون ساختی، مرا نیز خارج گردان. خدایا...من از تو بهترین چیزها را می‌طلبم که بندگان صالح تو، از تو خواسته‌اند و به تو پناه می‌برم از هر بدی که بندگان مخلصت، از آن به تو پناه‌نده شده‌اند.

در پایان تعدادی از نمازهای مستحبی را یادآور می‌شویم مانند نماز روزهای هفته ، نمازهای زیارت ، نمازهای وداع ، نمازهای رفع حاجات و گرفتاری ها، نمازهای توسل به معصومین و نماز امام زمان، نماز هدیه به پدر و مادر و به معصومین، نماز ليله الدفن ، آمرزش گناهان، تقویت حافظه، نماز حضرت رسول ، امیرالمومنین، حضرت فاطمه و سایر ائمه و نماز جعفر طیار و..... انشاء الله که عامل به آنها باشیم.

چکیده:

نمازهای مستحبی زیاد است و آنها را نافله می گویند. هر کدام درمناسبت یا موضوع یا زمان و مکان خاصی اقامه می شوند. نماز نافله به منظور هدیه است و پذیرفته شده از این رو نباید تحمیلی باشد بلکه باید از روی عشق و با علاقه اقامه شود. خداوند در انجام نوافل به فرشتگان مباحثات می کند. تکمیل کننده نمازهای واجب است. بین نوافل به نافله نمازهای یومیه و نماز شب و نماز غفیله که هر روز خوانده می شود اهتمام بیشتری شده است و نمازهای دیگر متناسب با موضوع یا زمان یا مکان در سال یک یا چند بار بیشتر خوانده نمی شوند

مناسبت های مختلف اسلامی زمینه توجه بیشتر به خدای متعال را فراهم میکنند لذا در دوعید فطر و قربان به شکرانه نماز عید که دو رکعت است بعد از طلوع آفتاب اقامه می گردد

فلسفه نماز عید را اجتماع و گردهمایی وحدت آفرین ، پرداخت زکات و رسیدگی به فقرا، رغبت و گرایش بیشتر به خدا و تضرع و نالیدن به درگاه الهی می دانند. و نشانه ای از شوکت و قدرت امت اسلامی است.

انسان در اجتماعی دعایی و حضور نیازمندان در مصلاهی بی سقف پیاده و پا برهنه و لبک گویان به یاد قیامت و نیاز خود به رحمت الهی می افتد.

پرسش‌های درس:

- ۱- نافله صبح است و باید خواند.
الف) دو رکعت - قبل از نماز صبح
ب) دو رکعت - بعد از نماز صبح
ج) یک رکعت - قبل از نماز صبح
د) چهار رکعت - بعد از نماز صبح
- ۲- نماز شب بر چه کسانی واجب است؟
الف) همه اولیای خدا ب) همه مردم که توانایی دارند.
ج) حضرت محمد صلی الله علیه واله د) پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام
- ۳- بنا بر روایت نماز نافله به منزله چیست؟
الف) صدقه ب) هدیه پذیرفته شده ج) مکمل نماز های واجب د) هر سه مورد
- ۴- در نماز عیدین چه سوره ای خوانده می شود؟
الف) حمد، اعلی، شمس
ب) حمد، اعلی، جمعه
ج) اعلی، شمس، جمعه
د) حمد، شمس، دهر
- ۵- شرافت مومن در چیست؟
- ۶- در حدیث قدسی چه کسانی دروغگو خوانده شده اند؟
- ۷- چه چیز باعث محرومیت از نماز شب می شود؟
- ۸- بنا بر روایت امام باقر و حضرت رسول اکرم علیهما السلام و صلوات روز عید فطر چه روزی است؟

فصل چهارم

رسالت نماز

درس چهاردهم

نقش تربیتی نماز

پرسش های اساسی

نماز چه رسالتی دارد؟

راهکارهای ارتباط جمعی و انطباق اجتماعی که در پرتو نماز ارائه می شود چیست؟

نماز چگونه رسالت خود را در ایجاد آرامش روانی ایفا میکند؟

• نماز و طبیعت

نماز تنها یک توجه قلبی نیست؛ عملی است همراه با مردم و با بهره‌گیری از طبیعت: باید به آسمان نگاه کرد تا وقت نماز را شناخت، به ستارگان نگریست تا قبله را یافت، به آب توجه کرد تا پاک و مطلق و حلال و تمیز باشد، به خاک دقت کرد تا سجده و تیمم شرائط لازم را داشته باشد. عبادات الهی بدون طبیعت نمی‌شود. رسول اعظم -صلی الله علیه و اله وسلم- سحرها به آسمان نگاه می‌کرد و فکر می‌نمود و می‌گفت: رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا. یعنی: « پروردگارا این ها را بیهوده نیافریدی». بعد به نماز می‌ایستاد. فکر در طبیعت یکی از راه‌های خداشناسی است.

سعدی -علیه الرحمه- می‌گوید: « هر نفسی که فرو می‌رود ممتّ حیات است و چون برآید مفرّح ذات؛ پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب ». آری اگر نفس فرو نرود زندگی نداریم و اگر برنگردد باز هم زندگی نداریم. ولی امام صادق -علیه السلام- می‌فرماید: « در هر نفسی هزاران نعمت در کار است (نه دو نعمت)». زیرا برگ در نفس کشیدن انسان سهم دارد. اگر گیاهان دی اکسید کربن را به اکسیژن تبدیل نکنند چگونه نفس بکشیم؟ حتی در نفس کشیدن ما نهنگ‌های دریا نیز شریکند!!! زیرا در هر شبانه روز میلیون‌ها جاندار ریز و درشت در اقیانوس‌ها می‌میرند که اگر این نهنگ‌ها آنها را نبلعند و دریاها را پاکسازی نکنند آنها بدبو و فاسد می‌شوند و اگر آب ها فاسد شوند ...

در اسلام فکر در طبیعت بزرگ‌ترین عبادت‌هاست. فکر در خاک و آب و آسمان و گیاهان و ولی در نماز مقدار و شیوه بهره‌برداری از طبیعت محدود است. مردان حق ندارند از طلا و ابریشم استفاده کنند؛ پوشیدن لباس تکبر با روح عبادت سازگار نیست. خوردن و آشامیدن هنگام نماز با روح عبادت سازگاری ندارد. سجده بر خاک عبادت است ولی سجده بر خوردنی و نجاست اهانت است. همان طور که گفتیم خواندن نماز ما را به طبیعت نزدیک می‌کند و یاد آور نعمات الهی است.

• نماز و آموزش

نماز گزار اگر بخواهد نمازش صحیح باشد باید یک سری آموزش‌هایی ببیند. مثلاً آموزش زبان عربی، احکام، قبله، تطهیر و غسل و وضو و تیمم، آموزش شرایط و مقدمات نماز، آموزش اصلاح نماز در صورت شک و تردید و یا فراموش کردن و ... این آموزش‌هاست که بازار فقه و تعلیم و تعلم را رونق می‌بخشد.

نقش اجتماعی نماز

انسان موجودی است مدنی‌الطبع و چند بُعدی. فطرتش او را به طیف‌گرایی می‌کشاند و او را از بُعد درون‌گرایی به برون‌گرایی گسیل می‌دارد. هجرت آدم از جنت و سکونت در ارض، و یا به قول مادّیون، هبوط او از غار به دشت و سیر مراحل کوچ به روستا، شهرک، شهر و دست‌یابی به تمدّن و تشکیل انجمن، شورا و مجمع نظریه جمع‌گرایی را تأیید می‌کنند. گر چه «نماز» ارتباط انسان با خداوند منّان است، عامل پیوند همبستگی انسانها با یکدیگر نیز می‌باشد. در طول تاریخ یک قانون و یک سنت حاکم بوده است و آن اینکه روابط اجتماعی آدم‌های یک مجموعه که بر اساس مادیات و جذب منافع، علی‌الظاهر استوار بوده است دوامی نیافته و چند صباح بعد، شیرازه ارتباط از هم گسیخته است. لیکن ارتباطات جمعی که بر پایه خدا و خدا محوری استوار بوده و مفاهیم:

۱- واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرقوا^۱

۱- آیه ۱۰۳ سوره آل عمران.

۲- یا ایهاالذین آمنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلکم تفلحون^۱
را جزو دستور کار جمع خود قرار داده است، علاوه بر ایجاد حس اعتماد بین مجموعه، پایداری را در پی داشته است. مظهر اعلاى این ارتباط جمعی را در مسجدالحرام و مسجدالنبی-صلی الله علیه و آله وسلم- که از اقوام و ملل با زبان‌های متفاوت گرد می‌آیند مشاهده می‌کنیم.

• راهکارهای اجرایی ارتباط جمعی در پرتو نماز

عوامل ذیل و راز و رمزهای نماز به عنوان راهکارهای اجرایی در تحقق ارتباط جمعی مرتبط با نماز قلمداد شده است:

۱. نقل است پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله و سلم- بعد از اتمام نماز، رو به مأمومین می‌نشست تا بعد از ارتباط با خدا، ارتباط عاطفی با مخلوق هم پیدا شود و اگر مأمومی دیده نمی‌شد، سراغ او را می‌گرفتند، در صورتی که بیمار یا گرفتار بود، مشکل او را مرتفع می‌ساختند .
۲. سفارش شده است دست خالی به مسجد نروید، زیرا نیازمندانی که به مسجد مراجعه می‌کنند نومید از خانه خدا بیرون نروند، پرداخت زکوه مال به فقرا، به همراه اقامه نماز، جمع بین حُسن‌هاست. عملکرد حضرت علی - علیه السلام - که در حال رکوع، انگشترش را به سائل داد، تأییدی بر ایجاد عاطفی بین مصلی و مستمند می‌باشد.
۳. در سوره شوری آیه ۲۸ در بیان صفات مؤمنین آمده است : **وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلَاةَ وَاَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وِمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ**
مشورت، پس از امر برپایی نماز اشاره شده است و قطعاً مشورت و شورا

۱- آیه ۲۰۰ سوره آل عمران.

- وابسته به یک مجموعه است و تسهیل روابط جمعی را در پی خواهد داشت. در دوران قیام ملت علیه طاغوت، در سال‌های ۵۷ - ۱۳۵۶ مشورت، در مسجد صورت می‌گرفت.^۱
۴. انسان به غیر از برادر تنی، به برادر دینی هم نیاز دارد و بر اساس آیه ۱۱ سوره توبه، مشرکین، اگر توبه کنند و نماز برپای دارند و زکوه را پرداخت کنند در جایگاه برادر دینی قرار خواهند گرفت. یکی از پلهای ارتباطی برای وصول به سیستم برادر دینی، نماز است.
۵. ارزش انسان این گونه توصیف شده است: انسان مخلوقی است که به همراه خلق به سوی خالق همسو با طبیعت خلقت، حرکت می‌کند و نماز این توصیف را معنی می‌بخشد.
۶. نماز گزار اگر نماز فردی هم بخواند با زبان خود می‌گوید: **ایاک نعبد و ایاک نستعین** « فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌جوئیم». بیان این گونه، از اتصال انسان با دیگران حکایت می‌کند. و اگر این گونه نمی‌بود باید می‌گفت: «ایاک اعبد و ایاک استعین». همین نماز گزار که به تنهایی نماز می‌خواند، به لحاظ ارتباط با هموعان و خیرخواهی برای همگان، می‌گوید: **اهدنا الصراط المستقیم** « ما را به راه راست هدایت کن». همین بیان بندگان خواهی در سلام آخر نماز مشهود است: **السلام علينا و علی عباد الله الصالحین** « سلام بر نماز گزاران و بر بندگان نیکوکار خداوند».
- شهید مطهری می‌فرماید: در سوره حمد که جزء قطعی نماز است می‌گوئیم

^۱ - تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۴۴.

ایاک نعبد و ایاک نستعین « خدایا ما تنها تو را می‌پرستیم، خدایا ما تنها از تو کمک و استعانت می‌جوئیم». یعنی می‌گوئیم: «خدایا من تنها نیستم، من با همه مسلمانهای دیگر هستم. ضمناً انسان، وابستگی و پیوستگی خودش به جامعه اسلامی را در حال عبادت و بندگی اعلام می‌کند. خدایا، من فرد نیستم، تک نیستم، من عضوم، جزئی از کل و عضوی از پیکر هستم. ما هستیم، نه من. در دنیای اسلام «من» وجود ندارد «ما» وجود دارد»^۱.

۷. اقامه‌گر نماز، اعلام صلح و صفا با همه بندگان صالح خدا می‌کند. اعلام همزیستی مسالمت‌آمیز با همه افراد شایسته می‌کند. در حال نماز می‌گوید: «من با هیچ بنده شایسته‌ای سر جنگ ندارم، چون اگر با بنده شایسته‌ای سر جنگ داشته باشم خود ناشایسته‌ام»^۲.

۸. در مسأله ۱۰۴۰۲ رساله توضیح المسائل امام (ره) آمده است: مستحب است، که انسان صبر کند نماز را به جماعت بخواند نماز جماعت، از نماز اول وقت فردی که آن را طول بدهند، بهتر می‌باشد. این معیار، حکایت‌گر از عنایت ویژه به ارتباط جمعی و ارتباط انسانها می‌باشد، که جماعت بر تکروی، رجحان دارد.

۹. برای اتصال قطره به دریا، شارع مقدس توصیه می‌کند، زمانی که جماعت برپا می‌شود و نمازگزار نمازش را فردا خوانده است، دوباره با جماعت بخواند.

۱- گفتارهای معنوی، شهید مطهری، ص ۹۴-۹۵.

۲- ده نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص ۸۳.

۱۰. نمازگزارانی که به بیماری وسواس مبتلا هستند، مرض، آنها را با دوی جماعت حلّ می‌کند و بدین طریق [امام] می‌فرماید: «کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند».
۱۱. در عید فطر که شادمانی روزه داران بعد از یک ماه روزه‌داری فراهم می‌شود، شارع مبین توصیه می‌کند، نماز عید را در زمان غیبت امام - علیه السلام - به جماعت و به قصد رجاء بخوانند. همین سفارش در عید قربان نیز به چشم می‌خورد تا پیوند نمازگزاران عید قربان استحکام بیشتری یابد.^۱
۱۲. **یدالله مع الجماعه** بینش فقهی، برای رفع خشکسالی و نزول باران و فرود آمدن رحمت الهی از آسمان، به نماز استسقاء فرمان می‌دهد تا دل شکسته مردمان، دفع صد بلا کند. گرچه نمازهای مستحبی از جماعت استثناء است، ولی در نماز استسقاء، جماعت را توصیه می‌کند تا ارتباط دلها را بیشتر با هم پیوند دهد.^۲
۱۳. در بخشنامه فقهی، اصل جماعت است و فردی گویی فرع. در صورتی که نمازگزار به نماز مستحبی اشتغال دارد و از سوی دیگر نماز جماعت برپا شده، در صورتی که اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت می‌رسد، به نماز گزار اجازه داده است نماز را رها کند و برود به دریا بپیوندد و مشغول نماز جماعت شود.^۳

۱- مسأله ۱۴۰۳ توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره)

۲- مسأله ۱۴۰۵ توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره)

۳- مسأله ۱۴۰۷ توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره)

۱۴. فرامین مستحبی، پیرامون اقامه نمازهای واجب به صورت جماعت، ثواب مضاعف به تعداد اینکه، اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب ۱۵۰ نماز را دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعت ثواب ۶۰۰ نماز دارد، و یا حاضر نشدن به جماعت، از روی بی‌اعتنایی جایز نیست، و یا شایسته نیست که نمازگزار بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند. همه و همه، از نقش کاربردی صلوه بر محور ارتباط جمعی، حکایت می‌کند.^۱

• راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی در پرتو نماز

قبل از ارائه راهکارهای اجرایی انضباط اجتماعی، ضروری می‌نماید پیرامون واژه «انضباط» کنکاشی داشته باشیم. انضباط از باب انفعال در فرهنگ‌های لغات به معانی ذیل آمده است:

- سامان گرفتن، خوب نگاه داشته شدن، نظم داشتن.
- پیروی کامل از دستورهای نظامی، «دیسپلین» مقابل بی‌انضباطی^۲
- پیوستگی^۳
- نظم و انتظام و ترتیب و درستی، عدم هرج و مرج^۴

در اسرار الصلوه آمده است:^۵

« حکمت اصلی در تشریح نماز جماعت، اتحاد قلوب مؤمنین در امر خداست.

۱- مسأله ۱۴۰۷ توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره)

۲- فرهنگ معین.

۳- غیاب اللغات.

۴- ناظم الاطباء.

۵- ص ۴۹۱ تألیف حاج میرزا جواد ملکی تبریزی، (ترجمه رضا رجب زاده).

و برای این اتحاد، فواید بسیاری از قوت اسلام و مسلمین و غیر آن، می‌باشد. گذشته از این، نماز جماعت در تکمیل نفوس، و قوت آنها، در سیر الی الله و جلب فیوضات الهی، بسیار مؤثر است. مثل اجتماع قلوب، مثل اتصال آب‌های قلیل به یکدیگر است که چون به یکدیگر متصل شوند از صورت آب قلیل خارج شده و گُر می‌شوند، که دیگر به اندک نجاستی، طهارتش را از دست نمی‌دهد. مسأله نظم، در زندگی یک اصل است و نظم، عامل پیشرفت و بی‌نظمی، عامل شکست انسانها در طول حیات بوده است.

آدم بی‌نظمی که، به موقع خود را به ایستگاه راه آهن نرساند لکوموتیو و قطار، از دسترسی او خارج می‌شود. داوطلب بی‌نظمی که خود را به جلسه آزمون ورودی دانشگاه به موقع نرساند، از ورود به دانشگاه محروم می‌گردد.

در سوره ماعون می‌خوانیم: **فویل للمصلین، الذین هم عن صلاتهم ساهون** «وای بر نمازگزارانی که برای نمازشان بی‌نظمند. نه ارزش برای آن قائلند، نه به اوقاتش اهمیت می‌دهند، نه ارکان و شرائط و آدابش را رعایت می‌کنند و نماز را از وقت فضیلتش به تأخیر می‌اندازد». در این پیام وحی تهدید به بی‌انضباطی را مشاهده می‌کنیم.^۱

و اما راهکارهای اجرایی ذیل، تقویت و انسجام انضباط اجتماعی را موجب می‌شود:

۱. وقت شناسی برای برپائی نمازهای یومیه در موعد مقرر و آن هم تأکید بر احراز دخول وقت، در انسان ایجاد نظم می‌کند.
۲. اگر نمازگزار پیش از وقت، نماز بخواند و در بین نماز بفهمد که وقت داخل شده چون بی‌نظمی کرده تنبیه می‌شود و نمازش باطل اعلام می‌گردد.^۲

^۱ - تفسیر نمونه، همان، ج ۲۷، ص ۳۶.

^۲ - مسأله ۷۴۵ رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره)

۳. اگر فرد نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشاء را پیش از نماز مغرب عمداً بخواند چون ترتیب را بهم زده است نمازش باطل است.^۱
۴. چنانچه نمازگزار، ترتیب نماز که خود یک اصل است را عمداً بهم بزند، فی‌المثل سوره را پیش از حمد بخواند یا سجود را پیش از رکوع به جا آورد، چون مرتکب بی‌نظمی شده، نمازش از درجه اعتبار، ساقط می‌گردد. رعایت موالات هم در نماز، از این قاعده مستثنی نیست. نمازگزار نباید بین اجزاء نماز همانند رکوع، سجود و تشهد به اندازه‌ای فاصله بیندازد که بگویند نماز نمی‌خواند.^۲
۵. اطاعت مأموم از امام، انضباط اجتماعی را در افراد پرورش می‌دهد. مأموم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید.^۳ نباید عمداً پیش از امام به رکوع و سجود برود، در این صورت مرتکب معصیت شده، ولو نمازش را صحیح منظور نمایند.^۴ چنانچه پیش از امام، سهواً سر از رکوع بردارد و امام هنوز در حال رکوع باشد، به منظور ایجاد نظم و وحدت رویه بین نمازگزاران، باید به رکوع برگردد. علیرغم اینکه رکوع، رکن است و افزایش رکن، باعث ساقط شدن نماز از درجه اعتبار می‌شود، ارفاق شده و نماز مأموم را باطل اعلام نمی‌کنند.^۵

۱- مسأله ۷۵۵ رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره).

۲- مسأله ۱۱۴ رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره).

۳- مسأله ۱۴۶۷ رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره).

۴- مسأله ۱۴۷۰ رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره).

۵- مسأله ۱۴۷۱، رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره).

۶. اگر در صف‌های جماعت جا باشد، کراهت دارد انسان تنها بایستد^۱ در دریا، هرگاه گروهی با هم شنا کنند، زیبا نخواهد بود شناگری در گوشه‌ای تنها شنا کند. قطعاً به هنگام خطر جان سالم بدر نخواهد برد.
۷. نماز، انسان را از کار زشت و فحشاء باز می‌دارد. اگر انسان نماز خواند و مرتکب فحشاء و منکر شد از عدم نظم و هماهنگی بین دل و زبان سرچشمه می‌گیرد.
- هرگز حدیث حاضر و غایب شنیده‌ای؟ من در میان جمع و دلم جای دیگرست؟
۸. در آیه ۳۱ سوره اعراف می‌خوانیم: *خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ*. زینت مساجد جلوه‌ای از آراستگی و انضباط اجتماعی است.^۲
۹. پاکی از مصادیق آراستگی و اصول انضباطی است. لباس نمازگزار باید پاک باشد، اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند نمازش مردود و مطرود است.^۳
۱۰. پرهیز نمازگزار از لباس غصبی، زمینه رعایت حقوق و نظم اجتماعی را فراهم می‌کند. در صورت عدم توجه به غصب و عمد در کار، نمازش محلی از اعراب نخواهد داشت.
۱۱. به هنگام انجام غسل جنابت غسل و بهره‌وری از آن برای نماز، چنانچه نمازگزار از سیستم غسل ترتیبی استفاده کند و عمداً به ترتیب سر و گردن، طرف راست و طرف چپ بدن را نشوید غسل او «هباء منثوراً» خواهد بود.^۴

۱- مساله ۱۴۸۸ رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره).

۲- نکته درباره نماز، محسن قرائتی، ص ۱۰۲.

۳- مساله ۷۹۹ رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره).

۴- مساله ۸۱۵ رساله توضیح المسائل حضرت امام خمینی (ره).

۱۲. رعایت آداب و حضور مردم در نماز جمعه، علاوه بر ایجاد ارتباط جمعی بین نمازگزاران، با برپائی همایش عبادی - سیاسی مردم و گردهمایی معنوی آنان، درس انضباط اجتماعی و استواری را به ما می‌آموزد .

۱۳. *ویل دورانت* مورخ و دانشمند آمریکائی، درباره زیبایی نماز، در جوامع اسلامی که نشأت گرفته از انضباط اجتماعی است، در کتاب « تاریخ تمدن، عصر ایمان » می‌گوید:

« در جوامع اسلامی، مؤذن از گلدسته بالا می‌رود و به وسیله اذان مسلمانان را به نماز دعوت می‌کند. به راستی چه نیرومند و شریف است که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند. چه خوب است، انسان به هنگام نیم‌روز از کار باز ایستد و چه بزرگ و با شکوه است که خاطر انسان در سکوت شب به جانب خداوند توجه کند. چه خوش آهنگ است، صدای مؤذن که جان‌های محبوس در پیکر خاکی را، به سوی خالق بخشنده و مهربان دعوت می‌کند. هنگام نماز، هر مسلمانی باید از کار خود دست بردارد، خود را تطهیر کند، رو به جانب کعبه بایستد، رسوم و تشریفات نماز را به همان صورت که مسلمانان دیگر، در اوقات مختلف روز عمل می‌کنند به انجام برساند.^۱

۱۴. در راه تحقق بخشیدن به انضباط اجتماعی، عوامل بازدارنده‌ای همانند اعتقاد به امتیازات نژادی و طبقاتی و ملی‌گرایی وجود دارد. نماز این عوامل بازدارنده را از میان برمی‌دارد زیرا در صفوف نماز، نمازگزاران از هر نژاد، رنگ و ملیت که باشند برابرند. در کنار هم بر خاک می‌افتند و با هم برمی‌خیزند.^۲

۱- نماز از دیدگاه دانشمندان و متفکران، رحیم کارگر یار محمدی، ص ۳۰.

۲- نماز هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق، بخش اول قم ۱۳۶۱.

به تعبیر مقام معظم رهبری: « نماز یک زنگ بیداری و یک هشدار در ساعات مختلف شبانه روز است، به انسان برنامه می‌دهد و از او تعهد می‌خواهد، به روز و شبش معنا می‌دهد و از گذشت لحظه‌ها حساب می‌کشد. جمع‌بندی راهکارهای اجرایی در تسهیل روابط جمعی و تقویت انضباط اجتماعی، می‌تواند فرهنگ بی‌تفاوتی را، که یکی از ابزارهای موفقیت دشمن در زمینه‌ی تهاجم فرهنگی اوست، حذف نماید و به عبارت دیگر، حذف فرهنگ بی‌تفاوتی از طریق راهکارهای اجرایی، مصوبه فقاهت اسلامی موجب استمرار و بیمه‌ی انقلاب اسلامی و حاکمیت صالحان و خنثی شدن ترفند دشمنان اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهد شد.»

در زندگی بدون نماز، انسان بصورت میّت متحرک، ماشین کوکی و همانند عشق دروغین درمی‌آید. آخرین نظریه فلاسفه شرق و غرب این گونه عنوان شده است که: « زندگی مادی، زمانی از پوچی و سرگردانی نجات می‌یابد که به دامان نماز پناه ببرد» .

نقش نماز در تأمین عدالت و آزادی اجتماعی

استبداد مهم‌ترین مانع آزادی بود که نماز به وسیله اذکار ناظر به توحید، آن را دفع می‌کند. مهم‌ترین شرط تحقق عدالت اجتماعی وجود عدالت فردی است که نماز از طریق اذکار یادآور قیامت و... آن را ایجاد می‌نماید و همچنین به وسیله شرط عادل بودن امام جماعت آن را درونی می‌کند. همچنین نماز از طریق شرایطی که دارد مانند غصبی نبودن مکان و لباس نمازگزار، عدالت اقتصادی که یکی از مواد عدالت اجتماعی است، را ایجاد می‌کند و به وسیله یکسان بودن همه شرایط و احکام و اجزاء نماز برای همه با نبرابری اجتماعی در منزلت، مبارزه می‌نماید. مهم‌ترین اثر نماز از منظر قرآن بازدارندگی از فحشا و منکر است. نماز، انسان را به یاد حضور خداوند می‌اندازد و بدین سان بهترین بازدارنده از کارهای ناشایسته می‌باشد. این بازدارندگی بسته به رعایت

شرایط نماز و کیفیت اقامه آن، دارای مراتب است. هر چه روح نماز بیشتر بر زندگی حاکم باشد، این نقش قوی‌تر خواهد بود. از دیگر سو، نقطه مقابل عدالت و آزادی- یعنی ظلم، جور و- از مصادیق بارز منکر می باشد؛ و عقل سلیم و شارع مقدس آن را ناپسند شمرده‌اند. بدین روی نماز با نفی ظلم و جور، در تحقق عدالت و آزادی مؤثر می‌باشد. افزون بر دلایل نقلی، میتوان بر وجود رابطه میان متغیر مستقل و وابسته، نمونه‌هایی عینی نیز یافت. پیامبر اکرم-صلی الله علیه و اله وسلم- و حضرت علی-علیه السلام- هم برترین نمازگزارانند و هم پرتلاش‌ترین افراد در راه تأمین عدالت و آزادی و پای‌بندترین افراد به اصول آن.

نماز آزادی را با رفع موانع فراروی آن، تأمین می‌کند. استبداد مهم‌ترین مانع آزادی است. استبداد نظامی دارد که در اثر عملکرد دو طرف ایجاد شده است: رأس نظام و مردم تحت سلطه. با قرائت نماز، بنده به دنبال کسب رضای مولا است نه کسب قدرت. این روح در ذکر «یاک نعبد» به خوبی جلوه‌گر است. دیگر اینکه نمازگزار در نماز پیشانی خود را بر خاک مذلت در برابر معبود می‌ساید؛ و این خشوع و تواضع است که ریشه غرور را می‌خشکاند.

علاوه بر این نماز دارای اذکاری است مانند: «مالک یوم الدین»، «قل هو الله احد»، این اذکار اقرار به صاحب اختیاری و مالک تام بودن خداوند و قبول همه مراتب توحید از جمله توحید در حاکمیت اوست و با کسب قدرت نامشروع ناسازگار می‌باشد. افزون به آن ضمائر جمع در پاره‌ای از قرائات نماز، فرد را از خودبینی، خود گرایی و انحصار طلبی خارج می‌سازد. موانع مربوط به سلب شونده‌گان یا محرومانی از عدالت و آزادی، عبارتند از: خصوصیات شناختی مانند جهل، نادانی و عوامل روانی مانند ترس و ذلت‌پذیری و نداشتن روحیه صبر و مقاومت. اهتمام شارع نسبت به نماز با تفکر و تدبیر در آن، نمازگزار را واجد شخصیت تفکر دهنده می‌سازد؛ فرد دارای این ویژگی، آمادگی

بیشتری نسبت به شناخت حقوق اجتماعی، سیاسی خود و جامعه دارد. محتوای نماز قدرت را تنها از آن خدا می‌داند و خداوند را واحد مالک و قادر مطلق معرفی می‌کند. بنابراین نمازگزار بر او تکیه می‌کند و دیگر جایی برای ترس و پذیرش ذلت و حاکمیت غیر، در روح خود باقی نمی‌گذارد. تأثیر نماز در تحقق عدالت اجتماعی از دو طریق دیگر نیز تصور پذیر است:

- نماز عامل ایجاد عدالت فردی است و عدالت فردی در مردم و کارگزاران، مهم‌ترین شرط تحقق عدالت اجتماعی است.
- دو پایه مهم عدالت اجتماعی، توازن اجتماعی و تکافل عمومی است. نماز در ایجاد توازن به وسیله شرط‌هایی چون غصبی نبودن مکان، لباس و ... تاثیر گذار است. تکافل عمومی نیز از طریق ضمایر جمع در خواست‌ها و دعاها و اوراد نماز و همچنین نماز جماعت، صورت می‌بندد. به اختصار می‌توان گفت که از یک سو اصلی‌ترین مصداق عدالت و آزادی در رعایت همه حقوق دیگران جلوه‌گر است. از دیگر سو، مهم‌ترین شرط رعایت حقوق دیگران، کنترل درونی است. نماز به عنوان برترین عبادت، در ایجاد این عامل بسیار مؤثر است. بنابراین از یک طرف نماز نقش به‌سزایی در تأمین آزادی و عدالت اجتماعی دارد و از طرف دیگر، بدون اعتقاد به خداوند و بندگی او و کنترل درونی، تحقق نمی‌یابد. کنترل درون نیز بدون اقامه نماز، ناقص است. برقراری عدالت و آزادی، بدون سر سپردن به درگاه حق، امکان وقوع حقیقی ندارد. بدین سان، مکاتب، ایدئولوژی‌ها و سیاست‌مدارانی که بخواهند بدون توجه به امور قدسی، به شعارهای خود جامه‌ی عمل بپوشانند، دیر یا زود شکست خواهند خورد.

نقش نماز در آرامش روانی خانواده

آیه شریفه «**الَا بذكر الله تطمئن القلوب**» حکایت از آن دارد که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد. دل پایگاه نفس آدمی است و آنگاه که دل آرام گیرد، نفس انسان نیز اطمینان می‌یابد. پس برای داشتن دلی آرام و قلبی مطمئن باید به ذکر باری تعالی پرداخت. ذکر اکبر خدا نیز نماز است و قرآن می‌فرماید: **و لذكر الله اکبر** نتیجه آن که چون گویندگان ذکر الهی که دل‌هایی آرام و نفوسی مطمئن دارند، گرد هم آیند و خانواده‌ای را شکل بخشند، آن خانواده از آرامش برخوردار است و در خانه آرام، صفا و صمیمیت موج می‌زند و ملامال از نور خداست.

در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست هر جا که صفا هست در آن نور خدا هست نماز خواندن و انجام عبادت، برای نمازگزار آرامش روانی پدید می‌آورد و دل مؤمن را امنیت می‌بخشد، آن‌هایی که توفیق بیشتری در برگزاری نماز داشته‌اند، به آرامش بیشتری نیز دست یافته‌اند. یعنی آن‌ها که علاوه بر انجام فرایض مبادرت به خواندن نوافل نیز نموده‌اند، در بررسی‌های موردی آرامش بیشتری را گزارش کرده‌اند و همین باعث شده تا دیگران را نیز به انجام نوافل توصیه کنند.

سخن چنین کسانی این است که:

برخیز که عاشقان به شب راز کنند گرد در و بام دوست پرواز کنند

هر در که بود فراز بر خود بندند الا در دوست را که شب باز کنند

آنان حلاوت عبادت خالص در شب و رازگویی با خداوند عالمیان را دریافته‌اند، چرا که شب فرصتی مناسب‌تر برای عبادت بی ریاست.

قرآن می‌فرماید: «**ان نأشئه اللیل هی اشد وطأ و اقوم قیلا**»

پس فقط صاحبان خلوص و عاشقان عبادت خدا، شیرینی راز و نیاز با او را درمی‌یابند و می‌توان گفت:

« شرح این واقعه را مرغ سحر داند و بس تو چه دانی که شب سوختگان چون گذرد»
 پس برگزاری نماز به طور مداوم و محافظت بر آن، رمز دست یافتن به آرامش روانی
 است. اینک به اختصار برخی از نقش‌هایی که نماز در آرامش روانی دارد، مرور
 می‌کنیم:

• عدم احساس گناه و یا کاهش آن

آدمی آنگاه که به سجاده می‌نشیند تا با خدا راز گوید، باید هوشیار باشد. چرا که قرآن
 می‌فرماید:

لا تقربوا الصلوة و انتم سكارى « آنگاه که مست هستید، نزدیک نماز نشوید».

پس لازمه مقبولیت و پذیرش نماز، دور بودن از ناهشیاری و مستی است.
 نماز آدمی را از فحشا و منکرات باز می‌دارد. «ان الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر»
 شرب خمر، مستی، غفلت و دیگر گناهان و آلودگی‌ها در پرتونماز محو و نابود
 می‌شوند. با حذف گناهان فضای روح و روان انسان پاک و مصفا می‌شود و در نتیجه
 آرامش و اعتماد به نفس به دست می‌آید. نماز شستشوگر روان از گناه است و قلبی
 که در آن تاریکی گناه نباشد از آرامش و اطمینان و صفا لبریز می‌شود. چنان که
 پیامبر فرموده انسانی که نمازهای پنجگانه را به جای می‌آورد، مانند آن است که در
 رودی پنج بار شنا کرده و از آلودگی‌ها به در آمده است. پس نماز مانع ابتلا به آلودگی
 و گناهان است و نیز به سبکی بار گناه آدمی می‌انجامد. زیرا قرآن می‌فرماید: ان
 الحسنات يذهبن السيئات « به درستی نیکی‌ها، بدی‌ها و گناهان را می‌زدایند و از
 بین می‌برند» و نماز یکی از برترین حسنات است.

پس اگر احساس گناه را عامل ایجاد اضطراب و نا امنی بدانیم و گناه نکردن یا انجام
 عملی که گناه و احساس گناه را تخفیف می‌دهد، وسیله‌ای برای ایجاد مانع از انجام

گناه بدانیم و اگر فردی که گناهی را مرتکب شده، انجام نماز - که یکی از حسنات ممتاز است - گناه او را تخفیف دهد و آدمی در اثر عدم انجام گناه و یا داشتن احساس تخفیف گناه آرامش پیدا کند، می‌توان نتیجه گرفت که به این دلیل نماز عامل مهمی در جهت دست یافتن به آرامش روانی است و چون این امر در خانه رخ دهد، و یکایک اعضای خانواده نمازگزار باشند، همگی با هم آرامش روانی را در خانه به ارمغان می‌آورند و در پناه آن با موفقیت زندگی می‌کنند. زیرا احساس گناه در همه آنان کاهش می‌یابد.

امروزه که مسأله بزهکاری و بویژه بزهکاری‌های نوجوانان در سراسر جهان، ذهن اندیشه وران را به خود معطوف نموده است، اگر بتوانیم فرهنگ خواندن نماز را گسترش دهیم می‌توانیم مانع بروز بزهکاری‌ها شده و یا آن‌ها را به میزان قابل توجهی کاهش دهیم. شواهد نیز حاکی از آنست که در میان بزهکارانی که در کانون [اصلاح و تربیت تهران] حضور می‌یافتند، نوجوانان نمازگزار کمتر بودند. پس با توجه دادن نوجوانان و دیگر اعضای خانواده به نماز، تحقق بخشیدن به خانواده‌ای بسامان را زمینه سازی نماییم. چرا که با عدم ارتکاب جرم توسط اعضای خانواده، آرامش بر آن حکمفرما می‌شود. و دیگر کسی نگران ارتکاب جرم توسط دیگری نیست و از عاقبت بد دیگری نمی‌هراسد. زیرا که نماز آنان را از فرجام بد مصون داشته است.

• وحدت شخصیت و انسجام خانوادگی

خواندن نماز موجب دست یافتن به وحدت شخصیت می‌شود. شخصیت برخوردار از توحید به گونه‌ای است که جنبه‌های گوناگون آن با یکدیگر در تضاد نیستند. یعنی فرد آنچه که در اعتقاد بدان باور دارد، در عمل نیز بر اساس باورهای خویش عمل می‌کند و چون اینگونه رفتار می‌کند، خود نیز در خویشتن تضاد نمی‌یابد و در نهایت

به یکپارچگی (خویشتن) دست می‌یابد به نحوی که جنبه‌ای از شخصیت فرد، جنبه دیگر شخصیت او را تأیید می‌کند و انسان به هنگام برخورد با او احساس می‌کند که با فردی هماهنگ و بسامان مواجه شده است. حال باید پرسید نماز چگونه موجبات تحقق وحدت را در شخصیت آدمی فراهم می‌آورد؟

انسان مؤمن به هنگام نماز سخن از خدای واحد و یگانه به میان می‌آورد، او را الله خطاب می‌کند و رب عالمیان می‌نامد. (آیه قل هو الله احد به نحو بارزی حکایت از وحدت باری دارد.) و همین باور داشتن به خدای یگانه، پیام آور وحدتی درونی برای آدمی است. آنچه که باعث تشمت و تفرقه می‌شود، ایمان داشتن به رب‌های گوناگون است.

قرآن می‌فرماید: ارباب متفرقون خیر ام الله الواحد القهار

«آیا داشتن رب‌های متفرق خوب است یا ایمان داشتن به خداوند واحدی که قهار است»؟

قرآن وجود خدایی جز خدای یگانه را نفی می‌کند و می‌فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا»^۱

و بر فرض محال اگر چنین می‌شد فساد درون آدمی را نیز به علت تعدد الهه در بر می‌گرفت و آنان که اکنون، به وجود ارباب متفرق قائلند، از وحدت درونی بی بهره و در شخصیت خود دارای تضاد هستند.

اعضای خانواده نیز اگر همه با یکدیگر به اقامه نماز بپردازند و همه به وحدت درونی دست یابند، در بیرون نیز با یکدیگر همگونی و هماهنگی خواهند داشت و این موجبات آرامش روانی را برای آنان در پی خواهد داشت. زیرا نه با یکدیگر تضادی

۱- انبیاء ۲۲.

دارند و نه والدین با فرزندان خویش اختلافی جدی خواهند داشت. سؤال این است که چه کسانی بیشتر فرزندان را در موقعیت دوگانه قرار می‌دهند. آن‌ها که در درون خویش تضادی دارند و یا آن‌ها که با دیگری دارای تضاد هستند. نماز، تضادهای درونی فرد را کاهش می‌دهد. زیرا که به شخصیت فرد وحدت و یکپارچگی می‌بخشد و دیگر آن که افراد وحدت یافته در سایه نماز را با یکدیگر منسجم و متحد می‌سازد. لذا بین آن‌ها تفرقه و تضادی جدی و عمیق وجود ندارد و تعارض مهم هم در خانواده دیده نمی‌شود. در اثر نبود تعارض و یا از بین رفتن آن، کمتر شاهد بروز اضطراب در محیط خانه خواهیم بود. بدین ترتیب امنیت بیرونی در محیط خانواده حاصل امنیت درونی اعضای آن است که در پرتو انوار الهی ظهور و بروز پیدا می‌کند. پس نماز می‌تواند وحدت و امنیت درونی و بیرونی را فراهم آورد و محیط خانواده را متحد و یکپارچه سازد تا همگی به راحتی بتوانند به ریسمان الهی چنگ زنند و متفرق نگردند

وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا^۱

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود افرادی که به وحدت درونی دست یافته‌اند در وحدت بخشیدن به محیط بیرونی (که یکی از مصداق‌های آن خانواده است) توفیق بیشتری دارند و وحدت در خانواده یکی از رموز آرامش آن است.

• افزایش اعتماد به نفس

نماز خواندن موجبات افزایش اعتماد به نفس را فراهم می‌آورد. زیرا وقتی آدمی با خدا سخن می‌گوید، از او استعانت می‌جوید. «ایاک نعبد و ایاک نستعین» توان بیشتری را در خود احساس می‌کند که ناشی از اتکای به خدای تعالی است و داشتن چنین نقطه اتکایی باعث افزایش اعتماد به نفس در فرد می‌گردد. او در این حال خود

^۱ - آل عمران آیه ۱۰۳.

را بسان قطره‌ای می‌داند که با دریا پیوند خورده است .

قطره دریاست اگر با دریاست ورنه او قطره و دریا دریاست

بدین ترتیب درمی‌یابیم که آدمی از خویشتن مفهوم بهتری خواهد داشت و تصور وی از خود در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرد و مفهوم خود در نزد او تعالی می‌یابد و این همه موجب افزایش اعتماد به نفس در فرد می‌گردد. از سویی خواندن نماز باعث افزایش موفقیت‌های او در زندگی می‌شود. زیرا نماز، نقش مدد رسانی دارد چنان که قرآن می‌فرماید: **استعينوا بالصبر و الصلاة** «از نماز و روزه کمک بجویید».

انسان برخوردار از امدادهای ناشی از اقامه نماز، فردی موفق تر است و موفقیت‌های روز افزون، اعتماد به نفس و افزایش آن را در پی دارد و نماز گزاران پیوسته امیدوار به امدادهای الهی هستند. اولیای الهی که خوب نماز می‌خوانند نه می‌ترسند و نه محزون می‌شوند. «**الا ان اولياء الله لا خوف عليهم و لا هم يحزنون**» و آدمی که نه می‌ترسد و نه محزون است، از آرامش روانی برخوردار است. در محیط خانواده‌ای که اعضای آن نماز را بر پا می‌دارند و همگی از اعتماد به نفس خوبی برخوردارند، فضای آرامی حاکم است و اعتماد به نفس یکدیگر را تقویت می‌نمایند. آنان همچون ظروف مرتبطی هستند که به هنگام برداشتن آب از یکی از آن طرف‌ها، طرف‌های دیگر جای خالی آن را پر می‌کنند، با این تفاوت که در اینجا، اعتماد به نفس خود آنان کاهش نمی‌یابد. در حالی که وقتی ظرف‌های مرتبط، جای خالی شده آب ظرفی را پر می‌کنند، از میزان کمتری از آب برخوردار می‌شوند. آن‌ها شکرانه بازوی توانا را به گرفتن دست ناتوان می‌دانند و دست افتادگان را به هنگام ایستادن می‌گیرند و بدین ترتیب آن‌ها که از اعتماد به نفس بیشتری برخوردارند، در محیط خانواده، زمینه افزایش اعتماد به نفس را در دیگر اعضای خانواده فراهم می‌کنند تا آنها هر چه بیشتر استعدادهای خویش را به کار گیرند و به درجه بالاتری از شناخت معبود و عبادت

دست یابند و به خود شکوفایی برسند، به نحوی که همه استعدادها و توانایی‌های خویش برای عبادت خدا را به فعلیت برسانند. نماز در این راه نقش مدد رسانی را بر عهده دارد. انسانی که به خود شکوفایی رسیده از آرامش بیشتری برخوردار است. اولیای الهی مصداق بارز چنین حالتی هستند، زیرا توانسته‌اند همه توان خویش را در راه عبادت معبود به کار گیرند.

• بالا رفتن عزت نفس

پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- نماز را معراج مؤمن دانسته و می‌فرماید: **الصلاة معراج المؤمن**.

انسانی که عروج یافته و اوج گرفته است، از عزت نفس برخوردار است. عزت نیز با رفتن به پیشگاه معبود حاصل می‌شود و به تعبیر سعدی انسان جز با رفتن به درگاه الهی عزت نمی‌یابد. «عزیزی که از درش سر بتافت به هر در که شد هیچ عزت نیافت» و اگر می‌گویند: «عزت طلب و بزرگی‌آموز». همه حکایت از آن دارد که آدمی برای عزتمندی خویش ارزش فراوانی قائل است و آن‌ها که نفس خویش را دارای عزت می‌دانند، کمتر تن به خطاها و امور ناپسند می‌دهند.

علی -علیه السلام- می‌فرماید: **مَنْ كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ هَانَتْ عَلَيْهِ شَهْوَاتُهُ** «هر کس که نفسش در پیشگاه او ارزشمند باشد شهوات در نزد او خوار است و بی‌مقدار».

کارل راجرز که بنیانگذار روش مشاوره غیر مستقیم است، اظهار می‌دارد، دانش آموزی که از عزت نفس بالاتری برخوردار است کمتر تن به تقلب می‌دهد و نظریه تعهد مکبر حکایت از آن دارد که اگر شخص احساس بی‌آبرویی کند، راحت‌تر تن به ارتکاب جرم می‌سپارد. نماز که آدمی به هنگام ادای آن سر بر آستان معبود می‌ساید و پیشانی خویش را به رسم تواضع و بندگی به خاک می‌گذارد، باعث می‌شود تا موجبات

رستگاری انسان فراهم شود. این سجده که خضوع (تواضع بدنی) است و خشوع (تواضع قلبی)، موجبات اعتلای آدمی را فراهم می‌سازد «قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون» و در اثر بندگی آدمی به مقامی والا می‌رسد و به قول صائب تبریزی:

ذره به آفتاب رسید از فتادگی بنگر که از کجا به کجا می‌توان شدن

و سعدی رمز برخورداری از فیض را افتادگی دانسته و می‌گوید:

افتادگی آموز اگر طالب فیضی هرگز نخورد آب زمینی که بلند است

پس تواضع در مقابل خالق رمز کمال آدمی است و انسان برخوردار از کمال در همه جا و از جمله محیط خانواده احترام دیگران را پاس می‌دارد و نیاز به داشتن عزت نفس و برخورداری از احترام، یکی از نیازهای اساسی روان آدمی است که با تأمین آن سلامت روانی انسان تأمین می‌گردد به نحوی که او را از تعادل روانی برخوردار می‌سازد. در خانه‌ای که پیر و جوان و کودک و خردسال همه از احترام و عزت نفس بهره گرفته‌اند همه می‌توانند از آرامش روانی برخوردار باشند. در خصوص احترام به پیران و کودکان پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- می‌فرماید: **لَیْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَ لَمْ یُوَقِّرْ کَبِيرَنَا** «از ما نیست کسی که به کودکان ما ترحم و لطف نکند و بزرگ‌ترهای ما را محترم نشمارد».

پس در خانه‌ای که همه در برابر معبود متواضعند و حرمت یکدیگر را نمی‌شکنند، همه از عزت نفس برخوردارند و ضمن برخورداری از آرامش روانی تن به جرائم نیز نمی‌دهند اما دور شدن از وادی بندگی و عدم انجام فرایض دینی، آدمی را به بندگی این و آن می‌کشاند و این در اثر نداشتن آگاهی و بصیرت است و اقبال در وصف آنان می‌گوید:

آدم از بی‌بصری بندگی آدم کرد گوهری داشت ولی صرف قباد و جم کرد

گویی از خوی غلامی ز سگان پست‌تر است من ندیدم که سگی پیش سگی سر خم کرد
انسان‌های ره یافته جز بر درگاه معبود ازلی سرنسایند و پیوسته به عبادت او
می‌شتابند.

علی علیه السلام فرمودند: لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ لَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا. « بنده دیگری
مباش بدرستی که خدا تو را از آزاد آفریده است» و خداوند عزت را از آن خود، رسول
خود و بندگان مؤمن خویش می‌داند و می‌فرماید: وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ.

• معنا دادن به زندگانی

ویکتور فرانکل که خود بنیانگذار مکتب معنا درمانی است، در کتاب خود که آن را
«انسان در جستجوی معنا» نامیده است، بر این باور است که انسان آنگاه از سلامت
روانی برخوردار است و آنگاه آرامش را لمس می‌کند که در زندگانی خود احساس معنا
کند و او در وهله نخست عشق را عامل ایجاد چنین معنایی می‌داند که عشق به یک
آرمان و عشق به دیگری مورد نظر اوست و او خود می‌نویسد که یکبار یک عالم
یهودی که معنای زندگانی را از دست داده بود، نزد آمد و من با ایمانی که در
وجودش بود زندگی او را معنی دار ساختم. او به درمانگرها توصیه می‌کند که در موقع
درمان بیماران روانی تلاش کنید که زندگی آن‌ها را معنی دار نمایید. زیرا بیمار روانی
کسی است که معنای زندگی را از دست داده است. عبادت و نماز نیز می‌تواند زندگی
آدمی را معنا بخشد و برای آدمی حیاتی طیب را فراهم آورد که مالا مال از معناست.
قرآن می‌فرماید: مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً
« هر کس اعم از زن و مرد عمل صالح انجام دهد او را به حیاتی پاک و طیب زنده
می‌گردانیم».

فرانکل می‌گوید: « آنان که دارای زندگی معنی دار بودند، افراد مقاومی بودند که خود
را تسلیم مرگ و خودکشی نمی‌کردند». یعن عشق به زندگی آنان معنا داده بود و او

رمز پایداری آنان را در عاشق بودن آنها می‌داند و چه نیکو گفته است حافظ:

هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است در جریده عالم دوام ما
برترین عشق نیز عشق به خالق است و نزدیکترین حالت آدمی هنگامی است که سر
به سجده می‌نهد. در اینجا است که می‌توان به یکی از رازهای طولانی بودن سجده‌های
امام زین العابدین-علیه السلام- پی برد و سخنان پرحلاوت عشق را خوش و زیبا تفسیر
نمود و گفت:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر یادگاری که در این گنبد دوار بماند
پس نماز که برترین جلوه‌های عشق را به نمایش می‌گذارد، می‌تواند در خانواده،
زوجین را به یکدیگر علاقه‌مند و عطوف نماید، آنان که عاشق خدایند، جلوه‌های دیگر
خالق را نیز دوست می‌دارند و به همسر و فرزندان خویش به عنوان نشانه‌های خالق
می‌نگرند و در میان آنها عشق و علاقه فراوان است و به تعبیر قرآن «رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ»
را مد نظر قرار می‌دهند و چون به شکرگزاری معبود می‌پردازند، نمی‌توانند نسبت به
مخلوق خدا شاکر نباشند. چرا که «من لم يشكر المخلوق، لم يشكر الخالق» در
خانه‌ای که تشکر و سپاسگزاری از یکدیگر وجود داشته باشد دلسردی‌ها و ناپایداری‌ها
ره نمی‌یابد و این ابراز عشق و علاقه و سپاس و تشکر احساس تعلق به جمع خانواده
را پدید می‌آورد، که یکی دیگر از نیازهای اساسی روانی است که با تأمین آن تعادل و
بهداشت روانی فرد تحقق می‌یابد. نماز اگر چه به معنای بندگی در برابر خالق است اما
دل آدمی را رقت می‌بخشد و او را به سوی محبت به مخلوق سمت و سو می‌دهد و
جمعی صمیمی را در محیط خانه پدید می‌آورد، چرا که اگر مسلمان از پیامبر -صلی الله
علیه و آله و سلم- الهام نگیرد و رقیق القلب نباشد، اعضای خانواده و دیگران از گرد او
پراکنده می‌شوند و قرآن خطاب به پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- می‌فرماید: **لَوْ كُنْتَ فَظًّا**
غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ «ای پیامبر هر آینه اگر تو سخت دل بودی مردم از

گرد تو می‌پراکنندند».

وجود دل‌های پر محبت و با صفا کانون خانواده را گرم و روابط عاطفی را در آن مستحکم می‌سازد و آدمی در برخورد با افراد صمیمی و مهربان کمتر احساس آزرده‌گی و سرخورده‌گی می‌کند و خود را در محیطی آرام و سرشار از روابط گرم می‌یابد زیرا عبادت و نماز به زندگی او معنا داده و آرامش بخشیده است.

• کاهش فشارهای (استرس‌های) روانی

نماز موجب کاهش فشارها می‌گردد و فشارهای روحی را کم می‌کند. زیرا آنگاه که آدمی در برابر خالق متعال می‌ایستد و لب به نماز و دعا می‌گشاید و او را رحمن و رحیم خطاب می‌کند، امید به رأفت و رحمت در دلش موج می‌زند و آن‌گاه که اشک ندامت از چشمانش جاری می‌شود، و دردهای خویش را با خدا باز می‌گوید، پالایش روانی انجام می‌شود و انسان خود را سبک‌تر از قبل می‌یابد چون به بندگی خدا تن می‌دهد و با تأکید می‌گوید: **ایاک نعبد و ایاک نستعین** « فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو یاری می‌جوییم». شانه را خالی از فشار بار بندگی غیر می‌کند.

زیرا کمترین فشاری مانند فشار ناشی از بندگی غیر خدا آدمی را می‌آزارد و لذا آنگاه که شهادت می‌دهد که خدایی غیر از خدای یکتا نیست «**اشهد ان لا اله الا الله**» احساس آرامش می‌کند. پس در نماز اذکاری وجود دارد که بیان آن‌ها و بازگو کردن آن کلمات ارزشمند که آدمی بر نفس خود تلقین می‌کند به او آرامش می‌بخشد و بهداشت روانی او را تأمین می‌نماید و افراد فاقد فشارهای روانی، در خانواده و در برخورد با دیگران فشار و دشواری کمتری را متوجه آنان می‌سازد و خانواده نیز از فضایی آرام و کم‌تنش برخوردار می‌گردد. درمان و یا کاهش افسردگی آن کس که خوب و نیکو نماز می‌گذارد، کمتر دچار افسردگی می‌شود. فردی که به افسردگی

مبتلا شده است نیز می‌تواند با استعانت از نماز، میزان افسردگی خود را کاهش دهد. بیان چنین اثری برای نماز به معنای آن نیست که افراد افسرده جهت درمان نیازی به روان‌شناس و یا روان‌پزشک ندارند، بلکه در حین بهره‌گرفتن از روش‌های روان‌درمانی از نماز و عبادت نیز می‌توانند برای کاهش و یا درمان افسردگی خود بهره‌گیرند. پژوهش‌های انجام شده نیز حکایت از صحت این ادعا دارد. /ریک فروم در کتاب «روانکاوی و دین» می‌نویسد: «نیاز دینی نیاز به یک الگوی جهت‌گیری و مرجعی برای اعتقاد و ایمان است و هیچ‌کس را نمی‌توان یافت که فاقد این نیاز باشد و تجلی این نیاز را در حین انجام نماز به خوبی می‌توان دید». تأمین چنین نیاز راه یافتن به سلامت را زمینه‌سازی می‌کند و یافته‌های محققین نیز مؤید این مدعاست. چنان‌که پژوهش‌گران که در سال‌های اخیر در جوامع اسلامی مثل ایران و مالزی دست به تجربه تازه‌ای در اتخاذ شیوه روان‌درمانی برای بیماران مسلمان مبتلا به مشکلاتی نظیر اضطراب، افسردگی و داغدیدگی زده‌اند، مطالعات تجربی نشان داده‌اند که با به‌کارگیری روان‌درمانی مثل استفاده از آموزش‌های قرآنی و احادیث و ترغیب به نماز و دعا و ذکر به عنوان یک نوع مراقبه و بحث درباره موضوعات مذهبی بیماران به بهبود بیشتر و درمان سریع‌تری نسبت به گروه مشابه‌شان که درمان‌های غیر مذهبی دریافت داشته‌اند، دست می‌یابند.^۱

آدمی به هنگام اقامه نماز در برابر خالق می‌ایستد و با خدای خویش غم دل باز می‌گوید: مثلاً در حین قنوت می‌گوید: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ** «خداوندا، آن گناهام را که باعث حبس دعا شده‌اند ببخش». و یا می‌گوید: **اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ** «خداوندا، آن گناهایی از مرا

^۱ - دکتر محسن ایمانی - خانواده و نماز، ص ۳۷.

ببخش که موجب نزول بلا شده‌اند».

بیان این خواسته‌ها و نیازها و باز گفتن رازها و طلب مغفرت همگی موجبات کاهش غم می‌شود و آدمی به هنگام بیان غم‌ها احساس می‌کند که سبک می‌شود و امری تحقق می‌یابد که روان‌شناسان به آن پالایش روانی می‌گویند و این حالت موجب کاهش افسردگی فرد می‌شود و اگر آدمی پیوسته با خدای خویش راز و نیاز کند و غم دل باز گوید، هرگز مبتلا به افسردگی نمی‌شود، چنان که احوال اولیای الهی چنین است و خدا در وصف آنان می‌فرماید: **أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** «به درستی که اولیای الهی نه می‌ترسند و نه محزون می‌شوند». یعنی در آنان حزن و افسردگی راه ندارد و اگر کسانی افسرده و حزین هستند، راز آن را باید در فاصله‌ای بیابند که از اولیای الهی دارند و به تعبیر دیگر فاصله‌ی بیشتری از خدا دارند و گفته‌اند:

دوست نزدیکتر از من به من است وین عجب‌تر که من از وی دورم

پس در خانه‌ای که همه نمازگزار هستند و همه غم‌های خویش را با خدا باز می‌گویند، همه از افسردگی به دور هستند و از سلامت روانی برخوردارند.

چکیده :

نماز رسالتی بر عهده دارد من جمله نقش تربیتی، اجتماعی، تامین عدالت و آرامش روانی خانواده. نماز نقش تربیتی وسیعی در زندگی انسان ها دارد و برای اقامه صحیح آن یک سری آموزش هایی باید دید و به تعلیم و تعلم پرداخت و از جهتی دیگر توجه انسان را به طبیعت خاک، آب، آسمان و ستارگان جلب می کند. خواندن نماز مارابه طبیعت نزدیک می کند و یاد آور نعمت های الهی است عبادات الهی بدون توجه به طبیعت امکان ندارد.

نقش اجتماعی نماز این است که به ما در اجتماع یک سری راهکار های اجرایی در باره ارتباط جمعی مثل، جویا شدن از احوال یکدیگر، کمک به نیازمندان، مشورت در امور، ایجاد اخوت، اعلام صلح و صفا با همه بندگان صالح خدا، درمان وسواس و..... و راهکارهای انضباط اجتماعی مثل وقت شناسی، رعایت ترتیب و پیروی و اطاعت از رهبری، انسجام اجتماعی، آراستگی و..... ارائه می دهد.

نقش نماز در تحقق عدالت اجتماعی از دو طریق متصور است. ۱- نماز عامل ایجاد عدالت فردی است و عدالت فردی در مردم و کارگزاران مهمترین شرط تحقق عدالت اجتماعی است. ۲- دو پایه عدالت اجتماعی، توازن اجتماعی و تکافل عمومی است. نماز در ایجاد توازن به وسیله شرط هایی چون غصبی نبودن مکان، لباس و... تاثیر گذار است. تکافل عمومی نیز از طریق ضمائر جمع درخواست ها و دعاها و اوراد نماز و همچنین نماز جماعت، صورت می بندد.

با یاد خدا دل ها آرامش می یابد و به دنبال آن نفس انسان اطمینان می یابد. پس برای داشتن دلی آرام و قلبی مطمئن باید به ذکر باری تعالی پرداخت و ذکر الله اکبر همانا نماز است. چون افرادی با دل آرام گرد هم می آیند و تشکیل خانواده می دهند آن خانواده از آرامش برخوردار است و در خانه آرام صفا و صمیمیت موج می زند و مالا مال از نور خدا است. موارد زیر را می توان از جمله نقش نماز در ایجاد آرامش روانی بر شمرد:

- عدم احساس گناه و یا کاهش آن - وحدت شخصیت و انسجام خانواده - افزایش اعتماد به نفس - بالا رفتن عزت نفس - معنا دادن به زندگی و کاهش فشارهای روانی

پرسش های درس

- ۱- گرچه نماز ارتباط انسانها با خداوند منان است عامل انسانها نیز می باشد.
الف (تجمع ب) عشق و علاقه ج) پیوند همبستگی د) تفاهم
- ۲- معنی انضباط چیست؟
الف) سامان گرفتن ب) سامان پذیری ج) پیوستگی د) هر سه مورد
- ۳- آیه « خُدُوا زینتکم عند کلِّ مَسْجِدٍ » ناظر به چیست؟
الف) دور کردن تجملات در هنگام نماز ب) آراستگی در هنگام نماز
ج) لباس شهرت پوشیدن د) هیچکدام
- ۴- مهمترین شرط تحقق عدالت اجتماعی و عامل آن کدام است ؟
الف) ایجاد عدالت فردی - نماز ب) ایجاد عدالت اقتصادی - نماز
ج) ایجاد عدالت فردی - نیاز انسان د) ایجاد عدالت اقتصادی - نیاز انسان
- ۵- نماز از نظر تربیتی چه نقشی را ایفا می کند؟
- ۶- کتاب اسرار الصلوه حکمت تشریح نماز جماعت را چه می داند؟
- ۷- نماز چگونه باعث کاهش فشارهای روانی می گردد؟
- ۸- توضیح دهید این بیت شعر حافظ ناظر به چه مطلبی می باشد؟
نمیرد آنکه دلش زنده شد به عشق ثبت است در جریده عالم دوام ما

فصل پنجم

توسعه

فرهنگ نماز

درس پانزدهم توسعه فرهنگ نماز

پرسش های اساسی

مفهوم توسعه فرهنگ نماز و فرایند آن چیست؟
راهکارهای توسعه فرهنگ نماز در جامعه چیست؟

منظور از توسعه فرهنگ عمومی نماز، روند مستمر تقویت و توانمند سازی باورها، ارزش‌ها و نگرش‌ها، ساختارها و هنجارها و رفتارهای نمازگزاران جامعه است که در تعامل با محیط اجتماعی تجلی می یابد. فرآیند توسعه فرهنگ نماز تحت مدیریت نظام اسلامی عبارت است از انجام اقدامات زیر:

- فراهم کردن شرایط

که آماده‌سازی مکان و تجهیز آن است.

- تبلیغ و ترویج

ایجاد انگیزه و شوق در مخاطبان با درکی صحیح از فلسفه خواندن نماز و چگونگی تأثیر آن در کلیه شئون زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد.

- تعلیم و تربیت

که ارائه آموزش‌های مرحله‌ای نظری و عملی اقامه نماز اعم از مقدمات، وقت شناسی، قبله شناسی، تعارفات، قرائت و ارکان، واجبات و مستحبات نماز با موقعیت فرهنگی اجتماعی مخاطبان است.

- تعمیق معرفت

آموزش فرهنگ‌سازان به گونه‌ای که با درک بهتر از اقامه نماز نتایج مطلوب آن را

در فعالیت‌ها و نیز رفتارهای فردی و اجتماعی خویش شاهد باشند، به ویژه اینکه احساس در محضر خداوند بودن را تجربه نمایند.

• تصحیح و تعالی

استقرار و بهره‌برداری از نظارت و اصلاح مستمر مراحل چهارگانه فوق در اقامه نماز که موجب تعالی ادای این فریضه الهی و رضایت حق تعالی را فراهم می‌سازد. هدف اصلی نظام اسلامی پرورش انسان‌های کمال طلب و خداجو است و نماز بالاترین ابزار برای رسیدن به این هدف است و اقامه نمازی مطلوب است که موجب همبستگی و وحدت ملی شود و زمینه‌ساز توسعه امنیت فردی و اجتماعی در تمام عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی می‌گردد.

راه کارهای توسعه فرهنگ نماز در جامعه

• حاکمیت فرهنگ نماز بر جامعه

برای توسعه فرهنگ نماز، کارهای مختلف و متنوع باید انجام شود. که یکی از مهم‌ترین و محوری‌ترین آن‌ها، درمان آسیب اجتماعی نمازگریزی و حاکمیت فرهنگ نماز بر جامعه است. اما این که چگونه فرهنگ نماز را در جامعه حاکم سازیم، تا دیگر پدیده‌ای بنام نمازگریزی در جامعه نداشته باشیم، مستلزم تلاش هماهنگ کلیه نهادهای فرهنگی- اجتماعی مانند صدا و سیما، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و از همه مهم‌تر نهاد خانواده است که هم در بُعد فردی و هم در بُعد اجتماعی به نهادینه شدن نماز می‌توانند کمک نمایند. روش‌های درمان آسیب اجتماعی نمازگریزی، همان شیوه‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی است که می‌تواند با دادن بینش و جهان‌بینی توحیدی، انسان آگاه، مؤمن، متعادل و پایبند به نماز تربیت نماید. علاوه بر تعمیق و گسترش شناخت و باورهای دینی استفاده از

شیوه‌های مناسب برای دعوت به نماز نیز در درمان آسیب اجتماعی نمازگیزی مفید است و حتی به تعبیر دقیق‌تر امروزه بیش از آن که نیازمند دانش باشیم، نیازمند روش و منش مناسب برای تربیت مذهبی و ترویج فرهنگ نماز در جامعه هستیم. طراح‌ی روش‌های نو، شیوه‌های جذاب، ساده و قابل انطباق با روحیه کودک و نوجوان ضرورت فرهنگ‌سازی دینی و راه درمان آسیب اجتماعی نمازگیزی است.

• به کارگیری روش محبت

از نیکوترین و اساسی‌ترین روش‌های تربیت دینی جامعه و عامل اساسی توسعه فرهنگ نماز، بکارگیری روش محبت است. با توجه به سرشت آدمی و تأثیرپذیری انسان از نرمی و دوستی و انزجار فطرت آدمی از تندی و خشونت‌گرایی، نیکوترین راه و رسم تربیت مذهبی کودکان و نوجوانان و هم‌چنان عامل مؤثر در ترویج فرهنگ نماز آنان، بکارگیری روش محبت است. پیامبر اکرم -صلی الله علیه و آله- والاترین مربی بشر، مردمان را به وسیله محبت تربیت نمود و بیش از هر چیز از این روش بهره بُرد. از علی -علیه السلام- روایت شده که گفت از رسول خدا -صلی الله علیه و آله- درباره سنت آن حضرت پرسیدم، فرمودند: **و الحُبُّ اساسی^۱** یعنی «محبت بنیاد و اساس (روش و سنت) من است».

محبت هم در مورد کودکان و هم در مورد جوانان و نوجوانان می‌تواند از بسیاری رفتارهای نامطلوب از جمله نمازگیزی جلوگیری نماید. لذا رسول گرامی اسلام -صلی الله علیه و آله- درباره محبت به کودکان فرمودند: «کودکان خود را دوست بدارید و به آنان مهر ورزید».^۲

^۱- عیاض، ابوالفضل، الشفا بتعريف حقوق المصطفى، دارالکتب العربی، بیروت، ج ۱، ص ۱۸۷.

^۲- فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۲، ص ۲۳۷.

• استفاده از روش الگویی

به دلیل نیاز فطری آدمی به الگو و همانندسازی؛ در روند توسعه فرهنگ نماز لازم است الگوهای والای نمازگزاران واقعی به افراد جامعه معرفی شوند تا جوانان و نوجوانان با بینش روشن به الگوگیری از آنها بپردازند. البته روش الگویی نه تنها در تربیت مذهبی و ترویج فرهنگ نماز بلکه در تمامی رفتارهای انسان، کاربرد دارد، افرادی که علاقه به نماز ندارند و یا نمازگریز هستند نیز بخاطر وجود نداشتن الگوهای مناسب و عدم اهتمام والدین به این موضوع، با افراد بی‌نماز و نمازگریز همانندسازی نموده و آنها را الگوی شخصیتی خویش قرار داده‌اند، بنابراین والدین و مربیان باید از نخستین دوران کودکی، هم خود به عنوان الگوی مناسب برای کودکان بوده و هم افراد دیگری را که اهل نماز هستند به عنوان الگو معرفی نمایند، و بالطبع کودکان هرچه از الگوهای مناسب‌تر و والاتری بهره‌مند شوند، کمتر دچار آسیب نمازگریزی می‌شوند، از سوی دیگر افرادی را که به عللی به آسیب نمازگریزی عادت کرده‌اند، می‌توان با ارایه الگوهای مناسب، درمان و اصلاح کرد.^۱

• روش تذکر

یکی دیگر از روش‌های ترویج و توسعه فرهنگ نماز در جامعه به کارگیری روش تذکر و یادآوری است. چه بسا افرادی که علاقه به نماز ندارند بخاطر این که به اهمیت و جایگاه نماز پی نبرده‌اند، اگر به این افراد یادآوری شود که «نماز کلید بهشت است»^۲ و به منزله پرچم و آرم و نشانه اسلام است،^۳ ممکن است به نماز علاقمند شوند. هم‌چنان اگر پیامدهای منفی نمازگریزی هم در بُعد فردی و هم در بُعد اجتماعی و

^۱ - علی اکبر سیف. تغییر رفتار و رفتار درمانی، نشر دوران، ۱۳۷۹، فصل ۱۶.

^۲ - نهج‌الفصاحه، جمله ۱۵۸۸.

^۳ - ابن حنبل، کنز العمال، ج ۷، ص ۲۷۹.

نیز پیامدهای دنیوی و اخروی آن بیان گردد، ممکن است عده‌ای متنبه شوند و هم‌چنان بیان عاقبت افرادی که اهل نماز نبوده‌اند، می‌تواند در علاقمندی افراد به نماز مؤثر باشد.^۱

• نقل یا نمایش قصه‌ها و خاطره‌های زیبا در ارتباط با اهمیت و عظمت نماز

بدون شک بیان قصه‌های لطیف و خاطره‌های زیبا و فراموش نشدنی درباره نماز و اهمیت آن در زندگی و استفاده بهینه از هنر نمایش در به تصویر کشیدن نگرش و رفتار پیشوایان، رهبران و الگوهای محبوب در ارتباط با نماز، می‌تواند تأثیرات بسیار مؤثر در توسعه فرهنگ نماز در بین همه مردم به خصوص جوانان و نوجوانان داشته باشد. در تهیه، تولید و پخش اینگونه برنامه‌ها صدا و سیما نقش اصلی را می‌تواند ایفا نماید و نکته‌ای که در ارایه اینگونه برنامه‌ها باید رعایت شود توجه به ویژگی‌های سنتی، ذهنی و شرایط فرهنگی - اجتماعی مخاطبان است.

• احداث و زیباسازی مساجد و نمازخانه‌ها

مسجد و نمازخانه باید احساسات و خاطره‌های زیبا و بیاد ماندنی را برای همه به ویژه کودکان و نوجوانان تداعی کند. لذا باید تدابیری اتخاذ شود که کودکان و نوجوانان، مسجد را محل آرامش بخش، زیبا و دوست داشتنی بدانند تا با انگیزه و علاقه‌مندی بیشتر به آن روی آورند.

• برخورداری مساجد و مدارس از امام جماعت خوش خلق

عامل دیگری که می‌تواند افراد جامعه را به نماز علاقمند کند و به ترویج فرهنگ نماز منتهی گردد، ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری امام جماعت مساجد و مدارس

۱- دکتر علی اکبر سیف، تغییر رفتار و رفتار درمانی، نشر دوران، ۱۳۷۸، فصل ۷ و ۸.

است. خلق و خوی نیکوی امام مسجد و مهارت اجتماعی او در برقراری ارتباط با نمازگذاران فوق‌العاده مؤثر است، اگر رفتار مناسب و حاکی از احترام مشاهده نمایند، به نماز علاقمند می‌شوند.

• بیان رمز و راز نماز و آثار آن

اسلام در دستورهای عبادی خود که اصولاً بر «تعبّد» و «تسلیم» مبتنی است به عنصر دانش و بینش و بصیرت اهتمام می‌ورزد. مسلمانی که وظیفه دارد در هر شبانه روز پنج بار، عبادتی بزرگ همچون نماز را به جا آورد، باید رمز و راز آن را بداند. پرسشی که برای بسیاری از مردم و به ویژه جوانان و نوجوانان ما مطرح می‌شود این است که:

چرا باید نماز بخوانیم؟

قرآن کریم به این پرسش با عباراتی کوتاه اما پر محتوا، پاسخ‌های گوناگونی داده است. در جایی می‌فرماید: **وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي^۱** «نماز را برای آن که به یاد من باشی بپا دار».

نماز ذکر و یاد خداست، باید آثار سازنده ذکر خدا و عواقب رویگردانی از آن را برای جوانان روشن سازیم. اگر درباره یاد خداوند تنها این آیه وجود داشت که می‌فرماید: **فَاذْكُرُونِي أَذْكَرَكُم^۲** «پس مرا یاد کنید تا شما را یاد نمایم». کافی بود تا جان مشتاقان بسوزد، اما ما که استعداد این شوق را نداریم چه بسا بتوانیم با آیات دیگری از قرآن مجید آثار ارزنده ذکر و یاد خدا را تصور کنیم. هر انسانی آرامش و سکون را دوست می‌دارد و از اضطراب و دغدغه و نگرانی بیزار است؛

^۱ طه (۲۰) / ۱۴.

^۲ بقره (۲) / ۱۵۲.

قرآن می‌فرماید: **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**^۱ « ذکر خدا مایه آرامش دلهاست». هر انسانی وسعت زندگی و روانی آن را دوست دارد و از فشار و سختی رویگردان است. قرآن می‌فرماید:

« محصول رویگردانی از یاد خدا، زندگی همراه با فشار و سختی و نابینایی و بی‌بصیرتی در دنیا و آخرت و همنشینی با شیطان است».

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى^۲
وَمَنْ يَعِشْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَانِ نُقِضَ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ^۳

پس اولین آموزش قرآن به ما درباره نماز این است که نماز ذکر و یاد خداست، ذکر که این همه آثار و فواید سازنده را در پی دارد. حال اگر کسانی از درک لذت یاد خدا و لذت این که خدا به یاد ذاکران و نمازگزاران است عاجزند می‌توانیم آثار سازنده و ملموس‌تر نماز را برای آنان تشریح کنیم تا به این فریضه الهی جذب شوند. همه ما دارای بدی‌هایی در عرصه فکر و عمل و رفتار هستیم و دوست داریم آنها را از وجود خود بزدااییم و از کارنامه مان محو نماییم. نماز آن حسنه‌ایست که بدی‌ها را می‌زداید و وجود انسان را از کاستی می‌رهاند.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ^۴

بر پایه حدیثی از امیرالمؤمنین -علیه السلام- از پیامبر -صلی الله علیه و آله و سلم- این آیه امید بخش‌ترین آیه‌های کتاب آسمانی است^۵ هر چند فهم این آموزش قرآنی نیز به مختصر

۱- رعد (۱۳) / ۲۸.

۲- طه (۲۰) / ۱۲۴.

۳- زخرف (۴۳) / ۳۶.

۴- هود (۱۱) / ۱۱۴.

۵- طبرسی، فضل بن حسن: «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، ج ۵، ص ۲۰۱.

بیداری و هوشیاری نیاز دارد؛ که: **ذَلِكْ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ**. اگر خدای ناکرده قدری خودبین باشیم و بدی‌ها و نقایص خود را انکار کنیم دست کم باید اعتراف نماییم که چون انسانیم در معرض آلوده شدن به بدی‌ها و پلیدی‌ها هستیم. آیا در مقابل خطر آلودگی به پاد زهری که سلامتی ما را تضمین کند، نیاز نداریم؟ قرآن می‌فرماید: **آن پاد زهر همانا نماز است . ان الصلوه تنهى عن الفحشاء و المنکر^۱**

بشارت به بهشت برین و نعمت‌های والایی که در سرای دیگر نصیب نمازگزاران می‌شود، زمینه مناسبی است تا شوق و رغبت به نماز فزونی یابد. **الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ... أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ^۲**

بسیاری به بهشت راه می‌یابند اما نمازگزاران در بهشت عزیز و محترمند. **قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ... أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ الَّذِينَ يَرْتُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ^۳** نمازگزاران خاشع وارثان فردوس یعنی بهشت برین‌اند. و بالأخره بیان آثار زیانبار رویگردانی از نماز و دچار خشم و غضب خدا شدن و از ساحت رحمتش دور بودن نیز روشی تهدیدی و اندازی است که باید آن را در مورد برخی از مخاطبان به کار برد.

إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ* فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ* عَنِ الْمُجْرِمِينَ* مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ* قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ^۴

« اصحاب یمین که در باغ‌های بهشتند از مجرمان می‌پرسند: چه چیز شما را به دوزخ کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم». آری اگر نمازگزاران در بهشت برین‌اند، نماز

۱- عنکبوت (۲۹) / ۴۵.

۲- معارج (۷۰) / ۲۳ و ۳۵.

۳- مؤمنون (۲۳) / ۱، ۲، ۱۰، ۱۱.

۴- مدثر (۷۴) / ۳۹ تا ۴۳.

گریزان در قعر جهنم اند.

چنانکه ملاحظه می‌شود قرآن مجید در بیان رمز و راز نماز و بیان فواید سازنده آن و آثار زیانبار رویگردانی از آن، شیوه‌های گوناگونی را به کار بسته است ما نیز باید با توجه به افق فکری مخاطبان روش مناسب با روحمیات و افکار آنان را برگزینیم.

• ترسیم چهره‌ای زیبا و جذاب از نمازگزاران

راه سومی که قرآن مجید برای ترغیب به نماز برگزیده است، ترسیم چهره‌ای زیبا و جذاب از نمازگزاران است تا دیگران با دیدن جلوه‌های رفتاری آنان در عرصه‌های مختلف به نماز گرایش پیدا کنند. اگر با این دید به آیاتی که به گونه‌ای مسأله نماز در آن مطرح شده، نگاهی مجدد بیفکنیم؛ در می‌یابیم که قرآن مجید بر این روش بیش از سایر شیوه‌ها تأکید نموده است. شاید آنچه باعث شده قرآن مجید بدین شیوه بها دهد آن است که قرآن، کتاب تربیت و انسان‌سازی است.

در تربیت و پرورش آن اندازه که الگوهای عملی و عینی می‌توانند کار ساز باشند، صرف ارائه مفاهیم ذهنی و نظری کارآیی ندارد. تحلیل ماهیت نماز و بر شمردن فواید و آثار آن گر چه سازنده است؛ اما سازنده‌تر آن است که نشان دهیم؛ این مفاهیم می‌تواند در وجود انسان‌ها تبلور یابد و عینی و مجسم شود. معمولاً اذهان عموم مردم به ویژه جوانان چندان حوصله تجلیل و شناخت مفاهیم ذهنی را ندارد؛ آنان بیشتر به نمونه‌های عینی و شواهد زنده و گویا توجه دارند. پس مهم‌تر از تبیین مفهوم نماز، معرفی نمازگزاران است. این که یک ماهیت اعتباری همچون نماز قدرت بازدارندگی از بدی‌ها و زشتی‌ها را دارد، نمی‌تواند به اندازه یک نمازگزار واقعی که عملاً از زشتی‌ها و بدی‌ها در همه چهره‌های آن بیزار است، کارساز باشد.

چهره‌هایی که آثار نماز را در وجود و رفتار خود بروز و ظهور می‌دهند، سازنده بودن

نماز را عملاً نشان می‌دهند و در یک آموزش طبیعی و ناخودآگاه به دیگران می‌آموزند که نماز می‌تواند انسان‌های کاملی را بپرورد. در قرآن مجید برای تأکید پیرامون جایگاه نماز این شیوه بیش از سایر شیوه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. این روش نه تنها در مورد نماز، که در دیگر زمینه‌ها نیز مورد توجه جدی است. قرآن کریم آن اندازه که از پیامبران یعنی نمونه‌های عینی سخن می‌گوید، به بحث پیرامون مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی نمی‌پردازد.

قرآن کریم حتی به هنگام تبیین مفهوم برّ و نیکوکاری، نیکوکاران را که تجسم برّ و نیکوکاری‌اند، معرفی می‌کند:

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ
الْآخِرِ^۱

جالب این است که قرآن کریم در مورد مسجد یعنی اصلی‌ترین پایگاه اقامه نماز نیز دقیقاً همین شیوه را برگزیده است. در این باره نیز به طور عمده از سه روش استفاده شده است:

(۱) بیان اهمیت و موقعیت والای مسجد

وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ^۲ «مساجد از آن خداست».

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيَذَكَرَ فِيهَا اسْمُهُ^۳

«مساجد، خانه‌هایی است که خداوند اذن به برپایی آن داده و اذن داده تا نام او را در آن ببرند».

۱- بقره (۲) / ۱۷۷.

۲- جن (۷۲) / ۱۸.

۳- نور (۲۴) / ۳۶ و ۳۷.

۲) فرمان مستقیم به حضور در مسجد

وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ^۱ « و در هر مسجدی به خداوند روی آورید».

۳) بیان ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری انسان‌های مسجدی

تا دیگران با تاسی به آنان به مسجد گرایش پیدا کنند.

مقایسه این سه روش با یکدیگر و دقت در موارد کاربرد آنها نشان می‌دهد که روش اخیر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم ابتدا ساحت مقدس مساجد را از ناپاکان و ناصالحان منزّه ساخته می‌فرماید: مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ

اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ^۲

« مشرکان در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند، حق ندارد مساجد خدا را آباد

کنند». آنگاه برای متولیان و گردانندگان مساجد این ویژگی‌ها را بر می‌شمرد:

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَكَم

يَخْشَى اللَّهَ...^۳

« تنها کسانی مساجد خدا را آباد می‌کنند که ایمان به خداوند و سرای دیگر داشته

باشند و نماز را بپا دارند و زکات دهند و جز از خدا از دیگری حساب نبرند».

قرآن کریم بر این پایه، حتی آنگاه که می‌خواهد مسجد قبا را بستاید به ستایش از

بانیان و نمازگزاران آن می‌پردازد.

لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ

يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ^۴

« مسجدی که از آغاز بر پایه تقوا بنا شده، سزاوار است که در آن حضور یابی، در این

۱- اعراف (۷) / ۲۹.

۲- توبه (۹) / ۱۷.

۳- توبه (۹) / ۱۸.

۴- توبه (۹) / ۱۰۸.

مسجد مردانی حضور می‌یابند که دوست می‌دارند پاکیزه باشند و خداوند پاکیزگان را دوست دارد». در جایی دیگر عظمت مسجد را مدیون انسان‌های کاملی می‌داند که در آن حضور می‌یابند؛ می‌فرماید:

فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ
لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةَ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ
فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ^۱

«در خانه‌هایی که خداوند اذن به برپایی آن داده و اذن داده تا یاد و نام او در آنجا بشود، در بامدادان و شبانگاهان مردانی حضور می‌یابند و خدای را در آنجا تسبیح می‌گویند؛ مردانی که هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خدا و بپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد؛ آنان از روزی که دل‌ها و دیدگان در آن روز نگران و دلواپس است می‌ترسند»

۱- نور (۲۴) / ۳۶ و ۳۷.

چکیده:

توسعه فرهنگ نماز به مفهوم روند مستمر تقویت و توانمندسازی باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، ساختارها، هنجارها و رفتارهای نمازگزاران جامعه است که در تعامل با محیط اجتماعی تجلی می‌یابد. انجام اقداماتی نظیر فراهم کردن شرایط، تبلیغ ترویج، تعلیم و تربیت، تعمیق معرفت و تصحیح و تعالی فرایند توسعه را فراهم می‌کند.

برای توسعه فرهنگ نماز کارهای مختلف و متنوع باید انجام شود. بدین منظوره چند راهکار اشاره می‌کنیم:

درمان نماز‌گریزی و حاکمیت فرهنگ نماز، به کارگیری روش محبت، به کارگیری الگوهای والای نمازگزاران، استفاده از روش تذکر و یادآوری جهت تنبه غافلین، نقل و نمایش قصه‌ها و خاطرات درباره اهمیت و عظمت نماز، احداث و زیبا سازی مساجد و نمازخانه‌ها جهت ایجاد علاقه و جذب کودکان و نوجوانان، بکارگیری امام جماعت خوش خلق و دارای بیان شیوا و جذاب، توضیح و بیان رمز و راز نماز و آثار آن در زندگی فردی و اجتماعی، ترسیم چهره‌ای زیبا و جذاب از نمازگزاران و بیان ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری اهل مسجد

پرسش های درس:

- ۱- چرا لازم است الگوهای والای نمازگزاران واقعی به افراد جامعه معرفی شوند؟
الف) بدلیل نماز گریزی جامعه (ب) بدلیل نیاز فطری آدمی به همانند سازی
ج) بدلیل نیاز به محبت (د) هر سه گزینه درست است
- ۲- بنابر بیان پیامبر اسلام کدام آیه امید بخش ترین آیه های قرآن است؟
الف) أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ (رعد/ ۲۸)
ب) إِنْ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَهْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت / ۴۵)
ج) أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ (معارج/ ۳۵)
د) وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَ زُلْفَاً مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ..... (هود/ ۱۱۴)
- ۳- از بین سه روشی که جهت گرایش به مساجد مطرح شده کدام روش موثرتر است؟
الف) بیان ویژگی های انسان های مسجدی (ب) فرمان حضور در مسجد
ج) بیان اهمیت وموقعیت والای مسجد (د) هر سه مورد برابر هستند
- ۴- در مسجدی که بر اساس تقوا بنا شده چه کسانی حضور می یابند؟
الف) کسانی که با تقوا هستند (ب) کسانی که نماز شب بپا می دارند
ج) کسانی که دوست دارند پاکیزه باشند (د) کسانی که پاکیزه شده اند
- ۵- منظور از توسعه فرهنگ نماز چیست و چه باید کرد؟
- ۶- راهکارهای توسعه فرهنگ نماز در جامعه را بنویسید.
- ۷- فرایند توسعه فرهنگ نماز تحت مدیریت نظام اسلامی عبارت از چیست؟
- ۸- چرا باید نماز بخوانیم؟

درس شانزدهم

توسعه فرهنگ نماز در میان نوجوانان و جوانان

پرسش‌های اساسی

در راستای توسعه فرهنگ نماز بین کودکان و نوجوانان چه اصولی باید به کار گرفته شود؟

عوامل جذب جوانان به مسجد چیست؟

روش‌ها و شیوه‌های آموزش نماز در کودکان و نوجوانان در جهت ترویج فرهنگ نماز در میان آنان باید بر اصولی استوار باشد، که به ذکر مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

* اصل فطری بودن مسائل دینی

نیاز به پرستش و نیایش، یکی از نیازهای اساسی و عمیق در عمق روان بشر است. در بررسی تاریخی، این موضوع ثابت شده که پرستش، جزئی از وجود و کشش فطری انسان است. زمانی که میل و روح پرستش از سوی انبیا در مسیر صحیحی قرار گرفته، به خداپرستی ختم شده است. و گاهی بر اثر جهل، انحراف و لجابت، موجودات و اشیای گوناگون پرستش شده‌اند. طبق نص صریح دین اسلام، برای ما مسلم و متقن است که میل به پرستش، نیایش، کمال‌طلبی، حقیقت‌جویی و... در کودک امری فطری و درونی است. این موضوع را شواهد تاریخی - همچون پرستش بت، خورشید و گاو و ساختن بهترین مکان‌ها برای معابد - و آیات و روایات تأیید می‌کند. خداوند - تبارک و تعالی - در قرآن مجید می‌فرماید:

« فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ

الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^۱

« پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. در آفرینش خدا تغییری نیست. اینست همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

اگر ملاحظه می‌شود که گروهی از کودکان و نوجوانان نسبت به مسائل دینی رغبت و تمایلی از خود نشان نمی‌دهند، مربوط به عوامل محیطی است که فطرت کودک را از مسیر خودش تحریف کرده است.

متأسفانه، بعضی از والدین به دلیل حساسیت نداشتن و اهمیت ندادن به مسائل دینی، و بعضی به دلیل سخت‌گیری‌ها، آموزش‌های غلط و نا‌آشنایی با سیره و روش معصومان -علیهم‌السلام- و روش‌های تربیتی، به گونه‌ای با کودک رفتار می‌کنند که آنان نسبت به مسائل دینی بی‌تفاوت، کم رغبت و حتی متنفر می‌شوند. با کمال تأسف، باید گفت که بعضی از والدین حساسیت و دقتی را که درباره‌ی امور دنیوی - هم‌چون: تغذیه، لباس، مسائل درسی، کلاس کنکور، معلم خصوصی و... - فرزندانشان از خود نشان می‌دهند، نسبت به مسائل معنوی و دینی اظهار نمی‌کنند. برآستی، این گروه از والدین مصداق کلام نورانی رسول خدا - صلی‌الله‌علیه و آله و سلم - می‌باشند که فرمودند: « وای بر فرزندان آخر الزمان از دست پدرانشان . گفته شد: یا رسول‌الله! منظور شما پدران مشرکند؟ فرمودند: خیر، بلکه پدران مؤمنی که واجبات دینی را به فرزندان خود آموزش نمی‌دهند. و اگر آنان خود بخواهند احکام دین را فرا گیرند، ایشان جلوگیری می‌کنند، (و حال آنکه) اگر کالایی به دست بیاورند، از آنان راضی و خوشحال خواهند شد. من از ایشان بیزارم و آنان نیز از من بیزارند».^۲

۱- روم / ۳۰.

۲- نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ۶۲۵.

با توجه به این اصل که خدا جویی امری فطری و درونی است، باید علمای اسلامی و دانشمندان تعلیم و تربیت، به فکر تهیه و تدوین کتاب‌هایی باشند که شیوه‌های صحیح رشد و پرورش این حس را بر مبنای اصل فطری بودن به والدین آموزش دهند تا آنان متوسل به شیوه‌ها و روش‌های نادرست نشوند.

* اصل اختیاری بودن مسایل دینی

انسان به اقتضای داشتن فطرت الهی، وجود چند بعدی و کرامت وجودی، موجودی مختار است که کرامتش را با اختیار خود می‌تواند کسب کند. در واقع از دیدگاه اسلام، انسان میل‌ها و جاذبه‌های معنوی دارد، که دیگر موجودات آن را ندارند. انسان قادر است که در برابر میل‌های درونی خود ایستادگی کند و فرمان آنها را اجرا نکند، یا به بعضی از آنها پاسخ گوید و بعضی دیگر را کنترل نماید، یا از آنها در جهتی خاص استفاده کند. این توانایی انسان، به حکم نیروی اراده است که به فرمان عقل عمل می‌کند. این توانایی بزرگ، از مختصات انسان است. اساس این توانایی، آن است که انسان موجودی آزاد، انتخابگر و صاحب اختیار می‌باشد.^۱

در دعوت کودکان و نوجوانان به دین، باید به گونه‌ای عمل نماییم که احساس آزادی کنند. با توجه به این موضوع که انسان فطرتاً خداجو است، لازم است که با تذکر روش‌های صحیح، این فطرت را در وجود آنان بیدار کنیم و به طرف پذیرش دین سوق دهیم. پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - نیز با نرمخویی و با زبان نرم، افراد را به دین اسلام دعوت می‌کردند. به تجربه هم ثابت شده است که با زور و اکراه، نمی‌توان کسی را به راه راست هدایت کرد. خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ^۲ « پس آیا تو مردم را به اجبار و می‌داری که ایمان

^۱ - مطهری، راهنمایی و مشاوره از دیدگاه اسلام، ۴۲.

^۲ - یونس / ۹۹.

بیاورند».

اگر به مفاد آیه‌ی لا اِكْرَاهَ فِي الدِّينِ، قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ^۱ توجه نماییم، معلوم می‌شود که پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - وظیفه تبیین دارند. لذا پس از تبیین، دیگر جای اِکراه و جای انتخاب کردن به جای مردم وجود ندارد. همچنین خداوند می‌فرماید:

فَأَنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ^۲ «پس بر تو تبلیغ است و بس».

کار پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - بیان، توضیح، تشبیه، ابلاغ، انذار و بشارت است. کار پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - اجبار نیست، که به جای مردم بخواهد انتخاب کند و آنها را مجبور نماید. بهتر است که هیچگاه، کودکان یا نوجوانان را به دینداری مجبور نکنیم. همچنین، به خاطر اینکه آنان دیندار شوند، بهتر است به آنان پاداش خیلی زیاد ندهیم. اگر بدون استفاده از این دو حربه تهدید و تطمیع بتوانیم آنان را به عقیده‌ای معتقد کنیم، آن اعتقاد درونی خواهد بود؛ یعنی اعتقادی که نه به خاطر جلب منفعت، و نه ترس از قدردانی به وجود می‌آید.^۳

وقتی نوجوان مجبور به دینداری نشود - و در دوره کودکی سالم و عاری از انحراف پرورش یافته باشد - و دین به نحو منطقی و در شرایط مناسب به او عرضه گردد، با توجه به اینکه به تفکر انتزاعی رسیده است، دین یا مذهب محکم و قابل دفاع را خواهد پذیرفت. این دین‌داری او وراثتی، ریاکارانه و همراه با ناخالصی نخواهد بود، بلکه «دین خالص» خواهد داشت و سپس به دستوره‌های دینی عمل خواهد کرد. در دین اسلام تأکید فراوان می‌شود که اصول دین تقلیدی نیست، بلکه فرد باید با

۱- بقره / ۲۵۶.

۲- آل عمران / ۲۰.

۳- ارونسون، روان‌شناسی اجتماعی، ۳۴.

آگاهی و آزادی آن را بپذیرد. بنابراین، باید تلاش کرد که کودک و نوجوان را به طریقی مثبت و ترغیب کننده، به دین دعوت کرد و از افرادی که میناهای اعتقادی و فکری قوی دارند، کمک گرفت. باید توجه داشت که کودک و بویژه نوجوان، در مقابل برخوردهای آمرانه مقاومت می‌کند.^۱

خانم زهرا مصطفوی، فرزند امام خمینی (ره) نقل می‌کند: همسرم به جهت عادت خانوادگی، دخترم را از خواب صبحگاهی بیدار می‌کرد و به نماز او می‌داشت. امام (ره) وقتی از این ماجرا خبردار شدند، برایش پیغام فرستادند: «چهره شیرین اسلام را به مذاق بچه تلخ نکن». این کلام آنچنان مؤثر افتاد و اثر عمیقی بر روح و جان دخترم به جای گذاشت که بعد از آن خودش سفارش کرد که برای نماز صبح بموقع بیدارش کنم.^۲

والدین اگر می‌خواهند فرزندانشان نماز خوان و معتقد بار آیند، موارد ذیل را در نظر بگیرند:

اولاً، خودشان معتقد به دستورها و تعالیم دینی باشند، و به دور از ریا و با خلوص نماز را به پا دارند.

ثانیاً: در دوران کودکی، فرزندانشان را با نماز و مجالس و محافل مذهبی مأنوس کنند. از این رو، لازم است خاطرات خوشی را در ذهن آنان ایجاد نمایند و بشدت از سختگیری، اجبار و اکراه خودداری کنند. پدری که برای بیدار کردن دختر تازه بالغ خود برای ادای نماز صبح، دستی به گیسوان او می‌کشد و با نوازش و محبت او را از خواب شیرین صبحگاهی بیدار می‌کند، انجام دادن این تکلیف دینی را با شیرینی محبت پدرا نه خویش می‌آمیزد و عبادت را در کام فرزندش شیرین می‌سازد.

^۱ - کاظمی، آموزش و پرورش از خردسالی تا نوجوانی، ۸۷.

^۲ - ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۱، ۱۲۳.

ثالثاً: والدین نسبت به مسئله نماز و مسائل اعتقادی همچون دیگر مسائل، حساسیت نشان دهند. اگر والدین و مربیان به سفارش‌ها و سیره‌ی معصومان - علیهم السلام - و بزرگان دین عمل کنند، قطعاً فرزندان معتقد و نماز خوان خواهند داشت.

* اصل تدریجی بودن آموزش مسائل دینی

آموزش معارف و مسائل دینی، مراتب و درجاتی دارد، که اصول و مقتضیات آن باید مراعات شود. این مراتب و درجات، به دلیل تفاوت‌های فردی در رشد استعدادها، ذهنی و روحی، تفاوت در معلومات و تجربیات، و شرایط گوناگون اجتماعی و فرهنگی در متعلمان است.^۱

لذا، باید مطالب و مفاهیم آموزشی و دینی، متناسب با سطح درک و قوای ذهنی و روانی متعلمان باشد. والدین و بزرگسالان نباید توقع و انتظار داشته باشند، که کودکشان خیلی سریع اهل عبادت و نماز شود. برنامه عادت دادن او به نماز و آموزش او، باید بر اصل تدریج مبتنی باشد. کودک نباید یکباره بار سنگینی از وظایف بار دینی را بر دوش خود احساس کند و خود را به انجام دادن آن موظف بداند. تکالیف سنگین، زود هنگام و خارج از طاقت و توان کودک، ممکن است صدمه‌ای جبران ناپذیر بر اعتقادات دینی و مذهبی کودکان وارد آورد. در تعلیم اسلامی، توصیه‌های فراوانی در زمینه آموزش تدریجی مسائل دینی آمده است. امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمودند: « وقتی کودک به سن سه سالگی رسید، از او بخواهید که هفت بار عبارت لا اله الا الله را بگوید. سپس او را به حال خود واگذارید تا به سن سه سال و هفت ماه و ۲۰ روز برسد. در این هنگام، به او آموزش دهید که هفت بار بگوید: محمد رسول الله. سپس، تا چهار سالگی او را آزاد بگذارید. در آن هنگام، از وی بخواهید که هفت مرتبه

۱- سادات، راهنمای آموزش تعلیمات دینی در مدارس، ۲۷.

عبارت: **صلی الله علیه و آله** را تکرار نماید. سپس تا پنج سالگی او را آزاد بگذارید. در این وقت، اگر کودک دست راست و چپ خود را تشخیص داد، او را در برابر قبله قرار دهید و سجده را به او بیاموزید، در سن شش سالگی، رکوع، سجده و دیگر اجزای نماز را به او آموزش دهید. وقتی هفت سال او تمام شد، به او بگویید که دست و صورت خود را بشوید (بتدریج وضو گرفتن را آموزش دهید). سپس، به او بگویید که نماز بخواند...^۱

درباره روزه گرفتن نیز وضع به همین ترتیب است. امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: « ما اهل بیت هنگامی که کودکانمان به پنج سالگی رسیدند، دستور می‌دهیم که نماز بخوانند. پس شما کودکان خود را از هفت سالگی به نماز دستور دهید. و در هفت سالگی، ما امر می‌کنیم تا به اندازه توانایی شان، نصف روز یا بیشتر یا کمتر روزه بگیرند، هنگامی که تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب آمد، دستور می‌دهیم که افطار کنند. این عمل، برای آن است که به روزه گرفتن عادت نمایند، پس، شما کودکان (پسران) خود را در نه سالگی به اندازه توانایی شان به روزه گرفتن امر کنید و چون تشنگی و گرسنگی بر آنان غالب شد، افطار کنند».^۲

تعالیم اسلام به صورت تدریجی به مردم عرضه شده، و قرآن هم تدریجاً بر مردم خوانده شده است. متأسفانه، بعضی از والدین و مربیان قصد دارند در فرصتی کوتاه و خیلی سریع، فراگیران خود را به سر منزل مقصودی که در ذهن خود دارند برسانند؛ بدون اینکه فرصت دست یابی خود بخودی آن را فراهم کنند. صاحب‌نظران تعلیم و تربیت در این باره چنین اظهار نظر کرده اند: اگر پیام تربیتی با سرعت و تعجیل و بدون در نظر گرفتن فرصت درون سازی از جانب کودک صورت گیرد - هر چند

۱- سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۲، ۱۵۹: یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ۶۶.

۲- طباطبائی، سنن النبی، ۱۵۷.

مظاهر یک انتقال صوری انجام گرفته است - ، اثر آن پایدار و ماندنی نخواهد بود. لذا، بهتر است کودک هر چیزی را اندک - ولی آن اندک را خوب - یاد بگیرد و هضم و جذب نماید؛ و گرنه، دیگران و خود را با دانش سطحی و قشری خویش گول خواهد زد. آنچه تاکنون مشخص شده، نشان دهنده آن است که سرعت بیش از اندازه و به دور از توانمندی و جذب ظرفیت طبیعی کودک، فرآیند درون سازی مفاهیم تربیتی را مختل می‌سازد. در واقع، هماهنگی مشترک بین توانایی و قابلیت تربیت شونده از یک سو و امکانات مناسب تربیتی از سوی دیگر، سرعت متناسبی را می‌طلبد که تشدید یا تخفیف بیش از حد آن، به اختلال در فرایند تربیت و حتی اختلال در تعادل شخصیت تربیت شونده منجر می‌گردد.

✽ اصل اعتدال و میانه روی در آموزش مسائل دینی

اعتدال و میانه روی، زیر بنای تعالیم اسلام است؛ به طوری که در همه دستورها و مقررات آن، از هر گونه افراط و تفریط جلوگیری شده است. اصل تعادل، از اصولی است که در قرآن کریم بدان عنایت شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

و كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا^۱ « و شما را امت میانه و معتدل قرار دادیم».

همچنین، در حیات سراسر نورانی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه هدی - علیهم السلام - این اصل را در همه اعمال و رفتارشان مشاهده می‌کنیم. امام علی - علیه السلام - درباره پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند:

سِيرَتُهُ الْقَصْدُ يَعْنِي « سیره اش تعادل و میانه روی بود».

انسان موجودی چند بعدی و چند کانونی است. اسلام نیز که دین جامع و کاملی است، به تمام نیازهای انسان توجه دارد. برای رشد، تعالی و کمال بشر لازم است همه

ابعاد انسان به صورت هماهنگ و متعادل رشد و تکامل یابند. بی‌توجهی به همه ابعاد وجودی انسان یا توجه بیش از حد به یک بعد و نادیده گرفتن ابعاد دیگر، جامعیت و وحدانیت وجود آدمی را نادیده می‌گیرد و انسانی یک بعدی و تک ساختی می‌سازد.^۱ اگر انسان را فقط در یک بعد ببینیم و او را در همان بعد تربیت کنیم. در حقیقت موجبات نابودی شخصیت انسانی او را فراهم کرده ایم. متأسفانه، بیشتر انسان‌ها و بسیاری جوامع، فاقد این اصل در زندگی‌اند و در دام افراط یا تفریط غلطیده‌اند. ریشه‌ی بسیاری از انحرافات فردی، اجتماعی، اخلاقی و روانی را می‌توان در رعایت نکردن اصل تعادل جستجو کرد. میانه‌روی در عبادت هم باید مراعات شود، اگر او با تحمیل عبادت بر خود، لذت عبادت را از خویش سلب کند و خود را در آن امر به تکلف اندازد، نه عبادت او عبادتی سالم محسوب می‌شود و نه خود او از عبادتش بهره‌ی معنوی می‌برد.^۲

ظرفیت انسان برای عبادت، یک ظرفیت محدود است. لذا باید سعی شود عبادت با نشاط باشد. اگر نشاط از بین برود، عبادت تحمیلی می‌شود.

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند:

إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ وَ لَا تَكْرَهُوا عِبَادَةَ اللَّهِ أَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ فَتَكُونُوا كَالدَّكْبِ الْمُنْبِتِ الَّذِي لَا سَفْرًا قَطَعَ وَلَا ظَهْرًا أَبْقَىٰ.^۳ «دین اسلام، دینی متین، محکم، منطقی و مبتنی بر ملاحظات دقیق روانی و اجتماعی است.»

لذا، پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - سفارش می‌کند که با مدارا و متانت حرکت کنید و عبادت خود را مغبوض و منفور نفس خویش قرار ندهید. یعنی، طوری عمل نکنید که

۱- مطهری، مقدمه‌ای بر مفاهیم و کاربردهای راهنمایی و مشاوره از دیدگاه اسلام، ۶۸-۶۹.

۲- مظلومی، با تربیت مکتبی آشنا شویم، ۱۴۲.

۳- کلینی، اصول کافی، ج ۲، ۸۶-۸۷.

نفس شما عبادت را دشمن بدارد، بلکه طوری عمل کنید که نفس، عبادت را دوست بدارد و مجذوب آن شود. مانند اسب سواری نباشید که در اثر تندی و شتاب زیاد - که میزان توانایی مرکوب را در نظر نمی‌گیرد و فقط تازیانه را می‌شناسد - نه خود به مقصد می‌رسد و نه برای مرکب او کمر و توانایی می‌ماند. پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - همان طور که با غرق شدن در مسائل مادی و شهوانی مخالف بودند، با رهبانیت و عبادت‌های صوفیانه نیز مخالفت می‌کردند. ایشان در برخورد با کسانی که نسبت به مسائل زندگی بی‌اعتنا شده و به عبادت پرداخته بودند، فرمودند: بدن شما و زن، فرزند و یاران تان حقوقی بر شما دارند و باید آنها را رعایت کنید. امام جعفر صادق - علیه السلام - فرمودند: «در جوانی، سخت مشغول عبادت بودم، پدرم به من فرمودند: فرزندانم! زیاد خود را خسته مساز، کمتر از این مقدار هم می‌توانی انجام دهی. بدرستی که خداوند اگر بنده‌ای را دوست داشته باشد، به عبادت اندک او راضی خواهد شد»^۱.

فجیع عقیلی گوید:

امام حسن - علیه السلام - به من فرمودند: «هنگامی که پدرم در حال احتضار بودند، شروع به وصیت کردند و فرمودند:

در عبادت میانه رو باش، و آن چه را که همیشه می‌توانی انجام دهی و در توان تو است، انجام ده»^۲.

متأسفانه عده‌ای از والدین، مبلغان و مربیان به دلیل نا آگاهی از مراحل رشد و تحول روانی کودکان و نوجوانان و همچنین بی‌اطلاعی از شیوه و روش‌های برخورد ائمه اطهار - علیهم السلام - در این زمینه، با اتکا به دانسته‌ها و تجربیات غیر علمی و غلط خویش، اعمالی را مرتکب می‌شوند، که بعضاً مضر به حال کودکان و نوجوانان است.

^۱ - کلینی، اصول کافی، ج ۲، ۸۷.

^۲ - نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱، ۱۳۰؛ مسلم، صحیح، ج ۳، ۱۴۴.

علاقه مفرط برخی والدین به مذهبی شدن فرزندانشان و اصرار بیش از حد آنان در این زمینه، بی توجهی به توان، استعداد و نیازهای روحی و روانی کودکانشان و خارج شدن از مرز اعتدال، عواقب ناگوار و نامطلوبی - همچون بدبینی به مذهب - را در پی خواهد داشت.

* اصل تکرار و مداومت در آموزش مسائل دینی

تکرار و استمرار، خود بخود سبب یادگیری درست، سرعت عمل و کسب مهارت در هر زمینه‌ای می‌شود. همه، مثل معروف: «کار نیکو کردن از پر کردن است» را شنیده‌اند و همه نیز واقفند که بازی یا رانندگی روی یخ، فقط در نتیجه‌ی تمرین و تکرار ممکن است. هیچ کس نمی‌تواند منکر باشد که اگر مفاهیم و لغات آموخته شده از زبان بیگانه تمرین و تکرار نشوند، دیر یا زود به دست فراموشی سپرده می‌شود.^۱ دکتر قائمی در این باره می‌نویسد: «برای تقویت و ایجاد رفتاری ثابت و عاداتی استوار در کودک و نوجوان، باید از مجرای تکرار وارد شد». بسیار از افکار و اعمال، در سایه‌ی تمرین و عمل مکرر در انسان تثبیت می‌شوند.

حتی ایمان آدمی هم، نوعی تثبیت در سایه‌ی عمل است، لا یثبت الإیمانُ إلاّ بالعمل^۲ هر قدر عمل مکرر باشد، امکان تثبیت آن بیشتر خواهد بود. همچنین در تربیت دینی این اصل وجود دارد که از راه ظاهر و عمل ظاهری، می‌توان در باطن نفوذ داشت و بر عکس.

باید کودک را به ظاهر عمل و تکرار در این ظاهر انس دهیم تا باطن او شکل گیرد. تجارب و تعالیم علمی نشان داده‌اند، که حتی عمل ریایی در صورت تکرار در فردی تثبیت می‌شود. پس از تثبیت، می‌توان یک عمل ریایی را به صورت واقعی و بی‌ریا

۱- شعبانی، مهارت‌های آموزشی و پرورشی، ۲۳.

۲- کلینی، اصول کافی، ج ۱، کتاب الفکر و الإیمان.

در آورد؛ به شرط اینکه نیت عمل را عوض نکند. این روش، بویژه درباره کودک مؤثر است. مثلاً، ممکن است کودک یا نوجوانی از طرف امام جماعت تشویق شود و خاطره‌ی خوشی در ذهنش شکل بگیرد. لذا، وی مدتی به خاطر همین تشویق، به مسجد می‌رود. پس از مدتی، جاذبه‌های معنوی مسجد و حالات نماز گزاران به هنگام نماز، این فرد را مجذوب خود می‌کند و او را فردی مذهبی بار می‌آورد. این گونه، ما کودک را به تکرار ظاهر در عبادت سوق می‌دهیم، تا زمینه برای انس به عبادت، تثبیت عمل و ایجاد عادت، در او فراهم آید.^۱

پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - بزرگ مربی مکتب اسلام، در زمینه‌ی آموزش نماز و تکرار آن برای نوهی گرامیشان، حضرت امام حسین - علیه السلام - چنین رفتاری داشتند. روزی حضرت محمد - صلی الله علیه و آله و سلم - قصد خواندن نماز را داشتند، امام حسین - علیه السلام - در کنار جد بزرگوارشان بودند و قصد همراهی با پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - را داشتند. پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - تکبیر گفتند، ولی امام حسین - علیه السلام - نتوانستند آن را تکرار کنند. پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - تکبیر دوم، سوم، چهارم، پنجم و ششم را گفتند. بالاخره، در هفتمین بار، تکبیر امام حسین - علیه السلام - صحیح ادا شد و نماز آغاز گردید.^۲

این شیوه رفتار نبی مکرم اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - می‌تواند الگو و روش خوبی برای والدین و مربیان باشد. آنان باید همانند پیامبر عظیم الشان اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - مراحل رشد کودک را در نظر بگیرند و سعی کنند با صبر و حوصله، به نیاز فطری کودکان پاسخ مناسب بدهند. هنر بزرگ والدین و مربیان این است که دنیای کودک را درک نمایند و بدانند که برخی از مسائل که ممکن است برای بزرگسالان خسته

^۱ - قائمی، اقامه‌ی نماز در دوران کودکی، ۳۶ - ۳۷.

^۲ - مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ۳۰۷.

کننده باشد، برای کودکان لذت بخش است. کودک از تکرار مکررات همچون خواندن و ذکر مکرر قصه‌ها و داستان‌ها اصلاً خسته نمی‌شود. اگر بیان این داستان‌ها با صوت خوش و ریتم و آهنگ مطلوب باشد، کودک کاملاً مجذوب و علاقمند می‌شود. در این باره، مادران بخوبی می‌دانند که بعضی قصه‌ها را صدها بار تکرار کرده‌اند، ولی باز هم کودک به آن علاقه نشان داده است. لذا، توصیه می‌شود که والدین نماز را با حال مناسب و صوت و آهنگ موزون قرائت کنند، تا کودکان بیشتر به کلام الهی جذب شوند. در این باره، والدین می‌توانند به قرائت نمازهای علمای ربانی گوش دهند و آنها را ضبط کنند تا هم خودشان و هم کودکانشان، بهره‌مند شوند.

* اصل آسان‌گیری در آموزش مسائل دینی

رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - در مناسبت‌های مختلف، تأکید کردند: دین اسلام آسان است و دینداری مشکل نیست. مبدا، افراد نادان بر خود سخت بگیرند. مبدا متولیان امور دینی، کاری انجام دهند که مردم تصور کنند دینداری مشکل است و با سخت‌گیری‌های بیجا، مردم را از دین فراری دهند.^۱

روزی پس از نماز، مردم اطراف پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - را گرفتند و از ایشان مسأله‌ای پرسیدند. چندین بار سؤال کردند: آیا فلان کار اشکال دارد؟ آن حضرت فرمودند: «اشکال ندارد. ای مردم! دین خدا در آسانی است».^۲

پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - این سخن را سه بار تکرار کردند. پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند:

«خداوند اسلام را تشریح کرد، آن را آسان و گشاده قرار داد، و سخت و تنگ نگرفت».^۱

^۱ - محمدی ری شهری، جشن تکلیف، ۸۶.

^۲ - ابن جنبل، مسند، ج ۵، ۶۹.

وقتی رسول خدا - صلی الله علیه و آله و سلم - افرادی را برای تبلیغ و ارشاد مردم و آشنا کردن آنان با مبانی اسلام اعزام می‌کردند، یکی از مهم‌ترین رهنمودهایشان این بود: «مژده بدهید، نترسانید، آسان بگیرید و سخت نگیرید».^۲

در برنامه‌های جمعی و عبادات اجتماعی اسلام، روی موضوع خودداری از تندروی و سخت‌گیری و خسته نکردن افراد، عنایت خاصی شده است. اولیای گرامی اسلام، توصیه‌های فراوانی کرده‌اند که مبادا از رعایت حال و حفظ نشاط افراد غفلت شود، و از عبادات و مراسم اسلامی به جای جاذبه، علاقه و سازندگی تنفر، دافعه و فرار اشخاص حاصل آید. به همین دلیل در احادیث متعددی، توصیه فراوان شده است که نمازهای جمعه و جماعات، نباید به گونه‌ای باشد که به خاطر طولانی شدن آنها حقوق ضعیفان، سالمندان و کودکان از بین برود. در این باب، از سوی اولیای عظیم الشان اسلام توصیه‌های فراوانی رسیده است که برای الگو قرار دادن عمل آن بزرگواران، مواردی را بررسی می‌کنیم.^۳

انس بن مالک روایت کرده است: «نماز پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - از همه کامل تر و کوتاه تر بود».^۴

معاذ پسر *جبل* که در یکی از مساجد مدینه پیشنماز بود، روزی در نماز جماعت سوره‌ی بزرگی را خواند. وی نماز را آنقدر طول داد، که مردی (پیرمردی) که در آن نماز جماعت شرکت کرده بود، در اثر خستگی و ناتوانی طاقت نیاورد و نتوانست نماز خود را به جماعت و همراه معاذ به پایان برساند. از این رو، وی وسط نماز قصد فرادا نمود، نماز خود را تمام کرد، سوار مرکب شد و به سراغ کار خود رفت. وقتی خبر این

۱- ابویعلی، مسند، ج ۳، ۵۰، حدیث ۲۴۵۲.

۲- ابن هشام، السیره النبویه، ج ۴، ۲۳۷.

۳- صادقی اردستانی، پیوند، ۵۷-۵۸.

۴- ابن حنبل، مسند، ج ۳، ۱۰۰.

گونه نماز جماعت خواندن به اطلاع پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - رسید، آن حضرت - صلی الله علیه و آله و سلم - بسیار ناراحت شدند و دستور دادند معاذ را حاضر کنند. آن‌گاه پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - با ناراحتی به او فرمودند: **یا معاذ، ایاکَ اَنْ تَكُونَ قَتَانَا** «ای معاذ! دیگر این طور نباشد که مردم را از نماز جماعت فراری بدهی، بلکه در نماز جماعت سوره‌های کوتاه را بخوان».^۱

آسان‌گیری در مسائل دینی کودکان، از اهمیت مضاعف و بسزایی برخوردار است. دردوران خردسالی، در نماز به گونه‌ای عمل کنیم که کودک احساس جبر و خستگی نداشته باشد. نماز نباید برای او امری سنگین و کسل‌کننده شود. به مصلحت او است که نمازها، با ذکرها، رکوع و سجود خسته‌کننده و طولانی نباشد. حتی سفارش شده است که به خاطر چند کودکی که با شما به نماز ایستاده‌اند، آن را سریعتر بخوانید، و از برخی کارهای مستحبی صرف نظر کنید. هوشیار باشید که او کودک است و حال و روحیه‌ی شما را ندارد؛ بویژه که از بسیاری حالات و رفتار شما سر در نمی‌آورد و معنای عبارات شما را نمی‌فهمند.^۲

میرزای نوری در مستدرک الوسائل می‌نویسد: «امام سجاد - علیه السلام - کودکانی را که نزد او بودند، و می‌داشتند که نماز ظهر و عصر، و مغرب و عشا را با هم بخوانند. به آن حضرت اعتراض شد. فرمود: این عمل برای آنان سبکتر و بهتر است و سبب می‌شود که به خواندن نماز پیشی بجویند و برای خوابیدن و یا سرگرمی به کار دیگر، نماز را ضایع نسازند. و امام - علیه السلام - کودکان را به چیز دیگری غیر از نماز واجب دستورشان نمی‌دادند و می‌فرمود: اگر قدرت و طاقت بر خواندن نمازهای واجب داشتند، آنان را

^۱ - حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ۴۷.

^۲ - قائمی، اقامه نماز در دوران کودکی و نوجوانی، ۳۵.

محروم نسازید.^۱

/بن‌قداح روایت کرده است که امام صادق - علیه السلام - فرمودند:

« ما به فرزندان خود دستور می‌دهیم مادامی که در حال وضو هستند و مشغول کار دیگری نشده‌اند، نماز ظهر را با نماز عصر، و نماز مغرب را با نماز عشا بخوانند».^۲

برخی والدین و مربیان که اصرار دارند از روی جبر و اکراه و بدون توجه به حال و روحیه‌ی کودک او را نماز خوان بار آورند، آنان ناخودآگاه لامذهب‌های آینده و افرادی عقده‌ای می‌پروراندند. چنین افرادی، در نخستین فرصتی که به قدرت و استقلالی دست یابند، دین و عبادت را ترک خواهند کرد. طبیعی است، مسئولیت چنین وضعی بر عهده‌ی کسانی است، که چنین زمینه‌ای را فراهم کرده‌اند.^۳

دکتر/احمدی در این باره نقل می‌کند: « شخصی را می‌شناسم که پزشک متخصص تغذیه است. او فردی است که عرق ملی خوبی هم دارد و در آلمان زندگی می‌کند. وی می‌گفت: پدر من از متدینین سر شناس یکی از شهرهاست، و همه چیز او سر جای خودش است؛ نماز خواندنش، اعمال عبادی اش و... با وجود آن که در شهر سرد سیری بودیم، صبح‌ها ما را از خواب بیدار می‌کرد تا نماز بخوانیم. بعد، خودش در اتاق دیگری مشغول نماز خواندن می‌شد. ما تدبیری اندیشیدیم تا از وضو گرفتن در آن هوای سرد خلاص شویم. بنابراین، بدون آن که وضو بگیریم، در اتاقمان با صدای بلند در حالی که خوابیده بودیم نماز می‌خواندیم. بعد از چند بار، پدرمان فهمید و با کتک ما را وادار کرد که وضو بگیریم و نماز بخوانیم. بعد از مدتی، ما یاد گرفتیم که این کار را بکنیم: برای وضو گرفتن می‌رفتیم، ولی وضو نمی‌گرفتیم. سپس، ما می‌ایستادیم و

۱- نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ۱۶۰، و ج ۳، ۱۹: کلینی، کافی، ج ۲، ۴۰۹: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ۱۴ و ۱۶.

۲- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ۱۸۳.

۳- قائمی، اقامه نماز در دوران کودکی، ۳۶.

بلند بلند نماز می‌خواندیم تا نشان بدهیم که داریم نماز می‌خوانیم. بدین گونه، پدرم من، خواهران و برادرانم را وادار به نماز خواندن می‌کرد. و الآن، هیچ یک از ما نماز نمی‌خوانیم»^۱.

* اصل هماهنگی خانه، مدرسه و جامعه (مسجد، رسانه‌ها و...) در آموزش

مسائل دینی

یکی از عوامل مؤثر در تکوین شخصیت علمی، معنوی و جسمی کودک و نوجوان، ایجاد هماهنگی و همکاری مثبت و سازنده بین خانه، مدرسه و جامعه (مسجد، رسانه‌ها و...) است. برای رسیدن به اهداف تربیت دینی و ترویج فرهنگ نماز، همکاری همه ارگان‌ها و نهادها بویژه نهادهای فرهنگی و تربیتی ضرورت تام دارد. خانه، مدرسه و جامعه (مسجد، رسانه‌ها و...) در انجام دادن وظایف تربیتی و پرورش مسائل دینی، مکمل یکدیگرند. پیوند و ارتباط نزدیک خانه، مدرسه و جامعه (مسجد و رسانه‌ها و...) با یکدیگر، در واقع پیوند استوانه‌های تربیت صحیح و منطقی است. امروزه، لازمست مدارس یک علاقه واقعی و باطنی، برای حضور مستمر و ارتباط نزدیک دانش‌آموزان با مساجد، در آنان ایجاد کنند. در این راستا، مدارس نباید فقط به ساختن نمازخانه‌ها اکتفا کنند. لازم است، همه‌ی تلاش دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت، بر این باشد که پیوندی واقعی - نه ظاهری و صوری - بین خانه، مدرسه و جامعه ایجاد کنند. با این گونه پیوند، هم خانه به فضایی اسلامی و آکنده از ارزشهای معنوی تبدیل می‌شود و هم، مدرسه نقش سازنده و هدایتگری در زمینه‌ی ارزش‌های دینی می‌یابد. از این رو، با هماهنگی و یکسانی فضای حاکم و ارزش‌های معنوی و دینی در خانه و مدرسه، بسیاری از تعارضات و مشکلاتی که ممکن است برای

۱- احمدی، مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور، ۱۹۴.

کودکان در نتیجه‌ی ناهماهنگی بین خانه، مدرسه و جامعه ایجاد شود، بر طرف می‌گردد. البته، این پیوند باید مستمر باشد؛ نه مقطعی و وابسته به شرایط خاص. چنین پیوندی، کاری گروهی و حرکتی اجتماعی را می‌طلبد. فرهنگ انس گرفتن با مسجد و در رأس آن نماز به عنوان یک حرکت ارادی، آگاهانه و مستمر، باید از آغاز دوران کودکی در نظام تربیتی خانه، مدرسه و جامعه به عنوان یک اصل مهم تربیتی مدنظر قرار بگیرد تا فطرت خداجوی کودک به گونه‌ای رشد و پرورش یابد، که هیچ عامل و شرایطی نتواند موجبات انحراف او را فراهم سازد. دلیل چنین نگرشی آن است که کودک بیشتر اوقات فراغت خود را در خارج از مدرسه و اغلب در خانه و جامعه می‌گذراند. از آنجا که کودک از والدین و جامعه متأثر می‌شود، خنثی کردن اثرات محیط خارج از مدرسه در مدت محدود درسی، بسیار سخت و گاهی غیر ممکن است.

در واقع، امروزه اگر خانواده، مدرسه و جامعه (مسجد و...) نسل جدید را به سوی یک هدف و روش واحدی سوق ندهند، نمی‌توان امیدى به پیشرفت دینی جامعه داشت. اگر این مثلث تربیتی (خانه، مدرسه و جامعه) در برنامه‌ها و روش‌ها هماهنگی لازم را نداشته باشند، در روند رشد دینی کودک و نوجوان اختلال به وجود خواهد آمد؛ که اولین عارضه‌ی آن، تعارض است. متأسفانه، باید اذعان کرد که فعالیت‌ها در این راستا، هماهنگ، هم‌جهت و هم‌خوان نیست. حتی در مواردی، ممکن است با فعالیت‌های موازی و گاهی مغایر، انرژی و توان یکدیگر را خنثی و کاهش دهند. به طور مثال، بعضی خانواده‌ها اطلاعات چندانی از دین ندارند. از طرفی، مدرسه تکالیف سختی بر بچه‌های این گونه خانواده‌ها تحمیل می‌کند. این تعارض باعث می‌شود که نوعی دوگانگی در کودکان و نوجوانان به وجود آید. نمونه‌ی دیگر اینکه، برخی خانواده‌ها که به مذهب توجه دقیق و لازم ندارند، در محافل و میهمانی‌ها - بدون

توجه به مسائل شرعی - برای بچه‌هایشان لباس‌هایی انتخاب می‌کنند که با آن مجالس تناسب داشته باشند از سویی، اصرار مدارس بر این است که دانش‌آموزان پوشش و لباس مناسب با شرع بپوشند. در اینجا نیز اختلاف میان خانه و مدرسه، برای بچه‌ها تعارض به وجود می‌آورد.

جذب جوانان به مساجد

برای جذب جوانان به مساجد و نماز جماعت و شرکت در سایر برنامه‌های فرهنگی مساجد شیوه‌ها و عواملی وجود دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) امام جماعت

امام جماعت در هر مسجد عاملی مهم در پیشرفت و ترقی مسجد به شمار می‌رود و چنانچه دارای شرایط لازم باشد، تأثیری بسزا در تحولات مثبت در جوانان و در نتیجه گرایش آنان به مساجد خواهد داشت؛ این صفات از این قرار است:

*ثابت بودن

شناخت امام جماعت از مسجد، مؤمنان محل و نمازگزاران و غیره از جمله اموری است که در عملکرد وی نقشی مهم دارد؛ خصوصیات و اوضاع خاص هر محل و اهالی آن باعث می‌شود که وی تصمیم مقتضی اتخاذ کند و در راه اجرای آن گام بردارد که ثابت بودن امام جماعت در مسجد محل این مسأله را عملی می‌سازد.

*توانایی علمی

از عواملی که می‌تواند در جذابیت امام جماعت مؤثر باشد، توانایی و اندوخته‌های علمی اوست طبیعتاً قدرت علمی روحانی مسجد باعث اطمینان و اعتماد مردم، به خصوص جوانان می‌شود و آنان نیز همواره سعی می‌کنند در مواقع لزوم با او ارتباط برقرار سازند و با اطمینان خاطر و طیب نفس با وی معاشر باشند و از کمالات و

معلومات او بهره‌مند شوند.

*نظم

امام جماعت ضرورت دارد که در کلیه‌ی کارهای مربوط به مسجد نظم و انضباط را مراعات کند، به موقع به مسجد بیاید، نماز را اقامه کند و اوقات سخنرانی و ارشاد مردم را تنظیم و با توجه به حال حضار مطالب خود را بیان کند و از ذکر مطالب اضافی و اطاله‌ی کلام خودداری ورزد.

*بیان ساده و شیوا

مطالبی که امام جماعت بیان می‌کند، باید حتی‌المقدور ساده و شیوا باشد و از تلفظ کلمات و جملات عجیب و غریب و نامأنوس بپرهیزد؛ چرا که عمده‌ی مخاطبان وی بی‌سواد، کم‌سواد و ناآشنا به کلمات تخصصی هستند، در غیر این صورت با توجه به روحیه جوانان و کم‌ظرفیت بودن آنان، خستگی و کسالت بر آن‌ها عارض می‌شود.

*ابتکار خلاقیت

برخی از وعاظ هنگام سخنرانی آموخته‌های علمی خود را به همان‌گونه که فرا گرفته‌اند، بیان می‌کنند، در حالی که لازم است با ذکر مثال‌ها و حکایت‌های تاریخی، مطالب و کلمات قصار، شوخ طبعی و بیان داستان‌های شیرین با رعایت نکات روانشناسی جوانان به گونه‌ای زیبا و جذاب تر مطالب را عرضه کنند.

*دوستی با جوانان و نوجوانان

امام جماعت مسجد می‌تواند با کنار گذاشتن بعضی از محدودیت‌های کاذب یا غیر ضروری، بین خود و جوانان، آن‌ها را به خود نزدیک کند؛ به قدر معقول با آنان صحبت کند، احوال آن‌ها را در حالت عادی و غیر عادی جویا شود و حتی‌المقدور در هم‌نشینی‌ها و مجالست‌ها همراه آنان باشد و از فرصت‌های مناسب به منظور بیان مقصود استفاده کند؛ در حالی که بعضی از روحانیان با اتخاذ تدابیر نامناسب و

حالت‌های عالمانه به خود گرفتن، سنگین و رنگین حرکت کردن بی‌حد، هم کلام نشدن با دیگران خصوصاً جوانان و ...، بین خود و جوانان فاصله می‌اندازند.

*احترام و تواضع

همیشه با احترام به دیگران و داشتن حالت تواضع در مقابل هم‌نوعان، نوعی ارادت قلبی دیگران را در حق خود جذب می‌کنیم، حال اگر تواضع و احترام از جانب روحانی و رهبر معنوی، آن هم با جوانان که دارای قلبی پاک و جوایب صحبت هستند، صورت گیرد، قطعاً موفقیت‌های چشمگیری به دست خواهد آمد.

*آراستگی ظاهری

روحانی و رهبر معنوی در اجتماع باید در قالب الگو و نمونه خوبی‌ها مطرح شود؛ بنابراین امام جماعت باید به بهترین وجه ممکن لباس بپوشد، تمیز باشد، محاسن مرتب داشته باشد و از عطر استفاده کند؛ مواظب نظافت دهان و دندان و احیاناً بوی بد دهان خود باشد و در مجموع مسأله‌ی نظافت ظاهری را فراموش نکند.

*توانایی جسمی

در برگزاری نماز جماعت و سخنرانی‌ها لازم است مسائلی نظیر وقت دیگران و کپه‌ت سن حاضران مراعات شود؛ حال اگر امام جماعت سن بالایی داشته باشد، طبیعتاً نماز طولانی می‌شود و ممکن است مأمومین خسته شوند.

*دارا بودن دانش لازم مرتبط با مخاطب

اگر امام جماعت صرفاً به یک سری اطلاعات علمی دست یافته باشد، انتقال آن به روش معمولی و بیان ساده‌ی آن مطالب ممکن نیست و با توفیق کمتری قرین است؛ لذا ضروری است از علوم دیگر نظیر روانشناسی جوانان و نوجوانان استفاده شود.

*درک موقعیت سنی جوانان

موقعیت سنی جوانان و نیازها و روحیات آنان در این سنین بسیار متفاوت است

و باید مورد توجه قرار گیرد؛ لازم نیست همیشه از آنان بخواهیم در کلیه‌ی مراسم ادعیه و زیارات شرکت و گریه و زاری را پیشه کنند، جوانان به تنوع بیشتری نیازمندند.

تهیه‌ی امکانات مالی

امام جماعت می‌تواند با نظارت کامل و سر و سامان دادن به امور مالی مسجد و تخصیص بودجه‌های لازم در راه جذب جوانان، به این مهم دست یابد.

ب) مسجد

خود مسجد و ویژگی‌های آن نیز می‌تواند عامل جذابی به منظور گرایش جوانان و نوجوانان به مسجد باشد. این ویژگی‌ها و خصوصیات عبارت‌اند از:

فضای مناسب و ظواهر خوب آن

مسوولان ذی ربط در عصر کنونی باید در احداث مساجد تا حد زیادی مداخله کنند، انتخاب محل احداث نقشه‌ی مورد نظر، امکانات و فضای سبز آن و غیره باید حساب شده و از روی اصول باشد؛ احداث مسجد در کوچه و پس‌کوچه‌ها و با مساحت کم، بدون دیگر امکانات سوت و کور است و رغبتی در دل جوانان و ناآشنایان به مسجد ایجاد نخواهد کرد.

نظافت

تمیزی و پاک بودن از جمله عواملی بشمار می‌رود که باعث گرویدن جوانان به مسجد و نماز می‌شود، لذا مسوولان مسجد باید در خصوص غبار رویی، نظافت منظم روزانه یا هفتگی، شستن فرش‌ها و عطر افشانی اقدام کنند.

وسایل صوتی، گرمازا و سرمازا

کسانی که گاهی به مناسبتی به مسجد راه می‌یابند چنانچه با مسائل ناخوشایندی

از قبیل نامناسب بودن صدای بلندگوها و سرد یا گرم بودن بیش از حد مسجد روبرو شوند، تنفر در قلب آنان پدید می‌آید و سابقه‌ی ذهنی منفی در اذهان ایشان باقی می‌گذارد، هم‌چنین تنظیم نور کافی در خود مسجد از اهم مسائل است.

*تصمیم‌گیری متمرکز

مؤمنان و نمازگزاران و مسئولان مربوط می‌توانند به منظور تنظیم برنامه‌ها و امور مساجد و جلوگیری از پراکندگی و تعدد تصمیم‌گیری‌ها، با انتخاب شماری از افراد جوان و متعهد و حتی المقدور متخصص، هم‌چنین ریش سفیدان با نظارت امام جماعت در قالب هیئت امنا، امور مساجد را با صلابت و برنامه ریزی منسجم اداره کنند.

*ایجاد امکانات فرهنگی ورزشی

مسئولان و گردانندگان مساجد می‌توانند با تهیه و تخصیص امکانات فرهنگی از قبیل: کتابخانه، سالن مطالعه، تشکیل گروه‌های تواشیح، سرود، هم‌خوانی قرآن و تشکیل جلسات آموزش قرآن در دوره‌های گوناگون، کلاس‌های تقویتی رایگان و کلاس‌های آموزشی دیگر، باعث جذب جوانان به مساجد شوند؛ در کنار این مسائل تهیه‌ی امکانات ورزشی مرتبط با مسجد تا جایی که حرمت آن به طور کامل محفوظ بماند نیز می‌تواند در شمار عوامل جذب کننده محسوب شود.

*استفاده از افراد خوش صدا

برخی از اوقات می‌بینیم در مساجد از قاریان قرآن و مؤذن‌های مسن و افراد بد صدا استفاده می‌شود که انسان به هنگام شنیدن صدای آنان ناگزیر باید گوش خود را بگیرد. طبیعی است که این موضوع باعث دفع جوانان از مساجد می‌شود. در مقابل، مساجدی که از مؤذنین و قاریان خوش صدا و خوش کردار استفاده می‌کنند در جذب جوانان و نوجوانان، موفق‌ترند.

ج) هیأت امنای مسجد

پیشبرد امور مسجد و آبادانی آن، هم به لحاظ معنوی و هم به لحاظ مادی، اشتراک مساعی و همت والای اعضای هیئت امنای را می‌طلبد، آنان می‌توانند با هم‌فکری و هم‌دلی، از عهده‌ی این وظیفه‌ی شرعی و داوطلبانه به خوبی برآیند و ذخیره‌ای برای آخرت خود بردارند؛ خصوصیات ضروری که می‌باید این افراد داشته باشند، به قرار زیر است:

*همکاری جدی

اعضای هیئت امنای مسجد می‌باید در ادای وظایف خود جدیت داشته باشند و مصمم حرکت کنند، در غیر این صورت اختلال در امور مسجد پیش می‌آید.

*تقسیم کار

به نظر می‌رسد که امور مسجد می‌باید به تناسب سن، تخصص، علاقه و دیگر عوامل شخصی اعضای هیئت امنای تقسیم شود تا فشار کار بر دوش فرد یا افراد معینی نباشد؛ از طرف دیگر این اعضا می‌توانند از افراد غیر عضو که علاقه به کار دارند کمک بجویند تا در تسریع کار مؤثر باشند.

*علاقه به کار

افرادی که در قالب عضو این هیئت به کار مشغول می‌شوند باید در برابر مسئولیت پذیرفته شده علاقه داشته باشند و از نیت غیر تقرب الی الله پرهیز کنند تا بتوانند بدون هیچ گونه دلسردی فعالیت کنند.

*تأمین بودجه

پیشرفت و بهبود کیفیت فعالیت‌های مساجد تا حد زیادی بستگی به مسائل مالی دارد؛ اعضای گرداننده‌ی مساجد باید در این خصوص فکر اساسی کنند و مخارج متفاوت مسجد را در نظر بگیرند و به تناسب آن بودجه‌ی لازم را جذب کنند و از

طرفی به مخارج معمولی مسجد از قبیل آب و برق و گاز اکتفا نکنند و هزینه‌ی جذب جوانان را نیز بصورت مسأله‌ای مهم محسوب دارند و در ردیف هزینه‌های خود بگنجانند و از طرف دیگر به روش سنتی جمع‌آوری پول در مسجد اکتفا نکنند.

*توجه جوانان و نوجوانان

بیان حرمت و احترام مسجد می‌تواند جنبه‌ی معنوی آن را تقویت کند و این ذهنیت را که صرفاً مسجد به مجلس ختم و امثال آن منحصر است، محو کند.

*اهتمام به مسأله‌ی جوانان و نوجوانان

توجه کردن به جوانان و سرمایه‌گذاری برای آن‌ها نیز از امور مهمی است که سرپرستان و گردانندگان مسجد باید به آن عنایت داشته باشند. گرداندن مسجد و اداره‌ی امور آن نباید به شکلی باشد، که گاهی اوقات مشاهده می‌شود اکثر کودکان و نوجوانان را به دلیل شلوغ کردن، حرف زدن و غیره از مسجد بیرون می‌کنند، یا نسبت به آنان بد رفتاری می‌شود، باید توجه داشته باشیم که این نوع برخورد با آن‌ها سابقه‌ی بدی در اذهانشان باقی می‌گذارد.

*استفاده از تخصص‌های گوناگون

برای رفع مشکلات روزمره‌ی مساجد و تقلیل هزینه‌های آن می‌توان از افرادی که در شغل‌های گوناگون مهارت دارند، استفاده کرد و در مواقع لزوم از آن‌ها کمک گرفت. به کارگیری این تخصص‌ها هم در زمینه‌ی امور فنی و حرفه‌ای و اقتصادی و هم در امور فرهنگی و غیر مادی خواهد بود.

(د) سایر عوامل

در این زمینه می‌توان به عوامل دیگری اشاره کرد که انتخاب عنوان و دسته بندی آن‌ها چندان ضروری به نظر نمی‌رسد، این موارد را می‌توان به شکل زیر بیان کرد:

*ترجمه و توضیح دعاها و اذکار

بسیار اتفاق می‌افتد که جوانان و نوجوانانی که تجربه‌ی لازم ندارند، از عظمت و فلسفه‌ی قرائت ادعیه و زیارات می‌پرسند، سؤالات این است که چرا یک سری عبارات را به زبان عربی می‌خوانیم، در حالی که نمی‌دانیم که مخاطب ما کیست، یا اگر اجماً می‌دانیم مخاطب ما خداوند است، نمی‌دانیم که به او چه می‌گوییم، یا چه چیزی از او درخواست می‌کنیم، لذا برای رفع این شبهه و ابهام حتی‌المقدور به همراه دعاها، ترجمه‌ی آن‌ها را نیز به زبان روان و خالی از هر گونه پیچیدگی بیان کنیم، تا ارتباط بین خواننده‌ی دعا و مخاطب او، یعنی خداوند را محکم‌تر کنیم.

*آشنا کردن جوانان به فلسفه‌ی اعمال عبادی

آنچه باعث شده است که خداوند -تبارک و تعالی- برگزاری نمازها را به جماعت توصیه فرماید، بسیار والاست، چرا که جماعت یکی از مظاهر عظمت مسلمین و اتحاد و یگانگی آن‌هاست، اما این فلسفه‌ی جماعت‌ها عمدتاً در میان مردم غریب و ناآشناست، چه بسا آشنایی جوانان با این مفاهیم عظیم و درک فیض معنوی آن علاقه‌مندی مضاعف در آن‌ها ایجاد کند.

*اخلاق و رفتار نمازگزاران

متأسفانه برخورد بعضی از نمازگزاران با نوجوانان در مسجد بگونه‌ای است که آن‌ها را از هر چه مسجد و مسجدی است، متنفر می‌سازد، چرا که طریقه‌ی برخورد با آن‌ها را نمی‌دانند و همیشه با خشونت و عصبانیت قصد تنظیم برنامه‌ی مساجد و برقراری انضباط را دارند، در حالی که مطمئناً شیوه‌های دیگری از قبیل مسئولیت دادن و ایجاد شخصیت، بزرگ منشی و مراعات شخصیت آنان، می‌تواند در جذب ایشان به مساجد بسیار مؤثر باشد.

*جذب از طریق دوستان

بسیاری از نمازگزاران که در سنین جوانی و نوجوانی قرار دارند می‌توانند مبلغ

عملی مسجد و نماز جماعت باشند و با بیان لذاذید معنوی، همسالان خود را به این امر ترغیب و تشویق کنند.

*انعکاس فعالیت‌ها

فعالیت‌های مسجد باید در بین مردم منعکس شود تا از آن مطلع شوند، این اطلاع و آگاهی از فعالیت‌های گوناگون باعث تشویق و دلگرمی مردم می‌شود و سامان و نظم امور مسجد را نمایان می‌سازد.

*رفع مشکلات

اگر مردم بویژه جوانان و نوجوانان بدانند که برخی از مشکلاتشان در مسجد رفع می‌شود، طبیعتاً به مسجد روی می‌آورند، مثل برگزاری کلاس‌های تقویتی و

*خادم

مسأله‌ی خادم از جمله مشکلات عمده‌ی مساجد است، همان‌طور که می‌دانیم اکثر خدّام مساجد از افراد کهنسال و باز نشسته هستند، لذا این‌گونه اشخاص روحیه‌ی برخورد با تمام طبقات اجتماع را ندارند و باعث گریز جوانان و نوجوانان از مسجد می‌شوند؛ پس باید خادمان مسجد از افراد جوان‌تر باشند تا اشکالات یاد شده پیش نیاید. لازمه‌ی جذب این افراد نیز تأمین مسائل اقتصادی و امنیتی آن‌ها است.^۱

^۱ - این مبحث با استفاده از مقاله جرح و تعدیل شده محمد مهدی ظهیریان به قلم آمده است.

چکیده:

در آموزش نماز به کودکان ونوجوانان وجذب جوانان به مساجد به منظور ترویج وتوسعه فرهنگ نماز به یک سری اصول وعوامل باید توجه نمود وآنهارا به کاربست که در زیر به آنها اشاره می کنیم. مرحله اول در آموزش کودکان ونوجوانان باید بااحتیاط عمل نمود وشيوه وروشهای خاصی را که براصول زیرمبتمنی واستوار باشد بکار گرفت.

۱- اصل فطری بودن مسائل دینی ، ۲- اصل اختیاری بودن مسائل دینی، جذب بدون استفاده از حربه تهدید وتطمیع ۳- اصل تدریجی بودن آموزش در مسائل دینی، ۴- اصل اعتدال درآموزش مسائل دینی، ۵- اصل تکرار واستمرار، ۶- اصل آسان گیری، ۷- اصل هماهنگی اولیا ومربیان مدرسه ،مساجد وجامعه

مرحله دوم پس از آموزش جذب جوانان به مسجد به صورت پایداراست که بستگی به عواملی دارد که نمونه هایی از آنها را بیان می کنیم.

الف) امام جماعت باید، ثابت باشد ، توانائی علمی داشته باشد ، نظم وانضباط را رعایت کند، بیانی ساده وشيوا داشته باشد، متناسب با حال وهوای مجلس ومخاطبین ابتکار وخلاقیت بخرج دهد، درعین حفظ حرمت ها با جوانان ونوجوانان دوست شود،، ظاهری آراسته وبهداشتی داشته وبا احترام وتواضع برخورد کند،. از توانایی جسمی لازم برخوردار بوده وبا علوم روز آشنا باشد. و....

ب) مسجد و ویژگی های آن نیز می تواند عامل جذابی برای جوانان باشد. ویژگی های مانند:محل وفضای مناسب با ظاهری خوب وزیبا، تمیز وپاک ومنظم باشد، از امکانات نور، صدا، گرما وسرمای مناسب برخوردار باشد، در اذان و اقامه وقرائت قرآن از افراد خوش صدا استفاده شود ودر حد امکان امکانات فرهنگی و ورزشی ایجاد شود.

ج) هیئت امنای باید با هم همکاری داشته وتقسیم کار کنندوعلاقه مند به کار باشند وبتوانند بودجه لازم را برای امور فرهنگی وجذب جوانان تامین کنند.

پرسش‌های درس:

- ۱- آیه ۳۰ سوره روم ناظر به کدام یک از اصول لازم در توسعه فرهنگ نماز بین کودکان است؟
الف) اصل اختیاری بودن
ب) اصل اعتدال
ج) اصل فطری بودن
د) اصل تدریجی بودن
- ۲- پایبند کردن افراد بر عقیده‌ای بدون حربه تهدید و تطمیع موجب می‌شود که اعتقاد باشد.
الف) راسخ
ب) درونی
ج) سطحی
د) کاذب
- ۳- عبارت « برای تقویت و ایجاد رفتاری ثابت و عاداتی استوار در کودک و نوجوان باید از مجرای تکرار وارد شد.» از کیست؟
الف) پیامبر اسلام - صلی الله علیه و اله -
ب) امام صادق علیه السلام
ج) خانم مصطفوی
د) دکتر قائمی
- ۴- این کلام از کیست و خطاب به چه کسانی بیان شده است؟ « مژده بدهید، نترسانید، آسان بگیرید و سخت نگیرید.»
الف) امام علی علیه السلام خطاب به فرماندارانی که منصوب می‌کردند
ب) امام خمینی ره خطاب به روحانیون و مبلغان سازمان تبلیغات اسلامی
ج) حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و اله خطاب به مبلغین
د) امام زمان عجل الله تعالی فرجه خطاب به نواب اربعه
- ۵- منظور پیامبر اسلام - صلی الله علیه و اله - از اینکه فرمودند « وای بر فرزندان آخر الزمان از دست پدرانشان » چیست؟
۶- یکی از مهمترین رهنمودهای پیامبر اسلام هنگام اعزام مبلغان چه بود؟
۷- امام جماعت برای اینکه در جذب جوانان تاثیر گذار باشد چه صفاتی باید داشته باشد؟
۸- ثابت بودن امام جماعت چگونه در توسعه فرهنگ نماز تاثیر می‌گذارد؟
۹- آشنا شدن جوانان به فلسفه اعمال عبادی چگونه در توسعه فرهنگ نماز موثر است

پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای

درس	سوال ۱	سوال ۲	سوال ۳	سوال ۴
اول	ب	ج	د	الف
دوم	ج	ب	الف	د
سوم	د	ج	د	الف
چهارم	الف	ب	ب	د
پنجم	ج	د	ب	الف
ششم	ج	ب	ب	د
هفتم	ب	ج	ب	د
هشتم	ب	الف	ج	د
نهم	ج	ب	د	ب
دهم	ج	د	الف	ب
یازدهم	الف	د	ب	ب
دوازدهم	ب	ب	ج	د
سیزدهم	الف	ج	ب	الف
چهاردهم	ج	د	ب	الف
پانزدهم	ب	د	الف	ج
شانزدهم	ج	ب	د	ج

منابع

۱. ارونسون، روان‌شناسی اجتماعی. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۳.
۲. کاظمی، آموزش و پرورش از خردسالی تا نوجوانی. انتشارات سمت، ۱۳۸۳.
۳. محمد ستوده، پا به پای آفتاب، ج ۱. ۱۳۸۴.
۴. سادات، راهنمای آموزش تعلیمات دینی در مدارس. انتشارات حوزه ۱۳۸۵.
۵. سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۲. ۱۳۷۸.
۶. مطهری، مقدمه‌ای بر مفاهیم و کاربردهای راهنمایی و مشاوره از دیدگاه اسلام. ۱۳۶۳.
۷. علی مظلومی، با تربیت مکتبی آشنا شویم. انتشارات کانون اندیشه جوان ۱۳۸۱.
۸. کلینی، اصول کافی، ج ۲.
۹. سیری در رساله حقوق امام سجاد علیه السلام (جلد اول) سلسله گفتارهای حضرت آیت الله میرسید محمد یثربی
۱۰. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱.
۱۱. قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز، تهران، ستاد اقامه نماز.
۱۲. شعبانی، مهارت‌های آموزشی و پرورشی. انتشارات پژوهش ۱۳۸۴.
۱۳. قائمی، اقامه‌ی نماز در دوران کودکی. ۱۳۸۵.
۱۴. محمدی ری شهری، جشن تکلیف. ۱۳۸۲.
۱۵. صادقی اردستانی، پیوند. انتشارات راه روشن ۱۳۸۴.
۱۶. احمدی، مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور. ۱۳۸۳.
۱۷. المنجد، و همچنین قاموس قرآن از سید علی اکبر قریشی. ۱۳۸۰.
۱۸. از ژرفای نماز، حضرت آیت ا... سید علی الحسینی الخامنه ای، رهبر معظم انقلاب. ۱۳۸۴.
۱۹. نردبان آسمان، مجموعه درسهای اخلاق آیت ا... بهاء الدین ره، درس ۶۲. ۱۳۸۰.
۲۰. نماز چیست، شهید آیت ا... دکتر سید محمد حسین بهشتی (ره). ۱۳۶۱.
۲۱. احیای فکر دینی، علامه اقبال لاهوری. ۱۳۶۹.
۲۲. اسلام از دیدگاه دانشمندان، ج ۱. ۱۳۸۲.
۲۳. آئین زندگی، الکسیس کارل. انتشارات راه روشن ۱۳۷۵.
۲۴. نیایش، الکسیس کارل. انتشارات حوزه ۱۳۸۰.
۲۵. ده نکته درباره نماز، محسن قرائتی. ۱۳۸۱.

۲۶. تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی، ج ۱. انتشارات حوزه، ۱۳۸۱.
۲۷. نماز هیأت تحریریه مؤسسه در راه حق، بخش اول قم ۱۳۶۱.
۲۸. دکتر محسن ایمانی - خانواده و نماز. ۱۳۶۹.
۲۹. علی اکبر سیف. تغییر رفتار و رفتار درمانی، نشر دوران، ۱۳۷۹، فصل ۱۶.
۳۰. مطهری، راهنمایی و مشاوره از دیدگاه اسلام. ۱۳۶۰.
۳۱. سادات، راهنمای آموزش تعلیمات دینی در مدارس. انتشارات فرهنگ و ارتباطات اسلامی ۱۳۸۳.
۳۲. سادات، راهنمای پدران و مادران، ج ۲: یکصد و چهارده نکته درباره نماز. ۱۳۷۴.
۳۳. مطهری، مقدمه‌ای بر مفاهیم و کاربردهای راهنمایی و مشاوره از دیدگاه اسلام. ۱۳۶۶.
۳۴. احمدی، مجموعه مقالات دومین کنگره سراسری انجمن‌های اولیا و مربیان کشور. ۱۳۸۳.
۳۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن. ج ۱.
۳۶. اصل ونسب و دین‌های ایرانیان باستان.
۳۷. خسرو کی منش، در ساحل نماز. مهر برنا. ۱۳۸۵.

بنام خدا

سخنی با خوانندگان گرامی کتاب:

با عرض سلام و تشکر از شما، به استحضار می‌رساند این کتاب، آموزشی است و با عنایت به نیاز مخاطبان در دستگاه‌های دولتی سراسر کشور، به صورت متناوب، تجدید چاپ می‌شود. به منظور رفع اشکالات احتمالی و تطابق هر چه بیشتر آن با نیاز مخاطبان، قبول زحمت فرموده با تکمیل و ارسال فرم زیر، ما را در نزدیک شدن هر چه بیشتر به نیاز واقعی مخاطبان، یاری فرمایید.

با تشکر - دکتر داود میرزائی مقدم

مدیر کل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه‌ی آموزش عالی سازمان تبلیغات اسلامی

استان: _____ شهرستان: _____ نام ارگان خدمت: _____

سن: _____ تحصیلات: _____

۱. به نظر شما تألیف این مجموعه، مورد نیاز مخاطبان بوده است؟ بله خیر
۲. از انتخاب موضوعات مندریج در کتاب راضی هستید؟ بله خیر
۳. به نظر شما شیوه‌ی ارائه و دسته‌بندی موضوعات، مناسب است؟ بله خیر
۴. مطالب کتاب برای پاسخ‌گویی به نیاز مخاطبان، کافی است؟ بله خیر
۵. نظرتان درباره‌ی قسمت‌های مختلف کتاب که در زیر آورده شده چیست؟
نحوه‌ی نگارش: عالی خوب متوسط ضعیف
ویرایش جدید: عالی خوب متوسط ضعیف
طرح روی جلد: عالی خوب متوسط ضعیف
صفحه‌آرایی و قطع: عالی خوب متوسط ضعیف
۶. حجم مطالب کتاب چگونه است؟ کافی و مناسب کم زیاد و خسته‌کننده
۷. جای چه موضوعات و مطالبی در کتاب خالی است؟

۸. پیشنهاد شما برای بهتر شدن کتاب چیست؟

خواهشمند است پس از تکمیل، فرم زیر را از کتاب جدا کرده و به یکی از روش‌های زیر ارسال فرمایید:

۱. پست به آدرس: تهران، تقاطع خیابان زرتشت غربی و ولی عصر (عج)، پلاک ۶، طبقه ۵، دفتر آموزش عالی
۲. ایمیل به آدرس: davudm1351@yahoo.com
۳. دورنویس به شماره‌ی: ۲۱-۸۸۹۱۲۱۲۱

«با تجدید احترام و تشکر مجدد»